سوره الفاتحه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (1)

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (2)

(خداوندی که) بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (3)

(خداوندی که) مالك روز جزاست. (4)

(پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم; و تنها از تو یاری می‌جوییم. (5)

ما را به راه راست هدایت کن... (6)

راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای، و نه گمراهان. (7)

سوره البقره

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده). (1)

آن کتاب با عظمتی است که شك در آن راه ندارد; و مایه هدایت پرهیزکاران است. (2)

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند; و نماز را برپا می‌دارند; و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (3)

و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند; و به رستاخیز یقین دارند. (4)

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند; و آنان رستگارانند. (5)

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی; ایمان نخواهند آورد. (6)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده; و بر چشمهایشان پرده‌ای افکنده شده; و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست. (7)

گروهی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم.» در حالی که ایمان ندارند. (8)

می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند; در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند; (اما) نمی‌فهمند. (9)

در دلهای آنان یك نوع بیماری است; خداوند بر بیماری آنان افزوده; و به خاطر دروغهایی که میگفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. (10)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می‌گویند: «ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم س‌ذللّه! (11)

آگاه باشید! اینها همان مفسدانند; ولی نمی‌فهمند. (12)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید!» می‌گویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی‌دانند! (13)

و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می‌کنند، و می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شمائیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم!» (14)

خداوند آنان را استهزا می‌کند; و آنها را در طغیانشان نگه می‌دارد، تا سرگردان شوند. (15)

آنان کسانی هستند که «هدایت» را به «گمراهی» فروخته‌اند; و (این) تجارت آنها سودی نداده; و هدایت نیافته‌اند. (16)

آنان (منافقان) همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریك، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می‌فرستد و) آن را خاموش می‌کند; و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی‌کند، آنها را رها می‌سازد. (17)

آنها کران، گنگها و کورانند; لذا (از راه خطا) بازنمی‌گردند! (18)

یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریك همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) ببارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می‌گذارند; تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند). (19)

(روشنائی خیره کننده) برق، نزدیك است چشمانشان را برباید. هر زمان که (برق جستن می‌کند، و صفحه بیابان را) برای آنها روشن می‌سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می‌روند; و چون خاموش می‌شود، توقف می‌کنند. و اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنها را از بین می‌برد; چرا که خداوند بر هر چیز تواناست. (20)

ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید; آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. (21)

آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان (جو زمین) را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد; و از آسمان آبی فرو فرستاد; و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد; تا روزی شما باشد.بنابر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یك از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند). (22)

و اگر در باره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شك و تردید دارید ،(دست کم) یك سوره همانند آن بیاورید; و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید! (23)

پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها (بتها) است، و برای کافران، آماده شده است! (24)

به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود.(ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه‌هایی که برای آنها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاك و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (25)

خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان; و اما آنها که راه کفر را پیموده‌اند، (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند; ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد! (26)

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، میشکنند; و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد میکنند; اینها زیانکارانند. (27)

چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحی) بودید ، و او شما را زنده کرد; سپس شما را می‌میراند; و بار دیگر شما را زنده می‌کند; سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید.(بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان; آنچه دارید از خداست). (28)

او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید; سپس به آسمان پرداخت; و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود; و او به هر چیز آگاه است. (29)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! »آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» (30)

سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید! س‌ذلّله (31)

فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم; تو دانا و حکیمی.» (32)

فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان میداشتید!» (33)

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند; جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. (34)

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن; و از (نعمتهای) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید; (اما) نزدیك این درخت نشوید; که از ستمگران خواهید شد. (35)

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد; و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آیید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» (36)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت; (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت; چرا که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. (37)

گفتیم: «همگی از آن، فرود آیید! هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.» (38)

و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند; و همیشه در آن خواهند بود. (39)

ای فرزندان اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.(و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمانها) تنها از من بترسید! (40)

و به آنچه نازل کرده‌ام (قرآن) ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد; و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)! (41)

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید! (42)

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)! (43)

آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید; با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟! (44)

از صبر و نماز یاری جوئید; (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار ، نیرو بگیرید;) و این کار، جز برای خاشعان، گران است. (45)

آنها کسانی هستند که می‌دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی اوبازمی‌گردند. (46)

ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید; و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (47)

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود; و نه غرامت از او قبول خواهد شد; و نه یاری می‌شوند. (48)

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم; که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند: پسران شما را سر می‌بریدند; و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (49)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم; و شما را نجات دادیم; و فرعونیان را غرق ساختیم; در حالی که شما تماشا می‌کردید. (50)

و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم; (و او، برای گرفتن فرمانهای الهی، به میعادگاه آمد;) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید; در حالی که ستمکار بودید. (51)

سپس شما را بعد از آن بخشیدیم; شاید شکر (این نعمت را) بجا آورید. (52)

و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم; تا هدایت شوید. (53)

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید; و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را (یکدیگر را) به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت; زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است. (54)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد; مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت; در حالی که تماشا می‌کردید. (55)

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم; شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید. (56)

و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم; و «من» (شیره مخصوص و لذیذ درختان) و «سلوی» (مرغان مخصوص شبیه کبوتر) را بر شما فرستادیم; (و گفتیم:) «از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند; بلکه به خود ستم می‌نمودند. (57)

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر (بیت المقدس) وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداوندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم; و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.» (58)

اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند; (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند;) لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی ، عذابی از آسمان فرستادیم. (59)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید; آن‌گونه که هر یك (از طوایف دوازده‌گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می‌شناختند! (و گفتیم:) «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!» (60)

و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یك نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید; زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد; و باز گرفتار خشم خدائی شدند ; چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند; و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (61)

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان (پیروان یحیی) هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند ، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است; و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، ماجور و رستگارند.) (62)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم; و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم; (و به شما گفتیم:) «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید; و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید); شاید پرهیزکار شوید!» (63)

سپس شما پس از این، روگردان شدید; و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید. (64)

به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی طردشده درآیید!» (65)

ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (66)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می‌دهد ماده‌گاوی را ذبح کنید (و قطعه‌ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند; و غوغا خاموش گردد.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم!» (67)

گفتند: «(پس) از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده‌گاو چگونه ماده‌گاوی باشد؟ س‌ذلّله گفت: خداوند می‌فرماید: «ماده‌گاوی است که نه پیر و از کار افتاده باشد، و نه بکر و جوان; بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده، (هر چه زودتر) انجام دهید.» (68)

گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟ « گفت: خداوند می‌گوید: «گاوی باشد زرد یکدست،که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد.» (69)

گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوی باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد!» (70)

گفت: خداوند می‌فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده; و نه برای زراعت آبکشی کند; از هر عیبی برکنار باشد، و حتی هیچ‌گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی!» سپس (چنان گاوی را پیدا کردند و) آن را سر بریدند; ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. (71)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فردی را به قتل رساندید; سپس درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید; و خداوند آنچه را مخفی می‌داشتید، آشکار می‌سازد. (72)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این‌گونه مردگان را زنده می‌کند; و آیات خود را به شما نشان می‌دهد; شاید اندیشه کنید!» (73)

سپس دلهای شما بعد از این واقعه سخت شد; همچون سنگ، یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگها می‌شکافد، و از آن نهرها جاری می‌شود; و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد ، و آب از آن تراوش می‌کند; و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد; (اما دلهای شما، نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (74)

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟! (75)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده،) می‌گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!» (76)

آیا اینها نمی‌دانند خداوند آنچه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌کنند می‌داند؟! (77)

و پاره‌ای از آنان عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یك مشت خیالات و آرزوها نمی‌دانند; و تنها به پندارهایشان دل بسته‌اند. (78)

پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.; س‌ذلّه تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه بادست خود نوشتند; و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند! (79)

و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! -و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی‌ورزد- یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید»؟! (80)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند; و جاودانه در آن خواهند بود. (81)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند; و همیشه در آن خواهند ماند. (82)

و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید; و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید; و به مردم نیك بگویید; نماز را برپا دارید; و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما -جز عده کمی- سرپیچی کردید; و (از وفای به پیمان خود) روی‌گردان شدید. (83)

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید; و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید; (و بر این پیمان) گواه بودید. (84)

اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید; و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمك می‌نمایید; (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (85)

اینها همان کسانند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند; از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی‌شود; و کسی آنها را یاری نخواهد کرد. (86)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم; و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم; و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم; و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید); پس عده‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟! (87)

و (آنها از روی استهزا) گفتند: دلهای ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی‌فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، (به همین دلیل، چیزی درك نمی‌کنند;) و کمتر ایمان می‌آورند. (88)

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمك آن، بر دشمنان پیروز گردند.) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند; لعنت خدا بر کافران باد! (89)

ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند; که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. (90)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!»می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می‌شوند; در حالی که حق است; و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می‌کند. بگو: «اگر (راست می‌گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟!» (91)

و (نیز) موسی آن همه معجزات را برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را انتخاب کردید; در حالی که ستمگر بودید. (92)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم; و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم; (و گفتیم:) «این دستوراتی را که به شما داده‌ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!» آنها گفتند: س‌خ‌للّهشنیدیم; ولی مخالفت کردیم.» و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید!» (93)

بگو: «اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید!» (94)

ولی آنها، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد; و خداوند از ستمگران آگاه است. (95)

و آنها را حریص‌ترین مردم -حتی حریصتر ازمشرکان- بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت; (تا آنجا) که هر یك از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. (96)

(آنها می‌گویند: «چون فرشته‌ای که وحی را بر تو نازل می‌کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی‌آوریم!») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است; در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند; و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.» (97)

کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است; و) خداوند دشمن کافران است. (98)

ما نشانه‌های روشنی برای تو فرستادیم; و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی‌ورزد. (99)

و آیا چنین نیست که هر بار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر)بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند.) آری، بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند. (100)

و هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود ، کتاب خدا را پشت سر افکندند; گویی هیچ از آن خبر ندارند!! (101)

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود; و) کافر نشد; ولی شیاطین کفر ورزیدند; و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می‌دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند، مگر اینکه از پیش به او می‌گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند; ولی هیچ گاه نمی‌توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمتهایی را فرامی‌گرفتند که به آنان زیان می‌رسانید و نفعی نمی‌داد. و مسلما می‌دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می‌دانستند!! (102)

و اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست ، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!! (103)

ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درك آیات قرآن می‌کنید) نگویید: ; س‌خ‌للّهراعنا»; بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می‌باشد; و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می‌شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است. (104)

کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد; در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد ، اختصاص می‌دهد; و خداوند، صاحب فضل بزرگ است. (105)

هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! (106)

آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند). (107)

آیا می‌خواهید از پیامبر خود، همان‌تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! (و با این بهانه‌جویی‌ها، از ایمان آوردن سر باز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است. (108)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد -که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند; با اینکه حق برای آنها کاملا روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید; تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد; خداوند بر هر چیزی تواناست. (109)

و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید; و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت; خداوند به اعمال شما بیناست. (110)

آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!» (111)

آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است; نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.) (112)

یهودیان‌گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»; در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می‌خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند)افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان) نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می‌کند. (113)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط)رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!! (114)

مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی‌نیاز و داناست! (115)

و (یهود و نصاری و مشرکان) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! -منزه است او- بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست; و همه در برابر او خاضعند! (116)

هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود. (117)

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟! و یا چرا آیه و نشانه‌ای برای خود ما نمی‌آید؟ !» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می‌گفتند; دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است; ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه‌ها را برای اهل یقین (و حقیقت‌جویان) روشن ساخته‌ایم. (118)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم; و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی! (119)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (120)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم (یهود و نصاری) آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند; آنها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند; و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند. (121)

ای بنی اسرائیل! نعمت مرا، که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید! و(نیز به خاطر آورید) که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم! (122)

از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند; و هیچ‌گونه عوضی از او قبول نمی‌شود; و شفاعت، او را سود نمی‌دهد; و (از هیچ سوئی) یاری نمی‌شوند! (123)

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاك و معصوم باشند، شایسته این مقامند)». (124)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاك و پاکیزه کنید!» (125)

و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را -آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده! س‌ذلّه (گفت:) «ما دعای تو را اجابت کردیم; و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم; (اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد; سپس آنها را به عذاب آتش می‌کشانیم; و چه بد سرانجامی دارند» (126)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند:) «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (127)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر ، که تو توبه‌پذیر و مهربانی! (128)

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند; زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!» (129)

چز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی،) روی‌گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم; و او در جهان دیگر، از صالحان است. (130)

در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور! (و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت; و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (131)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر،) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند; (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) «فرزندان من! خداوند این آیین پاك را برای شما برگزیده است; و شما، جز به آیین اسلام (تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید!» (132)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (133)

آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست; و شما هیچ‌گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (134)

(اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «(این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی‌تواند موجب هدایت گردد،) بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!» (135)

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم; و به آنچه بر ما نازل شده; و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید ، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یك از آنها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم; (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)» (136)

اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید ایمان بیاورند، هدایت یافته‌اند; و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده‌اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می‌کند; و او شنونده و داناست. (137)

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام;) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (138)

بگو: «آیا در باره خداوند با ما محاجه می‌کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست; و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست; و ما او را با اخلاص پرستش می‌کنیم، (و موحد خالصیم) .» (139)

یا می‌گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند»؟! بگو: س‌خ‌للّهشما بهتر می‌دانید یا خدا؟! (و با اینکه می‌دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می‌کنید؟)» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می‌کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست. (140)

(به هر حال) آنها امتی بودند که درگذشتند. آنچه کردند، برای خودشان است; و آنچه هم شما کرده‌اید، برای خودتان است; و شما مسئول اعمال آنها نیستید. (141)

به زودی سبك‌مغزان از مردم می‌گویند: «چه چیز آنها (مسلمانان) را، از قبله‌ای که بر آن بودند، بازگردانید؟!» بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست; خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.» (142)

همان‌گونه (که قبله شما، یك قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط;) تا بر مردم گواه باشید; و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله‌ای را که قبلا بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند. و مسلما این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است;) و خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند; زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (143)

نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می‌دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده; (و در کتابهای خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست! (144)

سوگند که اگر برای (این گروه از) اهل کتاب، هرگونه آیه (و نشانه و دلیلی) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد; و تو نیز، هیچگاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان‌پذیر است!) و حتی هیچ‌یك از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلما از ستمگران خواهی بود! (145)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می‌شناسند; (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند! (146)

این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش! (147)

هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است; (بنابراین، زیاد در باره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن،) در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیك و بد، در روز رستاخیز،) حاضر می‌کند; زیرا او، بر هر کاری تواناست. (148)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست! (149)

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برنمی‌دارند،) دلیلی بر ضد شما نداشته باشند; (زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید! (150)

همان‌گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم; تا آیات ما را بر شما بخواند; و شما را پاك کند; و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد; و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد. (151)

پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گویید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید! (152)

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمك بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. (153)

و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند،ولی شما نمی‌فهمید! (154)

قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم; و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! (155)

آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم; و به سوی او بازمی‌گردیم!» (156)

اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده; و آنها هستند هدایت‌یافتگان! (157)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند; (و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی‌رویه مشرکان، که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاهد!) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیك اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است. (158)

کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند; و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند; (159)

مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیك،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند; آشکار ساختند;) من توبه آنها را می‌پذیرم; که من تواب و رحیمم. (160)

کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود! (161)

همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می‌مانند; نه در عذاب آنان تخفیف داده می‌شود، و نه مهلتی خواهند داشت! (162)

و خدای شما، خداوند یگانه‌ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاص)! (163)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب‌و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاك خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند! (164)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند; و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان،) شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند،) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت ، از آن خداست; و خدا دارای مجازات شدید است; (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند.) (165)

در آن هنگام، رهبران (گمراه و گمراه‌کننده) از پیروان خود، بیزاری می‌جویند; و کیفر خدا را مشاهده می‌کنند; و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود. (166)

و (در این هنگام) پیروان می‌گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم، تا از آنها (پیشوایان گمراه) بیزاری جوییم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند! (آری،) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت‌زایی به آنان نشان می‌دهد; و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد! (167)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (168)

او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می‌دهد; (و نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید. (169)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟! (170)

مثل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر،) صدا می‌زند; ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند; (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درك نمی‌کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند; از این رو چیزی نمی‌فهمند! (171)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید; اگر او را پرستش می‌کنید! (172)

خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوك و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست; (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد;) خداوند بخشنده و مهربان است. (173)

کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند; (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می‌آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی‌گوید; و آنان را پاکیزه نمی‌کند; و برای آنها عذاب دردناکی است. (174)

اینان، همانهایی هستند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده‌اند; راستی چقدر در برابر عذاب خداوند، شکیبا هستند!! (175)

اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توام با نشانه‌ها و دلایل روشن،) نازل کرده; و آنها که در آن اختلاف می‌کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می‌آورند،) در شکاف و (پراکندگی) عمیقی قرار دارند. (176)

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید; (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد; و همه وقت خود را مصروف آن سازید;) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز ، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده; و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند; نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد; و (همچنین) کسانی که به عهد خود -به هنگامی که عهد بستند-وفا می‌کنند; و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند; اینها کسانی هستند که راست می‌گویند; و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است;) و اینها هستند پرهیزکاران! (177)

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او (قاتل) نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد; (و در آن، مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (178)

و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. (179)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی (مالی) از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!» (180)

پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می‌دهند; خداوند، شنوا و داناست. (181)

و کسی که از انحراف وصیت کننده (و تمایل یك‌جانبه او به بعض ورثه)، یا از گناه او (که مبادا وصیت به کار خلافی کند) بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست; (و مشمول حکم تبدیل وصیت نمی‌باشد.) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (182)

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد; تا پرهیزکار شوید. (183)

چند روز معدودی را (باید روزه بدارید!) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت‌فرساست; (همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان،) لازم است کفاره بدهند: مسکینی را اطعام کنند; و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است; و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید! (184)

(روزه، در چند روز معدود) ماه رمضان است; ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم ، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید; و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید; باشد که شکرگزاری کنید! (185)

و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (186)

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند; و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید; (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید;) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است; پس به آن نزدیك نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند! (187)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)! (188)

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می‌کنند; بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیك، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید; بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید! (189)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید ، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! (190)

و آنها را (بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند) هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند (مکه)، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران! (191)

و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است. (192)

و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نماند; و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (193)

ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! (194)

و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترك انفاق،) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (195)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام‌بستن، وارد مکه شوید،) آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد،) باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت‌روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد (اهل مکه و اطراف آن نباشد). و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت‌کیفر است! (196)

حج، در ماه‌های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسك حج،) حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیك انجام دهید، خدا آن را می‌داند. و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید ای خردمندان! (197)

گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، پی ریزی یك اقتصاد صحیح است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان‌طور که شما را هدایت نمود و قطعا شما پیش از این، از گمراهان بودید. (198)

سپس از همان‌جا که مردم کوچ می‌کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است! (199)

و هنگامی که مناسك (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن‌گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم ، مردم دو گروهند:) بعضی از مردم می‌گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (×نیکی×) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره‌ای ندارند. (200)

و بعضی می‌گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا (×نیکی×) عطا کن! و در آخرت نیز (×نیکی×) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!» (201)

آنها از کار (و دعای) خود، نصیب و بهره‌ای دارند; و خداوند، سریع الحساب است. (202)

و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای 11 و 12 و 13 ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تاخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست; برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (203)

و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می‌شود; (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند. (204)

(نشانه آن، این است که) هنگامی که روی‌برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند; (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. (205)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است; و چه بد جایگاهی است! (206)

بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیلة المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند; و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (207)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید; که او دشمن آشکار شماست (208)

و اگر بعد از این همه نشانه‌های روشن، که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (از چنگال عدالت خدا، فرار نتوانید کرد;) که خداوند، توانا و حکیم است. (209)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هائی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد. (210)

از بنی اسرائیل بپرس: «چه اندازه نشانه‌های روشن به آنها دادیم؟» (ولی آنان، نعمتها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند.) و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است. (211)

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این‌رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند; در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند; (چراکه ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد;) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. (212)

مردم (در آغاز) یك دسته بودند; (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت; تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود; تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند;) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند ، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. (213)

آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد:) آگاه باشید، یاری خدا نزدیك است! (214)

از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است.(لازم نیست تظاهر کنید، او می‌داند). (215)

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد; در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (216)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند; بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است; ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است; و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند ، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند; ولی کسی که از آیینش برگردد ، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیك (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می‌رود; و آنان اهل دوزخند; و همیشه در آن خواهند بود. (217)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (218)

در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است; و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد; (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید! (219)

(تا اندیشه کنید) درباره دنیا و آخرت! و از تو در باره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد;) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یك برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی‌شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می‌اندازد; (و دستور می‌دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا سازید; ولی خداوند چنین نمی‌کند;) زیرا او توانا و حکیم است. (220)

و با زنان مشرك و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید; زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است; هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید; زیرا) یك غلام باایمان، از یك مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است; هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او،) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند; و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد; شاید متذکر شوند! (221)

و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‌ای است; از این‌رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاك شوند! و هنگامی که پاك شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. (222)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند; پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده! (223)

خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست. (224)

خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می‌کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می‌کنید،) مؤاخذه می‌کند. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (225)

کسانی که زنان خود را «ایلاء» می‌نمایند (سوگند یاد می‌کنند که با آنها ، آمیزش‌جنسی ننمایند،) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست; زیرا) خداوند،آمرزنده و مهربان است. (226)

و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد;) خداوند شنوا و داناست. (227)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاك شدن) انتظار بکشند! (عده نگه دارند) و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند; در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده; و مردان بر آنان برتری دارند; و خداوند توانا و حکیم است. (228)

طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است; (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید، پس بگیرید; مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیه و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است; از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. (229)

اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود; مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش‌جنسی نماید. در این صورت،) اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند; (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید;) در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم میشمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید. (230)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید! و هیچگاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی،) آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می‌کنند، با خبر است)! (231)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند (و به آن، عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های)شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگیها مفیدتر است; و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (232)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراك و پوشاك مادر را به طور شایسته

(در مدت شیر دادن بپردازد; حتی اگر طلاق گرفته باشد.) هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودك را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تامین نماید). و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودك را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست; به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! (233)

و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است. (234)

و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده‌اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می‌دانست شما به یاد آنها خواهید افتاد; (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست;) ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده‌ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال،) اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده آنها سرآید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی‌کند)! (235)

اگر زنان را قبل از آمیزش‌جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آنها را (با هدیه‌ای مناسب،) بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است. (236)

و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش‌جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند; یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! (237)

در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید! (238)

و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید! (نماز را به صورت معمولی بخوانید!) همان‌گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی‌دانستید، به شما تعلیم داد. (239)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرارمی‌گیرند و همسرانی از خود به‌جا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یك سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره‌مند سازند; به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند; ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می‌دهند. و خداوند، توانا و حکیم است. (240)

و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار. (241)

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد; شاید اندیشه کنید! (242)

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند.) سپس خدا آنها را زنده کرد; (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد.) خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند; ولی بیشتر مردم، شکر (او را) بجا نمی‌آورند. (243)

و در راه خدا، پیکار کنید! و بدانید خداوند، شنوا و داناست. (244)

کیست که به خدا «قرض الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد; (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود). و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت). (245)

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: س‌خ‌للّه‌شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟!; س‌ذلّه اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است. (246)

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (×طالوت×) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد; و احسان خداوند، وسیع است; و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» (247)

و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (×صندوق عهد×) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد; در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شماست; اگر ایمان داشته باشید.» (248)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یك نهر آب، آزمایش می‌کند; آنها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند; و آنها که جز یك پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به‌در آمدند،) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند; و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (×جالوت×) و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است. (249)

و هنگامی که در برابر (×جالوت×) و سپاهیان او قرارگرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان! (250)

ج832(152)سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت; و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید; و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (251)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می‌خوانیم; و تو از رسولان (ما) هستی. (252)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم; برخی از آنها، خدا با او سخن می‌گفت; و بعضی را درجاتی برتر داد; و به عیسی بن مریم، نشانه‌های روشن دادیم; و او را با «روح القدس س‌ذلّله تایید نمودیم; (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتها نشد.) و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه‌های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی‌کردند; (اما خدا مردم را مجبور نساخته; و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است;) ولی این امتها بودند که با هم اختلاف کردند; بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند; (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند; ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند). (253)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقتهای مادی سودی دارد)، و نه شفاعت; (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود.) و کافران، خود ستمگرند; (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به دیگران). (254)

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به اوهستند; هیچگاه خواب سبك و سنگینی او را فرانمی‌گیرد; (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند;) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست; کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند; (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد; جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است; و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست.) تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته; و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمیکند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست. (255)

در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت (بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (256)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند; آنها را از ظلمتها،به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند; که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند; آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند. (257)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی (نمرود) که با ابراهیم در باره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود; (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود;) هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» او گفت: س‌خ‌للّهمن نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه‌ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: س‌خ‌للّهخداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد; (اگر راست می‌گویی که حاکم بر

جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند. (258)

یا همانند کسی که از کنار یك آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود; او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند; سپس زنده کرد; و به او گفت: «چه‌قدر درنگ کردی؟» گفت: «یك روز; یا بخشی از یك روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یك چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها(ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است». (259)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد. س‌ذلّه فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می‌آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است; (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد)». (260)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند; که در هر خوشه، یکصد دانه باشد; و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند; و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست. (261)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است; و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند. (262)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونتهای آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است; و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است. (263)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند; و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد; (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاك باشد; (و بذرهایی در آن افشانده شود;) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاك و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند; و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند. (264)

و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد،) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است.) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (265)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه‌ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی

(کوچك و) ضعیف دارد; (در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین‌طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد; شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)! (266)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاك نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال،) حاضر نیستید آنها را بپذیرید; مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است. (267)

شیطان، شما را (به هنگام انفاق،) وعده فقر و تهیدستی می‌دهد; و به فحشا (و زشتیها) امر می‌کند; ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می‌دهد; و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا می‌کند.) (268)

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد; و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درك نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند. (269)

و هر چیز را که انفاق می‌کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده‌اید (در راه‌خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می‌داند. و ستمگران یاوری ندارند. (270)

اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند; (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (271)

هدایت آنها (به‌طور اجبار،) بر تو نیست; (بنابر این، ترك انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست;) ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می‌کند. و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می‌کنید، برای خودتان است; (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبیها انفاق می‌کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می‌شود; و به شما ستم نخواهد شد. (272)

(انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند; (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته; و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تامین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند;) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند;) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند; اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی; و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است. (273)

آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است; نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. (274)

کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند; گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست; (و این حکم، گذشته را شامل

نمی‌گردد;) و کار او به خدا واگذار می‌شود; (و گذشته او را خواهد بخشید.) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند; و همیشه در آن می‌مانند. (275)

خداوند، ربا را نابود می‌کند; و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد. (276)

کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است; و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند. (277)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید; اگر ایمان دارید! (278)

اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود); نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود. (279)

و اگر (بدهکار،) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که براستی قدرت پرداخت را ندارد،) برای خدا به او ببخشید بهتر است; اگر (منافع این کار را) بدانید! (280)

و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی‌گردانند; سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (281)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن -همان طور که خدا به او تعلیم داده- خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن،) توانایی بر املاکردن ندارد، باید ولی او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یك مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود،) چه کوچك باشد یا بزرگ،ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شك (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد; مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد; خداوند به همه چیز داناست. (282)

و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد; و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست. (283)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند.سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می‌بخشد; و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می‌کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (284)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملا مؤمن می‌باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند; (و می‌گویند:) ما در میان هیچ یك از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم); و بازگشت (ما) به سوی توست.» (285)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده; و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می‌گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! (286)

سوره آل عمران

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (1)

معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست. (2)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است; و س‌خ‌لّهتورات» و «انجیل» را. (3)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد; و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد; کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند; و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج،) توانا و صاحب انتقام است. (4)

هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند. (بنابر این، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (5)

او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنان که می‌خواهد تصویر می‌کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. (6)

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» (صریح و روشن) است; که اساس این کتاب می‌باشد; (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌گردد.) و

قسمتی از آن، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود; ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می‌گردد.) اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند); و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند; در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درك اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم; همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درك نمی‌کنند). (7)

(راسخان در علم، می‌گویند:) «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای! (8)

پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد; زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند. (ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)» (9)

ثروتها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد; (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند. (10)

(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق،) همچون عادت آل فرعون و کسانی است که‌پیش از آنها بودند; آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت; و خداوند، شدید العقاب است. (11)

به آنها که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ احد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد; (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است! (12)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر،) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یك گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد; و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.)و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تایید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (13)

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است; (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند; ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است; و سرانجام نیك (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (14)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند،) در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد; همیشه در آن خواهند بود; و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست. (15)

همان کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم; پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!» (16)

آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترك گناه،) استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند. (17)

خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی،) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست; و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب،) گواهی می‌دهند; در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد; معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (18)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود; و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد; زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (19)

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده‌ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند (یهود و نصاری) و بی‌سوادان (مشرکان) بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می‌یابند; و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است; و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (20)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، و به کیفر دردناك (الهی) بشارت ده! (21)

آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ،) در دنیا و آخرت تباه شده، و یاور و مددکار (و شفاعت کننده‌ای) ندارند. (22)

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی می‌گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (23)

این عمل آنها، به خاطر آن است که می‌گفتند: «آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی‌رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند،) آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (24)

پس چه گونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که شکی در آن نیست (روز رستاخیز) جمع کنیم، و به هر کس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده ، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می‌چینند). (25)

بگو: «بارالها! مالك حکومتها تویی; به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی; و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری; هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی; و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبیها به دست توست; تو بر هر چیزی قادری. (26)

شب را در روز داخل می‌کنی، و روز را در شب; و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را زنده; و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می‌بخشی.» (27)

افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند; و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود); مگر اینکه از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می‌دارد; و بازگشت (شما) به سوی خداست. (28)

بگو: «اگر آنچه را در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند; و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می‌باشد; و خداوند بر هر چیزی تواناست. (29)

روزی که هر کس، آنچه را از کار نیك انجام داده، حاضر می‌بیند; و آرزو می‌کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می‌دارد; و (در عین حال،) خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (30)

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد; و گناهانتان را ببخشد; و خدا آمرزنده مهربان است.» (31)

بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.» (32)

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. (33)

آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت،) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند; و خداوند، شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می‌باشد) . (34)

(به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خداوندا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (35)

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: «خداوندا! من او را دختر آوردم -ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود- و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد.) من او را مریم نام گذاردم; و او و فرزندانش را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.» (36)

خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت; و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد); و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت:«این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.» (37)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم،) پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!» (38)

و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: «خدا تو را به» یحیی «بشارت می‌دهد; (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می‌کند; و رهبر خواهد بود; و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.» (39)

او عرض کرد: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازاست؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد. س‌ذلّه (40)

(زکریا) عرض کرد: «پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده!» گفت: «نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفتگو با مردم از کار می‌افتد.) پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو! (41)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاك ساخته; و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. (42)

ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع‌کنندگان، رکوع کن! (43)

(ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم; و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه‌کشی) به آب می‌افکندند تا کدامیك کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی; و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد.) (44)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای (وجود باعظمتی) از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است; در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود; و از مقربان (الهی) است. (45)

و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت; و از شایستگان است.» (46)

(مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟!» فرمود: «خداوند، این‌گونه هر چه را بخواهد می‌آفریند! هنگامی که چیزی را مقرر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می‌گوید: «موجود باش!» آن نیز فورا موجود می‌شود. (47)

و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می‌آموزد. (48)

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید:) من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام; من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم; سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص (پیسی) را بهبودی می‌بخشم; و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم; و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم; مسلما در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! (49)

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم; و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم; و نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام; پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید! (50)

خداوند، پروردگار من و شماست; او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست!; س‌ذلّه (51)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان (شاگردان مخصوص او) گفتند: «ما یاوران خداییم; به خدا ایمان آوردیم; و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم. (52)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم; ما را در زمره گواهان بنویس!» (53)

و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش،) نقشه کشیدند; و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره‌جویی کرد; و خداوند، بهترین چاره‌جویان است. (54)

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاك می‌سازم; و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرارمی‌دهم; سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم. (55)

اما آنها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار کردند،) در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهم کرد; و برای آنها، یاورانی نیست. (56)

اما آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد; و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.» (57)

اینها را که بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها(ی حقانیت تو) است، و یادآوری حکیمانه است. (58)

مثل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است; که او را از خاك آفرید، و سپس به او د: «موجود باش!» او هم فورا موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.) (59)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو; بنابر این، از تردید کنندگان مباش! (60)

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را; ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را; ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود; آنگاه مباهله کنیم; و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (61)

این همان سرگذشت واقعی (مسیح) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بی‌اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست; و خداوند توانا و حکیم است. (62)

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند; و) خداوند از مفسده‌جویان، آگاه است. (63)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است; که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم; و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (64)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می‌کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می‌نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (65)

شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید; چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟! و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (66)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی; بلکه موحدی خالص و مسلمان بود; و هرگز از مشرکان نبود. (67)

سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند; همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند); و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان است. (68)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند; (اما آنها باید بدانند که نمی‌توانند شما را گمراه سازند،) آنها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و نمی‌فهمند! (69)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می‌شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می‌دهید؟! (70)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می‌زمیزید و) مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می‌دارید در حالی که می‌دانید؟! (71)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «(بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید; و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می‌دانند; و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد). (72)

و جز به کسی که از آیین شما پیروی می‌کند، (واقعا) ایمان نیاورید!» بگو: «هدایت، هدایت الهی است! (و این توطئه شما، در برابر آن بی اثر است)»! (سپس اضافه کردند: «تصور نکنید) به کسی همانند شما (کتاب آسمانی) داده می‌شود، یا اینکه می‌توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند، (بلکه نبوت و منطق، هر دو نزد شماست!)» بگو: «فضل (و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست; بلکه) به دست خداست; و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند،) می‌دهد; و خداوند، واسع (دارای مواهب گسترده) و آگاه (از موارد شایسته آن) است. (73)

هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می‌کند; و خداوند، دارای مواهب عظیم است.» (74)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند; و کسانی هستند که اگر یك دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند; مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می‌گویند: «ما در برابر امیین (غیر یهود)، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می‌بندند; در حالی که می‌دانند (این سخن دروغ است). (75)

آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد; زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (76)

کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت; و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاك نمی‌سازد; و عذاب دردناکی برای آنهاست. (77)

در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند،) از کتاب (خدا) است;در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند! (78)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!» بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید:) مردمی الهی باشید، آن‌گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) (79)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟! (80)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)،پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار داریم!» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» (81)

پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است. (82)

آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است;) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. (83)

بگو: «به خدا ایمان آوردیم; و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده; و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است; ما در میان هیچ یك از آنان فرقی نمی‌گذاریم; و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم.» (84)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق،) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد; و او در آخرت، از زیانکاران است. (85)

« چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! (86)

کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست. (87)

همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می‌مانند; مجازاتشان تخفیف نمی‌یابد; و به آنها مهلت داده نمی‌شود. (88)

مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند; (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد;) زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است. (89)

کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند،) هیچگاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می‌گیرد،) قبول نمی‌شود; و آنها گمراهان (واقعی)اند (چرا که هم راه خدا را گم کرده‌اند، و هم راه توبه را!). (90)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیه (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچیك آنها قبول نخواهد شد; و برای آنان، مجازات دردناك است; و یاورانی ن

هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید; و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است. (92)

همه غذاها(ی پاك) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود; (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت.) بگو: «اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید! (این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می‌دهید، حتی در تورات تحریف شده شما نیست!)» (93)

بنا بر این، آنها که بعد از این به خدا دروغ می‌بندند، ستمگرند! (زیرا از روی علم و عمد چنین می‌کنند). (94)

بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاك ابراهیم نبوده) است. بنا بر این، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود!» (95)

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. (96)

در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است; و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود; در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترك کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است. (97)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می‌دهید!» (98)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده‌اند، از راه خدا بازمی‌دارید، و می‌خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید; و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست!» (99)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق‌افکنی و شعله‌ورساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی‌گردانند. (100)

و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابر این، به خدا تمسك جویید!) و هر کس به خدا تمسك جوید، به راهی راست، هدایت شده است. (101)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) (102)

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید ، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد; این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد; شاید پذیرای هدایت شوید. (103)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. (104)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند; (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند. (105)

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هائی سفید، و چهره‌هائی سیاه می‌گردد، اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید! (106)

و اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود; و جاودانه در آن می‌مانند. (107)

« اینها آیات خداست; که بحق بر تو می‌خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای (احدی از) جهانیان نمی‌خواهد. (108)

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، مال اوست; و همه کارها، به سوی او باز می‌گردد (و به فرمان اوست.) (109)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند; (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار) (110)

آنها (اهل کتاب، مخصوصا» یهود) هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر; و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می‌خورند; سپس کسی آنها را یاری نمی‌کند. (111)

هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است; مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود،) و (یا) با ارتباط به مردم (و وابستگی به این و آن); و به خشم خدا، گرفتار شده‌اند; و مهر بیچارگی بر آنها زده شده; چرا که آنها به آیات خدا، کفر می بناحق می‌کشتند. اینها بخاطر آن است که گناه کردند; و (به حقوق دیگران،) تجاوز می‌نمودند. (112)

آنها همه یکسان نیستند; از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند; و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند; در حالی که سجده می‌نمایند. (113)

به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند; امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند; و در انجام کارهای نیك، پیشی می‌گیرند; و آنها از صالحانند. (114)

و آنچه از اعمال نیك انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می‌بینند.) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است. (115)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی‌توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند; و جاودانه در آن خواهند ماند. (116)

آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی انفاق می‌کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده‌اند)، بوزد; و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده; بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می‌کنند. (117)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شر و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)شان

آشکار شده; و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (118)

شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید; اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.» (119)

اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند; و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند; خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (120)

و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی! و خداوند، شنوا و داناست (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته می‌شد، می‌شنید; و اندیشه‌هایی را که بعضی در سر می‌پروراندند، می‌دانست). (121)

(و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند); و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمك کرد که از این فکر بازگردند); و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند! (122)

خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناك، پیروز ساخت); در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید! (123)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتنی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!» (124)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (125)

ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده; وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است! (126)

(این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند; یا آنها را با ذلت برگرداند; تا مایوس و ناامید، (به وطن خود) بازگردند. (127)

هیچگونه اختیاری (در باره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ،) برای تو نیست; مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند; زیرا آنها ستمگرند. (128)

و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌بخشد; و هر کس را بخواهد، مجازات می‌کند; و خداوند آمرزنده مهربان است. (129)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! (130)

و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است! (131)

و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید! (132)

و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان; و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است; و برای پرهیزگاران آماده شده است. (133)

همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق‌می‌کنند; و خشم خود را فرو می‌برند; و از خطای مردم درمی‌گذرند; و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (134)

و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند; و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند -و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟- و بر گناه، اصرار نمی‌ورزند، با اینکه می‌دانند. (135)

آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشتهایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است; جاودانه در آن میمانند; چه نیکو است پاداش اهل عمل! (136)

پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت; (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشتهایی داشتند; که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! (137)

این، بیانی است برای عموم مردم; و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران! (138)

و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! (139)

اگر (در میدان احد،) به شما جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها(ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم; (-و این‌خاصیت زندگی دنیاست-) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند); و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد. (140)

و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند); و کافران را به تدریج نابود سازد. (141)

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟! (142)

و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید، آرزو می‌کردید; سپس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می‌کردید (و حاضر نبودید به آن تن دردهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است؟!) (143)

محمد (ص) فقط فرستاده خداست; و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند; آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند; و خداوند بزودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد. (144)

هیچ‌کس، جز به فرمان خدا، نمی‌میرد; سرنوشتی است تعیین شده; (بنابر این، مرگ پیامبر یا دیگران، یك سنت الهی است.) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد،) چیزی از آن به او خواهیم داد; و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می‌دهیم; و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (145)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچگاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند); و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد. (146)

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! (147)

از این‌رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیك آن جهان را به آنها داد; و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (148)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند; و سرانجام، زیانکار خواهید شد. (149)

(آنها تکیه‌گاه شما نیستند،) بلکه ولی و سرپرست شما، خداست; و او بهترین یاوران است. (150)

بزودی در دلهای کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم; و جایگاه آنها، آتش است; و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! (151)

خداوند، وعده خود را به شما، (در باره پیروزی بر دشمن در احد،) تحقق بخشید; در آن هنگام (که در آغاز جنگ،) دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید; (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید; و (بر سر رهاکردن سنگرها،) در کار خود به نزاع پرداختید; و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند; و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت; (و پیروزی شما به شکست انجامید;) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید; و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد. (152)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا میرفتید; و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند; و از شدت وحشت،) به عقب ماندگان نگاه نمی‌کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می‌زد. سپس اندوه‌ها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد; این بخاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن (غنایم جنگی) غمگین نشوید، و نه بخاطر مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌گردد. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (153)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد،) گروهی از شما را فرا گرفت; اماگروه دیگری در فکر جان خویش بودند; (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها گمانهای نادرستی -همچون گمانهای دوران جاهلیت- درباره خدا داشتند; و می‌گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟!» بگو: س‌خ‌للّههمه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند; می‌گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی‌شدیم!» بگو: «اگر هم در خانه‌های خود بودید، آنهایی که کشته‌شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعا به سوی آرامگاه‌های خود، بیرون می‌آمدند (و آنها را به قتل می‌رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در

سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید; و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند; و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست، با خبر است. (154)

کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت; و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است. (155)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می‌روند، یا در جنگ شرکت می‌کنند (و از دنیا می‌روند و یا کشته می‌شوند)، می‌گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویید،) تا خدا این حسرت را بر دل آنها (کافران) بگذارد. خداوند، زنده می‌کند و می‌میراند; (و زندگی و مرگ، به دست اوست;) و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (156)

اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زیان نکرده‌اید; زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود،) جمع آوری میکنند، بهتر است! (157)

و اگر بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور می‌شوید. (بنابراین، فانی نمی‌شوید که از فنا، وحشت داشته باشید.) (158)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (159)

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند! (160)

(گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند! و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، با خود (به صحنه محشر) می‌آورد; سپس به هر کس، آنچه را فراهم کرده (و انجام داده است)، بطور کامل داده می‌شود; و (به همین دلیل) به آنها ستم نخواهد شد (چرا که محصول اعمال خود را خواهند دید) . (161)

آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است. (162)

هر یك از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند; و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (163)

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت; که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاك کند و کتاب و حکمت بیاموزد; هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (164)

آیا هنگامی که مصیبتی (در میدان جنك احد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در میدان جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟!» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ احد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! خداوند بر هر چیزی قادر است. (و چنانچه روش خود را اصلاح کنید، در آینده شما را پیروز می‌کند.)» (165)

و آنچه (در روز احد،) در روزی که دو دسته (مؤمنان و کافران) با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنت الهی) بود; و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند. (166)

و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند; آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید!» گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم. (اما می‌دانیم جنگی نمی‌شود.)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان; به زبان خود چیزی می‌گویند که در دلهایشان نیست! و خداوند از آنچه کتمان می‌کنند، آگاهتر است. (167)

(منافقان) آنها هستند که به برادران خود -در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می‌کردند، کشته نمی‌شدند!» بگو: «(مگر شما می‌توانید مرگ افراد را پیش‌بینی کنید؟!) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می‌گویید!» (168)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (169)

آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند; و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند (مجاهدان و شهیدان آینده)، خوشوقتند; (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند; و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. (170)

و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند; و (می‌بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند; (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند). (171)

آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند; (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرار الاسد» حرکت نمودند;) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. (172)

اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند; از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود; و گفتند: «خدا ما را کافی است; و او بهترین حامی ماست.» (173)

به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند; در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید; و از رضای خدا، پیروی کردند; و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (174)

این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس،) می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید! (175)

کسانی که در راه کفر، شتاب میکنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زیانی به خداوند نمی‌رسانند. (بعلاوه) خدا می‌خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد; و در نتیجه،) بهره‌ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است! (176)

(آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زیانی نمی‌رسانند; و برای آنها، مجازات دردناکی است! (177)

آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند; و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است! (178)

چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارد; مگر آنکه ناپاك را از پاك جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید; این بر خلاف سنت الهی است;) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند; (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاك و ناپاك است،) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. (179)

کسانی که بخل می‌ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است; بلکه برای آنها شر است; بزودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست; و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (180)

خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی‌نیازیم»، شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت; و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می‌نویسیم); و به آنها می‌گوییم: «بچشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)» (181)

این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شماست) و بخاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی‌کند. (182)

(اینها) همان کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (این معجزه را انجام دهد:) یك قربانی بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند; و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند; پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می‌گویید؟!» (183)

پس (اگر این بهانه‌جویان،) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه‌ای نیست;) رسولان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند; پیامبرانی که دلایل آشکار، و نوشته‌های متین و محکم، و کتاب روشنی‌بخش آورده بودند. (184)

هر کسی مرگ را می‌چشد; و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت; آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست! (185)

به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده (یهود)، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است; زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (186)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتما آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند; و به بهای کمی فروختند; و چه بد متاعی می‌خرند؟! (187)

گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (188)

و حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست; و خدا بر همه چیز تواناست. (189)

مسلما در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است. (190)

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند; و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند; (و می‌گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! (191)

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمالش،) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته‌ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یاوری نیست! (192)

پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم; پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران! (193)

پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی. (194)

خداوند، درخواست آنها را پذیرفت; (و فرمود:) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد; شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می‌بخشم; و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند; و بهترین پاداشها نزد پروردگار است. (195)

رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبد! (196)

این متاع ناچیزی است; و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! (197)

ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آنها باغهایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است; همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می‌رسد; و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است! (198)

و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند; در برابر (فرمان) خدا خاضعند; و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیك آنها را به سرعت حساب می‌کند، و پاداش می‌دهد.) (199)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها،) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! (200)

سوره النساء

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یك انسان آفرید; و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد; و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید; و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست. (1)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است! (2)

و اگر می‌ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاك (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یك همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالك آنهائید استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند. (3)

و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یك بدهی (یا عطیه،) به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید! (4)

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (5)

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند; و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد،) از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی‌گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (6)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است; و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی; خواه آن مال، کم باشد یا زیاد; این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. (7)

و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید! (8)

کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند. (9)

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می‌خورند; و بزودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند. (10)

خداوند در باره فرزندانتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد; و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست; و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث،) از آن اوست. و برای هر یك از پدر و مادر او، یك ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد; و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یك سوم است (و بقیه از آن پدر است); و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یك ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها،) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است -شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانتان، کدامیك برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است; و خداوند، دانا و حکیم است. (11)

و برای شما، نصف میراث زنانتان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند; و اگر فرزندی داشته باشند، یك چهارم از آن شماست; پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یك چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید; و اگر برای شما فرزندی باشد، یك هشتم از آن آنهاست; بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یك ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند); و اگر بیش از یك نفر باشند، آنها در یك سوم شریکند; پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین; بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین،) به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست; و خدا دانا و بردبار است. (12)

اینها مرزهای الهی است; و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است; جاودانه در آن می‌مانند; و این، پیروزی بزرگی است! (13)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند; و برای او مجازات خوارکننده‌ای است. (14)

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان (زنان) را در خانه ها(ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد; یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد. (15)

و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می‌شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است. (16)

پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند، سپس زود توبه می‌کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می‌پذیرد; و خدا دانا و حکیم است. (17)

برای کسانی که کارهای بد را انجام می‌دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد می‌گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست; و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می‌روند; اینهاکسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده‌ایم. (18)

اینها اینها ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها،) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملك کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد! (19)

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟! (20)

و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ و (از این گذشته،) آنها (هنگام ازدواج،) از شما پیمان محکمی گرفته‌اند! (21)

با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه درگذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است; زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. (22)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید -و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (-نه پسرخوانده‌ها-) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید; مگر آنچه در گذشته واقع شده; چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (23)

و زنان شوهردار (بر شما حرام است;) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالك شده‌اید; (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است;) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید; در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین‌مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعدا می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است. (24)

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند -خدا به ایمان شما آگاه‌تر است; و همگی اعضای یك پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید; به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند; و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (25)

خداوند می‌خواهد (با این دستورها، راه‌های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. (26)

خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاك نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما بکلی منحرف شوید. (27)

خدا میخواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن،) کار را بر شما سبك كند; و انسان، ضعیف آفریده شده; (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است) (28)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. (29)

و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت; و این کار برای خدا آسان است. (30)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچك شما را می‌پوشانیم; و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم. (31)

برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوتهای طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی; (و نباید حقوق هیچ‌یك پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. (32)

برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند; و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته‌اید، نصیبشان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (33)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود،) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست.) (34)

و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یك داور از خانواده شوهر، و یك داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمك می‌کند; زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). (35)

و خدا را بپرستید! و هیچ‌چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید; همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیك، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالك آنها هستید; زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند،) دوست نمی‌دارد. (36)

آنها کسانی هستند که بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل دعوت می‌کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می‌نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته;) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم. (37)

و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند; (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست;) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (38)

چه می‌شد اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، (در راه او) انفاق می‌کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیات) آنها آگاه است. (39)

خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند; و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌سازد; و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد. (40)

حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می‌آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟ (41)

در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) بمخالفت برخاستند، آرزو می‌کنند که ای کاش (خاك بودند، و) خاك آنها با زمینهای اطراف یکسان می‌شد (و بکلی محو و فراموش می‌شدند). در آن روز، (با آن همه گواهان،) سخنی را نمی‌توانند از خدا پنهان کنند. (42)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیك نشوید، تا بدانید چه می‌گویید! و همچنین هنگامی که جنب هستید -مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده‌اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاك پاکی تیمم کنید! (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (43)

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده بود، (به جای اینکه از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می‌خرند، و می‌خواهند شما نیز گمراه شوید؟ (44)

خدا به دشمنان شما آگاهتر است; (ولی آنها زیانی به شما نمی‌رسانند.) و کافی است که خدا ولی شما باشد; و کافی است که خدا یاور شما باشد. (45)

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند; و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می‌گویند:) بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند:) راعنا (ما را تحمیق کن!)» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) تند: «شنیدیم و اطاعت کردیم; و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درك کنیم) س‌ذللّه، برای آنان بهتر،و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است; از این رو جز عده کمی ایمان نمی‌آورند. (46)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم -و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم; و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است! (47)

خداوند (هرگز) شرك را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (48)

آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می‌کنند؟! (این خود ستاییها، بی‌ارزش است;) بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش می‌کند; و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (49)

ببین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند! و همین گناه آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است. (50)

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و س‌خ‌لّ‌طاغوت» (بت و بت‌پرستان) ایمان می‌آورند، و درباره کافران می‌گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت یافته‌ترند»؟! (51)

آنها کسانی هستند که خداوند، ایشان را از رحمت خود، دور ساخته است; و هر کس را خدا از رحمتش دور سازد، یاوری برای او نخواهی یافت. (52)

آیا آنها (یهود) سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین داوری کنند)؟ در حالی که اگر چنین بود، (همه چیز را در انحصار خود می‌گرفتند،) و کمترین حق را به مردم نمی‌دادند. (53)

یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر و خاندانش)، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز،) کتاب و حکمت دادیم; و حکومت عظیمی در اختیار آنها (پیامبران بنی اسرائیل) قرار دادیم. (54)

ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند; و جمعی راه (مردم را) بر آن بستند. و شعله فروزان آتش دوزخ، برای آنها کافی است! (55)

کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می‌کنیم که هرگاه پوستهای تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوستهای دیگری به جای آن قرار می‌دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می‌دهد). (56)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بزودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است; همیشه در آن خواهند ماند; و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود; و آنان را در سایه‌های گسترده (و فرح بخش) جای میدهیم. (57)

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (58)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (59)

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه‌های دور دستی بیفکند. (60)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید س‌ذ‌لّ‌ه، منافقان را می‌بینی که (از قبول دعوت) تو، اعراض می‌کنند! (61)

پس چگونه وقتی به خاطر اعمالشان، گرفتار مصیبتی می‌شوند، سپس به سراغ تو می‌آیند، سوگند یاد می‌کنند که منظور (ما از بردن داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع،) نبوده است؟! (62)

آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می‌داند. از (مجازات) آنان صرف نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما! (63)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاردند)، به نزد تو می‌آمدند; و از خدا طلب آمرزش می‌کردند; و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد; خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند. (64)

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند; و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند; و کاملا تسلیم باشند. (65)

اگر (همانند بعضی از امتهای پیشین،) به آنان دستور می‌دادیم: «یکدیگر را به قتل برسانید س‌ذلّه، و یا: «از وطن و خانه خود، بیرون روید»، تنها عده کمی از آنها عمل می‌کردند! و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند، برای آنها بهتر بود; و موجب تقویت ایمان آنها می‌شد. (66)

و در این صورت، پاداش بزرگی از ناحیه خود به آنها می‌دادیم. (67)

و آنان را به راه راست، هدایت می‌کردیم. (68)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده; از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان; و آنها رفیقهای خوبی هستند! (69)

این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حال بندگان، و نیات و اعمالشان) آگاه است. (70)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد، یا بصورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان،) به سوی دشمن حرکت نمایید! (71)

در میان شما، افرادی (منافق) هستند، که (هم خودشان سست می‌باشند، و هم) دیگران را به سستی می‌کشانند; اگر مصیبتی به شما برسد، می‌گویند: «خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم، تا شاهد (آن مصیبت) باشیم!» (72)

و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و مودتی نبوده، می‌گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می‌رسیدیم!» (73)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند!و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (74)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران)تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما! (75)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند; و آنها که کافرند، در راه طاغوت (بت و افراد طغیانگر). پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است. (76)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلا) دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تاخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است!و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد! (77)

هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد; هر چند در برجهای محکم باشید! و اگر به آنها (منافقان) حسنه (و پیروزی) برسد، می‌گویند: «این، از ناحیه خداست.»و اگر سیئه (و شکستی) برسد، می‌گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه اینها از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درك کنند؟! (78)

(آری،) آنچه از نیکیها به تو می‌رسد، از طرف خداست; و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم; و گواهی خدا در این باره، کافی است! (79)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده; و کسی که سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسؤول نیستی). (80)

آنها در حضور تو می‌گویند: «فرمانبرداریم»; اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند; آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه‌های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (81)

آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. (82)

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق،) آن را شایع می‌سازند; در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان -که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید (و گمراه می‌شدید). (83)

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار،) تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی)! و خداوند قدرتش بیشتر، و مجازاتش دردناکتر است. (84)

کسی که شفاعت (تشویق و کمك) به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود; و کسی که شفاعت (تشویق و کمك) به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حسابرس و نگهدار هر چیز است. (85)

هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید; یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویید! خداوند حساب همه چیز را دارد. (86)

خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز -که شکی در آن نیست- جمع می‌کند! و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟ (87)

چرا درباره منافقین دو دسته شده‌اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع، و بعضی مجاز می‌دانید.) در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملا وارونه کرده است! آیا شما می‌خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (88)

آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند،) هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آنها، دوست و یار و یاوری اختیار نکنید!. (89)

مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته‌اند;یا آنها که به سوی شما می‌آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند; (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید. (90)

بزودی جمعیت دیگری را می‌یابید که می‌خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. لذا نزد شما ادعای ایمان می‌کنند; ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده‌ایم. (91)

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سر زند; (و در عین حال،) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یك برده مؤمن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد; مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول باایمان بوده، (تنها) باید یك برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونبها لازم نیست). و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد، و یك برده مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می‌گیرد. این، (یك نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است. (92)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است; در حالی که جاودانه در آن می‌ماند; و خداوند بر او غضب می‌کند; و او را از رحمتش دور می‌سازد; و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. (93)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلا چنین بودید; و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید).پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ،) تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (94)

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان (ترك‌کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده; و به هر یك از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان،) خداوند وعده پاداش نیك داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. (95)

درجات (مهمی) از ناحیه خداوند، و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می‌گردد); و (اگر لغزشهایی داشته‌اند،) خداوند آمرزنده و مهربان است. (96)

کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟!)» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها (فرشتگان) گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند. (97)

مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که براستی تحت فشار قرار گرفته‌اند (و حقیقتا مستضعفند); نه چاره‌ای دارند، و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می‌یابند. (98)

ممکن است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد; و خداوند، عفو کننده و آمرزنده است. (99)

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست; و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (100)

هنگامی که سفر می‌کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید; زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند. (101)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود برگیرند; و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول پیکار بوده‌اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند; آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند; (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح)هستید، مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید; ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده‌ای برای کافران فراهم ساخته است. (102)

و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید; ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده‌اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است! (103)

و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند; ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند; و خداوند، دانا و حکیم است. (104)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم; تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی; و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (105)

و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (106)

و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند، افراد خیانت‌پیشه گنهکار را دوست ندارد. (107)

آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می‌دارند; اما از خدا پنهان نمی‌دارند، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (108)

آری، شما همانا هستید که در زندگی این جهان، از آنان دفاع کردید! اما کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه کسی است که وکیل و حامی آنها باشد؟! (109)

کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (110)

و کسی که گناهی مرتکب شود، به زیان خود مرتکب شده; خداوند، دانا و حکیم است. (111)

و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بیگناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. (112)

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند; اما جز خودشان را گمراه نمی‌کنند; و هیچ‌گونه زیانی به تو نمی‌رسانند. و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد; و آنچه را نمی‌دانستی، به توآموخت; و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است. (113)

در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست; مگر کسی که (به این وسیله،) امر به کمك به دیگران، یا کار نیك، یا اصلاح در میان مردم کند; و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (114)

کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم; و به دوزخ داخل می‌کنیم; و جایگاه بدی دارد. (115)

خداوند، شرك به او را نمی‌آمرزد; (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (116)

آنچه غیر از خدا می‌خوانند، فقط بتهایی است (بی‌روح)، که هیچ اثری ندارد; و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است. (117)

خدا او را از رحمت خویش دور ساخته; و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت! (118)

و آنها را گمراه می‌کنم! و به آرزوها سرگرم می‌سازم! و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاك خدایی‌را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرك بیالایند!)» و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. (119)

شیطان به آنها وعده‌ها(ی دروغین) می‌دهد; و به آرزوها، سرگرم می‌سازد; در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد. (120)

آنها (پیروان شیطان) جایگاهشان جهنم است; و هیچ راه فراری ندارند. (121)

و کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است; جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادقتر باشد؟! (122)

(فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست; هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود; و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت. (123)

و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند; و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (124)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاك ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد. (125)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست; و خداوند به هر چیزی احاطه دارد. (126)

از تو درباره حکم زنان سؤال می‌کنند; بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی‌دهید، و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارشهای خداوند در این زمینه می‌باشد; و نیز به شما سفارش می‌کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکیها انجام می‌دهید; خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می‌دهد). (127)

و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید.) و صلح، بهتر است; اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد). (128)

شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را بکلی متوجه یك طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (129)

(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی‌نیاز می‌کند; و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است. (130)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می‌کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد; زیرا) برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. (131)

برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است; و کافی است که خدا، حافظ و نگاهبان آنها باشد. (132)

ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد، و خداوند، بر این کار تواناست. (133)

کسانی که پاداش دنیوی بخواهند، (و در قید نتایج معنوی و اخروی نباشند، در اشتباهند; زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست; و خداوند، شنوا و بیناست. (134)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملا قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید; که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (135)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است. (136)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، و دیگربار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد. (137)

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (138)

همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزتها از آن خداست؟! (139)

و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند! وگرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند. (140)

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند; اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) ; س‌خ‌للّهو اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریك خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند; و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (141)

منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند; در حالی که او آنها را فریب می‌دهد; و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند; و در برابر مردم ریا می‌کنند; و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند! (142)

نم نم آنها افراد بی‌هدفی هستند که نه سوی اینها، و نه سوی آنهایند! (نه در صف مؤمنان قرار دارند، و نه در صف کافران!) و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (143)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل،) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! (144)

منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند; و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابر این، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید!) (145)

مگر آنها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند; آنها با مؤمنان خواهند بود; و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد. (146)

خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟ خدا شکرگزار و آگاه است. (اعمال و نیات شما را می‌داند، و به اعمال نیك، پاداش نیك می دهد.) (147)

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها(ی دیگران) را اظهار کند; مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست. (148)

اگر نیکیها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدیها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست (و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می‌کند). (149)

کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... (150)

آنها کافران حقیقی‌اند; و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم. (151)

(ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احدی از آنها فرق نمی‌گذارند، پاداششان را خواهد داد; خداوند، آمرزنده و مهربان است. (152)

اهل کتاب از تو می‌خواهند کتابی از آسمان (یکجا) بر آنها نازل کنی; (در حالی که این یك بهانه است;) آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده! س‌ذلّه و بخاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم. (153)

و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم; و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: س‌خ‌للّه(برای توبه،) از در (بیت المقدس) با خضوع درآیید!» و (نیز) گفتیم: «روز شنبه تعدی نکنید (و دست از کار بکشید!)» و از آنان (در برابر همه اینها،) پیمان محکمی گرفتیم. (154)

(ولی) بخاطر پیمان‌شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می‌گفتند: «بر دلهای ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درك نمی‌کنیم! س‌ذلّه رانده درگاه خدا شدند.) آری، خداوند بعلت کفرشان، بر دلهای آنها مهر زده; که جز عده کمی (که راه حق می‌پویند و لجاج ندارند،) ایمان نمی‌آورند. (155)

و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. (156)

و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند; لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شك هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند; و قطعا او را نکشتند! (157)

بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. (158)

و هیچ یك از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد; و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود. (159)

بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. (160)

و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند; و خوردن اموال مردم بباطل; و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم. (161)

ولی راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امت اسلام،) به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می‌آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات‌دهندگان و ایمان‌آورندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد. (162)

ما به تو وحی فرستادیم; همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم; و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (بنی اسرائیل) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم; و به داوود زبور دادیم. (163)

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته‌ایم; و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده‌ایم; و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.) (164)

آ آ پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود;) و خداوند، توانا و حکیم است. (165)

ولی خداوند گواهی می‌دهد به آنچه بر تو نازل کرده; که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی می‌دهند; هر چند گواهی خدا کافی است. (166)

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده‌اند. (167)

کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند، هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد، (168)

مگر به راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند; و این کار برای خدا آسان است! (169)

ای مردم! پیامبر(ی که انتظارش را می‌کشیدید،) حق را از جانب پروردگارتان آورد; به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، زیرا) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است. (170)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود; و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «(خداوند) سه‌گانه است!» (از این سخن) خودداری

کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است; او منزه است که فرزندی داشته باشد; (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است; و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است. (171)

هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد; و نه فرشتگان مقرب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (172)

اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را بطور کامل خواهد داد; و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود. و آنها را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد; و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (173)

ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد; و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم. (174)

اما آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت; و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می‌کند. (175)

از تو (در باره ارث خواهران و برادران) سؤال می‌کنند، بگو: «خداوند، حکم کلاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می‌کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزند نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از او (ارث) می‌برد; و (اگر خواهری از دنیا برود، وارث او یك برادر باشد،) او تمام مال را از آن خواهر به ارث می‌برد، در صورتی که (میت) فرزند نداشته باشد; و اگر دو خواهر (از او) باقی باشند دو سوم اموال را می‌برند; و اگر برادران و خواهران با هم باشند، (تمام اموال را میان خود تقسیم می‌کنند; و) برای هر مذکر، دو برابر سهم مؤنث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید; و خداوند به همه چیز داناست. س‌ذللّه (176)

سوره المائده

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است; مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می‌کند. (1)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است! (2)

گوشت مردار، و خون، و گوشت خوك، و حيواناتى كه به غير نام خدا ذبح شوند، و حيوانات خفه‌شده، و به زجر كشته شده، و آنها كه بر اثر پرت‌شدن از بلندى بميرند، و آنها كه به ضرب شاخ حيوان ديگرى مرده باشند، و باقيمانده صيد حيوان درنده -مگر آنكه (بموقع به آن حيوان برسيد، و) آن را سربببريد- و حيواناتى كه روى بتها (يا در برابر آنها) ذبح مى‌شوند، (همه) بر شما حرام شده است; و (همچنين) قسمت كردن گوشت حيوان به وسيله چوبه‌هاى تير مخصوص بخت آزمايى; تمام اين اعمال، فسق و گناه است -امروز، كافران از (زوال) آيين شما، مايوس شدند; بنابر اين، از آنها نترسيد! و از (مخالفت) من بترسيد! امروز، دين شما را كامل كردم; و نعمت خود را بر شما تمام نمودم; و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پذيرفتم- اما آنها كه در حال گرسنگى، دستشان به غذاى ديگرى نرسد، و متمايل به گناه نباشند، (مانعى ندارد كه از گوشتهاى ممنوع بخورند;) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (3)

از تو سؤال مى‌كنند چه چيزهايى براى آنها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاكيزه است، براى شما حلال گرديده; (و نيز صيد) حيوانات شكارى و سگهاى آموخته (و تربيت يافته) كه از آنچه خداوند به شما تعليم داده به آنها ياد داده‌ايد، (بر شما حلال است;) پس، از آنچه اين حيوانات براى شما (صيد مى‌كنند و) نگاه مى‌دارند، بخوريد; و نام خدا را (به هنگام فرستادن حيوان براى شكار،) بر آن ببريد; و از (معصيت) خدا بپرهيزيد كه خداوند سريع الحساب است!» (4)

امروز چيزهاى پاكيزه براى شما حلال شده; و (همچنين) طعام اهل كتاب، براى شما حلال است; و طعام شما براى آنها حلال; و (نيز) آنان پاكدامن از مسلمانان، و آنان پاكدامن از اهل كتاب، حلالند; هنگامى كه مهر آنها را بپردازيد و پاكدامن باشيد; نه زناكار، و نه دوست پنهانى و نامشروع گيريد. و كسى كه انكار كند آنچه را بايد به آن ايمان بياورد، اعمال او تباه مى‌گردد; و در سراى ديگر، از زيانكاران خواهد بود. (5)

اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! هنگامى كه به نماز مى‌ايستيد، صورت و دستها را تا آرنج بشوييد! و سر و پاها را تا مفصل (برآمدگى پشت پا) مسح كنيد! و اگر جنب باشيد، خود را بشوييد (و غسل كنيد)! و اگر بيمار يا مسافر باشيد، يا يكى از شما از محل پستى آمده (قضاى حاجت كرده)، يا با آنان تماس گرفته (و آميزش جنسى كرده‌ايد)، و آب (براى غسل يا وضو) نيابيد، با خاك پاكى تيمم كنيد! و از آن، بر صورت (پيشانى) و دستها بكشيد! خداوند نمى‌خواهد مشكلى براى شما ايجاد كند; بلكه مى‌خواهد شما را پاك سازد و نعمتش را بر شما تمام نمايد; شايد شكر او را بجا آوريد! (6)

و به ياد آوريد نعمت خدا را بر شما، و پيمانى را كه با تاكيد از شما گرفت، آن زمان كه گفتيد: س‌خ‌للّهشنيديم و اطاعت كرديم»! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد كه خدا، از آنچه درون سينه‌هاست، آگاه است! (7)

اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! همواره براى خدا قيام كنيد، و از روى عدالت،گواهى دهيد! دشمنى با جمعيتى، شما را به گناه و ترك عدالت نكشاند! عدالت كنيد، كه به پرهيزگارى نزديكتر است! و از (معصيت) خدا بپرهيزيد، كه از آنچه انجام مى‌دهيد، با خبر است! (8)

خداوند، به آنها كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش عظيمى داده است. (9)

و كسانى كه كافر شدند و آيات ما را تكذيب كردند، اهل دوزخند. (10)

اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! نعمتى را كه خدا به شما بخشيد، به ياد آوريد; آن زمان كه جمعى (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوى شما دراز كنند (و شما را از ميان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهيزيد! و مؤمنان بايد تنها بر خدا توكل كنند! (11)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب (سرپرست) برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسن بدهید (در راه او، به نیازمندان کمك کنید)، گناهان شما را می‌پوشانم (می بخشم); و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است. (12)

ولی بخاطر پیمان‌شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم; و دلهای آنان را سخت و سنگین نمودیم; سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند; و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند; و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان; ولی از آنها درگذر و صرف‌نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد! (13)

و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم; ولی آنها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند; از این رو در میان آنها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آنها را از آنچه انجام می‌دادند(و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت. (14)

ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد; و از بسیاری از آن، (که فعلا افشای آن مصلحت نیست،) صرف نظر می‌نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. (15)

خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند; و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد; و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. (16)

آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند; بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند هلاك کند، چه کسی می‌تواند جلوگیری کند؟ (آری،) حکومت آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست; هر چه بخواهد، می‌آفریند; (حتی انسانی بدون پدر، مانند مسیح;) و او، بر هر چیزی تواناست.» (17)

یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده; هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌بخشد; و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می‌کند; و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست; و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست.» (18)

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد; در حالی که حقایق را برای شما بیان می‌کند; تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده‌ای»! (هم اکنون، پیامبر) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. (19)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد; (و زنجیر بندگی و اسارت فرعونی را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد; و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یك از جهانیان نداده بود! (20)

ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» (21)

گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند; و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آنها از آن خارج شوند; اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!» (22)

(ولی) دو نفر از مردانی که از خدا می‌ترسیدند، و خداوند به آنها، نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: «شما وارد دروازه شهر آنان شوید! هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!» (23)

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشسته‌ایم»! (24)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن!» (25)

خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید); پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود; و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!» (26)

و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند; اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد; (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!»(برادر دیگر) گفت: س‌خ‌لّه(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد! (27)

اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی‌گشایم، چون از پروردگار جهانیان می‌ترسم! (28)

من می‌خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی); و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران! (29)

نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد; (سرانجام) او را کشت; و از زیانکاران شد. (30)

سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می‌کرد; تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد. (31)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته; و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند. (32)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند،) فقط این است که اعدام شوند; یا به دار آویخته گردند; یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود; و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست; و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (33)

مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند; پس بدانید (خدا توبه آنها را می‌پذیرد;) خداوند آمرزنده و مهربان است. (34)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید! (35)

بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن، مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد; و مجازات دردناکی خواهند داشت. (36)

پیوسته می‌خواهند از آتش خارج شوند، ولی نمی‌توانند از آن خارج گردند; و برای آنها مجازاتی پایدار است. (37)

دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یك مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است. (38)

اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد; (و از این مجازات; معاف می‌شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (39)

آیا نمی‌دانی که حکومت و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست؟ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، کیفر می‌کند; و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، می‌بخشد; و خداوند بر هر چیزی قادر است. (40)

ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم س‌ذلّه و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند; آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند; آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند، و (به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (که ما می‌خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد،) بپذیرید، وگرنه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی‌درپی او) بخواهد مجازات‌کند، قادر به دفاع از او نیستی; آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاك کند; در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد. (41)

آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند; مال حرام فراوان می خورند; پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف‌نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند; و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (42)

چگونه تو را به داوری می‌طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است; و در آن، حکم خدا هست. (وانگهی) پس از داوری‌خواستن از حکم تو، (چرا) روی می گردانند؟! آنها مؤمن نیستند. (43)

ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود; و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند; و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند. بنابر این، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی،) از مردم نهراسید! و از من بترسید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند. (44)

و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات)، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد; و هر زخمی، قصاص دارد; و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف‌نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می‌شود; و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (45)

و بدنبال آنها (پیامبران پیشین)، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت; و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود; و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد; و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود. (46)

اهل انجیل (پیروان مسیح) نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند! و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، فاسقند. (47)

و این کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست; پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم; و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی‌داد; ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید; (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جویید! بازگشت همه شما، به سوی خداست; سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید; به شما خبر خواهد داد. (48)

و در میان آنها (اهل کتاب)، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها برحذر باش، مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می‌خواهد آنان را بخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند; و بسیاری از مردم فاسقند. (49)

آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟! (50)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند; و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند; خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند (51)

(ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمك آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد; و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند! (52)

آنها که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «آیا این (منافقان) همانها هستند که با نهایت تاکید سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (چرا کارشان به اینجا رسید؟!)» (آری،) اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند. (53)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند; خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند; آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد; و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (54)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند; همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند. (55)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند; (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است. (56)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند -از اهل کتاب و مشرکان- ولی خود انتخاب نکنید1 و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید! (57)

آنها هنگامی که (اذان می‌گویید، و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند; این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند. (58)

بگو: «ای اهل کتاب! آیا به ما خرده می‌گیرید؟ (مگر ما چه کرده‌ایم) جز اینکه به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده‌ایم. و این، بخاطر آن است که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده‌اید.» (59)

بگو: «آیا شما را از کسانی که موقعیت و پاداششان نزد خدا برتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده،) و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده‌اند; موقعیت و محل آنها، بدتر است; و از راه راست، گمراهترند. » (60)

هنگامی که نزد شما می‌آیند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» (اما) با کفر وارد می‌شوند، و با کفر خارج می‌گردند; و خداوند، از آنچه کتمان می‌کردند، آگاهتر است! (61)

بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی، و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند! چه زشت است کاری که انجام می‌دادند! (62)

چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می‌دادند! (63)

و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است; هرگونه بخواهد، می‌بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت; و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند; و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. (64)

و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می‌بخشیم; و آنها را در باغهای پرنعمت بهشت، وارد می‌سازیم. (65)

و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده (قرآن) برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد; جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند. (66)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملا (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد; و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (67)

ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی‌گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. بنابر این، از این قوم کافر، (و مخالفت آنها،) غمگین مباش! (68)

آنها که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد. (69)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم; و رسولانی به سوی آنها فرستادیم; (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می‌آورد، عده‌ای را تکذیب می‌کردند; و عده‌ای را می‌کشتند. (70)

گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود! از این‌رو (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق،) نابینا و کر شدند; سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت، دیگربار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند; و خداوند، به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (71)

آنها که گفتند: «خداوند همان مسیح بن مریم است»، بیقین کافر شدند، (با اینکه خود) مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید! زیرا هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است; و جایگاه او دوزخ است; و ستمکاران، یار و یاوری ندارند. (72)

آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بیقین کافر شدند; معبودی جز معبود یگانه نیست; و اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند،) خواهد رسید. (73)

یا به سوی خدا بازنمی‌گردند، و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ (در حالی که) خداوند آمرزنده مهربان است. (74)

مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود; پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود; هر دو، غذا می‌خوردند; (با این حال، چگونه دعوی الوهیت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!) بنگر چگونه نشانه را برای آنها آشکار می‌سازیم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده می‌شوند! (75)

بگو: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که مالك سود و زیان شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.» (76)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!» (77)

کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می‌نمودند. (78)

آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند; چه بدکاری انجام می‌دادند! (79)

بسیاری از آنها را می‌بینی که کافران (و بت‌پرستان) را دوست می‌دارند (و با آنها طرح دوستی می‌ریزند); نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) آنها فرستاد! که نتیجه آن، خشم خداوند بود; و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند. (80)

و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می‌آوردند، (هرگز) آنان (کافران) را به دوستی اختیار نمی‌کردند; ولی بسیاری از آنها فاسقند. (81)

بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت; و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»; این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارك دنیا هستند; و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند. (82)

و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می‌بینی که (از شوق،) اشك می‌ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند; آنها می‌گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم; پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس! (83)

چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد؟!» (84)

خداوند بخاطر این سخن، به آنها باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختانش، نهرها جاری است; جاودانه در آن خواهند ماند; و این است جزای نیکوکاران! (85)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند. (86)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد. (87)

و از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید! (88)

خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده،) مؤاخذه نمی‌کند; ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره این‌گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می‌دهید; یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر; و یا آزاد کردن یك برده; و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می‌گیرد; این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می‌کنید (و مخالفت می‌نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید!) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید شکر او را بجا آورید! (89)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (90)

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (91)

اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود; و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است). (92)

بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، گناهی در آنچه خورده‌اند نیست; (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی‌شوند;) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند; سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند; سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (93)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می‌آید، بطوری که) دستها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید; تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می‌ترسد; و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. (94)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمدا آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد; کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند; و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد; یا (به جای قربانی،) اطعام مستمندان کند; یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد; و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. (95)

صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است; تا (در حال احرام) از آن بهره‌مند شوید; ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است; و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می‌شوید، بترسید! (96)

خداوند، کعبه -بیت الحرام- را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده; و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی‌نشان، و قربانیهای نشاندار را; این‌گونه احکام (حساب شده و دقیق،) بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می‌داند; و خدا به هر چیزی داناست. (97)

بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است. (98)

پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد; (و مسؤول اعمال شما نیست). و خداوند آنچه را آشکار، و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند. (99)

بگو: «(هیچگاه) ناپاك و پاك مساوی نیستند; هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید! (100)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند! و اگر به هنگام نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می‌شود; خداوند آنها را بخشیده (و نادیده گرفته) است. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (101)

جمعی از پیشینیان شما، از آن سئوال کردند; و سپس با آن به مخالفت برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید.) (102)

خداوند هیچ‌گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است (اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را بعللی حرام می‌دانستند; و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.) ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می‌بندند; و بیشتر آنها نمی‌فهمند! (103)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!»، می‌گویند: «آنچه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است!»; آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند)؟! (104)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست; و شما را از آنچه عمل می‌کردید، آگاه می‌سازد. (105)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد; یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید،) دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شك کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!» (106)

و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده‌اند (و حق راکتمان کرده‌اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار می‌گیرند، و به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده‌ایم; که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!» (107)

این کار، نزدیکتر است به اینکه گواهی بحق دهند، (و از خدا بترسند،) و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آنها را بگیرد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند. (108)

(از) روزی (بترسید) که خداوند، پیامبران را جمع می‌کند، و به آنها می‌گوید: «(در برابر دعوت شما،) چه پاسخی به شما داده شد؟»، می‌گویند: «ما چیزی نمی‌دانیم; تو خود، از همه اسرار نهان آگاهی.» (109)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: «یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با» روح القدس «تقویت کردم; که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می‌گفتی; و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم; و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی بصورت پرنده می‌ساختی، و در آن می‌دمیدی، و به فرمان من، پرنده‌ای می‌شد; و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می‌دادی; و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی; و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو، بازداشتم; در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها گفتند: اینها جز سحر آشکار نیست!» (110)

و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید!; سرانجام آنها گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم!» (111)

در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!» (112)

گفتند: «(ما نظر بدی نداریم،) می‌خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما (به رسالت تو) مطمئن گردد; و بدانیم به ما راست گفته‌ای; و بر آن، گواه باشیم.» (113)

عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو; و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!» (114)

خداوند (دعای او را مستجاب کرد; و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می‌کنم; ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را مجازاتی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (115)

و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!»، او می‌گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی; و من از آنچه در ذات (پاك) توست، آگاه نیستم! بیقین تو از تمام اسرار و پنهانیها باخبری. (116)

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم; (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم; ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی; و تو بر هر چیز، گواهی! (117)

(با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند); و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)»(118)

خداوند می‌گوید: «امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می‌بخشد; برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند; هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند; این، رستگاری بزرگ است!» (119)

حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست; و او بر هر چیزی تواناست. (120)

سوره الانعام

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ستایش برای خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد; اما کافران برای پروردگار خود، شریك و شبیه قرارمی‌دهند (با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است)! (1)

او کسی است که شما را از گل آفرید; سپس مدتی مقرر داشت (تا انسان تکامل یابد); و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است). با این همه، شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او،) تردید می‌کنید! (2)

اوست خداوند در آسمانها و در زمین; پنهان و آشکار شما را می‌داند; و از آنچه (انجام می‌دهید و) به دست می‌آورید، با خبر است. (3)

هیچ نشانه و آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردان می‌شوند! (4)

آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند! ولی بزودی خبر آنچه را به باد مسخره می‌گرفتند، به آنان می‌رسد; (و از نتایج کار خود، آگاه می‌شوند). (5)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاك کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند; و) قدرتهایی به آنها داده بودیم که به شما ندادیم; بارانهای پی‌درپی برای آنها فرستادیم; و از زیر (آبادیهای) آنها، نهرها را جاری ساختیم; (اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را بخاطر گناهانشان نابود کردیم; و جمعیت دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (6)

(حتی) اگر ما نامه‌ای روی صفحه‌ای بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن،) آن را با دستهای خود لمس کنند، باز کافران می‌گویند: «این، چیزی جز یك سحر آشکار نیست»! (7)

(از بهانه‌های آنها این بود که) گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟!)» ولی اگر فرشته‌ای بفرستیم، (و موضوع، جنبه حسی و شهود پیدا کند،) کار تمام می‌شود; (یعنی اگر مخالفت کنند،) دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاك می‌شوند). (8)

و اگر او را فرشته‌ای قرارمی‌دادیم، حتما وی را بصورت انسانی درمی‌آوردیم; (باز به پندار آنان،) کار را بر آنها مشتبه می‌ساختیم; همان‌طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می‌سازند! (9)

(با این حال، نگران نباش!) جمعی از پیامبران پیش از تو را استهزا کردند; اما سرانجام، آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گرفت; (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). (10)

بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟! س‌ذلّه (11)

بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست; رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده; (و به همین دلیل،) بطور قطع همه شما را در روز قیامت، که در آن شك و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری،) فقط کسانی که سرمایه‌های وجود خویش را از دست داده و گرفتار خسران شدند، ایمان نمی‌آورند. (12)

و برای اوست آنچه در شب و روز قرار دارد; و او، شنوا و داناست. (13)

بگو: «آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است; اوست که روزی می‌دهد، و از کسی روزی نمی‌گیرد.» بگو: «من مامورم که نخستین مسلمان باشم; و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» (14)

بگو: «من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ (روز رستاخیز) می‌ترسم! (15)

آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته; و این همان پیروزی آشکار است.» (16)

اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد! و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست; (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است.) (17)

اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلط است; و اوست حکیم آگاه! (18)

بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (و خودت پاسخ بده و) بگو: «خداوند، گواه میان من و شماست; و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم). آیا براستی شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی‌دهم». بگو: س‌خ‌لّ‌هاوست تنها معبود یگانه; و من از آنچه برای او شریك قرارمی‌دهید، بیزارم!» (19)

آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده‌ایم، بخوبی او (پیامبر) را می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند; فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. (20)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته (همتایی برای او قائل شده)، و یا آیات او را تکذیب کرده است؟! مسلما ظالمان، رستگار نخواهند شد! (21)

آن روز که همه آنها را محشور می‌کنیم; سپس به مشرکان می‌گوییم: «معبودهایتان، که همتای خدا می‌پنداشتید، کجایند؟» (چرا به یاری شما نمی‌شتابند؟!) (22)

سپس پاسخو عذر آنها، چیزی جز این نیست که می‌گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرك نبودیم!» (23)

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا می‌پنداشتند، از دست می‌دهند! (24)

پاره‌ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی‌دهند; ولی بر دلهای آنان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند; و در گوش آنها، سنگینی قرار داده‌ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه‌های حق را ببینند، ایمان نمی‌آورند; تا آنجا که وقتی به سراغ تو می‌آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می‌گویند: «اینها فقط افسانه‌های پیشینیان است!» (25)

آنها دیگران را از آن بازمی‌دارند; و خود نیز از آن دوری می‌کنند; آنها جز خود را هلاك نمی‌کنند، ولی نمی‌فهمند! (26)

کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده‌اند، ببینی! می‌گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می‌شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌بودیم! (27)

(آنها در واقع پشیمان نیستند،) بلکه اعمال و نیاتی را که قبلا پنهان می‌کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده‌اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند; آنها دروغگویانند. (28)

آنها گفتند: «چیزی جز این زندگی دنیای ما نیست; و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (29)

اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده‌اند، ببینی! (به آنها) می‌گوید: «آیا این حق نیست؟» می‌گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق است!)» می‌گوید: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می‌کردید!» (30)

آنها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلما زیان دیدند; (و این تکذیب، ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید; می‌گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می‌کشند; چه بد باری بر دوش خواهند داشت! (31)

زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟! (32)

ما می‌دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می‌کند; ولی (غم مخور! و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی‌کنند; بلکه ظالمان، آیات خدا را انکار می‌نمایند. (33)

پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند; و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند; و (در این راه،) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید. (تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنتهای الهی است;) و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد; و اخبار پیامبران به تو رسیده است. (34)

و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی‌آورند!) اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش! (35)

تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند; اما مردگان (و آنها که روح انسانی را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند; و) خدا آنها را (در قیامت) برمی‌انگیزد; سپس به سوی او، بازمی‌گردند. (36)

و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه‌ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟!» بگو: «خداوند، قادر است که نشانه‌ای نازل کند; ولی بیشتر آنها نمی‌دانند!» (37)

هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیزرا در این کتاب، فرو گذار نکردیم; سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند. (38)

آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد،) گمراه می‌کند; و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند،) بر راه راست قرار خواهد داد. (39)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا رستاخیز برپا شود، آیا (برای حل مشکلات خود،) غیر خدا را می‌خوانید اگر راست می‌گویید؟!» (40)

(نه،) بلکه تنها او را می‌خوانید! و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده‌اید، برطرف می‌سازد; و آنچه را (امروز) همتای خدا قرارمی‌دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد. (41)

ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم; (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم; شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند! (42)

چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد; و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد! (43)

(آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم; تا (کاملا) خوشحال شدند (و دل به آن بستند); ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم); در این هنگام، همگی مایوس شدند; (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (44)

و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (45)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشمهایتان را بگیرد، و بر دلهای شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟!» ببین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف برای آنها شرح می‌دهیم، سپس آنها روی می‌گردانند! (46)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا بطور ناگهانی (و پنهانی) یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز جمعیت ستمکار هلاك می‌شوند؟!» (47)

ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی‌فرستیم; آنها که ایمان بیاورند و (خویشتن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (48)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانیها به آنان می‌رسد. (49)

بگو: «من نمی‌گویم خزاین خدا نزد من است; و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام; تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.» بگو: س‌خ‌للّه‌آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی‌اندیشید؟!» (50)

و به وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می‌ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت‌کننده‌ای جز او (خدا) ندارند; شاید پرهیزگاری پیشه کنند! (51)

و کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند، و جز ذات پاك او نظری ندارند، از خود دور مکن! نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود! (52)

و این چنین بعضی از آنها را با بعض دیگر آزمودیم (توانگران را بوسیله فقیران); تا بگویند: س‌خ‌للّه‌آیا اینها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده است؟!» آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟! (53)

هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده; هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می‌شود چرا که) او آمرزنده مهربان است.» (54)

و این چنین آیات را برمیشمریم، (تا حقیقت بر شما روشن شود،) و راه گناهکاران آشکار گردد. (55)

بگو: «من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، نهی شده‌ام!» بگو: «من از هوی و هوسهای شما، پیروی نمی‌کنم; اگر چنین کنم، گمراه شده‌ام; و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود! س‌ذلّه (56)

بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم; و شما آن را تکذیب کرده‌اید! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دست من نیست !حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می‌کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.» (57)

بگو: «اگر آنچه درباره آن عجله دارید نزد من بود، (و به درخواست شما ترتیب‌اثر می‌دادم، عذاب الهی بر شما نازل می‌گشت;) و کار میان من و شما پایان گرفته بود; ولی خداوند ظالمان را بهتر می‌شناسد (و بموقع مجازات می‌کند.)» (58)

کلیدهای غیب، تنها نزد اوست; و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند; هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است; و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است. (59)

او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می‌گیرد; و از آنچه در روز کرده‌اید، با خبر است; سپس در روز شما را (از خواب) برمی‌انگیزد; و (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا سرآمد معینی فرا رسد; سپس بازگشت شما به سوی اوست; و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید، با خبر می‌سازد. (60)

او بر بندگان خود تسلط کامل دارد; و مراقبانی بر شما می‌گمارد; تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد; (در این موقع،) فرستادگان ما جان او را می‌گیرند; و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان،) کوتاهی نمی‌کنند. (61)

سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، بازمی‌گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست; و او، سریعترین حسابگران است! (62)

بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید; (و می‌گویید:) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می‌بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» (63)

بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می‌دهد; باز هم شما برای او شریك قرار می‌دهید! (و راه کفر می‌پویید.)» (64)

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد; یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد; و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یك از شما بوسیله دیگری بچشاند.» ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)! (65)

قوم و جمعیت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان‌آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان.)» (66)

هر خیری (که خداوند به شما داده،) سرانجام قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام میگیرد.) و بزودی خواهید دانست! (67)

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یادآمدن با این جمعیت ستمگر منشین! (68)

و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست; ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوی پیشه کنند! (69)

و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آنها یادآوری نما، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند! (و در قیامت) جز خدا، نه یاوری دارند، و نه شفاعت‌کننده‌ای! و (چنین کسی) هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد; آنها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که خود انجام داده‌اند; نوشابه‌ای از آب سوزان برای آنهاست; و عذاب دردناکی بخاطر اینکه کفر می‌ورزیدند (و آیات الهی را انکار) می‌کردند. (70)

بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی; و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است; در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند:) به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است; و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (71)

و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.» (72)

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید; و آن روز که (به هر چیز) می‌گوید: «موجود باش!» موجود می‌شود; سخن او، حق است; و در آن روز که در «صور» دمیده می‌شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه. (73)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش (عمویش) «آزر» گفت: «آیا بتهائی را معبودان خود انتخاب می‌کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.» (74)

و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم; (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد. (75)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟ س‌ذلّه اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم !» (76)

و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلما از گروه گمراهان خواهم بود.»(77)

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریکهایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم! (78)

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده; من در ایمان خود خالصم; و از مشرکان نیستم! (79)

ولی قوم او (ابراهیم)، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند; گفت: «آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می‌کنید؟! در حالی که خداوند، مرا با دلایل روشن هدایت کرده; و من از آنچه شما همتای (خدا) قرار می‌دهید، نمی‌ترسم (و به من زیانی نمی رسانند)! مگر پروردگارم چیزی را بخواهد! وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در برمی‌گیرد; آیا متذکر (و بیدار) نمی‌شوید؟! (80)

چگونه من از بتهای شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یك از این دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان)، شایسته‌تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید؟! (81)

(آری،) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرك و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست; و آنها هدایت‌یافتگانند!» (82)

اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم! درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم،) بالا می‌بریم; پروردگار تو، حکیم و داناست. (83)

و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) بخشیدیم; و هر دو را هدایت کردیم; و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم; و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم); این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (84)

و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را; همه از صالحان بودند. (85)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را; و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (86)

و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم. (87)

این، هدایت خداست; که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند! و اگر آنها مشرك شوند، اعمال (نیکی) که انجام داده‌اند، نابود می‌گردد (و نتیجه‌ای از آن نمی‌گیرند). (88)

آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنان دادیم; و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند; زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند. (89)

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده; پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی‌طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یك یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)» (90)

آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: ; س‌خ‌للّهچه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود; 0اما شما) آن را بصورت پراکنده قرارمی‌دهید; قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید; و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید!» بگو: ; س‌خ‌للّهخدا!» سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت‌آمیزشان رها کن، تا بازی کنند! (91)

و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم; کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می‌کند; (آن را فرستادیم تا مردم را به پاداشهای الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) ام‌القری (مکه) و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی! (یقین بدان) آنها که به آخرت ایمان دارند، و به آن ایمان می‌آورند; و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند! (92)

چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می‌کنم»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید»! (به حال آنها تاسف خواهی خورد) (93)

و (روز قیامت به آنها گفته می‌شود:) همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان‌گونه که روز اول شما را آفریدیم! و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سر گذاردید! و شفیعانی را که شریك در شفاعت خود می‌پنداشتید، با شما نمی‌بینیم! پیوندهای شما بریده شده است; و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید، از شما دور و گم شده‌اند! (94)

خداوند، شکافنده دانه و هسته است; زنده را از مرده خارج می‌سازد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد; این است خدای شما! پس چگونه از حق منحرف می‌شوید؟! (95)

او شکافنده صبح است; و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است; این، اندازه‌گیری خداوند توانای داناست! (96)

او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه‌ها(ی خود) را برای کسانی که می‌دانند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم! (97)

او کسی است که شما را از یك نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار; ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند، تشریح نمودیم! (98)

او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم; و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم; و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریك بیرون فرستادیم; و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است! (99)

آنان برای خدا همتایانی از جن قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است; و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند; منزه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند! (100)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است; چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده; و او به همه چیز داناست. (101)

(آری،) این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست; آفریدگار همه چیز است; او را بپرستید و او نگهبان و مدبر همه موجودات است. (102)

چشمها او را نمی‌بینند; ولی او همه چشمها را می‌بیند; و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات،) و آگاه (از همه) چیز است. (103)

دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد; کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست; و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می‌باشد; و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم) (104)

و اینچنین آیات (خود) را تشریح می‌کنیم; بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده‌ای (و آنها را از دیگری آموخته‌ای)»! می‌خواهیم آن را برای کسانی که آماده درك حقایقند، روشن سازیم. (105)

از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن! هیچ معبودی جز او نیست! و از مشرکان، روی بگردان! (106)

اگر خدا می‌خواست، (همه به اجبار ایمان می‌آوردند،) و هیچ يك مشرك نمی‌شدند; و ما تو را مسؤول (اعمال) آنها قرار نداده‌ایم; و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی! (107)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است; و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد). (108)

با نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه‌ای (معجزه‌ای) برای آنان بیاید، حتما به آن ایمان می‌آورند; بگو: «معجزات فقط از سوی خداست (و در اختیار من نیست که به میل شما معجزه‌ای بیاورم); و شما از کجا می‌دانید که هرگاه معجزه‌ای بیاید (ایمان می‌آورند؟ خیر،) ایمان نمی‌آورند!» (109)

و ما دلها و چشمهای آنها را واژگونه می‌سازیم; (آری آنها ایمان نمی‌آورند) همان‌گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند! و آنان را در حال طغیان و سرکشی، به خود وامی‌گذاریم تا سرگردان شوند! (110)

(و حتی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می‌کردیم، و مردگان با آنان سخن می‌گفتند، و همه چیز را در برابر آنها جمع می‌نمودیم، هرگز ایمان نمی‌آوردند; مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی‌دانند! (111)

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم; آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند; و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند; (و می‌توانست جلو آنها را بگیرد; ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار! (112)

نتیجه (وسوسه‌های شیطان و تبلیغات شیطان‌صفتان) این خواهد شد که دلهای منکران قیامت، به آنها متمایل گردد; و به آن راضی شوند; و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! (113)

(با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است; و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده‌ایم می‌دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده; بنابر این از تردیدکنندگان مباش! (114)

و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید; هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد; و او شنونده داناست. (115)

اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند; (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند. (116)

پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته‌اند، آگاهتر است; و همچنین از کسانی که هدایت یافته‌اند. (117)

از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام سر بریدن) بر آن گفته شده، بخورید (و غیر از آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید! (118)

چرا از چیزها (گوشتها)ئی که نام خدا بر آنها برده شده نمی‌خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر اینکه ناچار باشید; (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم، به خاطر هوی و هوس و بی‌دانشی، (دیگران را) گمراه می‌سازند; و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می‌شناسد. (119)

گناهان آشکار و پنهان را رها کنید! زیرا کسانی که گناه می‌کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می‌شدند، مجازات خواهند شد. (120)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است; و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند; اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرك خواهید بود! (121)

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است. (122)

و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم; (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم; اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند;) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند; ولی تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند! (123)

و هنگامی که آیه‌ای برای آنها بیاید، می‌گویند: «ما هرگز ایمان نمی‌آوریم، مگر اینکه همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما هم داده شود!» خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد! بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند،) در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد. (124)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد; و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود; این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد! (125)

و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست; ما آیات خود را برای کسانی که پند می‌گیرند، بیان کردیم! (126)

برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود; و او، ولی و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادند. (127)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور میسازد، (می‌گوید:) ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: س‌خ‌للّه‌پروردگارا! هر یك از ما دو گروه (پیشوایان و پیروان‌گمراه) از دیگری استفاده کردیم; (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم; و آنها بر ما حکومت کردند;) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می‌گوید: «آتش جایگاه شماست; جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست. (128)

ما این‌گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی‌گذاریم به سبب اعمالی که انجام می‌دادند. (129)

(در آن روز به آنها می‌گوید:) ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟! آنها می‌گویند: «بر ضد خودمان گواهی می‌دهیم; (آری،) ما بد کردیم)» و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد; و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند! (130)

این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ‌گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی‌خبری هلاك نمی‌کند. (بلکه قبلا رسولانی برای آنها می‌فرستد.) (131)

و برای هر یك (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند; و پروردگارت از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست. (132)

پروردگارت بی‌نیاز و مهربان است; (پس به کسی ستم نمی‌کند; بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می‌گیرند;) اگر بخواهد، همه شما را می‌برد; سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می‌سازد; همان‌طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد. (133)

آنچه به شما وعده داده می‌شود، یقینا می‌آید; و شما نمی‌توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از عدالت و کیفر او فرار کنید)! (134)

بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می‌کنم; اما بزودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیك خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است! اما) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!» (135)

آنها (مشرکان) سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند; (و سهمی برای بتها!) و بگمان خود گفتند: «این مال خداست! و این هم مال شرکای ما (یعنی بتها) است!» آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی‌رسید; ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می‌رسید! (آری، اگر سهم بتها با کمبودی مواجه می‌شد، مال خدا را به بتها می‌دادند; اما عکس آن را مجاز نمی‌دانستند!) چه بد حکم می‌کنند (که علاوه بر شرك، حتی خدا را کمتر از بتها می‌دانند)! (136)

همین‌گونه شرکای آنها (بتها)، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند; (کودکان خود را قربانی بتها می‌کردند، و افتخار می‌نمودند!) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند; و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند; (زیرا می‌توانست جلو آنان را بگیرد; ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار (وبه آنها اعتنا مکن)! (137)

و گفتند: «این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است; و جز کسانی که ما بخواهیم -به گمان آنها- نباید از آن بخورند! و (اینها) چهارپایانی است که سوارشدن بر آنها (بر ما) حرام شده است!» و (نیز) چهارپایانی (بود) که (هنگام ذبح،) نام خدا را بر آن نمی‌بردند، و به خدا دروغ می‌بستند; (و می‌گفتند: «این احکام، همه از ناحیه اوست.») بزودی (خدا) کیفر افتراهای آنها را می‌دهد! (138)

و گفتند: «آنچه (از بچه) در شکم این حیوانات است، مخصوص مردان ماست; و بر همسران ما حرام است! اما اگر مرده باشد (مرده متولد شود)، همگی در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر این توصیف (و احکام دروغین) آنها را می‌دهد; او حکیم و داناست. (139)

به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند; (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند; و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند; و (هرگز) هدایت نیافته بودند. (140)

اوست که باغهای معروش (باغهایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد)، و باغهای غیرمعروش (باغهایی که نیاز به داربست ندارد) را آفرید; همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند; و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند; (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می‌باشد.) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (141)

(او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچك (برای منافع دیگر) آفرید; از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست! (142)

هشت جفت از چهارپایان (برای شما) آفرید; از میش دو جفت، و از بز دو جفت; بگو: «آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده، یا ماده‌ها را؟ یا آنچه شکم ماده‌ها در برگرفته؟ اگر راست می‌گویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، به من خبر دهید!» (143)

و از شتر یك جفت، و از گاو هم یك جفت (برای شما آفرید); بگو: «کدامیك از اینها را خدا حرام کرده است؟ نرها یا ماده‌ها را؟ یا آنچه را شکم ماده‌ها دربرگرفته؟ یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع توصیه کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد ، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی‌کند» (144)

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم; بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوك -که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا (نام بتها) بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطر (به خوردن این محرمات) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست); زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است. (145)

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن‌دار (حیواناتی که سم یکپارچه دارند) را حرام کردیم; و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم; مگر چربیهایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است; این را بخاطر ستمی که می‌کردند به آنها کیفر دادیم; و ما راست می‌گوییم. (146)

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده‌ای دارد; اما مجازات او هم‌از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است) (147)

بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرك می‌شدیم و نه پدران ما; و نه چیزی را تحریم می‌کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می‌گفتند; و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید، و تخمینهای نابجا می‌زنید.» (148)

بگو: «دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند. (ولی چون هدایت اجباری بی‌ثمر است، این کار را نمی‌کند.)» (149)

بگو: «گواهان خود را، که گواهی می‌دهند خداوند اینها را حرام کرده است، بیاورید!» اگر آنها (بدروغ) گواهی دهند، تو با آنان (همصدا نشو! و) گواهی نده! و از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریك قائلند، پیروی مکن! (150)

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریك خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم; و نزدیك کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق); این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درك کنید! (151)

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیك نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید! -هیچ کس را، جز بمقدار تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم- و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید! (152)

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» (153)

سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم; (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم; و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، درآن) روشن ساختیم; کتابی که مایه هدایت و رحمت بود; شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند! (154)

و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم; از آن پیروی کنید،و پرهیزگاری پیشه نمائید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار گیرید! (155)

(ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگویید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما (یهود و نصاری) نازل شده بود; و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم»! (156)

یا نگویید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می‌شد، از آنها هدایت یافته‌تر بودیم»! اینك آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان، و هدایت و رحمت برای شما آمد! پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟! اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، بخاطر همین اعراض بی‌دلیلشان، مجازات شدید خواهیم کرد! (157)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان‌آوردن افرادی که قبلا ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،) انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!» (158)

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست; سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند. (159)

هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید; و ستمی بر آنها نخواهد شد. (160)

بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده; آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا); آیین ابراهیم; که از آیینهای خرافی روی برگرداند; و از مشرکان نبود.» (161)

بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (162)

همتایی برای او نیست; و به همین مامور شده‌ام; و من نخستین مسلمانم!» (163)

بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد; و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود; سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است; و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد. (164)

و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید; به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می‌دهد; و نسبت به حق پویان مهربان است.) (165)

سوره الاعراف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

المص (1)

این کتابی است که بر تو نازل شده; و نباید از ناحیه آن، ناراحتی در سینه داشته باشی! تا به وسیله آن، (مردم را از عواقب سوء عقاید و اعمال نادرستشان) بیم دهی; و تذکری است برای مؤمنان. (2)

از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می‌شوید! (3)

چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاك کردیم!و عذاب ما شب‌هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. (4)

و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز اینکه گفتند:«ما ظالم بودیم! س‌ذللّه (ولی این اعتراف به گناه، دیگر دیر شده بود; و سودی به حالشان نداشت.) (5)

به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد; (و هم) از پیامبران سؤال می‌کنیم! (6)

و مسلما (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد; و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا حاضر و ناظر اعمال بندگان هستیم)! (7)

وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! (8)

و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبك است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، بخاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می‌کردند، از دست داده‌اند. (9)

ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم; و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم; اما کمتر شکرگزاری می‌کنید! (10)

ما شما را آفریدیم; سپس صورت بندی کردیم; بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید! » آنها همه سجده کردند; جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود. (11)

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم; مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» (12)

گفت: «از آن (مقام و مرتبه‌ات) فرود آی! تو حق نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبر کنی! بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی! (13)

گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» (14)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!» (15)

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم! (16)

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم; و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» (17)

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می‌کنم! (18)

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیك نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» (19)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد; و گفت:
س‌خ‌للّه‌پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» (20)

و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. (21)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (عورتشان) بر آنها آشکار شد; و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! ونگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (22)

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!» (23)

فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آیید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود.» (24)

فرمود: «در آن (زمین) زنده می‌شوید; و در آن می‌میرید; و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.» (25)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست; اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتهای او) شوند! (26)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید; (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند! (27)

و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: «پدران خود را بر این عمل یافتیم; و خداوند ما را به آن دستور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟!» (28)

بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است; و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی‌گردید! (29)

جمعی را هدایت کرده; و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند،) گمراهی بر آنها مسلم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند; و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند! (30)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! (31)

بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند; (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند; ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم! (32)

بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است; و (همچنین) گناه و ستم بناحق را; و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریك او قرار دهید; و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی‌دانید.» (33)

برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است; و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تاخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند. (34)

ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید;) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناك می شوند. (35)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند; جاودانه در آن خواهند ماند. (36)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می‌بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می‌برند; تا زمانی که فرستادگان ما (فرشتگان قبض ارواح) به سراغشان روند و جانشان را بگیرند; از آنها می‌پرسند: «کجایند معبودهایی که غیر از خدا می‌خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی‌آیند؟!)» می‌گویند: «آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند!)» و بر ضد خود گواهی می‌دهند که کافر بودند! (37)

(خداوند به آنها) می‌گوید: «در صف گروه‌های مشابه خود از جن و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را لعن می‌کنند; تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می‌گویند: «خداوندا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند; پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می‌فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است; ولی نمی‌دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.)» (38)

و پیشوایان آنها به پیروان خود می‌گویند: «شما امتیازی بر ما نداشتید; پس بچشید عذاب (الهی) را در برابر آنچه انجام می‌دادید! (39)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود; و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم! (40)

برای آنها بستری از (آتش) دوزخ، و روی آنها پوششهایی (از آن) است; و اینچنین ظالمان را جزا میدهیم! (41)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادهاند -البته هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمیکنیم- آنها اهل بهشتند; و جاودانه در آن خواهند ماند. (42)

و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمیکنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند); و از زیر (قصرها و درختان) آنها، نهرها جریان دارد; میگویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد; و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمییافتیم! مسلما فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!» و (در این هنگام) به آنان ندا داده میشود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام میدادید، به ارث بردید!» (43)

و بهشتیان دوزخیان را صدا میزنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم; آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» در این هنگام، ندادهندهایدر میان آنها ندا میدهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد! (44)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمیدارند، و (با القای شبهات) میخواهند آن را کج و معوج نشان دهند; و آنها به آخرت کافرند!» (45)

و در میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان)، حجابی است; و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یك از آن دو را از چهرهشان میشناسند; و به بهشتیان صدا میزنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمیشوند، در حالی که امید آن را دارند. (46)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان میافتد میگویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» (47)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را میشناسند، صدا میزنند و میگویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!» (48)

آیا اینها (این واماندگان بر اعراف) همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید; هم اکنون به آنها گفته میشود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناك میشوید! (49)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا میزنند که: «(محبت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) میگویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!» (50)

همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند; و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت; امروز ما آنها را فراموش میکنیم، همان گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند. (51)

ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم; (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان میآورند. (52)

آیا آنها جز انتظار تاویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تاویل آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد; و) کسانی که قبلا آن را فراموش کرده بودند میگویند: «فرستادگان پروردگار

ما، حق را آوردند; آیا (امروز) شفیعانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند; و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان :گم می‌شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفیعانی!) (53)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید; سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت; با (پرده تاریك) شب، روز را می پوشاند; و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است; و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او)ست! پر برکت (و زوال‌ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (54)

پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی‌دارد! (55)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیك است! (56)

او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد; تا ابرهای سنگین‌بار را (بر دوش) کشند; (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می‌فرستیم; و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می‌کنیم; و با آن، از هرگونه میوه‌ای (از خاك تیره) بیرون می‌آوریم; این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم،) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید! (57)

سرزمین پاکیزه 0و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید; اما سرزمینهای بد طینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید; این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم! (58)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم; او به آنان گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! (و اگر غیر او را عبادت کنید،) من بر شما از عذاب روز بزرگی می‌ترسم!» (59)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!» (60)

گفت: «ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست; ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم! (61)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم; و خیرخواه شما هستم; و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (62)

آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور،) پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟! (63)

اما سرانجام او را تکذیب کردند; و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم; و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم; چه اینکه آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند. (64)

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟!» (65)

اشراف کافر قوم او گفتند: «ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبك مغزی) می‌بینیم، و ما مسلما تو را از دروغگویان می‌دانیم!» (66)

گرفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاهتی در من نیست; ولی فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم. (67)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم; و من خیرخواه امینی برای شما هستم. (68)

آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد; و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد; پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!» (69)

گفتند: «آیا به سراغ ما آمده‌ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما می‌پرستند، رها کنیم؟! پس اگر راست می‌گوئی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بیاور»! (70)

گفت: «پلیدی و غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نامهایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان 0بعنوان معبود و خدا، بر بتها) گذارده‌اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم! (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)» (71)

سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم; و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم! (72)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه‌ای است; او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت! (73)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید; و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!» (74)

(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان ماموریت یافته، ایمان آورده‌ایم.» (75)

متکبران گفتند: «(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم!» (76)

سپس «ناقه» را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند; و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور!» (77)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت; و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جانشان در خانه‌هاشان باقی مانده بود. (78)

(صالح) از آنها روی برتافت; و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!» (79)

و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچیك از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! (80)

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید! (81)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما همصدا نیستند!)» (82)

(چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم; جز همسرش، که از بازماندگان (در شهر) بود. (83)

و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم; (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! (84)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم); گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است; بنابر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (85)

و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید، و با (القای شبهات،) آن را کج و معوج نشان دهید! و به خاطر بیاورید زمانی را که اندك بودید، و او شما را فزونی داد! و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود! (86)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند، و گروهی ایمان نیاورده‌اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است! (87)

اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید) اگر چه مایل نباشیم؟! (88)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم; و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد; علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!» (89)

اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد!» (90)

سپس زمین لرزه آنها را فرا گرفت; و صبحگاهان بصورت اجسادی بی‌جان در خانه‌هاشان مانده بودند. (91)

آنها که شعیب را تکذیب کردند، (آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه‌ها) سکونت نداشتند! آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکار بودند! (92)

سپس از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم; با این حال، چگونه بر حال قوم بی‌ایمان تاسف بخورم؟!» (93)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم; شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! (94)

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم; آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند،) و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم;) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی‌فهمیدند. (95)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم; ولی (آنها حق را) تکذیب کردند; ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. (96)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟! (97)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! (98)

آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند! (99)

آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می‌شوند، عبرت نمی‌گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاك می‌کنیم، و بر دلهایشان مهر می‌نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟! (100)

اینها، شهرها و آبادیهایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می‌دهیم; پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند; (ولی آنها چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلا تکذیب کرده بودند، ایمان نمی‌آوردند! این‌گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می‌نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه گناه، حس تشخیصشان را سلب می‌کند)! (101)

و بیشتر آنها را بر سر پیمان خود نیافتیم; (بلکه) اکثر آنها را فاسق و گنهکار یافتیم! (102)

سپس بدنبال آنها (پیامبران پیشین) موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم; اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. ببین عاقبت مفسدان چگونه بود! (103)

و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. (104)

سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده‌ام; پس بنی اسرائیل را با من بفرست!» (105)

(فرعون) گفت: «اگر نشانه‌ای آورده‌ای، نشان بده اگر از راستگویانی!» (106)

(موسی) عصای خود را افکند; ناگهان اژدهای آشکاری شد! (107)

و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد; سفید (و درخشان) برای بینندگان بود! (108)

اطرافیان فرعون گفتند: «بی‌شك، این ساحری ماهر و دانا است! (109)

می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند; (نظر شما چیست، و) در برابر او چه دستوری دارید؟» (110)

(سپس به فرعون) گفتند: «(کار) او و برادرش را به تاخیر انداز، و جمع‌آوری‌کنندگان را به همه شهرها بفرست... (111)

تا هر ساحر دانا (و کارآزموده‌ای) را به خدمت تو بیاورند!» (112)

ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟ !» (113)

گفت: «آری، و شما از مقربان خواهید بود!» (114)

(روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحرت را) بیفکن، یا ما می‌افکنیم!» (115)

گفت: «شما بیفکنید!» و هنگامی (که وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم‌بندی کردند و ترساندند; و سحر عظیمی پدید آوردند. (116)

(ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان (بصورت مار عظیمی در آمد که) وسایل دروغین آنها را بسرعت برمی‌گرفت. (117)

(در این هنگام،) حق آشکار شد; و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. (118)

و در آنجا (همگی) مغلوب شدند; و خوار و کوچك گشتند. (119)

و ساحران (بی‌اختیار) به سجده افتادند. (120)

و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم; (121)

پروردگار موسی و هارون!» (122)

فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتما این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار) چیده‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید; ولی بزودی خواهید دانست! (123)

سوگند می‌خورم که دستها و پاهای شما را بطور مخالف (دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست) قطع می‌کنم; سپس همگی را به دار می‌آویزم! (124)

(ساحران) گفتند: «(مهم نیست،) ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم! (125)

انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش -هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!» (126)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می‌کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم (تا به ما خدمت کنند); و ما بر آنها کاملا مسلطیم!» (127)

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند; و سرانجام (نیك) برای پرهیزکاران است!» (128)

گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاك کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می‌کنید!» (129)

و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند! (130)

(اما آنها نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنها می‌رسید، می‌گفتند: س‌خ‌للّه‌بخاطر خود ماست.» ولی موقعی که بدی (و بلا) به آنها می‌رسید، می‌گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست»! آگاه باشید سرچشمه همه اینها، نزد خداست; ولی بیشتر آنها نمی‌دانند! (131)

و گفتند: «هر زمان نشانه و معجزه‌ای برای ما بیاوری که سحرمان کنی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم!» (132)

سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم:) طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را -که نشانه‌هایی از هم جدا بودند- بر آنها فرستادیم; (ولی باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیت گنهکاری بودند! (133)

هنگامی که بلا بر آنها مسلط می‌شد، می‌گفتند: «ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعا به تو ایمان می‌آوریم، وبنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!» (134)

اما هنگامی که بلا را، پس از مدت معینی که به آن می‌رسیدند، از آنها برمی‌داشتیم، پیمان خویش را می‌شکستند! (135)

سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم; زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (136)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم; و وعده نیك پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت; و آنچه فرعون

و فرعونیان (از کاخهای مجلل) می‌ساختند، و آنچه از باغهای داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم! (137)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم; (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: س‌خ‌للّهتو هم برای ما معبودی قرار ده، همان‌گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: س‌خ‌للّهشما جمعیتی جاهل و نادان هستید! (138)

اینها (را که می‌بینید)، سرانجام کارشان نابودی است; و آنچه انجام می‌دهند، باطل (و بیهوده) است. (139)

(سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، مبعودی برای شما بطلبم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (140)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می‌گذاشتند; و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود. (141)

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم; سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم; به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» (142)

و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاك قرار داد; و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!» (143)

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن‌گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم; پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر و از شکرگزاران باش!» (144)

و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم; و بیانی از هر چیز کردیم -«پس آن را با جدیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است;) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!» (145)

بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند; اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند; و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند! (146)

و کسانی که آیات، و دیدار رستاخیز را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود می گردد; آیا جز آنچه را عمل می‌کردند پاداش داده می‌شوند؟! (147)

قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند; جسد بی‌جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی‌کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند! (148)

و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد، و دیدند گمراه شده‌اند، گفتند: «اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، بطور قطع از زیانکاران خواهیم بود!» (149)

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناك به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا درمورد فرمان پروردگارتان (و تمدید مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!)» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید; او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند; و نزدیك بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!» (150)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربانترین مهربانانی!» (151)

کسانی که گوساله را (معبود خود) قرار دادند، بزودی خشم پروردگارشان، و ذلت در زندگی دنیا به آنها می‌رسد; و اینچنین، کسانی را که (بر خدا) افترا می‌بندند، کیفر می دهیم! (152)

و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند; زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است. (153)

هنگامی که خشم موسی فرو نشست; الواح (تورات) را برگرفت; و در نوشته‌های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می‌ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند). (154)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید; و هنگامی که زمین‌لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاك شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می‌خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاك کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده‌اند، (مجازات و) هلاك می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست; که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی)، به وسیله آن گمراه می‌سازی; و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می‌کنی! تو ولی مایی، و ما را بیامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی! (155)

و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما; چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم! «(خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت:» مجازاتم را به هر کس بخواهم می‌رسانم; و رحمتم همه چیز را فراگرفته; و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت! (156)

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند; پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند; آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد; اشیار پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند; و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند. (157)

بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم; همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست; معبودی جز او نیست; زنده می‌کند و می‌میراند; پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد; و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!» (158)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند; و به حق و عدالت حکم می‌نمایند. (159)

ما آنها را به دوازده گروه -که هر یك شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست; آنچنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم; و بر آنها «من» و «سلوی» فرستادیم; (و به آنان گفتیم:) از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند; ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند. (160)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر (بیت المقدس) ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بریز! و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشم; و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.» (161)

اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند; از این‌رو بخاطر ستمی که روا میداشتند، بلایی از آسمان بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم). (162)

و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می‌کردند; همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب،) آشکار می‌شدند; اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی‌آمدند; این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند! (163)

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاك خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «(این اندرزها،) برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شماست; بعلاوه شاید آنها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!» (164)

اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید; و) نهی‌کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم; و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (165)

(آری،) هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمونهایی طردشده در آیید!» (166)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد; زیرا پروردگارت مجازاتش سریع، (و در عین حال، نسبت به توبه‌کاران) آمرزنده و مهربان است. (167)

و آنها را در زمین بصورت گروه‌هایی، پراکنده ساختیم; گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند. و آنها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند! (168)

پس از آنها، فرزندانی جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند; (اما با این حال،) متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند) و می‌گویند: س‌خ‌لله(اگر ما گنهکاریم توبه می‌کنیم و) بزودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می‌گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می‌افکنند.) آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنرا خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیانمی‌فهمید؟! (169)

و آنها که به کتاب (خدا) تمسك جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت; زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد! (170)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می‌آمد; (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم:) آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده‌ایم، با قوت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید،) تا پرهیزگار شوید! (171)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت; و آنها را گواه بر خویشتن ساخت; (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم; (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)»! (172)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرك بودند، ما هم فرزندانی بعد از آنها بودیم; (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم;) آیا ما را به آنچه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!» (173)

این گونه، آیات را توضیح می‌دهیم; و شاید به سوی حق بازگردند (و بدانند ندای توحید در درون جانشان، از روز نخست بوده است)! (174)

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم; ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد! (175)

و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می‌بردیم; (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست; پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند; (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود! (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند; این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)! (176)

چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند; و آنها تنها به خودشان ستم می‌نمودند! (177)

آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست; و کسانی را که (بخاطر اعمالشان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی) آنها هستند! (178)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم; آنها دلها (عقلها)یی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند; و چشمانی که با آن نمی‌بینند; و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند; آنها همچون چهارپایانند; بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)! (179)

و برای خدا، نامهای نیك است; خدا را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند (و بر غیر او می‌نهند، و شریك برایش قائل می‌شوند)، رها سازید! آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند، می‌بینند! (180)

و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می‌کنند، و بحق اجرای عدالت می‌نمایند. (181)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جائی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. (182)

و به آنها مهلت می‌دهم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد); زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست.) (183)

آیا فکر نکردند که همنشین آنها (پیامبر) هیچگونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می‌دهند؟!) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می‌سازد). (184)

آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیك شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! (185)

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد; و آنها را در طغیان و سرکشی‌شان رها می‌سازد، تا سرگردان شوند! (186)

درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی فرامی‌رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است; و هیچکس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد; (اما قیام قیامت، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است; و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید!» (باز) از تو سؤال می‌کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (187)

بگو: «من مالك سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد; (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند;) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی‌رسید; من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام برای گروهی که ایمان می‌آورند! (و آماده پذیرش حقند) (188)

او خدایی است که (همه) شما را از یك فرد آفرید; و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبك برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد; و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند سخ‌للّهاگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» (189)

اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند; و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند; خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند! (190)

آیا موجوداتی را همتای او قرارمی‌دهند که چیزی را نمی‌آفرینند، و خودشان مخلوقند. (191)

و نمی‌توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌دهند. (192)

و هرگاه آنها را به سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند; و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! (193)

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند; آنها را بخوانید، و اگر راست می‌گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)! (194)

آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هیچکدام،) بگو: «(اکنون که چنین است،) بتهای خویش را که شریك خدا قرار داده‌اید (بر ضد من) بخوانید، و برای من نقشه بکشید، و لحظه‌ای مهلت ندهید، (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)! (195)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده; و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند. (196)

و آنهایی را که جز او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند; (197)

و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی‌شنوند! و آنها را می‌بینی (که با چشمهای مصنوعیشان) به تو نگاه می‌کنند، اما در حقیقت نمی‌بینند!» (198)

(به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)! (199)

و هرگاه‌وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر; که او شنونده و داناست! (200)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند; و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. (201)

و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می‌برند، و باز نمی‌ایستند! (202)

هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتد، و) آیه‌ای برای آنان نیاوری، می‌گویند: «چرا خودت (از پیش خود) آن را برنگزیدی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود; این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند. (203)

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید; شاید مشمول رحمت خدا شوید! (204)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن; و از غافلان مباش! (205)

آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هیچگاه) از عبادتش تکبر نمی‌ورزند، و او را تسبیح می‌گویند، و برایش سجده می‌کنند. (206)

سوره الانفال

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

از تو درباره انفال (غنایم، و هرگونه مال بدون مالك مشخص) سؤال می‌کنند ; بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است; پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومتهایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید! (1)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان میگردد; و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد; و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. (2)

آنها که نماز را برپا می‌دارند; و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (3)

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند; برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است; و برای آنها، آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است. (4)

همان‌گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر،) بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (;ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)! (5)

آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند; (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آن را با چشم خود می‌نگرند! (6)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها) نصیب شما خواهد بود; و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید); ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند; (از این رو شما را بر خلاف میلتان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.) (7)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند. (8)

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمك می‌خواستید; و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم. (9)

ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد; وگرنه، پیروزی جز از طرف خدا نیست; خداوند توانا و حکیم است! (10)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت; و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاك کند; و پلیدی شیطان را از شما دور سازد; و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد! (11)

و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم; کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می‌افکنم; ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید! (12)

این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش (ص) دشمنی ورزیدند; و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می‌بیند;) و خداوند شدید العقاب است! (13)

این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران، مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود! (14)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه‌رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)! (15)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد; و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! (16)

این شما نبودید که آنها را کشتید; بلکه خداوند آنها را کشت! واین تو نبودی (ای پیامبر که خاك و سنگ به صورت آنها) انداختی; بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند; خداوند شنوا و داناست. (17)

سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست‌کننده نقشه‌های کافران است. (18)

اگر شما فتح و پیروزی می‌خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد! و اگر (از مخالفت) خودداری کنید، برای شما بهتر است! و اگر بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت; و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری خدا) بی‌نیاز نخواهد کرد; و خداوند با مؤمنان است! (19)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید; و سرپیچی ننمایید در حالی که (سخنان او را) می‌شنوید! (20)

و همانند کسانی نباشید که می‌گفتند: «شنیدیم!» ولی در حقیقت نمی‌شنیدند! (21)

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند. (22)

و اگر خداوند خیری در آنها می‌دانست، (حرف حق را) به گوش آنها می‌رساند; ولی (با این حال که دارند،) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و روگردان می‌شوند. (23)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت‌کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید! (24)

و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد; (بلکه همه را فرا خواهد گرفت; چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد! (25)

و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچك و اندك و زبون بودید; آنچنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد; و با یاری خود تقویت کرد; و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت; شاید شکر نعمتش را بجا آورید! (26)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)! (27)

و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است; و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست! (28)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرارمی‌دهد; (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت;) و گناهانتان را می‌پوشاند; و شما را می‌زمرزد; و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است! (29)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) خارج سازند; آنها چاره می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند)، و خداوند هم تدبیر می‌کرد; و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (30)

و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «شنیدیم; (چیز مهمی نیست;) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می‌گوییم; اینها همان افسانه‌های پیشینیان است!» (ولی دروغ می‌گویند، و هرگز مثل آن را نمی‌آورند.) (31)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آر! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (32)

ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد; و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند. (33)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگارانند; ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (34)

(آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن س‌ذللّه «کف زدن» نبود; پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (35)

آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند; آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اند، در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد; و سپس شکست خواهند خورد; و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (36)

(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاك را از پاك جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد; و اینها هستند زیانکاران! (37)

به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند،) گذشته آنها بخشوده خواهد شد; و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می‌شود (;و حکم نابودی آنان صادر می‌گردد). (38)

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه (شرك و سلب آزادی) برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها (از راه شرك وفساد بازگردند، و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آنها را می‌پذیرد;) خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (39)

و اگر سرپیچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی‌رسانند;) خداوند سرپرست شماست! چه سرپرست خوبی! و چه یاور خوبی! (40)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) (روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید; و خداوند بر هر چیزی تواناست! (41)

در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا; (و دشمن بر شما برتری داشت;) و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود; (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می‌گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، در انجام وعده خود اختلاف می‌کردید; ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد; تا آنها که هلاك (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد; و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند) ، از روی دلیل روشن باشد; و خداوند شنواو داناست. (42)

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد; و اگر فراوان نشان می‌داد، مسلما سست می‌شدید; و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می‌کشید; ولی خداوند (شما را از شر اینها) سالم نگه داشت; خداوند به آنچه درون سینه‌هاست، داناست. (43)

و در آن هنگام (که در میدان نبرد،) با هم روبه‌رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می‌داد; و شما را (نیز) به چشم آنها کم می‌نمود; تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد; (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می‌گردد. (44)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! (45)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (46)

و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به (سوی میدان بدر) بیرون آمدند; و (مردم را) از راه خدا بازمی‌داشتند; (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می‌کنند، احاطه (و آگاهی) دارد! (47)

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان جلوه داد، و گفت: س‌خ‌للّهامروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد! و من، همسایه (و پناه‌دهنده) شما هستم!» اما هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما

(دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید; من از خدا می‌ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (48)

و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دلهایشان بیماری است می‌گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (آنها نمی‌دانستند که) هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می‌گردد;) خداوند قدرتمند و حکیم است! (49)

و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند:) بچشید عذاب سوزنده را (،به حال آنان تاسف خواهی خورد)! (50)

این، در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده‌اید; و خداوند نسبت به بندگانش، هرگز ستم روا نمی‌دارد! (51)

(حال این گروه مشرکان،) همانند حال نزدیکان فرعون، و کسانی است که پیش از آنان بودند; آنها آیات خدا را انکار کردند; خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد; خداوند قوی، و کیفرش شدید است (52)

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد; جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند; و خداوند، شنوا و داناست! (53)

این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند; آیات پروردگارشان را تکذیب کردند; ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاك کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم; و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند! (54)

به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند. (55)

همان کسانی که با آنها پیمان بستی; سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند; و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند. (56)

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که جمعیتهایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند; شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند)! (57)

و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است; زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد! (58)

آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده‌اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته‌اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد! (59)

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! (60)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی; و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست! (61)

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است; او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد... (62)

و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است! (63)

ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای حمایت تو کافی است (;فقط بر آنها تکیه کن)! (64)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند; و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند; چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند! (65)

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است; بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند; و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است! (66)

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملا بر آنها پیروز گردد (;و جای پای خود را در زمین محکم کند)! شما متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید; (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیه آزاد کنید; ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می‌خواهد; و خداوند قادر و حکیم است! (67)

اگر فرمان سابق خدانبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی (اسیرانی) که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می‌رسید. (68)

از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید; و از خدا بپرهیزید; خداوند آمرزنده و مهربان است! (69)

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما بداند، (و نیات پاکی داشته باشید،) بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد; و شما را می‌بخشد; و خداوند آمرزنده و مهربان است!» (70)

اما اگر بخواهند با تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند; و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد; خداوند دانا و حکیم است! (71)

کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند; و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت (دوستی و تعهدی) در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترك مخاصمه) است; و خداوند به‌آنچه عمل می‌کنید، بیناست! (72)

کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند; اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد. (73)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند; برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است. (74)

و کسانی که بعدا ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند; و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند; خداوند به همه چیز داناست. (75)

سوره التوبه

(این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته‌اید!(1)

با این حال، چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین سیر کنید (و هر جا می‌خواهید بروید، و بیندیشید)! و بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید، (و از قدرت او فرار کنید! و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است! (2)

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناك بشارت ده! (3)

مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت ننمودند; پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید; زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (4)

(اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید; و آنها را اسیر سازید; و محاصره کنید; و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید; زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! (5)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند! (6)

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید; (و پیمان خود را محترم شمردند;) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (7)

چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می‌کنند، ولی دلهایشان ابا دارد; و بیشتر آنها فرمانبردار نیستند! (8)

آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند; و (مردم را) از راه او باز داشتند; آنها اعمال بدی انجام می‌دادند! (9)

(نه تنها درباره شما،) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند; و آنها همان تجاوز کارانند! (10)

(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند;و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، شرح می‌دهیم! (11)

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید; چرا که آنها پیمانی ندارند; شاید (با شدت عمل) دست بردارند! (12)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟ ! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند; آیا از آنها می‌ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید! (13)

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند; و آنان را رسوا می‌سازد; و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد(; و بر قلب آنها مرهم می‌نهد) (14)

و خشم دلهای آنان را از میان می‌برد! و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد; و خداوند دانا و حکیم است. (15)

آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نشده‌اند؟! (باید آزمون شوید; و صفوف از هم جدا گردد;) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است! (16)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده; و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند! (17)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد; امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند. (18)

آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟!(این دو،) نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند! (19)

آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است; و آنها پیروز و رستگارند! (20)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند; (21)

همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود; زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است! (22)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی (و یار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند! (23)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند; و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی‌کند! (24)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید); و در روز حنین (نیز یاری نمود); در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده; سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید! (25)

سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد; و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید; و کافران را مجازات کرد; و این است جزای کافران! (26)

سپس خداوند -بعد از آن- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد; و خداوند آمرزنده و مهربان است. (27)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند; پس نباید بعد از امسال، نزدیك مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد; (و از راه دیگر جبران می‌کند;) خداوند دانا و حکیم است. (28)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند! (29)

یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست!» این سخنی است که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است; خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می‌یابند؟! (30)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را; در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاك و منزه است از آنچه همتایش قرار می‌دهند! (31)

آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند; ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (32)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (33)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می‌خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (34)

در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می‌کنند; (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید! (35)

تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است; که چهار ماه از آن، ماه حرام است; (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد.) این، آیین ثابت و پابرجا(ی الهی) است! بنابر این، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید)! و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند; و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (36)

نسیء (جا به جا کردن و تاخیر ماه‌های حرام)، افزایشی در کفر (مشرکان)است; که با آن، کافران گمراه می‌شوند; یك سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا به مقدار ماه‌هایی که خداوند تحریم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد); و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده; و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند! (37)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست! (38)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می‌کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرارمی‌دهد; و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید; و خداوند بر هر چیزی تواناست! (39)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد; (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت;) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یك نفر بیشتر همراه نداشت); در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می‌گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد; و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود; و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت;) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز)است; و خداوند عزیز و حکیم است! (40)

(همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید; سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید; این برای شما بهتر است اگر بدانید! (41)

(اما گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیك (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می‌کنند; ولی (اکنون که برای میدان تبوك،) راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سرباز می‌زنند;) و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می‌کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاك می‌کنند; و خداوند می‌داند آنها دروغگو هستند! (42)

خداوند تو را بخشید; چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می‌کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!) (43)

آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ گاه برای ترك جهاد (در راه خدا) با اموال و جانهایشان، از تو اجازه نمی‌گیرند; و خداوند پرهیزگاران را می‌شناسد. (44)

تنها کسانی از تو اجازه (این کار را) می‌گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و دلهایشان با شك و تردید آمیخته است; آنها در تردید خود سرگردانند. (45)

اگر آنها (راست می‌گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند! ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت; از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد; و) آنها را (از جهاد) باز داشت; و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید!» (46)

اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند; و بسرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند; و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملا گوش فرامی‌دهند; و خداوند، ظالمان را می‌شناسد. (47)

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه‌انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند); تا آن که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراهت داشتند. (48)

بعضی از آنها می‌گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن»! آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند; و جهنم، کافران را احاطه کرده است! (49)

هرگاه نیکی به تو رسد، آنها را ناراحت می‌کند; و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته‌ایم.» و بازمی‌گردند در حالی که خوشحالند! (50)

بگو: «هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است; او مولا (و سرپرست) ماست; و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!» (51)

بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟!(: یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم!» (52)

بگو: «انفاق کنید; خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود; چرا که شما قوم فاسقی بودید!» (53)

هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی‌آورند جز با کسالت، و انفاق نمی‌کنند مگر با کراهت! (54)

و (فزونی) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد; خدا می‌خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند! (55)

آنها به خدا سوگند می‌خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند; ولی آنها گروهی هستند که می‌ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می‌گویند)! (56)

اگر پناهگاه یا غارها یا راهی در زیر زمین بیابند، بسوی آن حرکت می‌کنند، و با سرعت و شتاب فرار می‌کنند. (57)

و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده میگیرند; اگر از آن (غنایم، سهمی) به آنها داده شود، راضی می‌شوند; و اگر داده نشود، خشم می‌گیرند (;خواه حق آنها باشد یا نه)! (58)

(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و بزودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می‌بخشند; ما تنها رضای او را می‌طلبیم. » (برای آنها بهتر است)! (59)

زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه; این، یك فریضه (مهم) الهی است; و خداوند دانا و حکیم است! (60)

از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او آدم خوش‌باوری است!» بگو: «خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد; و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند; و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند! (61)

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند; در حالی که شایسته‌تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند، اگر ایمان دارند! (62)

آیا نمی‌دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است; جاودانه در آن می‌ماند؟! این، همان رسوایی بزرگ است! (63)

منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می‌سازد!» (64)

و اگر از آنها بپرسی(: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»)، می‌گویند: «ما بازی و شوخی می‌کردیم!» بگو:« آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟!» (65)

(بگو:) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است; چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد; زیرا مجرم بودند! (66)

مردان منافق و زنان منافق، همه از یك گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند; و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می‌بندند; خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (،و رحمتش را از آنها قطع نمود); به یقین، منافقان همان فاسقانند! (67)

خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده; جاودانه در آن خواهند ماند -همان برای آنها کافی است!- و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته; و عذاب همیشگی برای آنهاست! (68)

(شما منافقان،) همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند; بلکه) آنها از شما نیرومندتر، و اموال و فرزندانشان بیشتر بود! آنها از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند; شما نیز از بهره خود، (در این راه) استفاده کردید، همان گونه که آنها استفاده کردند; شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آنها فرو رفتند; (ولی سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد; و آنها همان زیانکارانند! (69)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» (قوم شعیب) و «شهرهای زیر و رو شده» (قوم لوط); پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند;) خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند! (70)

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند; امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند; نماز را برپا می‌دارند; و زکات را می‌پردازند; و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند; بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی‌دهد; خداوند توانا و حکیم است! (71)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است; جاودانه در آن خواهند ماند; و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته); و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است; و پیروزی بزرگ، همین است! (72)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است; و چه بد سرنوشتی دارند! (73)

به خدا سوگند می‌خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته‌اند; در حالی که قطعا سخنان کفرآمیز گفته‌اند; و پس از اسلام‌آوردنشان، کافر شده‌اند; و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این انتقام می‌گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی‌نیاز ساختند! (با این حال،) اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است; و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد; و در سراسر زمین، نه ولی و حامی دارند، و نه یاوری! (74)

بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعا صدقه خواهیم داد; و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» (75)

اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! (76)

این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند; و بخاطر آن است که دروغ می‌گفتند. (77)

آیا نمی‌دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می‌داند; و خداوند دانای همه غیبها (و امور پنهانی) است؟! (78)

آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیبجویی می‌کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آنها را مسخره می‌کند; (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می‌دهد;) و برای آنها عذاب دردناکی است! (79)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند; و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند! (80)

تخلف‌جویان (از جنگ تبوك،) از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند; و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند; و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرما، (بسوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرمتر است!» اگر می‌دانستند! (81)

از این‌رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند! (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است که انجام می‌دادند! (82)

هرگاه خداوند تو را بسوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازه خروج (بسوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد! و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید! شما نخستین بار به کناره‌گیری راضی شدید، اکنون نیز با متخلفان بمانید!» (83)

هرگز بر مرده هیچ يك از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند; و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! (84)

مبادا اموال و فرزندانشان، مایه شگفتی تو گردد! (این برای آنها نعمت نیست; بلکه) خدا می‌خواهد آنها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جانشان برآید در حالی که کافرند! (85)

و هنگامی که سوره‌ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید! و همراه پیامبرش جهاد کنید!»، افرادی از آنها (گروه منافقان) که توانایی دارند، از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: «بگذار ما با قاعدین (آنها که از جهاد معافند) باشیم!» (86)

(آری،) آنها راضی شدند که با متخلفان باشند; و بر دلهایشان مهر نهاده شده; از این رو (چیزی) نمی‌فهمند! (87)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند; و همه نیکیها برای آنهاست; و آنها همان رستگارانند! (88)

خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است; جاودانه در آن خواهند بود; و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ! (89)

و عذرآورندگان از اعراب، (نزد تو) آمدند که به آنها اجازه (عدم شرکت در جهاد) داده شود; و آنها که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند; بزودی به کسانی از آنها که مخالفت کردند (و معذور نبودند)، عذاب دردناکی خواهد رسید! (90)

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند،) هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (;و از آنچه در توان دارند، مضایقه ننمایند). بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست; و خداوند آمرزنده و مهربان است! (91)

و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود; زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند) (92)

راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است که از تو اجازه می‌خواهند در حالی که توانگرند; (و امکانات کافی برای جهاد دارند;) آنها راضی شدند که با متخلفان (زنان و کودکان و بیماران) بمانند; و خداوند بر دلهایشان مهر نهاده; به همین جهت چیزی نمی‌دانند! (93)

هنگامی که بسوی آنها (که از جهاد تخلف کردند) باز گردید، از شما عذرخواهی می‌کنند; بگو: «عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد! چرا که خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته; و خدا و رسولش، اعمال شما را می‌بینند; سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگشت داده می‌شوید; و او شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کند (و جزا می‌دهد!) » (94)

هنگامی که بسوی آنان بازگردید، برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید; از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید); چرا که پلیدند! و جایگاهشان دوزخ است، بکیفر اعمالی که انجام می‌دادند. (95)

برای شما قسم یاد می‌کنند تا از آنها راضی شوید; اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد! (96)

بادیه‌نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است; و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند; و خداوند دانا و حکیم است! (97)

گروهی از (این) اعراب بادیه‌نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می‌کنند،غرامت محسوب می‌دارند; و انتظار حوادث دردناکی برای شما می‌کشند; حوادث دردناك برای خود آنهاست; و خداوند شنوا و داناست! (98)

گروهی (دیگر) از عربهای بادیه‌نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند; و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند; آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت; به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (99)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند; و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است; جاودانه در آن خواهند ماند; و این است پیروزی بزرگ! (100)

و از (میان) اعراب بادیه‌نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند; و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (:مجازاتی با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ); سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت)فرستاده می‌شوند. (101)

و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند; و کار خوب و بد را به هم آمیختند; امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد; به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (102)

از اموال آنها صدقه‌ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاك سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن; که دعای تو، مایه آرامش آنهاست; و خداوند شنوا و داناست! (103)

آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد، و صدقات را می‌گیرد، و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟! (104)

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید; و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!» (105)

و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده‌اند (و کارشان با خداست); یا آنها را مجازات می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد (،هر طور که شایسته باشند); و خداوند دانا و حکیم است! (106)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود; آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند! (107)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی; در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند; و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! (108)

آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است،یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند! (109)

(اما) این بنایی را که آنها ساختند، همواره بصورت یك وسیله شك و تردید،در دلهایشان باقی می‌ماند; مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود (و بمیرند; وگرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی‌رود); و خداوند دانا و حکیم است! (110)

خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد; (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند; این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده; و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید; و این است آن پیروزی بزرگ! (111)

توبه‌کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای)الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند) ; و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان! (112)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند; (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند! (113)

و استغفار ابراهیم برای پدرش (عمویش آزر)، فقط بخاطر وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند); اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزاری جست; به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود! (114)

چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند; مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند); زیرا خداوند به هر چیزی داناست! (115)

حکومت آسمانها و زمین تنها از آن خداست; زنده می‌کند و می‌میراند; و جز خدا، ولی و یاوری ندارید! (116)

مسلما خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوك) از او پیروی کردند، نمود; بعد از آنکه نزدیك بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند); سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است! (117)

(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوك) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند،) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد; (حتی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند; (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست; سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند; خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است! (118)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید! (119)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه‌نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند; و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود; زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند! (120)

و هیچ مال کوچك یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (بسوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می‌شود; تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. (121)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند; چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (122)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیك غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند; و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (123)

و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنان (به دیگران) می‌گویند: «این سوره، ایمان کدام یك از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:) اما کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان افزوده; و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند. (124)

و اما آنها که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده; و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند. (125)

آیا آنها نمی‌بینند که در هر سال، یك یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! باز توبه نمی‌کنند، و متذکر هم نمی‌گردند! (126)

و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنها (منافقان) به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آیا کسی شما را می‌بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجه ما نمی‌شود!)» سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند); خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته; چرا که آنها، گروهی هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانشند)! (127)

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است; و اصرار بر هدایت شما دارد; و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (128)

اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می‌کند; هیچ معبودی جز او نیست; بر او توکل کردم; و او صاحب عرش بزرگ است!» (129)

سوره یونس

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این آیات کتاب استوار و حکمت آمیز است! (1)

آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیك (و پاداشهای مسلم) نزد پروردگارشان است؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!; س‌ذلّه (2)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید; سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت; هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست; این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (3)

بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقی فرموده; او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بعدالت جزا دهد; و برای کسانی که کافر شدند، نوشیدنی از مایع سوزان است; و عذابی دردناك، بخاطر آنکه کفر می‌ورزیدند! (4)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد; و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید; خداوند این را جز بحق نیافریده; او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می‌دهد! (5)

مسلما در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می‌بینند). (6)

آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، (7)

(همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که انجام می‌دادند! (8)

(ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می‌کند; از زیر (قصرهای) آنها در باغهای بهشت، نهرها جاری است. (9)

گفتار (و دعای) آنها در بهشت این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیت آنها در آنجا: سلام; و آخرین سخنشان این است که: «حمد، مخصوص پروردگار عالمیان است!» (10)

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی»ها عجله دارند، خداوند در مجازاتشان شتاب می‌کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می‌رسید (و همگی نابود می‌شدند)؛ ولی کسانی را که ایمان به لقای ما ندارند، به حال خود رها می‌کنیم تا در طغیانشان سرگردان شوند! (11)

هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درك نمی‌کنند)! (12)

ما امتهای پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاك نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند؛ این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم! (13)

سپس شما را جانشینان آنها در روی زمین -پس از ایشان- قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می‌کنید! (14)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می‌گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن! (و آیات نکوهش بتها را بردار)» بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!» (15)

بگو: «اگر خدا می‌خواست، من این آیات را بر شما نمی‌خواندم؛ و خداوند از آن آگاهتان نمی‌کرد؛ چه اینکه مدتها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم؛ (و هرگز آیه‌ای نیاوردم؛) آیا نمی‌فهمید؟!» (16)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد، یا آیات او را تکذیب می‌کند؟! مسلما مجرمان رستگار نخواهند شد! (17)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می‌گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمانها و زمین سراغ ندارد؟!» منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند! (18)

(در آغاز) همه مردم امت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌شد (و سپس همگی به مجازات می‌رسیدند). (19)

می‌گویند: «چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟!» بگو: «غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه‌جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)» (20)

هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در آیات ما نیرنگ می‌کنند (،و برای آن نعمت و رحمت توجیهات ناروا می‌کنند)؛ بگو: «خداوند سریعتر از شما مکر (چاره‌جویی) می‌کند؛ و رسولان (فرشتگان) ما، آنچه نیرنگ می‌کنید (و نقشه می‌کشید)، می‌نویسند!» (21)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرارمی‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ

آنها می‌آید; و گمان می‌کنند هلاك خواهند شد; در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتما از سپاسگزاران خواهیم بود!» (22)

اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (میبرید)، سپس بازگشت شما بسوی ماست; و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهیم! (23)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم; که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین -که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند- می‌روید; تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد; (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم;) و آنچنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم! (24)

و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می‌کند; و هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند) ، به راه راست هدایت می‌نماید. (25)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیك و افزون بر آن دارند; و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند; آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (26)

اما کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند; و ذلت و خواری، چهره آنان را می‌پوشاند; و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره‌هایشان آنچنان تاریك است که) گویی با پاره‌هایی از شب تاریك، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند; و جاودانه در آن خواهند ماند! (27)

(به خاطر بیاورید) روزی را که همه آنها را جمع می‌کنیم، سپس به مشرکان می‌گوییم: «شما و معبودهایتان در جای خودتان باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود!)» سپس آنها را از هم جدا می‌سازیم (و از هر یك جداگانه سؤال می‌کنیم). و معبودهایشان (به آنها) می‌گویند: «شما (هرگز) ما را عبادت نمی‌کردید!» (28)

(آنها در پاسخ می‌گویند:) همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم! (29)

در آن جا، هر کس عملی را که قبلا انجام داده است، می‌آزماید. و همگی بسوی «الله» -مولا و سرپرست حقیقی خود- بازگردانده می‌شوند; و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می‌شوند! (30)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالك (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟» بزودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟! (31)

آن است خداوند، پروردگار حق شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می‌شوید؟! (32)

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد! (33)

بگو: «آیا هیچ یك از معبودهای شما، آفرینش را ایجاد می‌کند و سپس بازمی‌گرداند؟!» بگو: س‌خ‌للّهتنها خدا آفرینش را ایجاد کرده، سپس بازمی‌گرداند; با این حال، چرا از حق روی‌گردان می‌شوید؟!» (34)

بگو: «آیا هیچ یك از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟! س‌ذللّه (35)

و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس)، پیروی نمی‌کنند; (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است! (36)

شایسته نبود (و امکان نداشت) که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود; ولی تصدیقی است برای آنچه پیش از آن است (از کتب آسمانی)، و شرح و تفصیلی بر آنها است; شکی در آن نیست، و از طرف پروردگار جهانیان است. (37)

آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را بدروغ به‌خدا نسبت داده است»؟! بگو: «اگر راست می گویید، یك سوره همانند آن بیاورید; و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) طلبید!» (38)

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند;) بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند; پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود! (39)

بعضی از آنها، به آن ایمان می‌آورند; و بعضی ایمان نمی‌آورند; و پروردگارت به مفسدان آگاهتر است (و آنها را بهتر می‌شناسد)! (40)

و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شماانجام می‌دهید بیزارم!» (41)

گروهی از آنان، بسوی تو گوش فرامی‌دهند (;اما گویی هیچ نمی‌شنوند و کرند)! آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟! (42)

و گروهی از آنان، به سوی تو می‌نگرند (اما گویی هیچ نمی‌بینند)! آیا تو می‌توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند نبینند؟! (43)

خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند; ولی این مردمند که به خویشتن ستم می‌کند! (44)

(به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می‌سازد; آنچنان که (احساس می‌کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقف نکردند; به آن مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند! مسلما آنها که لقای خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند! (45)

اگر ما، پاره‌ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده‌ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند،) تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست; سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می‌دادند گواه است! (46)

برای هر امتی، رسولی است; هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می‌شود; و ستمی به آنها نخواهد شد! (47)

و می‌گویند: «اگر راست می‌گوئی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟» (48)

بگو: «من (حتی) برای خودم زیان و سودی را مالك نیستم، (تا چه رسد برای شما!) مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می‌دانم که) برای هر قوم و ملتی، سرآمدی است; هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود،) نه ساعتی تاخیر می‌کنند، و نه پیشی می‌گیرند! (49)

بگو: «اگر مجازات او، شب‌هنگام یا در روز به سراغ شما آید (،آیا می‌توانید آن را از خود دفع کنید؟!)» پس مجرمان برای چه عجله می‌کنند؟! (50)

یا اینکه آنگاه که واقع شد، به آن ایمان می‌آورید! (به شما گفته می‌شود:) حالا؟! در حالی که قبلا برای آن عجله می‌کردید! (ولی اکنون چه سود!) (51)

سپس به کسانی که ستم کردند گفته می‌شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟!» (52)

از تو می‌پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حق است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعا حق است; و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید!» (53)

و هر کس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب،) برای نجات خویش می‌دهد! و هنگامی که عذاب را ببینند،(پشیمان می‌شوند; اما) پشیمانی خود را کتمان می‌کنند (،مبادا رسواتر شوند)! و در میان آنها، بعدالت داوری می‌شود; و ستمی بر آنها نخواهد شد! (54)

آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست! آگاه باشید وعده خدا حق است، ولی بیشتر آنها نمی‌دانند! (55)

خداست که مرده را زنده می کند و زنده را می میراند و باز همه به سوی او باز می گردید (56)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است; و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست; (درمانی برای دلهای شما;) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان! (57)

بگو: «به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند; که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است!» (58)

بگو: «آیا روزیهایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده‌اید، که بعضی از آن را حلال، و بعضی را حرام نموده‌اید؟!» بگو: «آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می‌کنید؟!)» (59)

آنها که بر خدا افترا می‌بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه می‌اندیشند؟! خداوند نسبت به همه مردم فضل (و بخشش) دارد، اما اکثر آنها سپاسگزاری نمی‌کنند! (60)

در هیچ حال (و اندیشه‌ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی، و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند; حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است! (61)

آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند! (62)

همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند. (63)

در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)ند; وعده‌های الهی تخلف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ! (64)

سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزت (و قدرت)، از آن خداست; و او شنوا و داناست! (65)

آگاه باشید تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از آن خدا می‌باشند! و آنها که غیر خدا را همتای او می‌خوانند، (از منطق و دلیلی) پیروی نمی‌کنند; آنها فقط از پندار بی اساس پیروی می‌کنند; و آنها فقط دروغ می‌گویند! (66)

او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید; و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند! (67)

گفتند: «خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزه است! او بی‌نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است! شما هیچ‌گونه دلیلی بر این ادعا ندارید! آیا به خدا نسبتی می‌دهید که نمی‌دانید؟! (68)

بگو: «آنها که به خدا دروغ می‌بندند، (هرگز) رستگار نمی‌شوند! (69)

بهره‌ای (ناچیز) از دنیا دارند; سپس بازگشتشان بسوی ماست; و بعد، به آنها مجازات شدید به سزای کفرشان می‌چشانیم! (70)

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید; سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند; (تمام جوانب کارتان را بنگرید;) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (اما توانایی ندارید!) (71)

و اگر از قبول دعوتم روی بگردانید، (کار نادرستی کرده‌اید; چه اینکه) من از شما مزدی نمی‌خواهم; مزد من، تنها بر خداست! و من مامورم که از مسلمین (تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا) باشم!» (72)

اما آنها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم; و آنان را جانشین (و وارث کافران) قرار دادیم; و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و به انذار الهی اهمیت ندادند)، چگونه بود! (73)

سپس بعد از نوح، رسولانی به سوی قومشان فرستادیم; آنان دلایل روشن برایشان آوردند; اما آنها، به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند! اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می‌نهیم (تا چیزی را درك نکنند)! (74)

بعد از آنها، موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم; اما آنها تکبر کردند (و زیر بار حق نرفتند; چرا که) آنها گروهی مجرم بودند! (75)

و هنگامی که حق از نزد ما بسراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار !» (76)

موسی گفت: «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی‌شوند! (77)

گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، منصرف سازی; و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی‌آوریم!» (78)

فرعون گفت: «(بروید و) هر جادوگر (و ساحر) دانایی را نزد من آورید!» (79)

هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنها گفت: «آنچه (از وسایل سحر) را می‌توانید بیفکنید، بیفکنید!» (80)

هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آوردید، سحر است; که خداوند بزودی آن را باطل می‌کند; چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند! (81)

او حق را به وعده خویش، تحقق می‌بخشد; هر چند مجرمان کراهت داشته باشند!» (82)

(در آغاز،) هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او; (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کنند; زیرا فرعون، برتری‌جویی در زمین داشت; و از اسرافکاران بود! (83)

موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید!» (84)

گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم; پروردگارا! ما را مورد شکنجه گروه ستمگر قرار مده! (85)

و ما را با رحمتت از (دست) قوم کافر رهایی بخش! (86)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید; و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می‌شوند!)» (87)

موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای، پروردگارا! در نتیجه(بندگانت را) از راه تو گمراه می‌سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان،) دلهایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه‌ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناك را ببینند!» (88)

فرمود: «دعای شما پذیرفته شد! استقامت به خرج دهید; و از راه (و رسم) کسانی که نمی‌دانند، تبعیت نکنید!» (89)

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا (رود عظیم نیل) عبور دادیم; و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند; هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد; و من از مسلمین هستم! سذللّه (90)

(اما به او خطاب شد:) الآن؟!! در حالی که قبلا عصیان کردی، و از مفسدان بودی! (91)

ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند! (92)

(سپس) بنی اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم; و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم; (اما آنها به نزاع و اختلاف برخاستند!) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد! پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می‌کردند، میان آنها داوری می‌کند! (93)

و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است; بنابر این، هرگز از تردیدکنندگان مباش! (مسلما او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!) (94)

و از آنها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود! (95)

(و بدان) آنها که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و بجرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی‌آورند، (96)

هر چند تمام آیات (و نشانه‌های الهی) به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناك را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فرا گرفته، و راهی به روشنایی ندارند!) (97)

چرا هیچ یك از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم; و تا مدت معینی (پایان زندگی و اجلشان) آنها را بهره‌مند ساختیم. (98)

و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به(اجبار) ایمان می‌آوردند; آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!) (99)

(اما) هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرارمی‌دهد که نمی‌اندیشند. (100)

بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه‌های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» اما این آیات و انذارها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورند مفید نخواهد بود! (101)

آیا آنها (چیزی) جز همانند روزهای پیشینیان (و بلاها و مجازاتهایشان) را انتظار می‌کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می‌کشم!» (102)

سپس (هنگام نزول بلا و مجازات،) فرستادگان خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آورند، نجات می‌دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) رهایی بخشیم! (103)

بگو: «ای مردم! اگر در عقیده من شك دارید، من آنهایی را که جز خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم! تنها خداوندی را پرستش می‌کنم که شما را می‌میراند! و من مامورم که از مؤمنان باشم! (104)

و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه‌ساز که از هر گونه شرك، خالی است; و از مشرکان مباش! (105)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود! (106)

و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را برطرف نمی‌سازد; و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آنرا به هر کس از بندگانش بخواهد می‌رساند; و او غفور و رحیم است!» (107)

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده; هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده; و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می‌گردد; و من مامور (به اجبار) شما نیستم!» (108)

و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن، و شکیبا باش (و استقامت نما)، تا خداوند فرمان (پیروزی) را صادر کند; و او بهترین حاکمان است! (109)

سوره هود

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته; سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است! (1)

(دعوت من این است) که: جز «الله» را نپرستید! من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده‌ام! (2)

و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید; سپس بسوی او بازگردید; تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره‌مند سازد; و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم! (3)

(بدانید) بازگشت شما بسوی «الله» است، و او بر هر چیز تواناست! (4)

آگاه باشید، آنها (سرها را به هم نزدیك ساخته، و) سینه‌هاشان را در کنار هم قرارمی‌دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او (پیامبر) پنهان دارند! آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می‌پیچند و خویش را در آن پنهان می‌کنند، (خداوند) می‌داند آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند; چرا که او، از اسرار درون سینه‌ها، آگاه است! (5)

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند; همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ ، در کتاب علم خدا) (6)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید; و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت; (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیك عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگویی: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید! «، مسلما» کافران می‌گویند: «این سحری آشکار است!» (7)

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تاخیر اندازیم، (از روی استهزا می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد; (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود;) و آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد! (8)

و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود! (9)

و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، می‌گوید: «مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود... (10)

مگر آنها که (در سایه ایمان راستین،) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند; که برای آنها، آمرزش و اجر بزرگی است! (11)

شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می‌شود، (بخاطر عدم پذیرش آنها) ترك کنی (و به تاخیر اندازی); و سینه‌ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می‌گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده؟! و یا چرا فرشته‌ای همراه او نیامده است؟!» (ابلاغ کن، و نگران و ناراحت مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده‌ای; و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (;و به حساب آنان می‌رسد)! (12)

آنها می‌گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید; و تمام کسانی را که می‌توانید -غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!» (13)

و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده; و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می‌شوید؟ (14)

کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می‌دهیم; و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! (15)

(ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت; و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می‌رود; و آنچه را عمل می‌کردند، باطل و بی‌اثر می‌شود! (16)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهدی از سوی او می‌باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها (حق‌طلبان و حقیقت‌جویان) به او (که دارای این ویژگیهاست،) ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند! (17)

چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا افترا می‌بندند؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، در حالی که شاهدان (پیامبران و فرشتگان) می‌گویند: «اینها همانها هستند که به پروردگارشان دروغ بستند! ای لعنت خدا بر ظالمان باد!» (18)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند; و راه حق را کج و معوج نشان می‌دهند; و به سرای آخرت کافرند! (19)

آنها هیچ گاه توانایی فرار در زمین را ندارند; و جز خدا، پشتیبانهایی نمی‌یابند! عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود; (چرا که هم خودشان گمراه بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند;) آنها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند; و (حقیقت را) نمی‌دیدند! (20)

آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند; و تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند... (21)

(به ناچار) آنها در سرای آخرت، قطعا از همه زیانکارترند! (22)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند; و جاودانه در آن خواهند ماند! (23)

حال این دو گروه (مؤمنان و منکران)، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است; آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا پند نمی‌گیرند؟! (24)

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (;نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم! (25)

جز «الله» (خدای یگانه یکتا) را نپرستید; زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می‌ترسم! (26)

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی اراذل ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم; و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینیم; بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم!» (27)

(نوح) گفت: «اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد -و بر شما مخفی مانده- (آیا باز هم رسالت مرا انکار می‌کنید)؟! آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراهت دارید؟! (28)

ای قوم! من به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم; اجر من، تنها بر خداست! و من، آنها را که ایمان آورده‌اند، (بخاطر شما) از خود طرد نمی‌کنم; چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد; (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود;) ولی شما را قوم جاهلی می‌بینم! (29)

ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (30)

من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی‌دانم! و نمی‌گویم من فرشته‌ام! و (نیز) نمی‌گویم کسانی که در نظر شما خوار می‌آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد; خدا از دل آنان آگاهتر است! (با این حال، اگر آنها را برانم،) در این صورت از ستمکاران خواهم بود!» (31)

(نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، خواهد آورد; و شما قدرت فرار (از آن را) نخواهید داشت! (32)

گفتند: «ای نوح! با ما جر و بحث کردی، و زیاد هم جر و بحث کردی! (بس است!) اکنون اگر راستی می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی بیاور!» (33)

(اما چه سود که) هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست; و بسوی او بازگشت داده می‌شوید.» (34)

(مشرکان) می‌گویند: «او (محمد (ص)) این سخنان را بدروغ به خدا نسبت داده است! « بگو: س‌خ‌للّهاگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم و به او نسبت دهم، گناهش بر عهده من است; ولی من از گناهان شما بیزارم!» (35)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می‌کردند، غمگین مباش! (36)

و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!» (37)

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند; (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد! (38)

بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!» (39)

(این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت; (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یك زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) - مگر آنها که قبلا وعده هلاك آنان داده شده (همسر و یکی از فرزندانت)- و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند! (40)

او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است!» (41)

و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت میداد; (در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (42)

گفت: «بزودی به کوهی پناه میبرم تا مرا از آب حفظ کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهداری در برابر فرمان خدا نیست; مگر آن کس را که او رحم کند!» در این هنگام، موج در میان آن دو حایل شد; و او در زمره غرق‌شدگان قرار گرفت! (43)

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت; و (در این هنگام،) گفته شد:» دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)» (44)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است; و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است; و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!» (45)

فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است (فرد ناشایسته‌ای است)! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!!» (46)

عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!» (47)

(به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امتهایی که با تواند، فرود آی! و امتهای نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره‌مند خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می‌رسد (،چرا که این نعمتها را کفران می‌کنند!)» (48)

اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می‌کنیم; نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی‌دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است! (49)

(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم; (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می‌زنید (و بتها را شریك او می‌خوانید)! (50)

ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم; پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است; آیا نمی‌فهمید؟! (51)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد; و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید! س‌ذلّه (52)

گفتند: «ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای! و ما خدایان خود را بخاطر حرف تو، رها نخواهیم کرد! و ما (اصلا) به تو ایمان نمی‌آوریم! (53)

ما (درباره تو) فقط می‌گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده)اند! س‌ذلّه (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می‌طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریك (خدا) قرارمی‌دهید... (54)

از آنچه غیر او (می‌پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید; و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) (55)

من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام! هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد; (اما سلطه‌ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است! (56)

پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که مامور بودم به شما رساندم; و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می‌کند; و شما کمترین ضرری به او نمی‌رسانید; پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (57)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم; و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم! (58)

و این قوم «عاد» بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند; و پیامبران او را معصیت نمودند; و از فرمان هر ستمگر دشمن حق، پیروی کردند! (59)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد»نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند! دور باد «عاد» -قوم هود- (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)! (60)

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم); گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیك، و اجابت‌کننده (خواسته‌های آنها) است!» (61)

گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی می‌کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می‌کنی، در شك و تردید هستیم!» (62)

گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (،می‌توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم)؟! اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می‌تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودنتان، چیزی بر من نمی‌افزاید! (63)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه‌ای است; بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود; هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!» (64)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند گردید; (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید;) این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود!» (65)

و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم; چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است! (66)

و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت; و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند... (67)

آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)! (68)

فرستادگان ما (فرشتگان) برای ابراهیم بشارت آوردند; گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام! سذللّه و طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد. (69)

(اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی‌رسد (و از آن نمی‌خورند، کار) آنها را زشت شمرد; و در دل احساس ترس نمود. به او گفتند: «نترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم!» (70)

و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید; پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم. (71)

گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» (72)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است; چرا که او ستوده و والا است!» (73)

هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می‌کرد... (74)

چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت‌کننده (بسوی خدا) بود! (75)

ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف‌نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده; و بطور قطع عذاب (الهی) به سراغ آنها می‌آید; و برگشت ندارد! (76)

و هنگامی که رسولان ما (فرشتگان عذاب) به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد; و قلبش پریشان گشت; و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت; و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.) (77)

قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند -و قبلا کارهای بد انجام می‌دادند- گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند; برای شما پاکیزه‌ترند! (با آنها ازدواج کنید; و از زشتکاری چشم بپوشید!) از خدا بترسید; و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یك مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» (78)

گفتند: «تو که می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم; و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم!» (79)

گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم; یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آنگاه می‌دانستم با شما زشت‌سیرتان ددمنش چه کنم!)» (80)

(فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم! آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده‌ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یك از شما پشت سرش را نگاه نکند; مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می‌شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است; آیا صبح نزدیك نیست؟!» (81)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم; و بارانی از سنگ (گلهای متحجر) متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم... (82)

(سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود; و آن، (از سایر) ستمگران دور نیست! (83)

و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم); گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم‌فروشی نزنید)! من (هم اکنون) شما را در نعمت می‌بینم; (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم! (84)

و ای قوم من! پیمانه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید; و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید! (85)

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه‌های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مامور بر اجبارتان به ایمان) نیستم! (86)

گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترك کنیم; یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! س‌ذلّه (87)

گفت: «ای قوم! به من بگویید، هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟!) من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح -تا آنجا که توانایی دارم- نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم; و به سوی او بازمی‌گردم! (88)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! (89)

از پروردگار خود، آمرزش بطلبید; و به سوی او بازگردید; که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است!» (90)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما نمی‌فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌یابیم; و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می‌کردیم; و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (91)

گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچك من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته‌اید! پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید، احاطه دارد (و آگاه است)! (92)

ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است، انجام دهید، من هم کار خود را خواهم کرد; و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش می‌آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم!» (93)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم; و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فرو گرفت; و در دیار خود، به رو افتادند (و مردند)... (94)

آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند! (95)

ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم... (96)

بسوی فرعون و اطرافیانش; اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند; در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود! (97)

روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود; و (به جای چشمه‌های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می‌کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می‌شوند! (98)

آنان در این جهان و روز قیامت، لعنتی بدنبال دارند; و چه بد عطایی است (لعن و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می‌شود! (99)

این از اخبار شهرها و آبادیهاست که ما برای تو بازگو می‌کنیم; که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده‌اند (و از میان رفته‌اند)! (100)

ما به آنها ستم نکردیم; بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می‌خواندند، آنها را یاری نکردند; و جز بر هلاکت آنان نیفزودند! (101)

و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند! (آری،) مجازات او، دردناك و شدید است! (102)

در این، نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد; همان روزی است که مردم در آن جمع می‌شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می‌کنند. (103)

و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تاخیر نمی‌اندازیم! (104)

آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید; گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت! (105)

اما آنها که بدبخت شدند، در آتشند; و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» (ناله‌های طولانی دم و بازدم) است... (106)

جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست; مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می‌دهد! (107)

اما آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی! (108)

پس شك و تردیدی (در باطل بودن) معبودهایی که آنها می‌پرستند، به خود راه مده! آنها همان‌گونه این معبودها را پرستش می‌کنند که پدرانشان قبلا می‌پرستیدند، و ما نصیب آنان را بی‌کم و کاست خواهیم داد! (109)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم; سپس در آن اختلاف شد; و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه‌آزمایش و اتمام حجت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می‌شد! و آنها (هنوز) در شك‌اند، شکی آمیخته به بدگمانی! (110)

و پروردگارت اعمال هر یك را بی‌کم و کاست به آنها خواهد داد; او به آنچه عمل می‌کنند آگاه است! (111)

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن; و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند! (112)

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد; و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت; و یاری نمی‌شوید! (113)

در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار; چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند; این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند! (114)

و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد! (115)

چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعم و کامجوئی پیروی کردند; و گناهکار بودند (و نابود شدند)! (116)

و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند! (117)

و اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یك امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می‌داد; ولی آنها همواره مختلفند... (118)

مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنم را از همه (سرکشان و طاغیان) جن و انس پر خواهم کرد! (119)

ما از هر یك از سرگذشتهای انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم; و اراده‌ات قوی گردد. و در این (اخبار و سرگذشتها،) برای تو حق، و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است. (120)

و به آنها که ایمان نمی‌آورند، بگو: «هر چه در قدرت دارید، انجام دهید! ما هم انجام می‌دهیم! (121)

و انتظار بکشید! ما هم منتظریم! (122)

و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهان) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست; و همه کارها به سوی او بازمی‌گردد! پس او را پرستش کن! و بر او توکل نما! و پروردگارت از کارهایی که می‌کنید، هرگز غافل نیست! (123)

سوره یوسف

به نام خداوند بخشنده و بخشایشگر

الر، آن آیات کتاب آشکار است! (1)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درك کنید (و بیندیشید)! (2)

ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن -که به تو وحی کردیم- بر تو بازگو می‌کنیم; و مسلما پیش از این، از آن خبر نداشتی! (3)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند!» (4)

گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می‌کشند; چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است! (5)

و این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند; و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد; و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می‌کند، همان‌گونه که پیش از این، بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد; به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!» (6)

در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌ها(ی هدایت) برای سؤال‌کنندگان بود! (7)

هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدر، از ما محبوبترند; در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلما پدر ما، در گمراهی آشکاری است! (8)

یوسف را بکشید; یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید; تا توجه پدر، فقط به شما باشد; و بعد از آن، (از گناه خود توبه می‌کنید; و) افراد صالحی خواهید بود! (9)

یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید; تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)!» (10)

(و برای انجام این کار، برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «پدرجان! چرا تو درباره (برادرمان) یوسف، به ما اطمینان نمی‌کنی؟! در حالی که ما خیرخواه او هستیم! (11)

فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند; و ما نگهبان او هستیم!» (12)

(پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می‌شوم; و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد، و شما از او غافل باشید!» (13)

گفتند: «با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی) ممکن نیست!)» (14)

هنگامی که او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند وی را در مخفی‌گاه چاه قرار دهند، (سرانجام مقصد خود را عملی ساختند;) و به او وحی فرستادیم که آنها رادر آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت; در حالی که آنها نمی‌دانند! (15)

(برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند. (16)

گفتند: «ای پدر! ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم; و گرگ او را خورد! تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم!» (17)

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند; گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت; و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!» (18)

و (در همین حال) کاروانی فرا رسید; و مامور آب را (به سراغ آب) فرستادند; او دلو خود را در چاه افکند; (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و این امر را بعنوان یك سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می‌دادند، آگاه بود. (19)

و (سرانجام،) او را به بهای کمی -چند درهم- فروختند; و نسبت به(فروختن) او، بی رغبت بودند (;چرا که می‌ترسیدند رازشان فاش شود). (20)

و آن کس که او را از سرزمین مصر خرید (عزیز مصر)، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد; و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم!» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکن ساختیم! (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم; و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم; خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (21)

و هنگامی که به بلوغ و قوت رسید، ما «حکم» (نبوت) و «علم» به او دادیم; و اینچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (22)

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد; درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا! او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است; مقام مرا گرامی داشته; (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!) مسلما ظالمان رستگار نمی‌شوند!» (23)

آن زن قصد او کرد; و او نیز -اگر برهان پروردگار را نمی‌دید- قصد وی می‌نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم; چرا که او از بندگان مخلص ما بود! (24)

و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد); و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند! آن زن‌گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردناك، چه خواهد بود؟! س‌ذلّه (25)

(یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن آن راست می‌گوید، و او از دروغگویان است. (26)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می‌گوید، و او از راستگویان است.» (27)

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او (یوسف) از پشت پاره شده، گفت: «این از مکر و حیله شما زنان است; که مکر و حیله شما زنان، عظیم است! (28)

یوسف از این موضوع، صرف‌نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بودی!» (29)

(این جریان در شهر منعکس شد;) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش (غلامش) را بسوی خود دعوت می‌کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!» (30)

هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آنها باخبر شد، به سراغشان فرستاد (و از آنها دعوت کرد); و برای آنها پشتی (گرانبها، و مجلس باشکوهی) فراهم ساخت; و به دست هر کدام، چاقویی (برای بریدن میوه) داد; و در این موقع (به یوسف) گفت: «وارد مجلس آنان شو!» هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ (و زیبا) شمردند; و (بی‌توجه) دستهای خود را بریدند; و گفتند: «منزه است خدا! این بشر نیست; این یك فرشته بزرگوار است!» (31)

(همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری،) من او را به خویشتن دعوت کردم; و او خودداری کرد! و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد; و مسلما خوار و ذلیل خواهد شد!» (32)

(یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می‌خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!» (33)

پروردگارش دعای او را اجابت کرد; و مکر آنان را از او بگردانید; چرا که او شنوا و داناست! (34)

و بعد از آنکه نشانه‌های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدتی زندانی کنند! (35)

و دو جوان، همراه او وارد زندان شدند; یکی از آن دو گفت: «من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می‌فشارم!» و دیگری گفت: «من در خواب دیدم که نان بر سرم حمل می‌کنم; و پرندگان از آن می‌خورند; ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم.» (36)

(یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترك گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)! (37)

من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم; این از فضل خدا بر ما و بر مردم است; ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند! (38)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟! (39)

این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسمهائی (بی‌مسما) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اید، نیست; خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده; حکم تنها از آن خداست; فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (40)

ای دوستان زندانی من! اما یکی از شما (دو نفر، آزاد می‌شود; و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد; و اما دیگری به دار آویخته می‌شود; و پرندگان از سر او می‌خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است!» (41)

و به آن یکی از آن دو نفر، که می‌دانست رهایی می‌یابد، گفت: «مرا نزد صاحبت (سلطان مصر) یادآوری کن!» ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد; و بدنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند. (42)

پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می‌خورند; و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده; (که خشکیده‌ها بر سبزها پیچیدند; و آنها را از بین بردند.) ای جمعیت اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می‌کنید!» (43)

گفتند: «خوابهای پریشان و پراکنده‌ای است; و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم!» (44)

و یکی از آن دو که نجات یافته بود -و بعد از مدتی به خاطرش آمد- گفت: «من تاویل آن را به شما خبر می‌دهم; مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید!» (45)

(او به زندان آمد، و چنین گفت:) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می‌خورند; و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده; تا من بسوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند! (46)

گفت: «هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید; و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). (47)

پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می‌آید، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده‌اید، می‌خورند; جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. (48)

سپس سالی فرامی‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود; و در آن سال، مردم عصاره (میوه‌ها و دانه‌های روغنی را) می‌گیرند (و سال پر برکتی است.)» (49)

پادشاه گفت: «او را نزد من آورید!» ولی هنگامی که فرستاده او نزد وی (یوسف) آمد گفت: س‌خ‌للّهبه سوی صاحبت بازگرد، و از او بپرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که خدای من به نیرنگ آنها آگاه است.» (50)

(پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند: «منزه است خدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم; و او از راستگویان است! (51)

این سخن را بخاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او خیانت نکردم; و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی‌کند! (52)

من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند; مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (53)

پادشاه گفت: «او (یوسف) را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد; و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (54)

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (55)

و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرف می‌کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) میبخشیم; و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم! (56)

(اما) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است! (57)

(سرزمین کنعان را قحطی فرا گرفت;) برادران یوسف (در پی مواد غذایی به مصر) آمدند; و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت; ولی آنها او را نشناختند. (58)

و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده) آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید! آیا نمی‌بینید من حق پیمانه را ادا می‌کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟! (59)

و اگر او را نزد من نیاورید، نه کیل (و پیمانه‌ای از غله) نزد من خواهید داشت; و نه (اصلا) به من نزدیك شوید!» (60)

گفتند: «ما با پدرش گفتگو خواهیم کرد; (و سعی می‌کنیم موافقتش را جلب نمائیم;) و ما این کار را خواهیم کرد!» (61)

(سپس) به کارگزاران خود گفت: «آنچه را بعنوان قیمت پرداخته‌اند، در بارهایشان بگذارید! شاید پس از بازگشت به خانواده خویش، آن را بشناسند; و شاید برگردند!» (62)

هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستور داده شده که (بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانه‌ای (از غله) به ما ندهند; پس برادرمان را با ما بفرست، تا سهمی (از غله) دریافت داریم; و ما او را محافظت خواهیم کرد!» (63)

گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان‌گونه که نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟! و (در هر حال،) خداوند بهترین حافظ، و مهربانترین مهربانان است س‌ذللّه (64)

و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها بازگردانده شده! گفتند: «پدر! ما دیگر چه میخواهیم؟! این سرمایه ماست که به ما باز پس گردانده شده است! (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی;) و ما برای خانواده خویش مواد غذایی می‌آوریم; و برادرمان را حفظ خواهیم کرد; و یك بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت; این پیمانه (بار) کوچکی است!» (65)

گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد، تا پیمان مؤکد الهی بدهید که او را حتما نزد من خواهید آورد! مگر اینکه (بر اثر مرگ یا علت دیگر،) قدرت از شما سلب گردد. و هنگامی که آنها پیمان استوار خود را در اختیار او گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می‌گوییم، ناظر و نگهبان است!» (66)

و (هنگامی که می‌خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یك در وارد نشوید; بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)! و (من با این دستور،) نمی‌توانم حادثه‌ای را که از

سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! بر او توکل کرده‌ام; و همه متوکلان باید بر او توکل کنند!» (67)

و هنگامی که از همان طریق که پدر به آنها دستور داده بود وارد شدند، این کار هیچ حادثه حتمی الهی را نمی‌توانست از آنها دور سازد، جز حاجتی در دل یعقوب (که از این طریق) انجام شد (و خاطرش آرام گرفت); و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (68)

هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جای داد و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می‌دادند، غمگین و ناراحت نباش!» (69)

و هنگامی که (مامور یوسف) بارهای آنها را بست، ظرف آبخوری پادشاه را در بار برادرش گذاشت; سپس کسی صدا زد; «ای اهل قافله، شما دزد هستید!» (70)

آنها رو به سوی او کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده‌اید؟» (71)

گفتند: «پیمانه پادشاه را! و هر کس آن را بیاورد، یك بار شتر (غله) به او داده می‌شود; و من ضامن این (پاداش) هستم!» (72)

گفتند: «به خدا سوگند شما می‌دانید ما نیامده‌ایم که در این سرزمین فساد کنیم; و ما (هرگز) دزد نبوده‌ایم!» (73)

آنها گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟» (74)

گفتند: «هر کس (آن پیمانه) در بار او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود;(و بخاطر این کار، برده شما خواهد شد;) ما این‌گونه ستمگران را کیفر می‌دهیم!» (75)

در این هنگام، (یوسف)قبل از بار برادرش، به کاوش بارهای آنها پرداخت; سپس آن را از بار برادرش بیرون آورد; این گونه راه چاره را به یوسف یاد دادیم! او هرگز نمی‌توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آنکه خدا بخواهد! درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم; و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است! (76)

(برادران) گفتند: «اگر او (بنیامین) دزدی کند، (جای تعجب نیست;) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد; (همین اندازه) گفت: «شما (از دیدگاه من،) از نظر منزلت بدترین مردمید! و خدا از آنچه توصیف می‌کنید، آگاهتر است!» (77)

گفتند: «ای عزیز! او پدر پیری دارد (که سخت ناراحت می‌شود); یکی از ما را به جای او بگیر; ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم!» (78)

گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته‌ایم بگیریم; در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!» (79)

هنگامی که (برادران) از او مایوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند; (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی‌دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته; و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی‌کنم، تا پدرم به من اجازه دهد; یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین حکم‌کنندگان است! (80)

شما به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: پدر(جان)، پسرت دزدی کرد! و ما جز به آنچه می‌دانستیم گواهی ندادیم; و ما از غیب آگاه نبودیم! (81)

(و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (بپرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!» (82)

(یعقوب) گفت: «(هوای) نفس شما، مساله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می‌کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند; چرا که او دانا و حکیم است! (83)

و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می‌برد (و هرگز کفران نمی‌کرد)! (84)

گفتند: «به خدا تو آنقدر یاد یوسف می‌کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاك گردی!» (85)

گفت: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم (و شکایت نزد او می‌برم)! و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید! (86)

پسرانم! بروید، و از یوسف وبرادرش جستجو کنید; و از رحمت خدا مایوس نشوید; که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مایوس می‌شوند!» (87)

هنگامی که آنها بر او (یوسف) وارد شدند، گفتند: «ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده‌ایم; پیمانه را برای ما کامل کن; و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشندگان را پاداش می‌دهد!» (88)

گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟!» (89)

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد; هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود;) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!» (90)

گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده; و ما خطاکار بودیم!» (91)

(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد; و او مهربانترین مهربانان است! (92)

این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می‌شود! و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید!» (93)

هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان (یعقوب) گفت: «من بوی یوسف را احساس می‌کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید!» (94)

گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابقت هستی!» (95)

اما هنگامی که بشارت دهنده فرا رسید، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند; ناگهان بینا شد! گفت: «آیا به شما نگفتم من از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟!» (96)

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم!» (97)

گفت: «بزودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم، که او آمرزنده و مهربان است!» (98)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!» (99)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند; و همگی بخاطر او به سجده افتادند; و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلا دیدم; پروردگارم آن را حق قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد.پروردگارم نسبت به آنچه می‌خواهد (و شایسته می‌داند،) صاحب لطف است; چرا که او دانا و حکیم است! (100)

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران; و به صالحان ملحق فرما!» (101)

این از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌فرستیم! تو (هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که تصمیم می‌گرفتند و نقشه می‌کشیدند! (102)

و بیشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی‌آورند! (103)

و تو (هرگز) از آنها پاداشی نمی‌طلبی; آن نیست مگر تذکری برای جهانیان! (104)

و چه بسیار نشانه‌ای (از خدا) در آسمانها و زمین که آنها از کنارش می‌گذرند، و از آن رویگردانند! (105)

و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند! (106)

آیا ایمن از آنند که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا ساعت رستاخیز ناگهان فرارسد، در حالی که متوجه نیستند؟! (107)

بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» (108)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟! (109)

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مایوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است; در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد; آنان را که خواستیم نجات یافتند; و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود! (110)

در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود; بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد; و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است); و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند! (111)

سوره الرعد

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است; و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حق است; ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند! (1)

خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت); و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می‌کند; آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید; شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید! (2)

و او کسی است که زمین را گسترد; و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرار داد; و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید; (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند; در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (3)

و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند; و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یك پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه; (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یك آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم; در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند! (4)

و اگر (از چیزی) تعجب می‌کنی، عجیب گفتار آنهاست که می‌گویند: «آیا هنگامی که ما خاك شدیم، (بار دیگر زنده می‌شویم و) به خلقت جدیدی بازمی‌گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده‌اند; و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است; و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (5)

آنها پیش از حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیئه (و عذاب) می‌کنند; با اینکه پیش از آنها بلاهای عبرت انگیز نازل شده است! و پروردگار تو نسبت به مردم -با اینکه ظلم می‌کنند- دارای مغفرت است; و (در عین حال،) پروردگارت دارای عذاب شدید است! (6)

کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است (;و اینها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)! (7)

خدا از جنین‌هایی که هر (انسان یا حیوان) ماده‌ای حمل می‌کند آگاه است; و نیز از آنچه رحمها کم می‌کنند (و پیش از موعد مقرر می‌زایند)، و هم از آنچه افزون می‌کنند (و بعد از موقع میزایند); و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد. (8)

او از غیب و شهود آگاه، وبزرگ و متعالی است! (9)

برای او یکسان است کسانی از شما که پنهانی سخن بگویند، یا آن را آشکار سازند; و کسانی که شبانگاه مخفیانه حرکت می‌کنند، یا در روشنایی روز. (10)

برای انسان، مامورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا (حوادث غیر حتمی) حفظ می‌کنند; (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد; و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت! (11)

او کسی است که برق را به شما نشان می‌دهد، که هم مایه ترس است و هم مایه امید; و ابرهای سنگین‌بار ایجاد می‌کند! (12)

و رعد، تسبیح و حمد او می‌گوید; و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه‌ها را می‌فرستد; و هر کس را بخواهد گرفتار آن می‌سازد، (در حالی که آنها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی‌انتها (و مجازاتی دردناك) دارد! (13)

دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی‌گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست! (14)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند. (15)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «الله!» (سپس) بگو: «آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتی) مالك سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!); س‌ذللّه بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا خالق همه چیز است; و اوست یکتا و پیروز!» (16)

خداوند از آسمان آبی فرستاد; و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد; سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد; و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می‌آید -خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند!- اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی‌آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می‌ماند; خداوند اینچنین مثال می‌زند! (17)

برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، (سرانجام و) نتیجه نیکوتر است; و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می‌روند، که) اگر تمام آنچه روی زمین است، و همانندش، از

آن آنها باشد، همه را برای رهایی از عذاب می‌دهند! (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد!)برای آنها حساب بدی است; و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است! (18)

آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند... (19)

آنها که به عهد الهی وفا می‌کنند، و پیمان را نمی‌شکنند... (20)

و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار میدارند; و از پروردگارشان می‌ترسند; و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند... (21)

و آنها که بخاطر ذات (پاك) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند; و نماز را برپا می‌دارند; و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند; و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند; پایان نیك سرای دیگر،از آن آنهاست... (22)

(همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند; و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها; و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند... (23)

(و به آنان می‌گویند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا(ی جاویدان)! (24)

آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند، و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنهاست; و بدی (و مجازات) سرای آخرت! (25)

خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواهد (و مصلحت بداند،) تنگ قرارمی‌دهد; ولی آنها (کافران) به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند; در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است! (26)

کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه)ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟! س‌ذللّه بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند! (کمبودی در معجزه‌ها نیست; لجاجت آنها مانع است!)» (27)

آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است; آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد! (28)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی)نصیبشان است; و بهترین سرانجامها! (29)

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم،) تو را به میان امتی فرستادیم که پیش از آنها امتهای دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده‌ایم بر آنان بخوانی، در حالی که به رحمان (خداوندی که رحمتش همگان را فراگرفته) کفر می‌ورزند; بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکل کردم; و بازگشتم بسوی اوست!» (30)

اگر بوسیل; قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیل; آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد; به یقین خداوند در وعد; خود تخلف نمی‌کند! (31)

(تنها تو را استهزا نکردند،) پیامبران پیش از تورا نیز مورد استهزا قرار دادند; من به کافران مهلت دادم; سپس آنها را گرفتم; دیدی مجازات من چگونه بود؟! (32)

آیا کسی که بالای سر همه ایستاده، (و حافظ و نگهبان و مراقب همه است،) و اعمال همه را می‌بیند (،همچون کسی است که هیچ يك از این صفات را ندارد)؟! آنان برای خدا همتایانی قرار دادند; بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی را به او خبر می‌دهید که از وجود آن در روی زمین بی‌خبر است، یا سخنان ظاهری (و تو خالی) می‌گویید؟!» (نه، شریکی برای خدا وجود ندارد;) بلکه در نظر کافران، دروغهایشان زینت داده شده، (و بر اثر ناپاکی درون، چنین می‌پندارند که واقعیتی دارد;) و آنها از راه (خدا) بازداشته شده‌اند; و هر کس را خدا گمراه کند، راهنمایی برای او وجود نخواهد داشت! (33)

در دنیا، برای آنها عذابی (دردناك) است; و عذاب آخرت سخت‌تر است; و در برابر (عذاب) خدا، هیچ کس نمی‌تواند آنها را نگه دارد! (34)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (این است که) نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه‌اش دائمی است; این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند; و سرانجام کافران، آتش است! (35)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند; و بعضی از احزاب (و گروه‌ها)، قسمتی از آن را انکار می‌کنند; بگو: «من مامورم که «الله» را بپرستم; و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می‌کنم; و بازگشت من بسوی اوست!» (36)

همان‌گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم،) بر تو نیز این (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم; و اگر از هوسهای آنان -بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده- پیروی کنی، هیچ کس در برابر خدا، از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد. (37)

ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم; و برای آنها همسران و فرزندانی قرار دادیم; و هیچ رسولی نمی‌توانست ا(ز پیش خود) معجزه‌ای بیاورد، مگر بفرمان خدا! هر زمانی نوشته‌ای دارد (و برای هر کاری، موعدی مقرر است)! (38)

خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند; و «ام الکتاب» (لوح محفوظ) نزد اوست! (39)

و اگر پاره‌ای از مجازاتها را که به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرا رسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم، در هر حال تو فقط مامور ابلاغ هستی; و حساب (آنها) برماست. (40)

« آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می‌آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می‌کنیم؟! (و جامعه‌ها، تمدنها، و دانشمندان تدریجا از میان می‌روند.) و خداوند حکومت می‌کند; و هیچ کس را یارای جلوگیری یا رد احکام او نیست; و او سریع الحساب است! (41)

پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه‌ها کشیدند; ولی تمام طرحها و نقشه‌ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است; و بزودی کفار می‌دانند سرانجام (نیك و بد) در سرای دیگر از آن کیست! (42)

آنها که کافر شدند می‌گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!» (43)

سوره ابراهیم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها(ی شرك و ظلم و جهل،) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی،) بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید. (1)

همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست; وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! (2)

همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند; و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند; و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند; آنها در گمراهی دوری هستند! (3)

ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم; تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد; سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند; و او توانا و حکیم است. (4)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم; (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و س‌خ‌لّ‌هایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! (5)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند; پسرانتان را سر می‌بریدند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می‌گذاشتند; و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!» (6)

و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود; و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (7)

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد; چرا که) خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است!» (8)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آنها که پس از ایشان بودند; همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست; پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید، شك و تردید داریم!; س‌ذلّه (9)

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شك است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده; او شما را دعوت می‌کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعدمقرری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی‌فهمیم! همین اندازه می‌دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید; شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!» (10)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می‌بخشد (و مقام رسالت عطا می‌کند)! و ما هرگز نمی‌توانیم معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی‌هراسیم;) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل کنند! (11)

و چرا بر خدا توکل نکنیم، با اینکه ما را به راه‌های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما بطور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم)! و توکل‌کنندگان، باید فقط بر خدا توکل کنند!» (12)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعا شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاك می‌کنیم! (13)

و شما را بعد از آنان در زمین سکوت خواهیم داد، این (موفقیت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد; و از عذاب (من) بیمناك باشد!» (14)

و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند; و (سرانجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد! (15)

به دنبال او جهنم خواهد بود; و از آب بد بوی متعفنی نوشانده می‌شود! (16)

بزحمت جرعه جرعه آن را سرمی‌کشد; و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد; و مرگ از هرجا به سراغ او می‌آید; ولی با این همه نمی‌میرد! و بدنبال آن، عذاب شدیدی است! (17)

اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یك روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند، به دست آورند; و این همان گمراهی دور و دراز است! (18)

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد! (19)

و این کار برای خدا مشکل نیست! (20)

و (در قیامت)، همه آنها در برابر خدا ظاهر می‌شوند; در این هنگام، ضعفا (دنباله‌روان نادان) به مستکبران (و رهبران گمراه) می‌گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم،) شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» آنها می‌گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می‌کردیم! (ولی کار از اینها گذشته است،) چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد; راه گریزی برای ما نیست!» (21)

و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداوند به شما وعده حق داد; و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید; خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرك شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلما ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (22)

و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشت وارد می‌کنند; باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است; به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می‌مانند; و تحیت آنها در آن، «سلام» است. (23)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (24)

هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد. و خداوند برای مردم مثلها می‌زند، شاید متذکر شوند (و پند گیرند)! (25)

(همچنین) «کلمه خبیثه» (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد. (26)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد; هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد) ; خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد! (27)

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! (28)

(سرای نیستی و نابودی، همان) جهنم است که آنها در آتش آن وارد می‌شوند; و بد قرارگاهی است! (29)

آنها برای خدا همتایانی قرار داده‌اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند; بگو: «(چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره گیرید; اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است! س‌ذلّه (30)

به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند; و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند; پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی! (نه با مال می‌توانند از کیفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی!) (31)

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید; و از آسمان، آبی نازل کرد; و با آن، میوه‌ها(ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد; و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند; و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود; (32)

و خورشید و ماه را -که با برنامه منظمی درکارند- به تسخیر شما درآورد; و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت; (33)

و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد; و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است! (34)

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار! (35)

پروردگارا! آنها (بتها) بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است; و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی! (36)

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند; تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز; و از ثمرات به آنها روزی ده; شاید آنان شکر تو را بجای آورند! (37)

پروردگارا! تو می‌دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می‌کنیم; و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست! (38)

حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید; مسلما پروردگار من، شنونده (و اجابت کننده) دعاست. (39)

پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر! (40)

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز! (41)

گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی تاخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت بازمی‌ایستد... (42)

گردنها را کشیده، سرها را به آسمان بلندکرده، حتی پلك چشمهایشان از حرکت بازمی‌ماند; زیرا به هر طرف نگاه کنند، آثار عذاب آشکار است!) و (در این حال) دلهایشان (فرومی‌ریزد; و از اندیشه و امید،) خالی می‌گردد! (43)

**و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می‌آید، بترسان! آن روز که ظالمان می‌گویند:
س‌خ‌للّه‌پروردگارا! مدت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!» (اما پاسخ می‌شنوند که:) مگر قبلا سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنایی برای شما نیست؟! (44)**

(آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید; و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم; و برای شما، مثلها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)! (45)

آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند; و همه مکرها (و توطئه‌هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکند! (46)

پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (47)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می‌شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند! (48)

و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می‌بینی! (که دستها و گردنهایشان را به هم بسته است!) (49)

لباسهایشان از قطران (ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال) است; و صورتهایشان را آتش می‌پوشاند... (50)

تا خداوند هر کس را، هر آنچه انجام داده، جزا دهد! به یقین، خداوند سریع الحساب است! (51)

این (قرآن،) پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است; تا همه به وسیله آن انذار شوند، و بدانند او خدا یکتاست; و تا صاحبان مغز (و اندیشه) پند گیرند! (52)

سوره الحجر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این آیات کتاب، و قرآن مبین است. (1)

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند! (2)

بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد; ولی بزودی خواهند فهمید! (3)

ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاك نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند! (4)

هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد; و از آن عقب نخواهد افتاد! (5)

و گفتند: «ای کسی که «ذکر» (قرآن) بر او نازل شده، مسلما تو دیوانه‌ای! (6)

اگر راست می‌گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌زوری؟!» (7)

(اما اینها باید بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی‌کنیم،;و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی‌شود (;و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می‌گردند)! (8)

ما قرآن را نازل کردیم; و ما بطور قطع نگهدار آنیم! (9)

ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امتهای نخستین فرستادیم. (10)

هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی‌آمد مگر اینکه او را مسخره می‌کردند. (11)

ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می‌دهیم! (12)

(اما با این حال،) آنها به آن ایمان نمی‌آورند; روش اقوام پیشین نیز چنین بود! (13)

و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، و آنها پیوسته در آن بالا روند... (14)

باز می‌گویند: «ما را چشم‌بندی کرده‌اند; بلکه ما (سر تا پا) سحر شده‌ایم!» (15)

ما در آسمان برجهایی قرار دادیم; و آن را برای بینندگان آراستیم. (16)

و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم; (17)

مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب می‌کند (و می‌راند) (18)

و زمین را گستردیم; و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم; و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم; (19)

و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم; همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید! (20)

و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست; ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم! (21)

ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم; و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم; در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید! (22)

« ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم; و ماییم وارث (همه جهان)! (23)

ما، هم پیشینیان شما را دانستیم; و هم متاخران را! (24)

پروردگار تو، قطعا آنها را (در قیامت) جمع و محشور می‌کند; چرا که او حکیم و داناست! (25)

ما انسان را از گل خشکیده‌ای (همچون سفال) که از گل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم! (26)

و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم! (27)

و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، می‌آفرینم. (28)

هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یك روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (29)

همه فرشتگان، بی استثنا، سجده کردند... (30)

جز ابلیس، که ابا کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد. (31)

(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده‌کنندگان نیستی؟!» (32)

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد!» (33)

فرمود: «از صف آنها (فرشتگان) بیرون رو، که رانده‌شده‌ای (از درگاه ما!).

و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود!» (35)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)» (36)

فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! (37)

(اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معینی.» (38)

گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، (39)

مگر بندگان مخلصت را.» (40)

فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است (و سنت همیشگیم)... (41)

که بر بندگانم تسلط نخواهی یافت; مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند; (42)

و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست! (43)

هفت در دارد; و برای هر دری، گروه معینی از آنها تقسیم شده‌اند! (44)

به یقین، پرهیزگاران در باغها(ی سرسبز بهشت) و در کنار چشمه‌ها هستند. (45)

(فرشتگان به آنها می‌گویند:) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیت! (46)

هر گونه غل (حسد و کینه و دشمنی) را از سینه آنها برمی‌کنیم (و روحشان را پاك می‌سازیم); در حالی که همه برابرند، و بر تختها روبه‌روی یکدیگر قرار دارند. (47)

هیچ خستگی و تعبی در آنجا به آنها نمی‌رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی‌گردند! (48)

بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم! (49)

و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناك است! (50)

و به آنها از مهمانهای ابراهیم خبر ده! (51)

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند; (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!» (52)

گفتند: «نترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می‌دهیم!» (53)

گفت: «آیا به من (چنین) بشارت می‌دهید با اینکه پیر شده‌ام؟! به چه چیز بشارت می‌دهید؟! س‌ذلّه (54)

گفتند: «تو را به حق بشارت دادیم; از مایوسان مباش!» (55)

گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مایوس می‌شود؟!» (56)

(سپس) گفت: «ماموریت شما چیست ای فرستادگان خدا؟» (57)

گفتند: «ما به سوی قومی گنهکار ماموریت یافته‌ایم (تا آنها را هلاك کنیم)! (58)

مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد... (59)

بجز همسرش، که مقدر داشتیم از بازماندگان (در شهر، و هلاك‌شوندگان) باشد!» (60)

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند... (61)

(لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!» (62)

گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده‌ایم که آنها (کافران) در آن تردید داشتند (آری،) ما مامور عذابیم)! (63)

ما واقعیت مسلمی را برای تو آورده‌ایم; و راست می‌گوییم! (64)

پس، خانواده‌ات را در اواخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر; و خودت به دنبال آنها حرکت کن; و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد; مامور هستید بروید!» (65)

و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه‌کن خواهند شد. (66)

(از سوی دیگر،) اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند. (67)

(لوط) گفت: «اینها میهمانان منند; آبروی مرا نریزید! (68)

و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!» (69)

گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!» (70)

گفت: «دختران من حاضرند، اگر می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید، و از گناه و آلودگی بپرهیزید!)» (71)

به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند)! (72)

سرانجام، هنگام طلوع آفتاب، صیحه (مرگبار -بصورت صاعقه یا زمین‌لرزه-) آنها را فراگرفت! (73)

سپس (شهر و آبادی آنها را زیر و رو کردیم;) بالای آن را پایین قرار دادیم; و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم! (74)

در این (سرگذشت عبرت‌انگیز)، نشانه‌هایی است برای هوشیاران! (75)

و ویرانه‌های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها)، همواره ثابت و برقرار است; (76)

در این، نشانه‌ای است برای مؤمنان! (77)

«اصحاب الایکه» (صاحبان سرزمینهای پردرخت قوم شعیب) مسلما قوم ستمگری بودند! (78)

ما از آنها انتقام گرفتیم; و (شهرهای ویران شده) این دو (قوم لوط و اصحاب الایکه) بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است! (79)

و «اصحاب حجر» (قوم ثمود) پیامبران را تکذیب کردند! (80)

ما آیات خود را به آنان دادیم; ولی آنها از آن روی گرداندند! (81)

آنها خانه‌های امن در دل کوه‌ها می‌تراشیدند. (82)

اما سرانجام صیحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فرا گرفت; (83)

و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد! (84)

ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم; و ساعت موعود (قیامت) قطعا فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می‌رسد)! پس، از آنها به طرز شایسته‌ای صرف‌نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)! (85)

به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است! (86)

ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم! (87)

(بنابر این،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروه‌هایی از آنها (کفار) دادیم، میفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! (88)

و بگو: «من انذارکننده آشکارم!» (89)

(ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم! (90)

همانها که قرآن را تقسیم کردند (;آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)! (91)

به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد... (92)

از آنچه عمل می‌کردند! (93)

آنچه را ماموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! (94)

ما شر استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد; (95)

همانها که معبود دیگری با خدا قرار دادند; اما بزودی می‌فهمند! (96)

ما می‌دانیم‌سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند). (97)

(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده‌کنندگان باش! (98)

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) تو فرا رسد! (99)

سوره النحل

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان،) فرا رسیده است; برای آن عجله نکنید! منزه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرارمی‌دهند! (1)

فرشتگان را با روح (الهی) بفرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می‌کند; (و به آنها دستور می‌دهد) که مردم را انذار کنید; (و بگویید:) معبودی جز من نیست; از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید! (2)

آسمانها و زمین را بحق آفرید; او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می‌دهند! (3)

انسان را از نطفه بی‌ارزشی آفرید; و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشتن گردید! (4)

و چهارپایان را آفرید; در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است; و از گوشت آنها می‌خورید! (5)

و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید! (6)

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی‌رسیدید; پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده)! (7)

همچنین اسبها و استرهاو الاغها را آفرید; تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید. (8)

و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد; اما بعضی از راه‌ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند (;ولی اجبار سودی ندارد). (9)

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است; و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است. (10)

خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه‌ها می‌رویاند; مسلما در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است. (11)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت; و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند; در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا،) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند! (12)

(علاوه بر این،) مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت; در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند! (13)

او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید; و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید; و کشتیها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید; شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (14)

و در زمین، کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد; و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. (15)

و (نیز) علاماتی قرار داد; و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند. (16)

آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می‌آفریند، همچون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (17)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید; خداوند بخشنده و مهربان است! (18)

خداوند آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید، می‌داند. (19)

معبودهایی را که غیر از خدا می‌خوانند، چیزی را خلق نمی‌کنند; بلکه خودشان هم مخلوقند! (20)

آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند; و نمی‌دانند (عبادت‌کنندگانشان) در چه زمانی محشور می‌شوند! (21)

معبود شما خداوند یگانه است; اما کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دلهایشان (حق را) انکار می‌کند و مستکبرند. (22)

قطعا خداوند از آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکار می‌سازند با خبر است; او مستکبران را دوست نمی‌دارد! (23)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «پروردگار شما چه نازل کرده است؟» می‌گویند: «اینها (وحی الهی نیست;) همان افسانه‌های دروغین پیشینیان است!» (24)

آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند; و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می‌سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند! (25)

کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه‌ها داشتند; ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت; و آن را از اساس ویران کرد; و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت; و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی‌دانستند به سراغشان آمد! (26)

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می‌سازد; و می‌گوید: «شریکانی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می‌کردید، کجا هستید؟!» (در این هنگام،) کسانی که به آنها علم داده شده می‌گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است!» (27)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها تسلیم می‌شوند (و بدروغ می‌گویند:) ما کار بدی انجام نمی‌دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می‌دادید عالم است! (28)

(به آنها گفته می‌شود:) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران! (29)

(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می‌شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می‌گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است; و سرای آخرت از آن هم بهتر است; و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (30)

باغهایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می‌شوند; نهرها از زیر درختانش می‌گذرد; هر چه بخواهند در آنجا هست; خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می‌دهد! (31)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاك و پاکیزه‌اند; به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!» (32)

آیا آنها انتظاری جز این دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آنگاه توبه کنند؟! ولی توبه آنها در آن زمان بی اثر است! آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند! خداوند به آنها ستم نکرد; ولی آنان به خویشتن ستم می‌نمودند! (33)

و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید; و آنچه را (از وعده‌های عذاب) استهزا می‌کردند، بر آنان وارد شد. (34)

مشرکان گفتند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی‌کردیم; و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی‌ساختیم!» (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند; ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (35)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید; و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد; و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت; پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (36)

هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد; چرا) که خداوند کسی را که گمراه ساخت، هدایت نمی‌کند; و آنها یاورانی نخواهند داشت! (37)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، برنمی‌انگیزد! س‌ذلّه آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی‌گرداند); ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (38)

هدف این است که آنچه را در آن اختلاف داشتند، برای آنها روشن سازد; و کسانی که منکر شدند، بدانند دروغ می‌گفتند! (39)

(رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست; زیرا) وقتی چیزی را اراده می‌کنیم، فقط به آن می‌گوییم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می‌شود. (40)

آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می‌دهیم; و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند! (41)

آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (42)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم! اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است)! (43)

(از آنها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی; و شاید اندیشه کنند! (44)

آیا توطئه‌گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فروبرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!... (45)

یا به هنگامی (که برای کسب مال و ثروت افزونتر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند؟!... (46)

یا بطور تدریجی، با هشدارهای خوف‌انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. (47)

آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می‌کنند؟! (48)

(نه تنها سایه‌ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند. (49)

آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می‌ترسند; و آنچه را ماموریت دارند انجام می‌دهند. (50)

خداوند فرمان داده: «دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید; معبود (شما) همان خدای یگانه است; تنها از (کیفر) من بترسید!» (51)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست; و دین خالص (نیز) همواره از آن او می‌باشد; آیا از غیر او می‌ترسید؟! (52)

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید! (53)

(اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می‌سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند. (54)

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده‌ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، اما بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)! (55)

آنان برای بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده‌ایم قرارمی‌دهند; به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت،) از این افتراها که می‌بندید، بازپرسی خواهید شد! (56)

آنها (در پندار خود،) برای خداوند دختران قرارمی‌دهند; -منزه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)- ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می‌شوند... (57)

در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فراب ناراحتی) سیاه می‌شود; و به شدت خشمگین می‌گردد;... (58)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد; (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاك پنهانش کند؟! چه بد حکم می‌کنند! (59)

برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است; و برای خدا، صفات عالی است; و او قدرتمند و حکیم است. (60)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می‌کرد، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذارد; ولی آنها را تا زمان معینی به تاخیر می‌اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تاخیر می‌کنند، و نه ساعتی پیشی می‌گیرند. (61)

آنها برای خدا چیزهایی قرارمی‌دهند که خودشان از آن کراهت دارند (فرزندان دختر); با این حال زبانشان به دروغ می‌گوید سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است; و آنها از پیشگامان (دوزخ)اند. (62)

به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم; اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست; و امروز او ولی و سرپرستشان است; و مجازات دردناکی برای آنهاست! (63)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی; و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند! (64)

خداوند از آسمان، آبی فرستاد; و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند! (65)

و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم! (66)

و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاك) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید; در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند! (67)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه‌ها و درختان و داربستهایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین! (68)

سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است; به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند. (69)

خداوند شما را آفرید; سپس شما را می‌میراند; بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند); خداوند دانا و تواناست! (70)

خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است)! اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند و همگی در آن مساوی گردند; آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌نمایند (که شکر او را ادا نمی‌کنند)؟! (71)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد; و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد; و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد; آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (72)

آنها غیر از خدا، موجوداتی را می‌پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند; و توان این کار را نیز ندارند. (73)

پس، برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (74)

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست; و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده‌ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می‌کند; آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر مخصوص خداست، ولی اکثر آنها نمی‌دانند! (75)

خداوند مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادرزاد است; و قادر بر هیچ کاری نیست; و سربار صاحبش می‌باشد; او را در پی هر کاری بفرستد، خوب انجام نمی‌دهد; آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می‌کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟! (76)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می‌داند); و امر قیامت(بقدری نزدیك و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر; چرا که خدا بر هر چیزی تواناست! (77)

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید; و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید! (78)

آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمانها نگه‌داشته شده، نظر نیفکندند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد; در این امر، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می‌آورند! (79)

و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد; و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می‌توانید آنها را جا به جا کنید; و از پشم و کرك و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد. (80)

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده; و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی; و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند; و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست; این گونه نعمتهایش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! (81)

(با این همه،) اگر روی برتابند، (نگران مباش;) تو فقط وظیفه ابلاغ آشکار داری. (82)

آنها نعمت خدا را می‌شناسند; سپس آن را انکار می‌کنند; و اکثرشان کافرند! (83)

(به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان برمی‌انگیزیم; سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی‌شود; (بلکه دست و پا و گوش و چشم، حتی پوست تن آنها گواهی می‌دهند!) و (نیز) اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی‌دهند! (84)

و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند، نه به آنها تخفیف داده می‌شود، و نه مهلت! (85)

و هنگامی که مشرکان معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می‌بینند، می‌گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می‌خواندیم! «در این هنگام، معبودان به آنها می‌گویند: «شما دروغگو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می‌کردید!)» (86)

و در آن روز، همگی (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می‌شوند; و تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می‌بستند، گم و نابود می‌شود! (87)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بخاطر فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم! (88)

(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم; و تو را گواه بر آنان قرارمی‌دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است! (89)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد; و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند; خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! (90)

و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است! (91)

همانند آن زن (سبك مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را، پس از استحکام،وامی‌تابید! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید; بخاطر اینکه گروهی، جمعیتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه‌ای برای شکستن بیعت با پیامبر می‌شمرید)! خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می‌کند; و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می‌سازد! (92)

و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی‌داد; (و همه را به اجبار وادار به ایمان می‌کرد; اما ایمان اجباری فایده‌ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می‌کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می‌کند!) و یقینا شما از آنچه انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد! (93)

سوگندهایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت‌گشتن (بر ایمان) متزلزل شود; و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود! (94)

و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می‌دانستید. (95)

آنچه نزد شماست فانی می‌شود; اما آنچه نزد خداست باقی است; و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. (96)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاك زنده می‌داریم; و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. (97)

هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر! (98)

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد. (99)

تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، و آنها که نسبت به او (خدا) شرك می‌ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می‌نهند) (100)

و هنگامی که آیه‌ای را به آیه دیگر مبدل کنیم (حکمی را نسخ نماییم) -و خدا بهتر می‌داند چه حکمی را نازل کند- آنها می‌گویند: «تو افترا می‌بندی!» اما بیشترشان (حقیقت را) نمی‌دانند! (101)

بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت‌قدم گرداند; و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان! (102)

ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است; ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است! (103)

به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان نمی‌آورند، خدا آنها را هدایت نمی‌کند; و برای آنان عذاب دردناکی است. (104)

تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند; (آری،) دروغگویان واقعی آنها هستند! (105)

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند -بجز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست; و عذاب عظیمی در انتظارشان! (106)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند; و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (107)

آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه،) خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده; (به همین دلیل نمی‌فهمند،) و غافلان واقعی همانها هستند! (108)

و ناچار آنها در آخرت زیانکارند. (109)

اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب‌خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند; سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند; پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می‌سازد). (110)

(به یاد آورید) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است; و تنها) به دفاع از خود برمی‌خیزد; و نتیجه اعمال هر کسی، بی‌کم و کاست، به او داده می‌شود; و به آنها ظلم نخواهد شد! (111)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود; و همواره روزیش از هر جا می‌رسید; اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند; و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید! (112)

پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند; از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند! (113)

پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید; و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می‌پرستید! (114)

خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوك و آنچه را با نام غير خدا سر بريده‌اند، بر شما حرام كرده است; اما كسانى كه ناچار شوند، در حالى كه تجاوز و تعدى از حد ننمايند، (خدا آنها را مى‌بخشد; چرا كه) خدا بخشنده و مهربان است. (115)

به خاطر دروغى كه بر زبانتان جارى مى‌شود (و چيزى را مجاز و چيزى را ممنوع مى‌كنيد،) نگوييد: «اين حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببنديد به يقين كسانى كه به خدا دروغ مى‌بندند، رستگار نخواهند شد! (116)

بهره كمى است (كه در اين دنيا نصيبشان مى‌شود); و عذاب دردناكى در انتظار آنان است! (117)

چيزهايى را كه پيش از اين براى تو شرح داديم، بر يهود حرام كرديم; ما به آنها ستم نكرديم، اما آنها به خودشان ظلم و ستم مى‌كردند! (118)

اما پروردگارت نسبت به آنها كه از روى جهالت، بدى كرده‌اند، سپس توبه كرده و در مقام جبران برآمده‌اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (119)

ابراهيم (به تنهايى) امتى بود مطيع فرمان خدا; خالى از هر گونه انحراف; و از مشركان نبود; (120)

شكرگزار نعمتهاى پروردگار بود; خدا او را برگزيد; و به راهى راست هدايت نمود! (121)

ما در دنيا به او (همت) نيكويى داديم; و در آخرت از نيكان است! (122)

سپس به تو وحى فرستاديم كه از آيين ابراهيم -كه ايمانى خالص داشت و از مشركان نبود- پيروى كن! (123)

(تحريمهاى) روز شنبه (براى يهود) فقط بعنوان يك مجازات بود، كه در آن هم اختلاف كردند; و پروردگارت روز قيامت، در آنچه اختلاف داشتند، ميان آنها داورى مى‌كند! (124)

با حكمت و اندرز نيكو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشى كه نيكوتر است، استدلال و مناظره كن! پروردگارت، از هر كسى بهتر مى‌داند چه كسى از راه او گمراه شده است; و او به هدايت‌يافتگان داناتر است. (125)

و هر گاه خواستيد مجازات كنيد، تنها بمقدارى كه به شما تعدى شده كيفر دهيد! و اگر شكيبايى كنيد، اين كار براى شكيبايان بهتر است. (126)

صبر كن، و صبر تو فقط براى خدا و به توفيق خدا باشد! و بخاطر (كارهاى) آنها، اندوهگين و دلسرد مشو! و از توطئه‌هاى آنها، در تنگنا قرار مگير! (127)

خداوند با كسانى است كه تقوا پيشه كرده‌اند، و كسانى كه نيكوكارند. (128)

سوره الاسراء

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

پاك و منزه است خدایی که بنده‌اش را در یك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم; چرا که او شنوا و بیناست. (1)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم; و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم; (و گفتیم:) غیر ما را تکیه‌گاه خود قرار ندهید! (2)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید!) (3)

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری‌جویی بزرگی خواهید نمود. (4)

هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند; حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند; و این وعده‌ای است قطعی! (5)

سپس شما را بر آنها چیره می‌کنیم; و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی کمك خواهیم کرد; و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرارمی‌دهیم. (6)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید; و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می‌شود; و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند; و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند. (7)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم بازمی‌گردیم; و جهنم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم. (8)

این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند; و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (9)

و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم. (10)

انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می‌کند آن گونه که نیکیها را می‌طلبد; و انسان، همیشه عجول بوده است! (11)

ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم; سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید; و هر چیزی را بطور مشخص و آشکار، بیان کردیم. (12)

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم; و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (13)

(و به او می‌گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی! (14)

هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته; و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است; و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد; و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند.) (15)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاك کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم. (16)

چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می‌کردند; (و طبق همین سنت،) آنها را هلاك کردیم! و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه، و نسبت به آن بیناست. (17)

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم -و به هر کس اراده کنیم- می‌دهیم; سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. (18)

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند -در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (19)

هر یك از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمك می‌دهیم; و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (20)

ببین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم; درجات آخرت و برتریهایش، از این هم بیشتر است! (21)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست! (22)

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو! (23)

و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (24)

پروردگار شما از درون دلهایتان آگاهتر است; (اگر لغزشی در این زمینه داشتید) هر گاه صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت‌کنندگان را می‌بخشد. (25)

و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (26)

چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند; و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (27)

و هرگاه از آنان (مستمندان) روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمك کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! (28)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترك انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! (29)

به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد; او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (30)

و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم; مسلما کشتن آنها گناه بزرگی است! (31)

و نزدیك زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (32)

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم; اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است! (33)

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیك نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود! (34)

و هنگامی که پیمانه می‌کنید، حق پیمانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (35)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (36)

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد! (37)

همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (38)

این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده; و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود! (39)

آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می‌گویید! (40)

ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان،) جز بر نفرتشان نمی‌افزاید. (41)

بگو: «اگر آنچنان که آنها می‌گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» (42)

او پاك و برتر است از آنچه آنها می‌گویند، بسیار برتر و منزه‌تر! (43)

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند; و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید; ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید; او بردبار و آمرزنده است. (44)

و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرارمی‌دهیم; (45)

و بر دلهایشان پوششهایی، تا آن را نفهمند; و در گوشهایشان سنگینی; و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند. (46)

هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی‌دهند، ما بهتر می‌دانیم برای چه گوش فرا می‌دهند; (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می‌کنند; آنگاه که ستمگران می‌گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی‌کنید!» (47)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند! در نتیجه گمراه شدند، و نمی‌توانند راه حق را پیدا کنند. (48)

و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهای پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!» (49)

بگو: «شما سنگ باشید یا آهن، (50)

یا هر مخلوقی که در نظر شما، از آن هم سخت‌تر است (و از حیات و زندگی دورتر می‌باشد، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می گویند: «چه کسی ما را بازمی‌گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیك باشد! (51)

همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرامی‌خواند; شما هم اجابت می‌کنید در حالی که حمد او را می‌گویید; می‌پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده‌اید!» (52)

به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می‌کند; همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! (53)

پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاهتر است; اگر بخواهد (و شایسته بداند)، شما را مشمول رحمت خود می‌سازد; و اگر بخواهد، مجازات می‌کند; و ما تو را بعنوان مامور بر آنان نفرستاده‌ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی!) (54)

پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است; و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست،) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم; و به داوود، زبور بخشیدیم. (55)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید، بخوانید! آنها نه می‌توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.» (56)

کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر; و به رحمت او امیدوارند; و از عذاب او می‌ترسند; چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (57)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاك می‌کنیم; یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت; این، در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است. (58)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه‌جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند; (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم; (معجزه‌ای) که روشنگر بود; اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می‌فرستیم. (59)

(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد; (و از وضعشان کاملا آگاه است.) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود; همچنین شجره ملعونه (درخت نفرین شده) را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم; اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید!» (60)

(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاك آفریده‌ای؟!» (61)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه‌کن خواهم ساخت!» (62)

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست، کیفری است فراوان! (63)

هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریك کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد- (64)

(اما بدان) تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ‌گاه به دام تو گرفتار نمی‌شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (65)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد، تا از نعمت او بهره‌مند شوید; او نسبت به شما مهربان است. (66)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می‌خوانید، فراموش می‌کنید; اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می‌گردانید; و انسان، بسیار ناسپاس است! (67)

آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با یك زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفونتان کند)، سپس حافظ (و یاوری) برای خود نیابید؟! (68)

یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده‌ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟! (69)

ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم; و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم; و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم; و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. (70)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند; و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود! (71)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! (72)

نزدیك بود آنها تو را (با وسوسه‌های خود) از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی; و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمیگزینند! (73)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیك بود به آنان تمایل کنی. (74)

اگر چنین می‌کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات) آنها را بعد از مرگ، به تو می‌چشاندیم; سپس در برابر ما، یاوری برای خود نمی‌یافتی! (75)

و نزدیك بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرونت کنند!و هرگاه چنین می‌کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده،) و پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی‌ماندند! (76)

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم; و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت! (77)

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار; و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را; چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (78)

و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یك وظیفه اضافی برای توست; امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد! (79)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!» (80)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد; یقینا باطل نابود شدنی است!» (81)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم; و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید. (82)

هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه دور می‌شود; و هنگامی که (کمترین) بدی به او می‌رسد، (از همه چیز) مایوس می‌گردد! (83)

بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند; و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می‌شناسد.» (84)

و از تو درباره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است; و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (85)

و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده‌ایم، از تو می‌گیریم; سپس کسی را نمی‌یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند... (86)

مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد،) که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است! (87)

بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد; هر چند یکدیگر را (در این کار) کمك کنند. (88)

ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه‌ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است); اما بیشتر مردم (در برابر آن، از هر کاری) جز انکار، ابا داشتند! (89)

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا اینکه چشمه‌جوشانی از این سرزمین (خشك و سوزان) برای ما خارج سازی... (90)

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد; و نهرها در لابه‌لای آن جاری کنی... (91)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که می‌پنداری- بر سر ما فرود آری; یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری... (92)

یا برای تو خانه‌ای پر نقش و نگار از طلا باشد; یا به آسمان بالا روی; حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو:» منزه است پروردگارم (از این سخنان بی‌معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (93)

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی‌خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (94)

بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می‌کردند، و) با آرامش گام برمی‌داشتند، ما فرشته‌ای را به عنوان رسول، بر آنها می‌فرستادیم!» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (95)

بگو: «همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد; چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست! (96)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست; و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت; و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کرند; جایگاهشان دوزخ است; هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه‌ای بر آنان می‌افزاییم! (97)

این کیفر آنهاست، بخاطر اینکه نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده‌ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! س‌ذلّه (98)

آیا نمی‌دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی -که شکی در آن نیست- قرار داده; اما ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند! (99)

بگو: «اگر شما مالك خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساك می‌کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است! (100)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم; پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می‌کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» (101)

(موسی) گفت: «تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین -برای روشنی دلها- نفرستاده; و من گمان می‌کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاك خواهی شد!» (102)

پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین ریشه کن سازد; ولی ما، او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (103)

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین (مصر و شام) ساکن شوید! اما هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می‌آوریم» (104)

و ما قرآن را بحق نازل کردیم; و بحق نازل شد; و تو را، جز بعنوان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نفرستادیم! (105)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی; و آن را بتدریج نازل کردیم. (106)

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به خاك می‌افتند... (107)

و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده‌هایش به یقین انجام‌شدنی است !» (108)

آنها (بی‌اختیار) به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند; و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می‌افزاید. (109)

بگو: ««الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است; و) برای او بهترین نامهاست!» و نمازت‌را زیاد بلند، یا خیلی آهسته نخوان; و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن! (110)

و بگو: «ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار! (111)

سوره الکهف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده)اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد... (1)

در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتابهای (آسمانی) دیگر است; تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند; و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست... (2)

(همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند! (3)

و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است»، انذار کند. (4)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می‌شود! آنها فقط دروغ می‌گویند! (5)

ج832)گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاك کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (6)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند! (7)

(ولی) این زرق و برقها پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاك بی گیاهی قرار می‌دهیم! (8)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! (9)

« زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!» (10)

ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند. (11)

سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یك از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده‌اند. (12)

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می‌کنیم; آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (13)

و دلهایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است; هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم; که اگر چنین کنیم، سخنی بگزاف گفته‌ایم. (14)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده‌اند; چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟!» (15)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید; که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند; و در این امر، آرامشی ب شما فراهم می‌سازد! (16)

و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می‌گردد; و به هنگام غروب، به سمت چپ; و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند; این از آیات خداست! هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست; و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (17)

و (اگر به آنها نگاه می‌کردی) می‌پنداشتی بیدارند; در حالی که در خواب فرو رفته بودند! و ما آنها را به سمت راست و چپ میگرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگهبانی می‌کرد). اگر نگاهشان می‌کردی، از آنان می‌گریختی; و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می‌شد! (18)

این‌گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند; یکی از آنها گفت: «چه مدت خوابیدید؟!» گفتند: «یك روز، یا بخشی از یك روز!» (و چون نتوانستند مدت خوابشان را دقیقا بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدت خوابتان آگاهتر است! اکنون یك نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یك از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. اما باید دقت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد... (19)

چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسارتان می‌کنند; یا شما را به آیین خویش بازمی‌گردانند; و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!» (20)

و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است; و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود.)» (21)

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می‌گویند: س‌خ‌للّهپنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» -همه اینها سخنانی بی‌دلیل است- و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو; و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن! (22)

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می‌دهم»... (23)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور; و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (24)

آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند. (25)

بگو: «خداوند از مدت توقفشان آگاهتر است; غیب آسمانها و زمین از آن اوست! راستی چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی‌دهد!» (26)

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد; و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی! (27)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است. (28)

بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است! (29)

مسلما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد! (30)

آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است; باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است; در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند; و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازك و ضخیم، دربر می‌کنند; در حالی که بر تختها تکیه کرده‌اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی! (31)

(ای پیامبر!) برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم; و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم; و در میانشان زراعت پر برکتی قرارادادیم. (32)

هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه‌های فراوان،) و چیزی فروگذار نکرده بود; و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (33)

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت; به همین جهت، به دوستش -در حالی که با او گفتگو می‌کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!» (34)

و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود! (35)

و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد! و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت!» (36)

دوست (با ایمان) وی -در حالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاك، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد ، کافر شدی؟! (37)

ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است; و هیچ کس را شریك پروردگارم قرارنمی‌دهم! (38)

چرا هنگامی که وارد باغت شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست)! (39)

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد; و مجازات حساب شده‌ای از آسمان بر باغ تو فروفرستد، بگونه‌ای که آن را به زمین بی‌گیاه لغزنده‌ای مبدل کند! (40)

و یا آب آن در اعماق زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری!» (41)

(به هر حال عذاب الهی فرا رسید،) و تمام میوه‌های آن نابود شد; و او بخاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهای خود را به هم می‌مالید -در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود- و می‌گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم! س‌ذلّه (42)

و گروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند; و از خودش (نیز) نمی‌توانست یاری گیرد. (43)

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد! (44)

(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم; و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم فرومیرود. اما بعد از مدتی می‌خشکد; و بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کند; و خداوند بر همه چیز تواناست! (45)

مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست; و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است! (46)

و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم; و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی; و همه آنان (انسانها) را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد! (47)

آنها همه در یك صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می‌شوند; (و به آنان گفته می‌شود:) همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم! اما شما گمان می‌کردید ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد! (48)

و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست) در آن جا گذارده می‌شود، پس گنهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند; و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچك و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می‌بینند; و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند. (49)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (50)

من هرگز آنها (ابلیس و فرزندانش) را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم! و من هیچ گاه گمراه‌کنندگان را دستیار خود قرار نمی‌دهم! (51)

به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می‌گوید: «همتایانی را که برای من می‌پنداشتید، بخوانید (تا به کمك شما بشتابند!)» ولی هر چه آنها را می‌خوانند،جوابشان نمی‌دهند; و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرارداده‌ایم! (52)

و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می‌بینند; و یقین می‌کنند که با آن درمی‌آمیزند،و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت. (53)

و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده‌ایم; ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد! (54)

و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جز اینکه (خیره‌سری کردند; گویی می‌خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (55)

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی‌فرستیم; اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند، تا (به گمان خود،) حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است،به باد مسخره گرفتند! (56)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای اینها پرده‌هایی افکنده‌ایم تا نفهمند; و در گوشهایشان سنگینی قرار داده‌ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند! (57)

و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است; اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد; ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (58)

این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاك نمودیم; و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (آنها ویرانه‌هایش را با چشم می‌بینند، و عبرت نمی‌گیرند!) (59)

به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو برنمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم; هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! (60)

(ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند; و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). (61)

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده‌ایم!» (62)

گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم -و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفت‌آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (63)

(موسی) گفت: «آن همان بود که ما می‌خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی‌جویی می‌کردند. (64)

(در آن جا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (65)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (66)

گفت: «تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! (67)

و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟! (68)

(موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت; و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (69)

(خضر) گفت: «پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز مپرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (70)

آن دو به راه افتادند; تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: ; س‌خ‌للّه‌آیا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!» (71)

گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟!» (72)

(موسی) گفت: «مرا بخاطر این فراموشکاریم مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر! س‌ذللّه (73)

باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند; و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: س‌خ‌للّه‌آیا انسان پاکی را، بی آنکه قتلی کرده باشد، کشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی! س‌ذللّه (74)

(باز آن مرد عالم) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی با من صبر کنی؟!» (75)

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن; (زیرا) از سوی من معذور خواهی بود!» (76)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند; از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند; ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند; (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد; و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لااقل) می‌خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!» (77)

او گفت: «اینك زمان جدایی من و تو فرا رسیده; اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می‌دهم. (78)

اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می‌کردند; و من خواستم آن را معیوب کنم; (چرا که) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را بزور میگرفت! (79)

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند; و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (80)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت‌تر به آن دو بدهد! (81)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود; و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت; و پدرشان مرد صالحی بود; و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند; این رحمتی از پروردگارت بود; و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم; این بود رازکارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!» (82)

و از تو درباره «ذو القرنین» می‌پرسند; بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (83)

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم; و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (84)

او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد... (85)

تا به غروبگاه آفتاب رسید; (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسم شد) که خورشید در چشمه تیره و گل‌آلودی فرو می‌رود; و در آن جا قومی را یافت; گفتیم: «ای ذو القرنین! آیا می‌خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟» (86)

گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد; سپس به سوی پروردگارش بازمی‌گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد! (87)

و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت; و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.» (88)

سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت... (89)

تا به خاستگاه خورشید رسید; (در آن جا) دید خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایبانی نداشتند). (90)

(آری) اینچنین بود (کار ذو القرنین)! و ما بخوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم! (91)

(باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد... (92)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید; و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)! (93)

(آن گروه به او) گفتند: «ای ذو القرنین یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند; آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟!» (94)

(ذو القرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سد محکمی قرار دهم! (95)

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)!» تا وقتی که کاملا میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در آن بدمید!» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (96)

(سرانجام چنان سد نیرومندی ساخت) که آنها (طایفه یاجوج و ماجوج) قادر نبودند از آن بالا روند; و نمی‌توانستند نقبی در آن ایجاد کنند. (97)

(آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می‌کوبد; و وعده پروردگارم حق است!» (98)

و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که درهم موج می‌زنند; و در صور (شیپور) دمیده می‌شود; و ما همه را جمع می‌کنیم! (99)

در آن روز، جهنم را بر کافران عرضه می‌داریم! (100)

همانها که پرده‌ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند! (101)

آیا کافران پنداشتند می‌توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده‌ایم! (102)

بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ (103)

آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده; با این حال، می‌پندارند کار نیك انجام می‌دهند!» (104)

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند; به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! (105)

(آری،) این گونه است! کیفرشان دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به سخریه گرفتند! (106)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود. (107)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند; و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی‌کنند! (108)

بگو: «اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد; هر چند همانند آن (دریاها) را کمك آن قرار دهیم!» (109)

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما; (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است; پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریك نکند! (110)

سوره مریم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کهیعص (1)

(این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا... (2)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند... (3)

گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده; و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته; و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده‌ام! (4)

و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)! و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است; تو از نزد خود جانشینی به من ببخش... (5)

که وارث من و دودمان یعقوب باشد; و او را مورد رضایتت قرار ده!» (6)

ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است; و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم! (7)

گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده‌ام!» (8)

فرمود: «پروردگارت این گونه گفته (و اراده کرده)! این بر من آسان است; و قبلا تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی!» (9)

عرض کرد: «پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی داشت; در حالی که زبانت سالم است!» (10)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد; و با اشاره به آنها گفت: «(بشکرانه این موهبت،) صبح و شام خدا را تسبیح گویید!» (11)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! (12)

و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)! و او پرهیزگار بود! (13)

او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود; و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود! (14)

سلام بر او، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود! (15)

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت; (16)

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم; و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! (17)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شر تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری! (18)

گفت: «من فرستاده پروردگار توام; (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!» (19)

گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام!» (20)

گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می‌آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم;) و او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم; و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد)!» (21)

سرانجام (مریم) به او باردار شد; و او را به نقطه دور دستی برد (و خلوت گزید) (22)

درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند; (آنقدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و بکلی فراموش می‌شدم!» (23)

ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است! (24)

و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد! (25)

(از این غذای لذیذ) بخور; و (از آن آب گوارا) بنوش; و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام; بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی‌گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)» (26)

(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد; گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (27)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره‌ای!!» (28)

(مریم) به او اشاره کرد; گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (29)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم; او کتاب (آسمانی) به من داده; و مرا پیامبر قرار داده است! (30)

و مرا -هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده; و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است! (31)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده; و جبار و شقی قرار نداده است! (32)

و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم، و در آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد!» (33)

این است عیسی پسر مریم; گفتار حقی که در آن تردید می‌کنند! (34)

هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزه است او! هرگاه چیزی را فرمان دهد، می‌گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می‌شود! (35)

و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید; این است راه راست! (36)

ولی (بعد از او) گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند; وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)! (37)

در آن روز که نزد ما می‌آیند، چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می‌کنند! ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند! (38)

آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تاسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند! (39)

ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می‌بریم; و همگی بسوی ما بازگردانده می‌شوند! (40)

در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و پیامبر (خدا) بود! (41)

هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود، و نه می‌بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند؟! (42)

ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است; بنابر این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم! (43)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بود! (44)

ای پدر! من از این می‌ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (45)

گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برنداری، تو را سنگسار می‌کنم! و برای مدتی طولانی از من دور شو!» (46)

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می‌کنم; چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است! (47)

و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم; و پروردگارم را می‌خوانم; و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی‌پاسخ نمانم!» (48)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم; و هر یك را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! (49)

و از رحمت خود به آنان عطا کردیم; و برای آنها نام نیك و مقام برجسته‌ای (در میان همه امتها) قرار دادیم! (50)

و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبری والا مقام! (51)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم; و نجواکنان او را (به خود) نزدیك ساختیم; (52)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را -که پیامبر بود- به او بخشیدیم. (53)

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! (54)

او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد; و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (55)

و در این کتاب، از ادریس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود. (56)

و ما او را به مقام والایی رساندیم. (57)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاك می‌افتادند، در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند. (58)

اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند; و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! (59)

مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند; چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (60)

وارد باغهایی جاودانی می‌شوند که خداوند رحمان بندگانش را به آن وعده داده است; هر چند آن را ندیده‌اند; مسلما وعده خدا تحقق یافتنی است! (61)

در آن جا هرگز گفتار لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند; و جز سلام در آن جا سخنی نیست; و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است. (62)

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می‌دهیم. (63)

(پس از تاخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی‌شویم; آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، همه از آن اوست; و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)! (64)

همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن; و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟! (65)

انسان می‌گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد؟!» (66)

آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (67)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می‌کنیم; سپس همه را -در حالی که به زانو درآمده‌اند- گرداگرد جهنم حاضر می‌سازیم. (68)

سپس از هر گروه و جمعیتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده‌اند، جدا می‌کنیم. (69)

بعد از آن، ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم! (70)

و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید; این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! (71)

سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم; و ظالمان را -در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده‌اند- در آن رها می‌سازیم. (72)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: «کدام یك از دو گروه (ما و شما) جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟ !» (73)

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از آنها بهتر بود، و هم ظاهرشان آراسته‌تر! (74)

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (75)

(اما) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید; و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! (76)

آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (77)

آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟! (78)

هرگز چنین نیست! ما بزودی آنچه را می‌گوید می‌نویسیم و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت! (79)

آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می‌بریم، و به صورت تنها نزد ما خواهد آمد! (80)

و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!) (81)

هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد; (بلکه) بر ضدشان قیام می‌کنند! (82)

آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیدا تحریك کنند؟! (83)

پس درباره آنان شتاب مکن; ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره میکنیم! (84)

در آن روز که پرهیزگاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پاداشهای او) محشور می‌کنیم... (85)

و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که‌به سوی آبگاه می‌روند) به جهنم می‌رانیم... (86)

آنان هرگز مالك شفاعت نیستند; مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. (87)

و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». (88)

راستی مطلب زشت و زننده‌ای گفتید! (89)

نزدیك است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها بشدت فرو ریزد... (90)

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! (91)

در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند! (92)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند! (93)

خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقت شمرده است! (94)

و همگی روز رستاخیز، تك و تنها نزد او حاضر می‌شوند! (95)

مسلما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد! (96)

و ما فقط آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی. (97)

چه بسیار اقوام (بی‌ایمان و گنهکاری) را که پیش از آنان هلاك کردیم; آیا احدی از آنها را احساس می‌کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می‌شنوی؟! (98)

سوره طه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طه (1)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! (2)

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می‌ترسند نازل ساختیم. (3)

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (4)

همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است. (5)

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاك (پنهان) است! (6)

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار -و حتی پنهان‌تر از آن- را نیز می‌داند! (7)

او خداوندی است که معبودی جز او نیست; و نامهای نیکوتر از آن اوست! (8)

و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (9)

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم; یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!» (10)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی! (11)

من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی! (12)

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم; اکنون به آنچه برتو وحی می‌شود، گوش فراده! (13)

من «الله» هستم; معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپادار! (14)

بطور قطع رستاخیز خواهد آمد! می‌خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود! (15)

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می‌کند، تو را از آن بازدارد; که هلاك خواهی شد! (16)

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! (17)

گفت: «این عصای من است; بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرومی‌ریزم; و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است. (18)

گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.» (19)

پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان اژدهایی شد که به هر سو می‌شتافت. (20)

گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش بازمی‌گردانیم. (21)

و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید; این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است. (22)

تا از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (23)

اینك به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (24)

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن; (25)

و کارم رابرایم آسان گردان! (26)

و گره از زبانم بگشای; (27)

تا سخنان مرا بفهمند! (28)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده... (29)

برادرم هارون را! (30)

با او پشتم را محکم کن; (31)

و او را در کارم شریك ساز; (32)

تا تو را بسیار تسبیح گوییم; (33)

و تو را بسیار یاد کنیم; (34)

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای!» (35)

فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد! (36)

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم... (37)

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم... (38)

که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند; و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد!» و من محبتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر دیدگان (علم) من، ساخته شوی (و پرورش یابی)! (39)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود; و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی; اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین; سذللّه توقف نمودی; سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (40)

و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)! (41)

(اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! (42)

بسوی فرعون بروید; که طغیان کرده است! (43)

اما بنرمی با او سخن بگویید; شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد! (44)

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می‌ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد); یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (45)

فرمود: «نترسید! من با شما هستم; (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم! (46)

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بفرست; و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند! (47)

به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید!» (48)

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (49)

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده; سپس هدایت کرده است!» (50)

گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (51)

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است; پروردگارم هرگز گمراه نمی‌شود، و فراموش نمی‌کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می‌دهد)! (52)

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد; و راه‌هایی در آن ایجاد کرد; و از آسمان، آبی فرستاد!» که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاك تیره) برآوردیم. (53)

هم خودتان بخورید; و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلما در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است! (54)

ما شما را از آن (زمین) آفریدیم; و در آن بازمی‌گردانیم; و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم! (55)

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم; اما او تکذیب کرد و سرباز زد! (56)

گفت: «ای موسی! آیا آمده‌ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! (57)

قطعا ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم; آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!» (58)

گفت: «میعاد ما و شما روز زینت (روز عید) است; به شرط اینکه همه مردم ، هنگامی که روز، بالا می‌آید، جمع شوند!» (59)

فرعون آن مجلس را ترك گفت; و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد; و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (60)

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی نابود می‌سازد! و هر کس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید (و شکست خورده) می‌شود!» (61)

آنها در میان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند; و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. (62)

گفتند: «این دو (نفر) مسلما ساحرند! می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند! (63)

اکنون که چنین است، تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید، و در یك صف (به میدان مبارزه) بیایید; امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند! (64)

(ساحران) گفتند: «ای موسی! آیا تو اول (عصای خود را) می‌افکنی، یا ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» (65)

گفت: «شما اول بیفکنید!» در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کند! (66)

موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند)! (67)

گفتیم: «نترس! تو مسلما (پیروز و) برتری! (68)

و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته‌اند می‌بلعد! آنچه ساخته‌اند تنها مکر ساحر است; و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد!» (69)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» (70)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلما او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است! به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می‌کنم; و شما را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم; و خواهید دانست مجازات کدام یك از ما دردناکتر و پایدارتر است!» (71)

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می‌خواهی بکن; تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی! (72)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید; و خدا بهتر و پایدارتر است!» (73)

هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست; در آن جا، نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند! (74)

و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند.. . (75)

باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود; این است پاداش کسی که خود را پاك نماید! (76)

ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانه بندگانم را (از مصر) با خود ببر; و برای آنها راهی خشك در دریا بگشا; که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا! س‌ذلّه (77)

(به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند; و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید! (78)

فرعون قوم خود را گمراه ساخت; و هرگز هدایت نکرد! (79)

ای بنی اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنتان نجات دادیم; و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم; و «من» و «سلوی» بر شما نازل کردیم! (80)

بخوریداز روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم; و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوب می‌کند! (81)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمرزم! (82)

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور)عجله کنی؟! (83)

عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند; و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی! س‌ذلّه (84)

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» (85)

موسی خشمگین و اندوهناك به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (86)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم; بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد... (87)

و برای آنان مجسمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد; و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود)! (88)

آیا نمی‌بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد، و مالك هیچ گونه سود و زیانی برای آنها نیست؟! (89)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته‌اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (90)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می‌گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!» (91)

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (92)

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (93)

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! (ای برادر!) ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (94)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (95)

گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند; من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (96)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیك شود) بگوئی س‌خ‌لّهبا من تماس نگیر!» و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی! و ببین ما آن را نخست می‌سوزانیم; سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم! (97)

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست; و علم او همه چیز را فرا گرفته است! س‌ذلّه (98)

این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می‌کنیم; و ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم! (99)

هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیت) بر دوش خواهد داشت! (100)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند; و بد باری است برای آنها در روز قیامت! (101)

همان روزی که در «صور» دمیده می‌شود; و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می‌کنیم! (102)

آنها آهسته با هم گفتگو می‌کنند; (بعضی می‌گویند:) شما فقط ده (شبانه روز در عالم برزخ) توقف کردید! (و نمی‌دانند چقدر طولانی بوده است!) (103)

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاهتریم، هنگامی که نیکوروش‌ترین آنها می‌گوید:«شما تنها یك روز درنگ کردید!» (104)

و از تو درباره کوه‌ها سؤال می‌کنند; بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده) برباد می‌دهد! (105)

سپس زمین را صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد... (106)

به گونه‌ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی!» (107)

در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی‌خیزند); و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می‌شود; و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی! (108)

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است. (109)

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سرگذاشته‌اند می‌داند; ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند! (110)

و (در آن روز) همه چهره‌ها در برابر خداوند حی قیوم، خاضع می‌شود; و مایوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بر دوش دارد! (111)

(اما) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می‌ترسد، و نه از نقصان حقش. (112)

و این گونه آن را قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند; یا برای آنان تذکری پدید آورد! (113)

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود; و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» (114)

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم; اما او فراموش کرد; و عزم استواری برای او نیافتیم! (115)

و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند; جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)! (116)

پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند; که به زحمت و رنج خواهی افتاد! (117)

(اما تو در بهشت راحت هستی! و مزیتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد; (118)

و در آن تشنه نمی‌شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد!» (119)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟!» (120)

سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! (121)

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (122)

(خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود! (123)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت; و روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کنیم!» (124)

می‌گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟! من که بینا بودم!» (125)

می‌فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی; امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (126)

و این گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است! (127)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاك نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می‌روند! مسلما در این امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. (128)

و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود، عذاب الهی بزودی دامان آنان را می‌گرفت! (129)

پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن; تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور; و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی; باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی! (130)

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست; تا آنان را در آن بیازماییم; و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (131)

خانواده خود را به نماز فرمان ده; و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم; (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم; و عاقبت نیك برای تقواست! (132)

گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟! (بگو:) آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین بوده، برای آنها نیامد؟! (133)

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاك می‌کردیم، (در قیامت) می‌گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه‌ذلیل و رسوا شویم!» (134)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است! (135)

سوره الانبیاء

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حساب مردم به آنان نزدیك شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! (1)

هیچ یادآوری تازه‌ای از طرف پروردگارشان برای آنها نمی‌آید، مگر آنکه با بازی (و شوخی) به آن گوش می‌دهند! (2)

این در حالی است که دلهایشان در لهو و بی‌خبری فرو رفته است! و ستمگران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می‌روید، با اینکه (چشم دارید و) می‌بینید؟! (3)

(پیامبر) گفت: «پروردگارم همه سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می‌داند; و او شنوا و داناست!» (4)

آنها گفتند: «(آنچه محمد (ص) آورده وحی نیست;) بلکه خوابهایی آشفته است! اصلا آن را بدروغ به خدا بسته; نه، بلکه او یك شاعر است! (اگر راست می‌گوید) باید معجزه‌ای برای ما بیاورد; همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند!» (5)

تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاك کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند،و خواسته آنان عملی شد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند; آیا اینها ایمان می‌آورند؟! (6)

ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم! (همه انسان‌بودند، و از جنس بشر!) اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (7)

آنان را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عمر جاویدان هم نداشتند! (8)

سپس وعده‌ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم! آنها و هر کس را که می‌خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم; و مسرفان را هلاك نمودیم! (9)

ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر (و بیداری) شما در آن است! آیا نمی‌فهمید؟! (10)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم; و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم! (11)

هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (12)

(گفتیم:) فرار نکنید; و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (13)

گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (14)

و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم! (15)

ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم! (16)

(بفرض محال) اگر می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب‌می‌کردیم! (17)

بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاك سازد; و این گونه، باطل محو و نابود می‌شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش)می‌کنید! (18)

از آن اوست آنان که در آسمانها و زمینند! و آنها که نزد اویند (فرشتگان) هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و هرگز خسته نمی‌شوند. (19)

(تمام) شب و روز را تسبیح می‌گویند; و سست نمی‌گردند. (20)

آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می‌کنند و) منتشر می‌سازند؟! (21)

اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)! منزه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند! (22)

هیچ کس نمی‌تواند بر کار او خرده بگیرد; ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است! (23)

آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی (پیامبرانی) است که پیش از من بودند!» اما بیشتر آنها حق را نمی‌دانند; و به همین دلیل (از آن) روی گردانند. (24)

ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست; پس تنها مرا پرستش کنید.» (25)

آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! او منزه است (از این عیب و نقص)؛ آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. (26)

هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند; و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند. (27)

او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می‌داند; و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی‌کنند; و از ترس او بیمناکند. (28)

و هر کس از آنها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»، کیفر او را جهنم می‌دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد. (29)

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم; و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! (30)

و در زمین، کوه‌های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آنها را بلرزاند! و در آن، دره‌ها و راه‌هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! (31)

و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم; ولی آنها از آیات آن روی‌گردانند. (32)

و اوست خدائیکه شب و روز و خورشید و ماه را به قدرت کامل آفرید که هریک در مدار معینی سیر می کنند(33)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم; (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می‌کشند،) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! (34)

هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد! و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم; و سرانجام بسوی ما بازگردانده می‌شوید! (35)

هنگامی که کافران تو را می‌بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند; (و می‌گویند:) آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می‌گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می‌کنند. (36)

(آری،) انسان از عجله آفریده شده; ولی عجله نکنید; بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد! (37)

آنها می‌گویند: «اگر راست میگویید، این وعده (قیامت) کی فرا می‌رسد؟!» (38)

ولی اگر کافران می‌دانستند زمانی که (فرا می‌رسد) نمی‌توانند شعله‌های آتش را از صورت و از پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی‌کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی‌کردند)! (39)

(آری، این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می‌آید و مبهوتشان می‌کند; آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی‌شود! (40)

(اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند; اما سرانجام، آنچه را استهزا می‌کردند دامان مسخره‌کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید)! (41)

بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می‌دارد؟!» ولی آنان از یاد پروردگارشان روی‌گردانند! (42)

آیا آنها خدایانی دارند که می‌توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتی) نمی‌توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران)؛ و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می‌شوند! (43)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره‌مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟! (44)

بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انذار می‌کنم!» ولی آنها که گوشهایشان کر است، هنگامی که انذار می‌شوند، سخنان را نمی‌شنوند! (45)

اگر کمترین عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می‌شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!» (46)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم; پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود; و اگر بمقدار سنگینی یك دانه خردل (کار نیك و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم; و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم! (47)

ما به موسی و هارون، «فرقان» (وسیله جدا کردن حق از باطل) و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (48)

همانان که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، و از قیامت بیم دارند! (49)

و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم; آیا شما آن را انکار می‌کنید؟! (50)

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم; و از (شایستگی) او آگاه بودیم... (51)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟!» (52)

گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می‌کنند.» (53)

گفت: «مسلما هم شما و هم پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده‌اید!» (54)

گفتند: «آیا مطلب حقی برای ما آورده‌ای، یا شوخی می‌کنی؟!» (55)

گفت: «(کاملا حق آورده‌ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده; و من بر این امر، از گواهانم! (56)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بتهایتان می‌کشم!» (57)

سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب)، همه آنها -جز بت بزرگشان- را قطعه قطعه كرد; شايد سراغ او بيايند (و او حقايق را بازگو كند)! (58)

(هنگامى كه منظره بتها را ديدند،) گفتند: «هر كس با خدايان ما چنين كرده، قطعا از ستمگران است (و بايد كيفر سخت ببيند)!» (59)

(گروهى) گفتند: «شنيديم نوجوانى از (مخالفت با) بتها سخن مى‌گفت كه او را ابراهيم مى‌گويند.» (60)

(جمعيت) گفتند: «او را در برابر ديدگان مردم بياوريد، تا گواهى دهند!» (61)

(هنگامى كه ابراهيم را حاضر كردند،) گفتند: «تو اين كار را با خدايان ما كرده‌اى، اى ابراهيم؟! س‌ذلّه (62)

گفت: «بلكه اين كار را بزرگشان كرده است! از آنها بپرسيد اگر سخن مى‌گويند!» (63)

آنها به وجدان خويش بازگشتند; و (به خود) گفتند: «حقا كه شما ستمگريد!» (64)

سپس بر سرهايشان واژگونه شدند; (و حكم وجدان را بكلى فراموش كردند و گفتند:) تو مى‌دانى كه اينها سخن نمى‌گويند! (65)

(ابراهيم) گفت: «آيا جز خدا چيزى را مى‌پرستيد كه نه كمترين سودى براى شما دارد، و نه زيانى به شما مى‌رساند! (نه اميدى به سودشان داريد، و نه ترسى از زيانشان!) (66)

اف بر شما و بر آنچه جز خدا مى‌پرستيد! آيا انديشه نمى‌كنيد (و عقل نداريد)؟! (67)

گفتند: «او را بسوزانيد و خدايان خود را يارى كنيد، اگر كارى از شما ساخته است!» (68)

(سرانجام او را به آتش افكندند; ولى ما) گفتيم: «اى آتش! بر ابراهيم سرد و سالم باش!» (69)

آنها مى‌خواستند ابراهيم را با اين نقشه نابود كنند; ولى ما آنها را زيانكارترين مردم قرار داديم! (70)

و او و لوط را به سرزمين (شام) -كه آن را براى همه جهانيان پربركت ساختيم- نجات داديم! (71)

و اسحاق، و علاوه بر او، يعقوب را به وى بخشيديم; و همه آنان را مردانى صالح قرار داديم! (72)

و آنان را پيشوايانى قرار داديم كه به فرمان ما، (مردم را) هدايت مى‌كردند; و انجام كارهاى نيك و برپاداشتن نماز و ادای زكات را به آنها وحى كرديم; و تنها ما را عبادت مى‌كردند. (73)

و لوط را (به ياد آور) كه به او حكومت و علم داديم; و از شهرى كه اعمال زشت و كثيف انجام مى‌دادند، رهايى بخشيديم; چرا كه آنها مردم بد و فاسقى بودند! (74)

و او را در رحمت خود داخل كرديم; و او از صالحان بود. (75)

و نوح را (به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند! ما دعای او را مستجاب کردیم; و او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم; (76)

و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم; چرا که قوم بدی بودند; از این رو همه آنها را غرق کردیم! (77)

و داوود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می‌کردند; و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. (78)

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم; و به هر یك از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم; و کوه‌ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می‌گفتند; و ما این کار را انجام دادیم! (79)

و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند; آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (80)

و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می‌یافت; و ما از همه چیز آگاه بوده‌ایم. (81)

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می‌کردند; و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می‌دادند; و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم! (82)

و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بدحالی و مشکلات به من روی آورده; و تو مهربانترین مهربانانی!» (83)

ما دعای او را مستجاب کردیم; و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم; و خاندانش را به او بازگرداندیم; و همانندشان را بر آنها افزودیم; تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد. (84)

و اسماعیل و ادریس و ذاالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (85)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم; چرا که آنها از صالحان بودند. (86)

و ذاالنون (یونس) را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت; و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت; (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها(ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم! » (87)

ما دعای او را به اجابت رساندیم; و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم; و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم! (88)

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن); و تو بهترین وارثانی!» (89)

ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم; و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم; چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می‌کردند; و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند; و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (90)

و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاك نگه داشت; و ما از روح خود در او دمیدیم; و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم! (91)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یك هدف); و من پروردگار شما هستم; پس مرا پرستش کنید! (92)

(گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند; (ولی سرانجام) همگی بسوی ما بازمی‌گردند! (93)

و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد; و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می‌نویسیم. (94)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند;) آنها هرگز باز نخواهند گشت! (95)

تا آن زمان که «یاجوج» و «ماجوج» گشوده شوند; و آنها از هر محل مرتفعی بسرعت عبور می‌کنند. (96)

و وعده حق (قیامت) نزدیك می‌شود; در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند; (می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم; بلکه ما ستمکار بودیم! (97)

شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید، هیزم جهنم خواهید بود; و همگی در آن وارد می‌شوید. (98)

اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود. (99)

برای آنان در آن (دوزخ) ناله‌های دردناکی است و چیزی نمی‌شنوند. (100)

(اما) کسانی که از قبل، وعده نیك از سوی ما به آنها داده شده (مؤمنان صالح) از آن دور نگاهداشته می‌شوند. (101)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی‌شوند; و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند. (102)

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی‌کند; و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (و می‌گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد! (103)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم; این وعده‌ای است بر ما، و قطعا آن را انجام خواهیم داد. (104)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! س‌ذللّه (105)

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان! (106)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (107)

بگو: «تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای یگانه است; آیا (با این حال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بتها را کنار می‌گذارید؟)» (108)

اگر باز (روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان اعلام خطر می‌کنم; و نمی‌دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می‌شود نزدیك است یا دور! (109)

او سخنان آشکار را می‌داند، و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)! (110)

و من نمی‌دانم شاید این آزمایشی برای شماست; و مایه بهره‌گیری تا مدتی (معین)! (111)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)! و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می‌طلبم!»(112)

سوره الحج

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (1)

روزی که آن را می‌بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی‌گیرد که) هر مادر شیردهی، کودك شیرخوارش را فراموش می‌کند; و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد; و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند; ولی عذاب خدا شدید است! (2)

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی‌خیزند; و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند. (3)

بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می‌سازد، و به آتش سوزان راهنماییش می‌کند! (4)

ای مردم! اگر در رستاخیز شك دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاك آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل; تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم)! و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرارمی‌دهیم; (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم;)بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم; سپس هدف این است که به حد رشد وبلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند; و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند; آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی

نمی‌دانند! (از سوی دیگر،) زمین را (در فصل زمستان) خشك و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید; و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویاند! (5)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است; و اوست که مردگان را زنده می‌کند; و بر هر چیزی تواناست. (6)

و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن نیست; و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند. (7)

و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می‌کنند! (8)

آنها با تکبر و بی‌اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می‌خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است; و در قیامت، عذاب سوزان به آنها می‌چشانیم! (9)

(و به آنان می‌گوییم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش برای شما فرستاده; و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی‌کند! (10)

بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است); همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند; اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می‌شوند (و به کفر رومی‌آورند)! (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده‌اند، و هم آخرت را; و این همان خسران و زیان آشکار است! (11)

او جز خدا کسی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند، و نه سودی; این همان گمراهی بسیار عمیق است. (12)

او کسی را می‌خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است; چه بد مولا و یاوری، و چه بد مونس و معاشری! (13)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها زیر درختانش جاری است; (آری،) خدا هر چه را اراده کند انجام می‌دهد! (14)

هر کس گمان می‌کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود); ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟! (15)

این گونه ما آن (قرآن) را بصورت آیات روشنی نازل کردیم; و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. (16)

مسلما کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان (ستاره‌پرستان) و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می‌کند; (و حق را از باطل جدا می‌سازد;) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (17)

آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است; و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد! (18)

اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند; کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می‌شود; (19)

آنچنان که هم درونشان با آن آب می‌شود، و هم پوستهایشان. (20)

و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است. (21)

هر گاه بخواهند از غم و اندوه‌های دوزخ خارج شوند، آنها را به آن بازمی‌گردانند; و (به آنان گفته می‌شود:) بچشید عذاب سوزان را! (22)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است; آنان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند; و در آنجا لباسهایشان از حریر است. (23)

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می‌گردند. (24)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (،مستحق عذابی دردناکند); و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناك به او می‌چشانیم! (25)

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند; و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاك ساز! (26)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن; تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (27)

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند; و در ایام معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی‌کردن) ببرند; پس از گوشت آنها بخورید; و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید! (28)

سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند; و به نذرهای خود وفا کنند; و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند. (29)

(مناسك حج) این است! و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید! (30)

(برنامه و مناسك حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشد!هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوب کرده، و پرندگان (در وسط هوا) او را می‌ربایند; و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند! (31)

این است (مناسك حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست. (32)

در آن (حیوانات قربانی)، منافعی برای شماست تا زمان معینی(روز ذبح آنها) سپس محل آن، خانه قدیمی و گرامی (کعبه) است. (33)

برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است; در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم‌شوندگان را. (34)

همانها که چون نام خدا برده می‌شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می‌گردد; و شکیبایان در برابر مصیبتهایی که به آنان می‌رسد; و آنها که نماز را برپا می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (35)

و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم; در آنها برای شما خیر و برکت است; نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید; و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. (36)

نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید; و بشارت ده نیکوکاران را! (37)

خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند; خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد! (38)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است; چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند; و خدا بر یاری آنها تواناست. (39)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند; خداوند قوی و شکست ناپذیر است. (40)

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (41)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه‌ای نیست;) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (42)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط; (43)

و اصحاب مدین (قوم شعیب); و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد; اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را)انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟! (44)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاك کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت; و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند; و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع! (45)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درك کنند; یا گوشهای شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دلهایی که در سینه‌هاست کور می‌شود. (46)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند; در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد! و یك روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید! (47)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند; (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم; و بازگشت، تنها بسوی من است! (48)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم! (49)

آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آمرزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست! (50)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!» (51)

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هرگاه آرزو می‌کرد (و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می‌ریخت)، شیطان القائاتی در آن می‌کرد; اما خداوند القائات شیطان را از میان می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید; و خداوند علیم و حکیم است. (52)

هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دلهایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند; و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفته‌اند! (53)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد; و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می‌کند. (54)

کافران همواره در باره قرآن در شك هستند، تا آنکه روز قیامت بطور ناگهانی فرارسد، یا عذاب روز عقیم (روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند) به سراغشان آید! (55)

حکومت و فرمانروایی در آن روز از آن خداست; و میان آنها داوری می‌کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغهای پرنعمت بهشتند; (56)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده‌ای برای آنهاست! (57)

و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد; که او بهترین روزی‌دهندگان است! (58)

خداوند آنان را در محلی وارد می‌کند که از آن خشنود خواهند بود; و خداوند دانا و بردبار است. (59)

(آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد; یقینا خداوند بخشنده و آمرزنده است! (60)

این (وعده نصرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است; خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند; و خداوند شنوا و بیناست! (61)

این بخاطر آن است که خداوند حق است; و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است; و خداوند بلندمقام و بزرگ است! (62)

آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می‌گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است. (63)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست; و خداوند بی‌نیاز، و شایسته هر گونه ستایش است! (64)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد; و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می‌کنند; و آسمان (کرات و سنگهای آسمانی) را نگه می‌دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است! (65)

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می‌کند، اما این انسان بسیار ناسپاس است. (66)

برای هر امتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند; پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند! بسوی پروردگارت دعوت کن، که بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است که تو می‌پویی). (67)

و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاهتر است! (68)

و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می‌کردید، داوری می‌کند!» (69)

آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار); و این بر خداوند آسان است! (70)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست! (71)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می‌کنی، آنچنان که نزدیك است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها میخوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده (دوزخ) که خدا به کافران وعده داده; و بد سرانجامی است!» (72)

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب‌کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (73)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند; خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!(74)

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و همچنین از مردم; خداوند شنوا و بیناست! (75)

آنچه را در پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند; و همه امور بسوی خدا بازمی‌گردد. (76)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیك انجام دهید، شاید رستگار شوید! (77)

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد; از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید; خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسك جویید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای! (78)

سوره المومنون

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

مؤمنان رستگار شدند; (1)

آنها که در نمازشان خشوع دارند; (2)

و آنها که از لغو و بیهودگی روی‌گردانند; (3)

و آنها که زکات را انجام می‌دهند; (4)

و آنها که دامان خود را (از آلوده‌شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند; (5)

تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند; (6)

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (7)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند; (8)

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند; (9)

(آری،) آنها وارثانند! (10)

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (11)

و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم; (12)

سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم; (13)

سپس نطفه را بصورت علقه (خون بسته)، و علقه را بصورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم; و بر استخوانها گوشت پوشاندیم; سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم; پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (14)

سپس شما بعد از آن می‌میرید; (15)

سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید! (16)

ما بر بالای سر شما هفت راه (طبقات هفتگانه آسمان) قرار دادیم; و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده‌ایم! (17)

و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم; و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم; و ما بر از بین بردن آن کاملا قادریم! (18)

سپس بوسیله آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم; باغهایی که در آن میوه‌های بسیار است; و از آن میخورید! (19)

و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید (درخت زیتون)، و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می‌گردد (آفریدیم)! (20)

و برای شما در چهارپایان عبرتی است; از آنچه در درون آنهاست (از شیر) شما را سیراب می‌کنیم; و برای شما در آنها منافع بسیاری است; و از گوشت آنها می‌خورید; (21)

و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید! (22)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم; او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی‌کنید؟! (23)

جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می‌کرد; ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده‌ایم! (24)

او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد!)» (25)

(نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (26)

ما به نوح وحی کردیم که: «کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد، و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر یك از انواع حیوانات یك جفت در کشتی سوار کن; و همچنین خانوادهات را، مگر آنانی که قبلا وعده هلاکشان داده شده (همسر و فرزند کافرت); و دیگر درباره ستمگران با من سخن مگو، که آنان همگی هلاك خواهند شد. (27)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!» (28)

و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی!» (29)

(آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانههایی است; و ما مسلما همگان را آزمایش میکنیم! (30)

سپس جمعیت دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (31)

و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید; جز او معبودی برای شما نیست; آیا (با این همه، از شرك و بت پرستی) پرهیز نمیکنید؟!» (32)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب میکردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما; از آنچه میخورید میخورد; و از آنچه مینوشید مینوشد! (پس چگونه میتواند پیامبر باشد؟!) (33)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلما زیانکارید. (34)

آیا او به شما وعده میدهد هنگامی که مردید و خاك و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده میشوید؟! (35)

هیهات، هیهات از این وعدههایی که به شما داده میشود! (36)

مسلما غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست; پیوسته گروهی از ما میمیریم، و نسل دیگری جای ما را میگیرد; و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (37)

او فقط مردی دروغگوست که بر خداافترا بسته; و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!» (38)

(پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (39)

خداوند) فرمود: «بزودی از کار خود پشیمان خواهند شد! (اما زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (40)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت; و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم; دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)! (41)

سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (42)

هیچ ابمتی بر اجل و سر رسید حتمی خود پیشی نمی‌گیرد، و از آن تاخیر نیز نمی‌کند. (43)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم; هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند; ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاك نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند.) دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی‌آورند! (44)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم... (45)

بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او; اما آنها تکبر کردند، و آنها مردمی برتری‌جوی بودند. (46)

آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟!» (47)

(آری،) آنها این دو را تکذیب کردند; و سرانجام همگی هلاك شدند. (48)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم; شاید آنان (بنی اسرائیل) هدایت شوند. (49)

و ما فرزند مریم (عیسی) و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم; و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود جای دادیم. (50)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم. (51)

و این امت شما امت واحدی است; و من پروردگار شما هستم; پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (52)

اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند; (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! (53)

آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند). (54)

آنها گمان می‌کنند اموال و فرزندانی که بعنوان کمك به آنان می‌دهیم... (55)

برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم!! (چنین نیست) بلکه آنها نمی‌فهمند (که این وسیله امتحانشان است). (56)

مسلما کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (57)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند، (58)

و آنها که به پروردگارشان شرك نمی‌ورزند، (59)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و با این حال، دلهایشان هراسناك است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان بازمی‌گردند، (60)

(آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند). (61)

و ما هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کنیم; و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق سخن می‌گوید; و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود. (62)

ولی دلهای آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی‌خبری فرورفته; و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می‌دهند... (63)

تا زمانی که متنعمان مغرور آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم; در این هنگام، ناله‌های دردناك و استغاثه‌آمیز سرمی‌دهند! (64)

(اما به آنها گفته می‌شود:) امروز فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد! (65)

(آیا فراموش کرده‌اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می‌شد; اما شما اعراض کرده به عقب بازمی‌گشتید؟! (66)

در حالی که در برابر او (پیامبر) استکبار می‌کردید، و شبها در جلسات خود به بدگویی می‌پرداختید؟! (67)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (68)

یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می‌کنند؟! (69)

یا می‌گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده; اما بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (70)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می‌شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) برای آنهاست، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوریشان (است) رویگردانند! (71)

یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه‌ای (در برابر دعوتت) می‌خواهی؟ با اینکه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است! (72)

بطور قطع و یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می‌کنی. (73)

اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرفند! (74)

و اگر به آنان رحم کنید و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی‌شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می‌ورزند و (در این وادی) سرگردان می‌مانند! (75)

ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، اما آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرع می‌کنند! (76)

(این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می‌شوند که) ناگهان بکلی مایوس گردند. (77)

و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب (عقل) ایجاد کرد; اما کمتر شکر او را بجا می‌آورید. (78)

و او کسی است که شما را در زمین آفرید; و به سوی او محشور می‌شوید! (79)

و او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند; و رفت و آمد شب و روز از آن اوست; آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (80)

(نه،) بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (81)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاك و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (82)

این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده; این فقط افسانه‌های پیشینیان است!» (83)

بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می‌دانید؟!» (84)

بزودی (در پاسخ تو) می‌گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکر نمی‌شوید؟!» (85)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟» (86)

بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید و دست از شرك برنمی‌دارید)؟!» (87)

بگو: «اگر می‌دانید، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد، و به بی پناهان پناه می‌دهد، و نیاز به پناه‌دادن ندارد؟!» (88)

خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه می‌گویید سحر شده‌اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!» (89)

نه، (واقع این است که) ما حق را برای آنها آوردیم; و آنان دروغ می‌گویند! (90)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده; و معبود دیگری با او نیست; که اگر چنین می‌شد، هر یك از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد); منزه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند! (91)

او دانای نهان و آشکار است; پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می‌دهند! (92)

بگو: «پروردگار من! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می‌شود به من نشان دهی (و در زندگیم آن را ببینم)... (93)

پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!» (94)

و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم! (95)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)! ما به آنچه توصیف می‌کنند آگاهتریم! (96)

و بگو: «پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم! (97)

و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من- به تو پناه می‌برم!» (98)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! (99)

شاید در آنچه ترك کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می‌گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (100)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یك از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود; و از یکدیگر تقاضای کمك نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)! (101)

و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! (102)

و آنان که وزنه اعمالشان سبك باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! (103)

شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهایشان نواخته می‌شود; و در دوزخ چهره‌ای عبوس دارند. (104)

(به آنها گفته می‌شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، پس آن را تکذیب می‌کردید؟! (105)

می‌گویند: «پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم! (106)

پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعا ستمگریم (و مستحق عذاب)!» (107)

(خداوند) می‌گوید: «دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگویید! (108)

(فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگانم می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم; ما را ببخش و بر ما رحم کن; و تو بهترین رحم کنندگانی! (109)

اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند; و شما به آنان می‌خندیدید! (110)

ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم; آنها پیروز و رستگارند!» (111)

(خداوند) می‌گوید: «چند سال در روی زمین توقف کردید؟» (112)

(در پاسخ) می‌گویند: «تنها به اندازه یك روز، یا قسمتی از یك روز! از آنها که می‌توانند بشمارند بپرس!» (113)

می‌گوید: «(آری،) شما مقدار کمی توقف نمودید اگر می‌دانستید!» (114)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و بسوی ما باز نمی‌گردید؟ (115)

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از اینکه شما را بی‌هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست; و او پروردگار عرش کریم است! (116)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند -و مسلما هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود; یقینا کافران رستگار نخواهند شد! (117)

و بگو: «پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن; و تو بهترین رحم کنندگانی! (118)

سوره النور

به نام خداوند بخشنده و بخشایشگر

(این) سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید! (1)

هر یك از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید; و نباید رافت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند! (2)

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرك ازدواج نمی‌کند; و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرك، به ازدواج خود درنمی‌آورد; و این کار بر مؤمنان حرام شده است! (3)

و کسانی که آنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعای خود) نمی‌آورند ، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید; و آنها همان فاسقانند! (4)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (5)

و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفت) متهم می‌کنند، و گواهانی جز خودشان ندارند، هر یك از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است; (6)

و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (7)

آن زن نیز می‌تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می‌دهد) از دروغگویان است. (8)

و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (9)

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه‌پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می‌شدید)! (10)

مسلما کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکل و توطئه‌گر) از شما بودند; اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است; آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند; و از آنان کسی که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست! (11)

چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! (12)

چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویانند! (13)

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمی‌شد، بخاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می‌رسید! (14)

به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید، و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید; و آن را کوچك می‌پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (15)

چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم; خداوندا منزهی تو، این بهتان بزرگی است»؟! (16)

خداوند شما را اندرز می‌دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید! (17)

و خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. (18)

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است; و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید! (19)

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و اینکه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامانتان را می‌گرفت)! (20)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شمانبود، هرگز احدی از شما پاك نمی‌شد; ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند، و خدا شنوا و داناست! (21)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند; آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند; آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است! (22)

کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. (23)

در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد! (24)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست می‌دهد; و می‌دانند که خداوند حق آشکار است! (25)

زنان ناپاك از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاك نیز به زنان ناپاك تعلق دارند; و زنان پاك از آن مردان پاك، و مردان پاك از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند مبرا هستند; و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است! (26)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید; این برای شما بهتر است; شاید متذکر شوید! (27)

و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود; و اگر گفته شد: «بازگردید! س‌ذلّه بازگردید; این برای شما پاکیزه‌تر است; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (28)

(ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد; و خدا آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند! (29)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند; این برای آنان پاکیزه‌تر است; خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (30)

و به آنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند; و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (31)

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را; اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد; خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است! (32)

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه (قرار داد مخصوص برای آزاد شدن) هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می‌خواهند پاك بمانند! و هر کس آنهارا (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد،) خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!) (33)

ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران! (34)

خداوند نور آسمانها و زمین است; مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یك ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی; (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیك است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود; نوری است بر فراز نوری; و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست. (35)

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد); خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند... (36)

مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند; آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می‌شود. (37)

(آنها به سراغ این کارها می‌روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید; و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد (و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد). (38)

کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یك کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می‌پندارد; اما هنگامی که به سراغ آن می‌آید چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد که حساب او را بطور کامل می‌دهد; و خداوند سریع الحساب است! (39)

یا همچون ظلماتی در یك دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریك است; ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست! (40)

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می‌کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هر یك از آنها نماز و تسبیح خود را می‌داند; و خداوند به آنچه انجام میدهند داناست! (41)

و از برای خداست حکومت و مالکیت آسمانها و زمین; و بازگشت (تمامی موجودات) بسوی اوست! (42)

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود; و از آسمان -از کوه‌هایی که در آن است (ابرهایی که همچون کوه‌ها انباشته شده‌اند)- دانه‌های تگرگ نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می‌کند; نزدیك است درخشندگی برق آن (ابرها) چشمها را ببرد! (43)

خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد; در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت! (44)

و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید; گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند; خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست! (45)

ما آیات روشنگری نازل کردیم; و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند! (46)

آنها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم!» ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان رویگردان می‌شوند; آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند! (47)

و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند! (48)

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می‌آیند! (49)

آیا در دلهای آنان بیماری است، یا شك و تردید دارند، یا می‌ترسند خدا و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (50)

سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند. (51)

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند! (52)

آنها با نهایت تاکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می‌روند (و جان را در طبق اخلاص گذارده تقدیم می‌کنند); بگو: «سوگند یاد نکنید; شما طاعت خالصانه نشان دهید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!» (53)

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد; و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» (54)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید; و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت; و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریك من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (55)

و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید. (56)

گمان مبر کافران می‌توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جایگاه آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است! (57)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا; این سه وقت خصوصی برای شماست; اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است! (58)

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند; اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است! (59)

و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند; و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است; و خداوند شنوا و داناست. (60)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان (خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی) غذا بخورید; و همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان،یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته‌جمعی یا جداگانه غذا بخورید; و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید! (61)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند; کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند، به هر یك از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است! (62)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی; خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، و یکی پس از دیگری فرار می‌کنند می‌داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناك به آنها برسد! (63)

آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است; او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می‌داند) روزی را که بسوی او بازمی‌گردند; و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می‌سازد; و خداوند به هر چیزی داناست! (64)

به نام خداوند بخشاینده و بخشایشگر

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد. (1)

خداوندی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و همتایی در حکومت و مالکیت ندارد، و همه چیز را آفرید، و به دقت اندازه‌گیری نمود! (2)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند; معبودانی که چیزی را نمی‌آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالك زیان و سود خویش نیستند، و نه مالك مرگ و حیات و رستاخیز خویشند. (3)

و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده‌اند.» آنها (با این سخن،) ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (4)

و گفتند: «این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می‌شود.» (5)

بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می‌داند; او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است!» (6)

و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه‌وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (7)

یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می‌کنید!» (8)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! (9)

زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می‌دهد: باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلل قرارمی‌دهد. (10)

(اینها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده‌اند; و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله‌ور و سوزان فراهم کرده‌ایم! (11)

هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناك و خشم آلودش را که با نفس‌زدن شدید همراه است می‌شنوند. (12)

و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد واویلای آنان بلند می‌شود! (13)

(به آنان گفته می‌شود:) امروز یك بار واویلا نگویید، بلکه بسیار واویلا بگویید! (14)

(ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» (15)

هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است; جاودانه در آن خواهند ماند; این وعده‌ای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است! (16)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می‌پرستند جمع می‌کند، آنگاه به آنها می‌گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!» (17)

(در پاسخ) می‌گویند: «منزهی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاك شدند.» (18)

(خداوند به آنان می‌گوید: ببینید) این معبودان، شما را در آنچه می‌گویید تکذیب کردند! اکنون نمی‌توانید عذاب الهی را برطرف بسازید، یا از کسی یاری بطلبید! و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می‌چشانیم! (19)

ما هیچ یك از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند; و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قراردادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده امتحان برمی‌آیید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. (20)

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می‌کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگارمان را با چشم خود نمی‌بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! (21)

(آنها به آرزوی خود می‌رسند،) اما روزی که فرشتگان را می‌بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)! و می‌گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید!» (اما سودی ندارد!) (22)

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم! (23)

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است! (24)

و (بخاطر آور) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می‌شود، و فرشتگان نازل می‌گردند. (25)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است; و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود! (26)

و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (27)

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (28)

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!» و شیطان همیشه خوارکنند× انسان بوده است! (29)

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (30)

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم; اما (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد! (31)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم. (32)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی‌آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می‌آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)! (33)

(تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورتهایشان بسوی جهنم محشور می‌شوند، بدترین محل را دارند و گمراه‌ترین افرادند! (34)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم; و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم; (35)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (اما آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدت آنان را درهم کوبیدیم! (36)

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم; و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته‌ایم! (37)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس (گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند) و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاك کردیم! (38)

و برای هر یك از آنها مثلها زدیم; و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم! (39)

آنها (مشرکان مکه) از کنار شهری که باران شر (بارانی از سنگهای آسمانی) بر آن باریده بود (دیار قوم لوط) گذشتند; آیا آن را نمی‌دیدند؟! (آری، می‌دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند! (40)

و هنگامی که تو را می‌بینند، تنها به باد استهزایت می‌گیرند (و می‌گویند:) آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟! (41)

اگر ما بر پرستش خدایانمان استقامت نمی‌کردیم، بیم آن می‌رفت که ما را گمراه سازد! اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می‌فهمند چه کسی گمراهتر بوده است! (42)

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی‌او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! (43)

آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند! (44)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می‌خواست آن را ساکن قرار می‌داد; سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم! (45)

سپس آن را آهسته جمع می‌کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می‌سازیم)! (46)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (47)

او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاك‌کننده نازل کردیم... (48)

تا بوسیله آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم; و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم -چهارپایان و انسانهای بسیار- می‌نوشانیم. (49)

ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (50)

و اگر می‌خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت). (51)

بنابر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن (قرآن) با آنان جهاد بزرگی بنما! (52)

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد; یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ; و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یك به دیگری می‌گوید:) دور باش و نزدیك نیا! (53)

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید; سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد); و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (54)

آنان جز خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان سودی می‌رساند و نه زیانی; و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. (55)

(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم! (56)

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم; مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است.)» (57)

و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد; و تسبیح و حمد او را بجا آور; و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! (58)

همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز (شش دوران) آفرید; سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (وبه تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است; از او بخواه که از همه چیز آگاه است! (59)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می‌گویند:«رحمان چیست؟ ! (ما اصلا رحمان را نمی‌شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می‌دهی؟! س‌ذلّه (این سخن را می‌گویند) و بر نفرتشان افزوده می‌شود! (60)

جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه‌هائی برای ستارگان قرار داد; و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید! (61)

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (62)

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند; و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند); (63)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند; (64)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است! (65)

مسلما آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!» (66)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری; بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. (67)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند; و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند; و زنا نمی‌کنند; و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (68)

عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (69)

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند; و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (70)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد.) (71)

و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند); و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند. (72)

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند. (73)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (74)

(آری،) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیبایی‌شان به آنان پاداش داده می‌شود; و در آن، با تحیت و سلام روبه‌رو می‌شوند. (75)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند; چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! (76)

بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد; شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!»خ (77)

سوره الشعرا

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طسم (1)

این آیات کتاب روشنگر است. (2)

گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند! (3)

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! (4)

و هیچ ذکر تازه‌ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی‌گردان می‌شوند! (5)

آنان تکذیب کردند; اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می‌کردند به آنان می‌رسد! (6)

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! (7)

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا); ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند! (8)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (9)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... (10)

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی‌کنند؟! (11)

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، (12)

و سینه‌ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست; (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند)! (13)

و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند; می‌ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)! (14)

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید; ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم! (15)

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم; (16)

بنی اسرائیل را با ما بفرست!» (آنها به سراغ فرعون آمدند); (17)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبودی؟! (18)

و سرانجام، آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و یك نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!» (19)

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی‌خبران بودم! (20)

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم; و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد! (21)

آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟!» (22)

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!» (23)

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!». (24)

(فرعون) به اطرافیانش گفت: «آیا نمی‌شنوید (این مرد چه می‌گوید)؟!» (25)

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (26)

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلما دیوانه است!» (27)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می‌باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می‌گرفتید!» (28)

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» (29)

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی‌آوری)؟!» (30)

گفت: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!» (31)

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد; (32)

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (33)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است! (34)

او می‌خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می‌دهید؟» (35)

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده; و ماموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن، (36)

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!» (37)

سرانجام ساحران برای وعده‌گاه روز معینی جمع‌آوری شدند. (38)

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می‌کنید... (39)

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!» (40)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمی خواهیم داشت؟» (41)

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!» (42)

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند;) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید!» (43)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون، ما قطعا پیروزیم!» (44)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید! (45)

فورا همه ساحران به سجده افتادند. (46)

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، (47)

پروردگار موسی و هارون!» (48)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلما او بزرگ و استاد شماست که به شما سحرآموخته (و این یك توطئه است)! اما بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم!» (49)

گفتند: «مهم نیست، (هر کاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان بازمی‌گردیم! (50)

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان‌آورندگان بودیم!; سذللّه (51)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید! سذللّه (52)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) ماموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد، (53)

(و گفت:) اینها مسلما گروهی اندکند; (54)

و اینها ما را به خشم آورده‌اند; (55)

و ما همگی آماده پیکاریم!» (56)

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه‌ها بیرون راندیم، (57)

و از گنجها و قصرهای مجلل! (58)

(آری،) اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم! (59)

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (60)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» (61)

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقینا پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!» (62)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (63)

و در آنجا دیگران (لشکر فرعون) را نیز (به دریا) نزدیك ساختیم! (64)

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم! (65)

سپس دیگران را غرق کردیم! (66)

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند) (67)

و پروردگارت شکست‌ناپذیر و مهربان است! (68)

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، (69)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!» (70)

گفتند: «بتهایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهاییم.» (71)

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! (72)

یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!» (73)

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.» (74)

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می‌کردید... (75)

شما و پدران پیشین شما، (76)

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (77)

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمائیم می‌کند، (78)

و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید، (79)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد، (80)

و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند، (81)

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد! (82)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! (83)

و برای من در میان امتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! (84)

و مرا وارثان بهشت پرنعمت گردان! (85)

و پدرم (عمویم) را بیامرز، که او از گمراهان بود! (86)

و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (87)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، (88)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!» (89)

(در آن روز،) بهشت برای پرهیزکاران نزدیك می‌شود، (90)

و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد، (91)

و به آنان گفته می‌شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید... (92)

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شمارا یاری می‌کنند، یا کسی به یاری آنها می‌آید؟!» (93)

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می‌شوند; (94)

و همچنین همگی لشکریان ابلیس! (95)

آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته‌اند می‌گویند: (96)

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (97)

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می‌شمردیم! (98)

اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد! (99)

(افسوس که امروز) شفاعت‌کنندگانی برای ما وجود ندارد، (100)

و نه دوست گرم و پرمحبتی! (101)

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!» (102)

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است; ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (103)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (104)

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، (105)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (106)

مسلما من برای شما پیامبری امین هستم! (107)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (108)

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم; اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (109)

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!» (110)

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی‌ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟!» (111)

(نوح) گفت: «من چه می‌دانم آنها چه کاری داشته‌اند! (112)

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می‌فهمیدید! (113)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (114)

من تنها انذارکننده‌ای آشکارم.» (115)

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برنداری، سنگباران خواهی شد!» (116)

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! (117)

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن; و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!» (118)

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم! (119)

سپس بقیه را غرق کردیم! (120)

در این ماجرا نشانه روشنی است; اما بیشتر آنان مؤمن نبودند. (121)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (122)

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (123)

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (124)

مسلما من برای شما پیامبری امین هستم. (125)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (126)

من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم; اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (127)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! (128)

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! (129)

و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید! (130)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (131)

و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می‌دانید امداد کرده; (132)

شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده; (133)

همچنین به باغها و چشمه‌ها! (134)

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم!» (135)

آنها (قوم عاد) گفتند: «برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی; (بیهوده خود را خسته مکن)! (136)

این همان روش (و افسانه‌های) پیشینیان است! (137)

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (138)

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم; و در این، آیتو نشانه‌ای است (برای آگاهان) ; ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (139)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (140)

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (141)

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (142)

من برای شما پیامبری امین هستم! (143)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (144)

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلبم; اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (145)

آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید، (146)

در این باغها و چشمه‌ها، (147)

در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟! (148)

و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید! (149)

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید! (150)

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (151)

همانها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند!» (152)

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده‌ای!) (153)

تو فقط بشری همچون مائی; اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور!» (154)

گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معینی است! (155)

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!» (156)

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند; (و هلاك نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند! (157)

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت; در این، آیت و نشانه‌ای است; ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (158)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (159)

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، (160)

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (161)

من برای شما پیامبری امین هستم! (162)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (163)

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی‌طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است! (164)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید (و همجنس بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!) (165)

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! (حقا) شما قوم تجاوزگری هستید!» (166)

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (167)

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم! (168)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می‌دهند رهایی بخش!» (169)

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم، (170)

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود! (171)

سپس دیگران را هلاك کردیم! (172)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم; چه باران بدی بود باران انذارشدگان! (173)

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است; اما بیشترشان مؤمن نبودند. (174)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (175)

اصحاب ایکه (شهری نزدیك مدین) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (176)

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (177)

مسلما من برای شما پیامبری امین هستم! (178)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (179)

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی‌طلبم; اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (180)

حق پیمانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید! (181)

و با ترازوی صحیح وزن کنید! (182)

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (183)

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!» (184)

آنها گفتند: «تو فقط از افسون‌شدگانی! (185)

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی! (186)

اگر راست می‌گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما ببارانِ!» (187)

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می‌دهید داناتر است!» (188)

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه‌خیز) آنها را فراگرفت; یقینا آن عذاب روز بزرگی بود! (189)

در این ماجرا، آیت و نشانه‌ای است; ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند. (190)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (191)

مسلما این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! (192)

روح الامین آن را نازل کرده است... (193)

بر قلب (پاك) تو، تا از انذارکنندگان باشی! (194)

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! (195)

و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است! (196)

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (197)

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم (غیر عرب)ها نازل می‌کردیم... (198)

و او آن را بر ایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آورند! (199)

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می‌کنیم! (200)

(اما) به آن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناك را با چشم خود ببینند! (201)

ناگهان به سراغشان می‌آید، در حالی که توجه ندارند! (202)

و (در آن هنگام) می‌گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!» (203)

آیا برای عذاب ما عجله می‌کنند؟! (204)

به ما خبر ده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره‌مند سازیم... (205)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید... (206)

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (207)

ما هیچ شهر و دیاری را هلاك نکردیم مگر اینکه انذارکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند. (208)

تا متذکر شوند; و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم) (209)

شیاطین و جنیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند! (210)

و برای آنها سزاوار نیست; و قدرت ندارند! (211)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند! (212)

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذبین خواهی بود! (213)

و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن! (214)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر! (215)

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم!» (216)

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن! (217)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند; (218)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان! (219)

اوست خدای شنوا و دانا. (220)

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! (221)

آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند; (222)

آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند; و بیشترشان دروغگو هستند! (223)

(پیامبر اسلام شاعر نیست;) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. (224)

آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ (225)

و سخنانی می‌گویند که (به آنها) عمل نمی‌کنند؟! (226)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمك می‌گیرند); آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست! (227)

سوره النمل

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طس - این آیات قرآن و کتاب مبین است، (1)

وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است; (2)

همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را ادا می‌کنند، و آنان به آخرت یقین دارند. (3)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد)شان را برای آنان زینت می‌دهیم بطوری که سرگردان می‌شوند. (4)

آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناك) برای آنهاست; و آنها در آخرت، زیانکارترین مردمند! (5)

به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می‌شود. (6)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی از دور دیدم; (همین جا توقف کنید;) بزودی خبری از آن برای شما می‌آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.» (7)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارك باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (فرشتگان و موسی) و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (8)

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم! (9)

و عصایت را بیفکن! -هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد- ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند! (10)

مگر کسی که ستم کند; سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می‌پذیرم، و) من غفور و رحیمم! (11)

و دستت را در گریبانت داخل کن; هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشنده است بی آنکه عیبی در آن باشد; این در زمره معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می‌شوی; آنان قومی فاسق و طغیانگرند!» (12)

و هنگامی که آیات روشنی‌بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!» (13)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (14)

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم; و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (15)

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده; این فضیلت آشکاری است.» (16)

لشکریان سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند; آنقدر زیاد بودند که باید توقف می‌کردند تا به‌هم ملحق شوند! (17)

(آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند; مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند!» (18)

سلیمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!» (19)

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده (هدهد) برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی‌بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! (20)

قطعا او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد! (21)

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی; من از سرزمین «سبا» یك خبر قطعی برای تو آورده‌ام! (22)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد! (23)

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می‌کنند; و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته; و از این رو هدایت نمی‌شوند!» (24)

چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می‌سازد، و آنچه را پنهان می‌دارید یا آشکار می‌کنید می‌داند؟! (25)

خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است! (26)

(سلیمان) گفت: «ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟ (27)

این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن; سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) ببین آنها چه عکس العملی نشان می‌دهند! (28)

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده! (29)

این نامه از سلیمان است، و چنین می‌باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان (30)

توصیه من این است که نسبت به من برتری‌جویی نکنید، و بسوی من آیید در حالی که تسلیم حق هستید!» (31)

(سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام! (32)

گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست; ببین چه دستور می‌دهی!» (33)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند; (آری) کار آنان همین‌گونه است! (34)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم،) هدیه گرانبهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!» (35)

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا)ا نزد سلیمان آمد، گفت: «می‌خواهید مرا با مال کمك کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است; بلکه شما هستید که به هدیه‌هایتان خوشحال می‌شوید! (36)

بسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می‌آییم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند; و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلت و خواری بیرون می‌رانیم!» (37)

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یك از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟» (38)

عفریتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (39)

(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که(سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند; و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (40)

(سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید; ببینم آیا متوجه می‌شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد؟! (41)

هنگامی که آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (42)

و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او (ملکه سبا) از قوم کافران بود. (43)

به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد; اما سلیمان) گفت: «(این آب نیست،) بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم; و (اینك) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!» (44)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه‌را بپرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند. (45)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!» (46)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیك و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می‌گردد); بلکه شما گروهی هستید فریب‌خورده! (47)

و در آن شهر، نه گروهك بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. (48)

آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او (صالح) و خانواده اش شبیخون می زنیم (و آنها را به قتل می‌رسانیم;) سپس به ولی دم او می‌گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!» (49)

آنها نقشه مهمی کشیدند، و ما هم نقشه مهمی; در حالی که آنها درك نمی‌کردند! (50)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم; (51)

این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده; و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند! (52)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم! (53)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟! (54)

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید!» (55)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!» (56)

ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی‌ماندگان (در آن شهر) باشد! (57)

سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها باراندیم (و همگی زیر آن مدفون شدند); و چه بد است باران انذارشدگان! (58)

بگو: «حمد مخصوص خداست; و سلام بر بندگان برگزیده‌اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرارمی‌دهند؟! (59)

(آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم; شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند! (60)

یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه‌های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند; با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند (و جاهلند)! (61)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرارمی‌دهد; آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید! (62)

یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می‌کند، و کسی که بادها را بعنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می‌فرستد; آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریك قرارمی‌دهند! (63)

یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می‌کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد; آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! س‌ذلّه (64)

بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند کی برانگیخته می‌شوند!» (65)

آنها (مشرکان) اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند; بلکه در اصل آن شك دارند; بلکه نسبت به آن نابینایند! (66)

و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاك شدیم، (زنده می‌شویم و) از دل خاك بیرون می‌آییم؟! (67)

این وعده‌ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده; اینها همان افسانه‌های خرافی پیشینیان است!» (68)

بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید!» (69)

از (تکذیب و انکار) آنان غمگین مباش، و سینه‌ات از توطئه آنان تنگ نشود! (70)

آنها می‌گویند: «این وعده (عذاب که به ما می‌دهید) کی خواهد آمد اگر راست می‌گویید؟!» (71)

بگو: «شاید پاره‌ای از آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، نزدیك و در کنار شما باشد!» (72)

مسلما پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد; ولی بیشترشان شکرگزار نیستند! (73)

و پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند بخوبی می‌داند! (74)

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی‌پایان پروردگار) ثبت است! (75)

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می‌کند; (76)

و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است! (77)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند; و اوست قادر دانا. (78)

پس بر خدا توکل کن، که تو بر حق آشکار هستی! (79)

مسلما تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را هنگامی که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند فراخوانی! (80)

و نیز نمی‌توانی کوران را از گمراهیشان برهانی; تو فقط میتوانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند! (81)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند (و می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند. (82)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم; و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! (83)

تا زمانی که (به پای حساب) می‌آیند، (به آنان) می‌گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می‌دادید؟!» (84)

دراین هنگام، فرمان عذاب بخاطر ظلمشان بر آنها واقع می‌شود، و آنها سخنی ندارند که بگویند! (85)

یا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی‌بخش؟! در این امور نشانه‌های روشنی است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و آماده قبول حقند). (86)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می‌شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می‌روند، جز کسانی که خدا خواسته; و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند! (87)

کوه‌ها را می‌بینی، و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند; این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده; او از کارهایی که شما انجام می‌دهید مسلما آگاه است! (88)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت; و آنان از وحشت آن روز درامانند! (89)

و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می‌شوند; آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟! (90)

(بگو:) من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده; در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مامورم که از مسلمین باشم; (91)

و اینکه قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده; و هر کس گمراه گردد (زیانش متوجه خود اوست;) بگو: «من فقط از انذارکنندگانم!» (92)

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست; بزودی آیاتش را به شما نشان می‌دهد تا آن را بشناسید; و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست! (93)

سوره القصص

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طسم! (1)

اینها از آیات کتاب مبین است! (2)

ما از داستان موسی و فرعون بحق بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که (طالب حقند و) ایمان می‌آورند! (3)

فرعون در زمین برتری‌جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود; گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت; او به یقین از مفسدان بود! (4)

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (5)

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم; و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها (بنی اسرائیل) بیم داشتند نشان دهیم! (6)

ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده; و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا(ی نیل) بیفکن; و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم!» (7)

(هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلما فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند.(8)

همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودك را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می‌پرورانند)! (9)

(سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت; و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیك بود مطلب را افشا کند! (10)

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی‌خبر بودند. (11)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد); و خواهرش (که بیتابی ماموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (12)

ما او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است; ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (13)

و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم; و این گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم! (14)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد; ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند; یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمك نمود; موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد); موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده آشکاری است» (15)

(سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم; مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است! (16)

عرض کرد: «پروردگارا! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود! س‌ذلّه (17)

موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای (و در جستجوی اخبار); ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می‌زند و از او کمك می‌خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!» (18)

و هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، (فریادش بلند شد،) گفت: «ای موسی می‌خواهی! مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می‌خواهی جباری در روی زمین باشی، و نمی‌خواهی از مصلحان باشی!» (19)

(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر (مرکز فرعونیان) آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته‌اند; فورا از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام!» (20)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای; عرض کرد: س‌خ‌للّهپروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!» (21)

و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند! س‌ذللّه (22)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند; و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیك نمی‌شوند; موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!) س‌ذللّه گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند; و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!» (23)

موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید; سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!» (24)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: س‌خ‌للّهپدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!» (25)

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (26)

(شعیب) گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی; و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست; من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم; و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (27)

(موسی) گفت: «(مانعی ندارد،) این قراردادی میان من و تو باشد; البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)! و خدا بر آنچه ما می‌گوییم گواه است!» (28)

هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده‌اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می‌روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله‌ای از آتش تا با آن گرم شوید!» (29)

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست دره، در آن سرزمین پر برکت، از میان یك درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان! (30)

عصایت را بیفکن!» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می‌کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی! (31)

دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می‌شود سفید و درخشنده است بدون عیب و نقص; و دستهایت را بر سینه‌ات بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو (معجزه عصا و ید بیضا) برهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!» (32)

عرض کرد: «پروردگارا! من یك تن از آنان را کشته‌ام; می‌ترسم مرا به قتل برسانند! (33)

و برادرم هارون زبانش از من فصیحتر است; او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند; می‌ترسم مرا تکذیب کنند!» (34)

فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می‌کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرارمی‌دهیم; و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی‌یابند; شما و پیروانتان پیروزید!» (35)

هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده; ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده‌ایم!» (36)

موسی گفت: «پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده‌اند، و کسانی که عاقبت نیك سرا(ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است! مسلما ظالمان رستگار نخواهند شد! س‌ذلّه (37)

فرعون گفت: «ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتر،) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم; هر چند من گمان می‌کنم او از دروغگویان است!» (38)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی‌شوند! (39)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم; اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود! (40)

و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند; وروز رستاخیز یاری نخواهند شد! (41)

و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم; و روز قیامت از زشت‌رویانند! (42)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاك نمودیم; کتابی که برای مردم بصیرت‌آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت; شاید متذکر شوند! (43)

تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوت را به موسی دادیم; و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم)! (44)

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد; پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدین اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها (مشرکان مکه) بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قرار دادیم)! (45)

تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم; ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده‌ای برای آنان نیامده است; شاید متذکر شوند! (46)

هرگاه(پیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر اعمالشان به آنان می‌رسید، می‌گفتند: «پروردگارا! چرا رسولی برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟!» (47)

ولی هنگامی که حق از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چیزی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه‌جویانی همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر (موسی و هارون) دو ساحرند که دست به دست هم داده‌اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم»؟! (48)

بگو: «اگر راست می‌گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت‌بخش‌تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!» (49)

اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می‌کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟! مسلما خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند! (50)

ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکر شوند! (51)

کسانی که قبلا کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم به آن (قرآن) ایمان می‌آورند! (52)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم; اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست; ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (53)

آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پادششان را دو بار دریافت می‌دارند; و بوسیله نیکیها بدیها را دفع می‌کنند; و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند; (54)

و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان; سلام بر شما (سلام وداع); ما خواهان جاهلان نیستیم!» (55)

تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی; ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند; و او به هدایت یافتگان آگاهتر است! (56)

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما; ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (57)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاك کردیم! این خانه‌های آنهاست (که‌ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد; و ما وارث آنان بودیم! (58)

و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاك نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند; و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاك نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (59)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است; و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است; آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (60)

آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده‌ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟! (61)

روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا میدهد و میگوید: «کجا هستند همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!» (62)

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگارا! ما اینها (عابدان) را گمراه کردیم; (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان‌گونه که خودمان گمراه شدیم; ما از آنان به سوی تو بیزاری می‌جوییم; آنان در حقیقت ما را نمی‌پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می‌کردند)!» (63)

و به آنها (عابدان) گفته می‌شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می‌پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می‌خوانند، ولی جوابی به آنان نمی‌دهند! و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می‌بینند، و آرزو می‌کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (64)

(به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟!» (65)

در آن روز، همه اخبار به آنان پوشیده می‌ماند، (حتی نمی‌توانند) از یکدیگر سؤالی کنند! (66)

اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد! (67)

پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند، و هر چه بخواهد برمی‌گزیند; آنان (در برابر او) اختیاری ندارند; منزه است خداوند، و برتر است از همتایانی که برای او قائل می‌شوند! (68)

و پروردگار تو می‌داند آنچه را که سینه‌هایشان پنهان می‌دارد و آنچه را آشکار می‌سازند! (69)

و او خدایی است که معبودی جز او نیست; ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر; حاکمیت (نیز) از آن اوست; و همه شما به سوی او بازگردانده می‌شوید! (70)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خدا می‌تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی‌شنوید؟!» (71)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟!» (72)

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید! (73)

(به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید: «کجایند همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟!» (74)

(در آن روز) از هر امتی گواهی برمی‌گزینیم و (به مشرکان) می‌گوییم: «دلیل خود را بیاورید! س‌ذلّه اما آنها می‌دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می‌بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد! (75)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد; ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یك گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد! (76)

و درآنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب; و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن; و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن; و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (77)

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!» آیا او نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاك کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. (78)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (79)

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند. س‌ذللّه (80)

سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خود نیز نمی‌توانست خویشتن را یاری دهد. (81)

و آنها که دیروز آرزو می‌کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگانش بخواهد گسترش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد! اگر خدا بر ما منت ننهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند! (82)

(آری،) این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرارمی‌دهیم که اراده برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند; و عاقبت نیك برای پرهیزگاران است! (83)

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است; و به کسانی که کارهای بد انجام دهند، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (84)

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت (زادگاهت) بازمی‌گرداند! بگو: «پروردگار من از همه بهتر می‌داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است! س‌ذللّه (85)

و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا گردد; ولی رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد! اکنون که چنین است، هرگز از کافران پشتیبانی مکن! (86)

و هرگز (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آنکه بر تو نازل گشت، بازندارند! و بسوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش! (87)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست; همه چیز جز ذات (پاك) او فانی می‌شود; حاکمیت تنها از آن اوست; و همه بسوی او بازگردانده می شوید! (88)

سوره العنکبوت

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (1)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! (2)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم); باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! (3)

آیا کسانی که اعمال بد انجام می‌دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شد؟! چه بد داوری می‌کنند! (4)

کسی که امید به لقاء الله (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد!) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی‌رسد; و او شنوا و داناست! (5)

کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند; چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. (6)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش می‌دهیم. (7)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرك باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت! (8)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد! (9)

و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می‌شمارند (و از آن سخت وحشت می‌کنند); ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می‌گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)»!! آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟! (10)

مسلما خداوند مؤمنان را می‌شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می‌شناسد. (11)

و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت; آنان به یقین دروغگو هستند! (12)

آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می‌کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود; و روز قیامت به یقین از تهمتهائی که می‌بستند سؤال خواهند شد! (13)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم; و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد; اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. (14)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! (15)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید! (16)

شما غیر از خدا فقط بتهایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید; آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالك هیچ رزقی برای شما نیستند; روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می‌شوید! (17)

اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امتهایی پیش از شما نیز (پیامبرانشان را) تکذیب کردند; وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست». (18)

آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس بازمی‌گرداند؟! این کار برای خدا آسان است! (19)

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین‌گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند; یقینا خدا بر هر چیز توانا است! (20)

هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می‌کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرارمی‌دهد; و شما را به سوی او بازمی‌گردانند. (21)

شما هرگز نمی‌توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان بگریزید; و برای شما جز خدا، ولی و یاوری نیست!» (22)

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مایوسند; و برای آنها عذاب دردناکی است! (23)

اما جواب قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید; در این ماجرا نشانه‌هایی است برای کسانی که ایمان می‌آورند. (24)

(ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد; سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می‌جویید و یکدیگر را لعن می‌کنید; و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاوری برای شما نخواهد بود!» (25)

و لوط به او (ابراهیم) ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است!» (26)

و (در اواخر عمر،) اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است! (27)

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یك از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (28)

آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلستان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر راست می‌گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (29)

(لوط) عرض کرد: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (30)

و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: سخ‌للّهما اهل این شهر و آبادی را (و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند) هلاك خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند!» (31)

(ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاهتریم! او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم; جز همسرش که در میان قوم (گنهکار) باقی خواهد ماند.» (32)

هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دلتنگ شد; گفتند:«نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می‌ماند. (33)

ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!» (34)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاردیم! (35)

و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم; گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!» (36)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده و مرده بودند! (37)

ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاك کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است; شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند. (38)

و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز هلاك کردیم; موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، اما آنان در زمین برتری جویی کردند، ولی نتوانستند بر خدا پیشی گیرند! (39)

ما هر یك از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم; خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می‌کردند! (40)

مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده; در حالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند! (41)

خداوند آنچه را غیر از او می‌خوانند می‌داند، و او شکست‌ناپذیر و حکیم است. (42)

اینها مثالهایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن را درك نمی‌کنند. (43)

خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید; و در این آیتی است برای مؤمنان. (44)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگتر است; و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید! (45)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند; و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابراو تسلیم هستیم!» (46)

و این گونه، کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم، کسانی که کتاب (آسمانی)به آنها داده‌ایم به این کتاب ایمان می‌آورند; و بعضی از این گروه (مشرکان) نیز به آن مؤمن می‌شوند; و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند. (47)

تو هرگز پیش از این کتابی نمی‌خواندی، و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شك و تردید کنند! (48)

ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد; و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند! (49)

گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می‌شود، نه به میل من و شما); من تنها بیم دهنده‌ای آشکارم! (50)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و این معجزه بسیار واضحی است) . (51)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است; آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند; و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند! (52)

آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند; و اگر موعد مقرری تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می‌آمد; و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می‌شود در حالی که نمی‌دانند (و غافلند). (53)

آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد! (54)

آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی‌گیرد و به آنها ید: «بچشید آنچه را عمل می‌کردید» (روز سخت و دردناکی برای آنهاست!) (55)

ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید)! (56)

هر انسانی مرگ را می‌چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی‌گردانند. (57)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که نهرها در زیر آن جاری است; جاودانه در آن خواهند ماند; چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان! (58)

همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (59)

چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد; و او شنوا و داناست. (60)

و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می‌گویند: «الله»! پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟! (61)

خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می‌کند، و برای هر کس بخواهد محدود می‌سازد; خداوند به همه چیز داناست! (62)

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می‌گویند: «الله»! بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!»اما بیشتر آنها نمی‌دانند. (63)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست; و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند! (64)

هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند); اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرك می‌شوند! (65)

(بگذار) آنچه را (از آیات) به آنها داده‌ایم انکار کنند و از لذات زودگذر زندگی بهره گیرند; اما بزودی خواهند فهمید! (66)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟! آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟! (67)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟! (68)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعا به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد; و خداوند با نیکوکاران است. (69)

سوره الروم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (1)

رومیان مغلوب شدند! (2)

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد; اما آنان پس از (این) مغلوبیت بزودی غلبه خواهند کرد... (3)

در چند سال همه کارها از آن خداست; چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی); و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... (4)

به سبب یاری خداوند; و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد; و او صاحب قدرت و رحیم است! (5)

این وعده‌ای است که خدا کرده; و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (6)

آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (7)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند! (8)

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی)بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به‌سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند); خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند! (9)

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! (10)

خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، سپس شما را بسوی او باز می‌گردانند! (11)

آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند! (12)

و برای آنان شفیعانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را همتای خدا قرار داده بودند کافر می‌شوند! (13)

آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مردم) از هم جدا می‌شوند; (14)

اما آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (15)

و اما آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می‌شوند. (16)

منزه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید و صبح می‌کنید; (17)

و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می‌کنید. (18)

او زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده رااز زنده، و زمین را پس از مردنش حیات می‌بخشد، و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می‌شوید! (19)

از نشانه‌های او این است که شما را از خاك آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! (20)

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد; در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (21)

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست; در این نشانه‌هایی است برای عالمان! (22)

و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تامین معاش); در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند! (23)

و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند; در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند! (24)

و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست; سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می‌شوید (و در صحنه محشر حضور می‌یابید)! (25)

و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین‌اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع‌اند! (26)

او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، و این کار برای او آسانتر می‌باشد; و برای اوست توصیف برتر در آسمانها و زمین; و اوست توانمند و حکیم! (27)

خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوك و برده‌ای داشته باشید)، این برده‌های شما هرگز در روزیهایی که به شما داده‌ایم شریك شما می‌باشند; آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم. (28)

ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند! پس چه کسی می‌تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یاوری نخواهد بود! (29)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند،انسانها را بر آن آفریده; دگرگونی در آفرینش الهی نیست; این است آیین استوار; ولی اکثر مردم نمی‌دانند! (30)

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می‌کنید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید... (31)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند! (32)

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند و توبه‌کنان بسوی او بازمی‌گردند; اما همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرك می‌شوند. (33)

(بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده‌ایم کفران کنند! و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می‌توانید) بهره گیرید; اما بزودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بی حساب شما چه بوده است)! (34)

آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می‌گوید (و آن را موجه می‌شمارد)؟ ! (35)

و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می‌شوند; و هرگاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مایوس می‌شوند! (36)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد؟!در این نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (37)

پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند. (38)

آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت; و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است; و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند. (39)

خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می‌میراند، سپس زنده می‌کند; آیا هیچ یك از همتایانی که برای خدا قرار داده‌اید چیزی از این کارها را می‌توانند انجام دهند؟! او منزه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند. (40)

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است; خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق)بازگردند! (41)

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرك بودند! (42)

روی خود را بسوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آنکه روزی فرا رسد که هیچ کس نمی‌تواند آن را از خدا بازگرداند; در آن روز مردم به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند: (43)

هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست; و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می‌سازند. (44)

این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، از فضلش پاداش دهد; او کافران را دوست نمی‌دارد! (45)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را بعنوان بشارتگرانی می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید; شاید شکرگزاری کنید. (46)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم; آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم); و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما! (47)

خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد; در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی که از لا به لای آن خارج می‌شود،هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، ناگهان خوشحال می‌شوند... (48)

و قطعا پیش از آنکه بر آنان نازل شود مایوس بودند! (49)

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند; چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده‌کننده مردگان (در قیامت) است; و او بر همه چیز تواناست! (50)

و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، (مایوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می‌گیرند! (51)

تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند! (52)

و (نیز) نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی; تو تنها سخنت را به گوش کسانی می‌رسانی که ایمان به آیات ما می‌آورند و در برابر حق تسلیمند! (53)

خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید; سپس بعد از ناتوانی ، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد; او هر چه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست. (54)

و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درك حقیقت بازگردانده می‌شوند. (55)

ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می‌گویند: «شما بفرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز است، اما شما نمی‌دانستید!» (56)

آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی‌شود. (57)

ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم; و اگر آیه‌ای برای آنان بیاوری، کافران می‌گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است)!» (58)

این گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مهر می‌نهد! (59)

اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است; و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند)! (60)

سوره لقمان

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (1)

این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (2)

مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. (3)

همانان که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. (4)

آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران! (5)

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند; برای آنان عذابی خوارکننده است! (6)

و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است; گویی اصلا گوشهایش سنگین است! او را به عذابی دردناك بشارت ده! (7)

(ولی) کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، باغهای پرنعمت بهشت از آن آنهاست; (8)

جاودانه در آن خواهند ماند; این وعده حتمی الهی است; و اوست عزیز و حکیم (شکست‌ناپذیر و دانا). (9)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت; و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم. (10)

این آفرینش خداست; اما به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده‌اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. (11)

ما به لقمان حکمت دادیم; (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده; و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند); چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. (12)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش -در حالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: س‌خ‌لّهپسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرك، ظلم بزرگی است.» (13)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم; مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد; (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما)به سوی من است! (14)

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن; و از راه کسانی پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من آمده‌اند; سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کنم. (15)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیك یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد; خداوند دقیق و آگاه است! (16)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است! (17)

(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (18)

(پسرم!) در راه‌رفتن، اعتدال را رعایت کن; از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است. (19)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند! (20)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می‌گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!»آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می‌کنند)؟! (21)

کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده است); و عاقبت همه کارها به سوی خداست. (22)

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد; بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده‌اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت; خداوند به آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (23)

ما اندکی آنها را از متاع دنیا بهره‌مند می‌کنیم، سپس آنها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می‌سازیم! (24)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلما می‌گویند: «الله س‌ذللّه، بگو: «الحمد لله (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (25)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است! (26)

و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد; خداوند عزیز و حکیم است. (27)

آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (در قیامت) همانند یك فرد بیش نیست; خداوند شنوا و بیناست! (28)

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند، و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سرآمد یعنی به حرکت خود ادامه می‌دهند؟! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (29)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه غیر از او می‌خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است! (30)

آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکیبا و شکرگزارند! (31)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد)، خدا را با اخلاص می‌خوانند; اما وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می‌گیرند (و به ایمان خود وفادار می‌مانند، در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده راه کفر پیش می‌گیرند); ولی آیات ما را هیچ کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس انکار نمی‌کنند! (32)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می‌کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را; به یقین وعده الهی حق است; پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد! (33)

آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است! (34)

سوره السجده

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (1)

این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شك و تردیدی در آن نیست! (2)

ولی آنان می‌گویند: «(محمد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده‌ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند! (3)

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت; هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او نیست; آیا متذکر نمی‌شوید؟! (4)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند; سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید بسوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد). (5)

او خداوندی است که از پنهان و آشکار با خبر است، و شکست‌ناپذیر و مهربان است! (6)

او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید; و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد; (7)

سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. (8)

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید; و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد; اما کمتر شکر نعمتهای او را بجا می‌آورید! (9)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! س‌ذلّه ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می‌کنند (و می‌خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). (10)

بگو: «فرشته مرگ که بر شما مامور شده، (روح) شما را می‌گیرد; سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی‌گردانند.» (11)

و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می‌گویند: س‌خ‌للّه‌پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم; ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای انجام دهیم; ما (به قیامت) یقین داریم!» (12)

و اگر می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می‌دادیم; ولی (من آنها را آزاد گذارده‌ام و) سخن و وعده‌ام حق است که دوزخ را (از افراد بی‌ایمان و گنهکار) از جن و انس همگی پر کنم! (13)

(و به آنها می‌گویم:) بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم; و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید! (14)

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می‌افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند، و تکبر نمی‌کنند. (15)

پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند! (16)

هیچ کس نمی‌داند چه پاداشهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهائی است که انجام می‌دادند! (17)

آیا کسی که باایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند. (18)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت جاویدان از آن آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می‌دادند. (19)

و اما کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش است; هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن بازمی‌گردانند و به آنان گفته د: «بچشید عذاب آتشی را که انکار می‌کردید!» (20)

به آنان از عذاب نزدیك (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند! (21)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! مسلما ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! (22)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم; و شك نداشته باش که او آیات الهی را دریافت داشت; و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم! (23)

و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند; چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند. (24)

البته پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند (و هر کس را به سزای اعمالش می‌رساند)! (25)

آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرن پیش از آنان زندگی داشتند هلاك کردیم؟! اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می‌روند; در این آیاتی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناك مجرمان); آیا نمی‌شنوند؟! (26)

آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشك می‌رانیم و بوسیله آن زراعتهایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند; آیا نمی بینند؟! (27)

آنان می‌گویند: «اگر راست‌می‌گویید، این پیروزی شما کی خواهد بود؟!» (28)

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت; و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود!» (29)

حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش; آنها نیز منتظرند! (تو منتظر رحمت خدا و آنها هم منتظر عذاب او!) (30)

سوره الاحزاب

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است. (1)

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (2)

و بر خدا توکل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد! (3)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده; و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرارمی‌دهید مادران شما قرار نداده; و (نیز) فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرارنداده است; این سخن شماست که به دهان خود می‌گویید (سخنی باطل و بی‌پایه); اما خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند. (4)

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است; و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند; اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سرمی‌زند (و بی‌توجه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد); و خداوند آمرزنده و رحیم است. (5)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است; و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می‌شوند; و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید); این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (6)

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)! (7)

به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند; و برای کافران عذابی دردناك آماده ساخته است. (8)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند; ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم); و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است. (9)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید. (10)

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! (11)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند!» (12)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست; به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است!»، در حالی که بی‌حفاظ نبود; آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند. (13)

آنها چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرك به آنان می‌کردند می‌پذیرفتند، و جز مدت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی‌کردند! (14)

(در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند; و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند)! (15)

بگو: «اگر از مرگ یا کشته‌شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت; و در آن هنگام جز بهره کمی از زندگانی نخواهید گرفت!» (16)

بگو: «چه کسی می‌تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت. (17)

خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: س‌خ‌للّهبسوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می‌شناسد; و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (18)

آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند; و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آنچنان به تو نگاه می‌کنند، و چشمهایشان در حدقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند; آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد; و این کار بر خدا آسان است. (19)

آنها گمان می‌کنند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند; و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می‌دارند در میان اعراب بادیه‌نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جویا گردند; و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (20)

مسلما برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (21)

(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (22)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند; بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند; و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (23)

هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد; چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. (24)

خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی‌آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند; و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد); و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است! (25)

و خداوند گروهی از اهل کتاب (یهود) را که از آنان (مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند; (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید! (26)

و زمینها و خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید; و خداوند بر هر چیز تواناست! (27)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم! (28)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (29)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود; و این برای خدا آسان است. (30)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده‌ایم. (31)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید; پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید! (32)

و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید; خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملا شما را پاك سازد. (33)

آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود یاد کنید; خداوند لطیف و خبیر است! (34)

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (35)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد; و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (36)

(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی (به فرزند خوانده‌ات «زید») می‌گفتی: «همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می‌کردی); و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند; و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان -هنگامی که طلاق گیرند- نباشد; و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (37)

هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست; این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده; و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است! (38)

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می‌کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند; و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش‌دهنده اعمال آنها) است! (39)

آنه آنه محمد (ص) پدر هیچ یك از مردان شما نبوده و نیست; ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است; و خداوند به همه چیز آگاه است! (40)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید، (41)

و صبح و شام او را تسبیح گویید! (42)

او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می‌کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرك گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد; او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! (43)

تحیت آنان در روزی که او را دیدار می‌کنند سلام است; و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (44)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده! (45)

و تو را دعوت‌کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش! (46)

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. (47)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (48)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج‌کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عده‌ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید; آنها را با هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و بطرز شایسته‌ای رهایشان کنید. (49)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالك شده‌ای و دختران عموی تو، و دختران عمه‌ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله‌ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه رن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می‌تواند او را به همسری برگزیند; اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان; ما می‌دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته‌ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می‌کند); این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی); و خداوند آمرزنده و مهربان است! (50)

(موعد) هر یك از همسرانت را بخواهی می‌توانی به تاخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی; و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته‌ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست; این حکم الهی برای روشنی چشم آنان، و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می‌دهی همگی راضی شوند نزدیکتر است; و خدا آنچه را در قلوب شماست می‌داند، و خداوند دانا و بردبار است (از مصالح بندگان خود با خبر است، و در کیفر آنها عجله نمی‌کند)! (51)

بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی (بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی) هر چند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که بصورت کنیز در ملك تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم). (52)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید; اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید; و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید; این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید); اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید; این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است! (53)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است! (54)

بر آنان (همسران پیامبر) گناهی نیست در مورد پدران و فرزندان و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند); و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد و آگاه است. (55)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد; ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملا تسلیم (فرمان او) باشید. (56)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. (57)

و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند; بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند. (58)

گ گ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است; (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (59)

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (60)

و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! (61)

این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (62)

مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می‌کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست!» و چه می‌دانی شاید قیامت نزدیك باشد! (63)

خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، (64)

در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولی و یاوری نخواهند یافت! (65)

در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم!» (66)

و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند! (67)

پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما!» (68)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند; و خداوند او را از آنچه در حق او می‌گفتند مبرا ساخت; و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود! (69)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... (70)

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد; و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است! (71)

ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند; اما انسان آن را بر دوش کشید; او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)! (72)

هدف این بود که خداوند مردان و زنان‌منافق و مردان و زنان مشرك را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد; خداوند همواره آمرزنده و رحیم است! (73)

سوره سباء

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست; و (نیز) حمد (و سپاس) برای اوست در سرای آخرت; و او حکیم و آگاه است. (1)

آنچه در زمین فرومی‌رود و آنچه را از آن برمی‌آید می‌داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بر آن بالا می‌رود; و او مهربان و آمرزنده است. (2)

کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد!» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، خداوندی که از غیب آگاه است و به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است!» (3)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد; برای آنان مغفرت و روزی پرارزشی است! (4)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می‌توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناك خواهند داشت! (5)

کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند. (6)

« و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می‌دهد هنگامی که (مردید و) سخت از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه‌ای خواهید یافت؟! (7)

آیا او بر خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند (و نشانه گمراهی آنها همین انکار شدید است). (8)

آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با یك زمین‌لرزه) در زمین فرومی‌بریم، یا قطعه‌هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرومی‌ریزیم; در این نشانه‌ای است (بر قدرت خدا) برای هر بنده توبه‌کار! (9)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم; (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویید! و آهن را برای او نرم کردیم. (10)

(و به او گفتیم:) زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام میدهید بینا هستم! (11)

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که مسیر یك ماه را; و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم; و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند; و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم! (12)

آنها هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود; و به آنان گفتیم:) ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید; ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (13)

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد); هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند! (14)

برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان; و به آنها گفتیم:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید; شهری است پاك و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! (15)

اما آنها (از خدا) روی‌گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم! (16)

این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم; و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟! (17)

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم; و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیك) مقرر داشتیم; (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! (18)

ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را متلاشی ساختیم; در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (19)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! (20)

او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شك هستند باز شناسیم; و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (21)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می‌پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی‌گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین مالك نیستند، و نه در (خلقت و مالکیت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند. (22)

هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دلهای آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود; در این هنگام مجرمان به شفیعان) می‌گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می‌گویند: «حق را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقان داد); و اوست بلندمقام و بزرگ‌مرتبه!» (23)

بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد؟» بگو: «الله! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!» (24)

بگو: «شما از گناهی که ما کرده‌ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر اعمال شما مسؤول نیستیم!» (25)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می‌کند، سپس در میان ما بحق داوری می‌نماید (و صفوف مجرمان رااز نیکوکاران جدا می‌سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!» (26)

بگو: «کسانی را که بعنوان شریك به او ملحق ساخته‌اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او شریك و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند عزیز و حکیم است! (27)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (28)

می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟!» (29)

بگو: «وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تاخیر می‌کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت!» (30)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!; س‌ذللّه اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد (از وضع آنها تعجب می‌کنی)! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (31)

(اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید!» (32)

و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم!» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)! و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم; آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا داده می‌شود؟! (33)

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم‌دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم!» (34)

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!); و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (35)

بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسیع یا تنگ می‌کند، (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد); ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (36)

اموال و فرزندانتان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند; و آنها در غرفه‌های (بهشتی)در (نهایت) امنیت خواهند بود! (37)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پندارند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می‌شوند! (38)

بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد; و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند); و او بهترین روزی‌دهندگان است!» (39)

(به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را بر می‌انگیزد، سپس به فرشتگان می‌گوید: س‌خللّهآیا اینها شما را پرستش می‌کردند؟!» (40)

آنها می‌گویند: «منزهی (از اینکه همتایی داشته باشی)! تنها تو ولی مائی، نه آنها; (آنها ما را پرستش نمی‌کردند) بلکه جن را پرستش می‌نمودند; و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!» (41)

(آری) امروز هیچ یك از شما نسبت به دیگری مالك سود و زیانی نیست! و به ظالمان می‌گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می‌کردید!» (42)

و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «او فقط مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند بازدارد!» و می‌گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا)بسته شده چیز دیگری نیست!» و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: س‌خ‌للّهاین، جز افسونی آشکار نیست!» (43)

ما (قبلا) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده‌ایم که آن را بخوانند (و به اتکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ بیم‌دهنده (پیامبری) برای آنان نفرستادیم! (44)

کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به یك دهم آنچه به آنان دادیم نمی‌رسند! (آری) آنها رسولان مرا تکذیب کردند; پس ببین مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود! (45)

بگو: «شما را تنها به یك چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یك نفر یك نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما (محمد) هیچ گونه جنونی ندارد; او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (46)

بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست; اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!» (47)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می‌افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.» (48)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست و) نمی‌تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!» (49)

بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می‌شوم; و اگر هدایت یابم، به وسیله آنچه پروردگارم به من وحی می‌کند هدایت می‌یابم; او شنوای نزدیك است !» (50)

اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود اما نمی‌توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتی انتظارش را ندارند) می‌گیرند (از درماندگی آنها تعجب خواهی کرد)! (51)

و (در آن حال) می‌گویند: «به حق ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می‌توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند! (52)

آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و دورا دور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت‌های ناروا می‌دادند. (53)

(سرانجام) میان آنها و خواسته‌هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که با پیروان (و هم‌مسلکان) آنها از قبل عمل شد، چرا که آنها در شك و تردید بودند! (54)

سوره فاطر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر!

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، و او بر هر چیزی تواناست! (1)

هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد; و هر چه را امساك کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست; و او عزیز و حکیم است! (2)

ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما; آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست; با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟! (3)

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه‌ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند; و همه کارها بسوی خدا بازمی‌گردد. (4)

ای مردم! وعده خداوند حق است; مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (5)

البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید; او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند! (6)

کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی سخت است; و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! (7)

آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می‌یابد)؟! خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند; پس جانت به خاطر شدت تاسف بر آنان از دست نرود; خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست! (8)

خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند; سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده‌ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می‌کنیم; رستاخیز نیز همین گونه است! (9)

کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست; سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد; و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می‌شود (و به جایی نمی‌رسد) ! (10)

خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای; سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد; هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی‌کند، یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است; اینها همه برای خداوند آسان است. (11)

دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر; (اما) از هر دو گوشتی تازه می خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید; و کشتیها

را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافند (و به سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید! (12)

او شب را در روز داخل می‌کند و روز را در شب; و خورشید و ماه را مسخر (شما) کرده، هر یك تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهد; این است خداوند، پروردگار شما; حاکمیت (در سراسر عالم) از آن اوست: و کسانی را که جز او می‌خوانید (و می‌پرستید) حتی به اندازه پوست نازك هسته خرما مالك نیستند! (13)

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌گویند; و روز قیامت، شرك (و پرستش) شما را منکر می‌شوند، و هیچ کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی‌سازد! (14)

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید; تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است! (15)

اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق جدیدی می‌آورد; (16)

و این برای خداوند مشکل نیست! (17)

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد; و اگر شخص سنگین‌باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیم‌می‌دهی که از پروردگار خود در پنهانی می‌ترسند و نماز را برپا می‌دارند; و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی‌گردد; و بازگشت (همگان) به سوی خداست! (18)

و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (19)

و نه ظلمتها و روشنایی، (20)

و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (21)

و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی! (22)

تو فقط انذارکننده‌ای، (اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه‌ات را انجام ده.) (23)

ما تو را بحق برای بشارت و انذار فرستادیم; و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است! (24)

اگر تو را تکذیب کنند (عجیب نیست); کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند; آنها با دلایل روشن و کتابهای پند و موعظه و کتب آسمانی روشنگر (مشتمل بر معارف و احکام) به سراغ آنان آمدند (اما کوردلان ایمان نیاوردند). (25)

سپس من کافران را (بعد از اتمام حجت) گرفتم (و سخت مجازات کردم); مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (26)

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملا سیاه! (27)

و از انسانها و جنبندگان و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند; خداوند عزیز و غفور است! (28)

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی (پرسود و) بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند. (29)

(آنها این اعمال صالح را انجام می‌دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است! (30)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق‌کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن; خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست! (31)

سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم; (اما) از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند، و عده‌ای میانه رو بودند،و گروهی به اذن خدا در نیکیها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است! (32)

(پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می‌شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آنجا حریر است! (33)

آنها می‌گویند: «حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت; پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! (34)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسد و نه سستی و واماندگی! (35)

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست; هرگز فرمان مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند، و نه چیزی از عذابش از آنان تخفیف داده می‌شود; این گونه هر کفران‌کننده‌ای را کیفر می‌دهیم! (36)

آنها در دوزخ فریاد می‌زنند: «پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می‌دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته می‌شود:) آیا شما را به اندازه‌ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عمر ندادیم، و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یاوری نیست! (37)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می‌داند! (38)

اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد; هر کس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود، و کافران را کفرشان جز خشم و غضب در نزد پروردگار چیزی نمی‌افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی‌کند! (39)

بگو: «این معبودانی را که جز خدا می‌خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده‌ایم و دلیلی از آن برای (شرك) خود دارند؟!» نه هیچ یك از اینها نیست، ظالمان فقط وعده‌های دروغین به یکدیگر می‌دهند! (40)

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند; و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! (41)

آنان با نهایت تاکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذارکننده به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امتها خواهند بود; اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله‌گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! (42)

اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود; اما این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد; آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذابهای دردناك آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی! (43)

آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند; نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت; او دانا و تواناست! (44)

اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تاخیر می‌اندازد (و مهلت اصلاح می‌دهد) اما هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می‌دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیات همه آگاه است)! (45)

سوره یس

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

یس. (1)

سوگند به قرآن حکیم. (2)

که تو قطعا از رسولان (خداوند) هستی، (3)

بر راهی راست (قرار داری); (4)

این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است (5)

تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند! (6)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند! (7)

ما در گردنهای آنان غلهایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است! (8)

و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدی; و چشمانشان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند! (9)

برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی، ایمان نمی‌آورند! (10)

تو فقط کسی را انذار می‌کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد; چنین کسی را به آمرزش و پاداشی پرارزش بشارت ده! (11)

به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می نویسیم; و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم! (12)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند; (13)

هنگامی که دو نفر از رسولان را بسوی آنها فرستادیم، اما آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند; پس برای تقویت آن دو، شخص سومی فرستادیم، آنها همگی گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم!» (14)

اما آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می‌گویید!» (15)

(رسولان ما) گفتند: «پروردگار ما آگاه است که ما قطعا فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (16)

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست!» (17)

آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته‌ایم (و وجود شما را شوم می‌دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (18)

(رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!» (19)

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید! (20)

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند! (21)

من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می‌شوید؟! (22)

آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد! (23)

اگر چنین کنم، من در گمراهی آشکاری خواهم بود! (24)

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم; پس به سخنان من گوش فرا دهید!» (25)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند... (26)

که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی‌داشتگان قرار داده است!» (27)

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود; (28)

(بلکه) فقط یك صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! (29)

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند! (30)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاك کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان بازنمی‌گردند (و زنده نمی‌شوند)! (31)

و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می‌شوند! (32)

زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه‌های (غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند; (33)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن جاری ساختیم، (34)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی‌آورند؟! (35)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند! (36)

شب (نیز) برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت خدا); ما روز را از آن برمی‌گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می‌گیرد! (37)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است; این تقدیر خداوند قادر و داناست. (38)

و برای ماه منزلگاه‌هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت س‌خ‌لّ‌هشاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می‌آید. (39)

نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد; و هر کدام در مسیر خود شناورند. (40)

نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (41)

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (42)

و اگر بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند! (43)

مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند! (44)

و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست (از عذابهای الهی) بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی‌کنند). (45)

و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی‌گردان می شوند. (46)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می‌گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید»! (47)

آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (48)

(اما)جز این انتظار نمی‌کشند که یك صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (49)

(چنان غافلگیر می‌شوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند! (50)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می‌روند! (51)

می‌گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!» (52)

صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی‌خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می‌شوند! (53)

(و به آنها گفته می‌شود:) امروز به هیچ کس ذره‌ای ستم نمی‌شود، و جز آنچه را عمل می‌کردید جزا داده نمی‌شوید! (54)

بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند. (55)

آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده‌اند. (56)

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت‌بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود! (57)

بر آنها سلام (و درود الهی) است; این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (58)

(و به آنها می‌گویند:) جدا شوید امروز ای گنهکاران! (59)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (60)

و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟! (61)

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (62)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد! (63)

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (64)

امروز بر دهانشان مهر می‌نهیم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند! (65)

و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم; سپس برای عبور از راه، می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می‌توانند ببینند؟! (66)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می‌کنیم (و به مجسمه‌هایی بی‌روح مبدل می‌سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند! (67)

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم) ; آیا اندیشه نمی‌کنند؟! (68)

ما هرگز شعر به او (پیامبر) نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد); این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است! (69)

تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد! (70)

آیا ندیدند که‌از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالك آن هستند؟! (71)

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند; (72)

و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهائی گوارا; آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟! (73)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند! (74)

ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت‌کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می‌شوند! (75)

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم! (76)

آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست! (77)

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» (78)

بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید; و او به هر مخلوقی داناست! (79)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می‌افروزید!» (80)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان (انسانهای خاك شده) را بیافریند؟ ! آری (می‌تواند)، و او آفریدگار داناست! (81)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود! (82)

پس منزه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست; و شما را به سوی او بازمی‌گردانند! (83)

سوره الصافات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظم) (1)

و به نهی‌کنندگان و (بازدارندگان) (2)

و تلاوت‌کنندگان پیاپی آیات الهی... (3)

که معبود شما یگانه است; (4)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها! (5)

ما آسمان نزدیك (پایین) را با ستارگان آراستیم، (6)

تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! (7)

آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرارمی‌گیرند! (8)

آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند; و برای آنان مجازاتی دائم است! (9)

مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیك شوند، که «شهاب ثاقب س‌ذللّه آنها را تعقیب می‌کند! (10)

از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سخت‌تر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبنده‌ای آفریدیم! (11)

تو از انکارشان تعجب می‌کنی، ولی آنها مسخره می‌کنند! (12)

و هنگامی که به آنان تذکر داده شود، هرگز متذکر نمی‌شوند! (13)

و هنگامی که معجزه‌ای را ببینند، دیگران را نیز به استهزا دعوت‌می‌کنند! (14)

و می‌گویند: «این فقط سحری آشکار است! (15)

آیا هنگامی که ما مردیم و به خاك و استخوان مبدل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (16)

یا پدران نخستین ما (بازمی‌گردند)؟!» (17)

بگو: «آری، همه شما زنده می‌شوید در حالی که خوار و کوچك خواهید بود! (18)

تنها یك صیحه عظیم واقع می‌شود، ناگهان همه (از قبرها برمی‌خیزند و) نگاه می‌کنند! (19)

و می‌گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!» (20)

(آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب می‌کردید! (21)

(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود:) ظالمان و همردیفانشان و آنچه را می‌پرستیدند... (22)

(آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید! (23)

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! (24)

شما را چه شده که از هم یاری نمی‌طلبید؟! (25)

ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (26)

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می‌پرسند... (27)

گروهی (می‌گویند: «شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید اما جز فریب چیزی در کارتان نبود)!» (28)

(آنها در جواب) می‌گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! (29)

ما هیچ گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (30)

اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلم شده، و همگی از عذاب او می‌چشیم! (31)

ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم! (32)

(آری) همه آنها (پیشوایان و پیروان گمراه) در آن روز در عذاب الهی مشترکند! (33)

ما این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم! (34)

چرا که وقتی به آنها گفته می‌شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می‌کردند... (35)

و پیوسته می‌گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (36)

چنین نیست، او حق را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است! (37)

اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلم عذاب دردناك (الهی) را خواهید چشید! (38)

و جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده نمی‌شوید، (39)

جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)! (40)

برای آنان (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه‌ای است، (41)

میوه‌ها(ی گوناگون پر ارزش)، و آنها گرامی داشته می‌شوند... (42)

در باغهای پر نعمت بهشت; (43)

در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده‌اند، (44)

و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می‌گردانند; (45)

شرابی سفید و درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان; (46)

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می‌شوند! (47)

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند. (48)

گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم‌مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)! (49)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می‌پرسند... (50)

کسی از آنها می‌گوید: «من همنشینی داشتم... (51)

که پیوسته می‌گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده‌ای... (52)

که وقتی ما مردیم و به خاك و استخوان مبدل شدیم، (بار دیگر) زنده می‌شویم و جزا داده خواهیم شد؟!» (53)

(سپس) می‌گوید: «آیا شما می‌توانید از او خبری بگیرید؟» (54)

اینجاست که نگاهی می‌کند، ناگهان او را در میان دوزخ می‌بیند. (55)

می‌گوید:«به خدا سوگند نزدیك بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی! (56)

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدگان (در دوزخ) بودم! (57)

(سپس به یاران خود می‌گوید: ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی‌میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)، (58)

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. (59)

راستی این همان پیروزی بزرگ است! (60)

آری، برای مثل این، باید عمل‌کنندگان عمل کنند! (61)

آیا این (نعمتهای جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت‌انگیز) زقوم؟! (62)

ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! (63)

آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید! (64)

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! (65)

آنها (مجرمان) از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند! (66)

سپس روی آن آب داغ متعفنی می‌نوشند! (67)

سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است! (68)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند، (69)

با این حال به سرعت بدنبال آنان کشانده می‌شوند! (70)

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (71)

ما در میان آنها انذارکنندگانی فرستادیم، (72)

ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود! (73)

مگر بندگان مخلص خدا! (74)

و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده‌ای هستیم! (75)

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (76)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (77)

و نام نیك او را در میان امتهای بعد باقی نهادیم. (78)

سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (79)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (80)

چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (81)

سپس دیگران (دشمنان او) را غرق کردیم! (82)

و از پیروان او ابراهیم بود; (83)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد; (84)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می‌پرستید؟! (85)

آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می‌روید؟! (86)

شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می‌برید؟! (87)

(سپس) نگاهی به ستارگان افکند... (88)

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی‌آیم)!» (89)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند.) (90)

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی‌خورید؟! (91)

(اصلا) چرا سخن نمی‌گویید؟!» (92)

سپس بسوی آنها رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست). (93)

آنها با سرعت به او روی آوردند. (94)

گفت: «آیا چیزی را می‌پرستید که با دست خود می‌تراشید؟! (95)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!» (96)

(بت‌پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!» (97)

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (98)

(او از این مهلکه بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد! (99)

پروردگارا! به من از صالحان (فرزندان صالح) ببخش!» (100)

ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! (101)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت«پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (102)

هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاك نهاد... (103)

او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! (104)

آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به ماموریت خود عمل کردی)!» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم! (105)

این مسلما همان امتحان آشکار است! (106)

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، (107)

و نام نیك او را در امتهای بعد باقی نهادیم! (108)

سلام بر ابراهیم! (109)

این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (110)

او از بندگان باایمان ما است! (111)

ما او را به اسحاق ـپیامبری از شایستگانـ بشارت دادیم! (112)

ما به او و اسحاق برکت دادیم; و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند! (113)

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم! (114)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم! (115)

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند! (116)

ما به آن دو، کتاب روشنگر دادیم، (117)

و هر دو را به راه راست هدایت (خداپرستی) کردیم (118)

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم! (119)

سلام بر موسی و هارون! (120)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (121)

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند! (122)

و الیاس از رسولان (ما) بود! (123)

به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! (124)

آیا بت «بعل» را می‌خوانید و بهترین آفریدگارها را رها می‌سازید؟! (125)

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (126)

اما آنها او را تکذیب کردند; ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می‌شوند! (127)

مگر بندگان مخلص خدا! (128)

ما نام نیك او را در میان امتهای بعد باقی گذاردیم! (129)

سلام بر الیاسین! (130)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (131)

او از بندگان مؤمن ما است! (132)

و لوط از رسولان (ما) است! (133)

و به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (134)

مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)! (135)

سپس بقیه را نابود کردیم! (136)

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه‌های شهرهای) آنها می‌گذرید... (137)

و (همچنین) شبانگاه; آیا نمی‌اندیشید؟! (138)

و یونس از رسولان (ما) است! (139)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد. (140)

و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد! (141)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق سرزنش بود! (142)

و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود... (143)

تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند! (144)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یك سرزمین خشك خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! (145)

و بوته کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد)! (146)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری -یا بیشتر- فرستادیم! (147)

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم! (148)

از آنان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (149)

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (150)

دانید آنها با این تهمت بزرگشان می‌گویند: (151)

«خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می‌گویند! (152)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (153)

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می‌کنید؟! (هیچ می‌فهمید چه می‌گویید؟!) (154)

آیا متذکر نمی‌شوید؟! (155)

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟ (156)

کتابتان را بیاورید اگر راست می‌گویید! (157)

آنها (مشرکان) میان او (خداوند) و جن، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند; در حالی که جنیان بخوبی می‌دانند که این بت‌پرستان در دادگاه الهی احضار می‌شوند! (158)

منزه است خداوند از آنچه توصیف می‌کنند، (159)

مگر بندگان مخلص خدا! (160)

شما و آنچه را پرستش می‌کنید، (161)

هرگز نمی‌توانید کسی را (با آن) فریب دهید، (162)

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می‌شوند! (163)

و هیچ یك از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد; (164)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده‌ایم; (165)

و ما همه تسبیح‌گوی او هستیم! (166)

آنها پیوسته می‌گفتند: (167)

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (168)

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!» (169)

(اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد،) به آن کافر شدند; ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست! (170)

وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... (171)

که آنان یاری شدگانند، (172)

و لشکر ما پیروزند! (173)

از آنها (کافران) روی بگردان تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرارسد)! (174)

و وضع آنها را بنگر (چه بی‌محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (175)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می‌کنند؟! (176)

اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه‌هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (177)

از آنان روی بگردان تا زمان معینی! (178)

و وضع کارشان را ببین; آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می‌بینند! (179)

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می‌کنند. (180)

و سلام بر رسولان! (181)

ج832حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (182)

سوره ص

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است). (1)

ولی کافران گرفتار غرور اختلافند! (2)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاك کردیم; و به هنگام نزول عذاب فریاد می‌زدند (و کمك می‌خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود! (3)

آنها تعجب کردند که پیامبر بیم‌دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده; و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است! (4)

آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است!» (5)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند)! (6)

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم; این تنها یك آئین ساختگی است! (7)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او (محمد) نازل شده؟!» آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند (که این چنین گستاخانه سخن می‌گویند)! (8)

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده‌ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟! (9)

یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاك محمد بگیرند)! (10)

(آری) اینها لشکر کوچك شکست‌خورده‌ای از احزابند! (11)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (12)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه (قوم شعیب)، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (13)

هر یك (از این گروه‌ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (14)

اینها (با این اعمالشان) جز یك صیحه آسمانی را انتظار نمی‌کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می‌سازد)! (15)

آنها (از روی خیره‌سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (16)

در برابر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود! (17)

ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند! (18)

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند);و همه اینها بازگشت‌کننده به سوی او بودند! (19)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه! (20)

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (21)

در آن هنگام که (بی‌مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد; گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده; اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن! (22)

این برادر من است; و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار می‌کند که: این یکی را هم به من واگذار; و در سخن بر من غلبه کرده است!» (23)

(داوود) گفت: «مسلما او با درخواست یك میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده; و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند; اما عده آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (24)

ما این عمل را بر او بخشیدیم; و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست! (25)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم; پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد; کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (26)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم; این گمان کافران است; وای بر کافران از آتش (دوزخ)! (27)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (28)

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند! (29)

ما سلیمان را به داوود بخشیدیم; چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)! (30)

به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابك تندرو را بر او عرضه داشتند، (31)

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم»، او همچنان به آنها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (32)

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (33)

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم; سپس او به درگاه خداوند توبه کرد. (34)

گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای! (35)

پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی حرکت کند و به هر جا او می‌خواهد برود! (36)

و شیاطین را مسخر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را! (37)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم، (38)

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) ببخش، و از هر کس می‌خواهی امساك کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)! (39)

و برای او (سلیمان) نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست! (40)

و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (41)

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنك برای شستشو و نوشیدن است! (42)

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان. (43)

(و به او گفتیم:) بسته‌ای از ساقه‌های گندم (یا مانند آن) را برگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکیبا یافتیم; چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود! (44)

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها(ی نیرومند) و چشمها(ی بینا)! (45)

ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود! (46)

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند! (47)

و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند! (48)

این یك یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است: (49)

باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است، (50)

در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده‌اند و میوه‌های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است! (51)

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، و همسن و سالند! (52)

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می‌شود (وعده‌ای تخلف ناپذیر)! (53)

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست! (54)

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است: (55)

دوزخ، که در آن وارد می‌شوند; و چه بستر بدی است! (56)

این نوشابه «حمیم» و «غساق» است (دو مایع سوزان و تیره رنگ) که باید از آن بچشند! (57)

و جز اینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند! (58)

(به آنان گفته می‌شود:) این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می‌شوند (اینها همان سران گمراهیند); خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت! (59)

آنها (به رؤسای خود) می‌گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!» (60)

(سپس) می‌گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزا!» (61)

آنها می‌گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می‌شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی‌بینیم؟! (62)

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه‌ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی‌بیند؟! (63)

این یك واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان! (64)

بگو: «من تنها یك بیم‌دهنده‌ام; و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست! (65)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار!» (66)

بگو: «این خبری بزرگ است، (67)

که شما از آن روی‌گردانید! (68)

من از ملا اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می‌کردند خبر ندارم! (69)

تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که من انذارکننده آشکاری هستم!» (70)

و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! (71)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!» (72)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، (73)

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! (74)

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟ ! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» (75)

گفت: «من از او بهترم; مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» (76)

فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی! (77)

و مسلما لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود! (78)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می‌شوند مهلت ده!» (79)

فرمود: «تو از مهلت داده‌شدگانی، (80)

ولی تا روز و زمان معین!» (81)

گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (82)

مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!» (83)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم، (84)

که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (85)

(ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، و من از متکلفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است!)» (86)

این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است; (87)

و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید! (88)

سوره الزمر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. (1)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم; پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان! (2)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی‌پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیك کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند; خداوند آن کس را که دروغگو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند! (3)

اگر (بفرض محال) خدا می‌خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می‌خواست برمیگزید; منزه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)! او خداوند یکتای پیروز است! (4)

آسمانها و زمین را بحق آفرید; شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب; و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد; هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند; آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است! (5)

او شما را از يك نفس آفريد، و همسرش را از (باقيمانده گل) او خلق كرد; و براى شما هشت زوج از چهارپايان ايجاد كرد; او شما را در شكم مادرانتان آفرينشى بعد از آفرينش ديگر، در ميان تاريكيهاى سه گانه، مى‌بخشد! اين است خداوند، پروردگار شما كه حكومت (عالم هستى) از آن اوست; هيچ معبودى جز او نيست; پس چگونه از راه حق منحرف مى‌شويد؟! (6)

اگر كفران كنيد، خداوند از شما بى‌نياز است و هرگز كفران را براى بندگانش نمى پسندد; و اگر شكر او را بجا آوريد آن را براى شما مى‌پسندد! و هيچ گنهكارى گناه ديگرى را بر دوش نمى‌كشد! سپس بازگشت همه شما به سوى پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام مى‌داديد آگاه مى‌سازد; چرا كه او به آنچه در سينه‌هاست آگاه است! (7)

هنگامى كه انسان را زيانى رسد، پروردگار خود را مى‌خواند و بسوى او باز مى گردد; اما هنگامى كه نعمتى از خود به او عطا كند، آنچه را به خاطر آن قبلا خدا را مى خواند از ياد مى‌برد و براى خداوند همتايانى قرارمى‌دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد; بگو: «چند روزى از كفرت بهره‌گير كه از دوزخيانى!» (8)

(آيا چنين كسى با ارزش است) يا كسى كه در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قيام، از عذاب آخرت مى‌ترسد و به رحمت پروردگارش اميدوار است؟! بگو: «آيا كسانى كه مى‌دانند با كسانى كه نمى‌دانند يكسانند؟! تنها خردمندان متذكر مى‌شوند!» (9)

بگو: «اى بندگان من كه ايمان آورده‌ايد! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهيزيد! براى كسانى كه در اين دنيا نيكى كرده‌اند پاداش نيكى است! و زمين خدا وسيع است، (اگر تحت فشار سران كفر بوديد مهاجرت كنيد) كه صابران اجر و پاداش خود را بى‌حساب دريافت مى‌دارند! (10)

بگو: «من مامورم كه خدا را پرستش كنم در حالى كه دينم را براى او خالص كرده باشم، (11)

و مامورم كه نخستين مسلمان باشم! (12)

بگو: «من اگر نافرمانى پروردگارم كنم، از عذاب روز بزرگ (قيامت) مى‌ترسم!» (13)

بگو: «من تنها خدا را مى‌پرستم در حالى كه دينم را براى او خالص مى‌كنم. (14)

شما هر چه را جز او مى‌خواهيد بپرستيد!» بگو: «زيانكاران واقعى آنانند كه سرمايه وجود خويش و بستگانشان را در روز قيامت از دست داده‌اند! آگاه باشيد زيان آشكار همين است! س‌ذلّه (15)

براى آنان از بالاى سرشان سايبانهايى از آتش، و در زير پايشان نيز سايبانهايى از آتش است; اين چيزى است كه خداوند با آن بندگانش را مى‌ترساند! اى بندگان من! از نافرمانى من بپرهيزيد! (16)

و كسانى كه از عبادت طاغوت پرهيز كردند وبه سوى خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست; پس بندگان مرا بشارت ده! (17)

همان كسانى كه سخنان را مى‌شنوند و از نيكوترين آنها پيروى مى‌كنند; آنان كسانى هستند كه خدا هدايتشان كرده، و آنها خردمندانند. (18)

آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! (19)

ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند! (20)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که رنگهای مختلف دارد; بعد آن گیاه خشك می‌شود، بگونه‌ای که آن را زرد و بی‌روح می‌بینی; سپس آن را در هم می‌شکند و خرد می‌کند; در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)! (21)

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند! (22)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است; آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد; سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود; این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند; و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود! (23)

آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناك (الهی) را در روز قیامت دور می‌سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی‌رسد)؟! و به ظالمان گفته می شود: «بچشید آنچه را به دست می‌آوردید (و انجام می‌دادید)!» (24)

کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی‌کردند به سراغشان آمد! (25)

پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می‌دانستند. (26)

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، شاید متذکر شوند. (27)

قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند! (28)

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوك شریکانی است که درباره او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند، و مردی که تنها تسلیم یك نفر است; آیا این دو یکسانند؟! حمد، مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (29)

تو می‌میری و آنها نیز خواهند مرد! (30)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می‌کنید. (31)

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟! (32)

اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند! (33)

آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است; و این است جزای نیکوکاران! (34)

تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیامرزد، و آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش دهد! (35)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! اما آنها تو را از غیر او می‌ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد! (36)

و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟! (37)

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» حتما می‌گویند:«خدا!» بگو: «آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می‌خوانید اندیشه می‌کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می‌توانند جلو رحمت او را بگیرند؟!» بگو: «خدا مرا کافی است; و همه متوکلان تنها بر او توکل می‌کنند!» (38)

بگو: «ای قوم من! شما هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می‌کنم; اما بزودی خواهید دانست... (39)

چه کسی عذاب خوارکننده‌ای (در دنیا) به سراغش می‌آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می‌گردد!» (40)

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم; هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست; و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد; و تو مامور اجبار آنها به هدایت نیستی. (41)

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد; سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین;در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! (42)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می‌طلبید) هر چند مالك چیزی نباشند و درك و شعوری برای آنها نباشد؟!» (43)

بگو: «تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست و سپس همه شما را به سوی او بازمی‌گردانند!» (44)

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئز (و متنفر) می‌گردد; اما هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می‌شود، آنان خوشحال می‌شوند. (45)

بگو: «خداوندا! ای آفریننده آسمانها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگانت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهی کرد!» (46)

اگر ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالك باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند;و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می‌شود که هرگز گمان نمی‌کردند! (47)

در آن روز اعمال بدی را که انجام داده‌اند برای آنها آشکار می‌شود، و آنچه را استهزا می‌کردند بر آنها واقع می‌گردد. (48)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، ما را (برای حل مشکلش) می‌خواند; سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می‌گوید: «این نعمت را بخاطر کاردانی خودم به من داده‌اند»; ولی این وسیله آزمایش (آنها) است، اما بیشترشان نمی‌دانند. (49)

این سخن را کسانی که قبل از آنها بودند نیز گفتند، ولی آنچه را به دست می‌آوردند برای آنها سودی نداشت! (50)

سپس بدیهای اعمالشان به آنها رسید; و ظالمان این گروه (اهل مکه) نیز بزودی گرفتار بدیهای اعمالی که انجام داده‌اند خواهند شد، و هرگز نمی‌توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند. (51)

آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد؟! در این، آیات و نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (52)

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (53)

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید!(54)

و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!» (55)

(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!» (56)

یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزگاران بودم!» (57)

یا هنگامی که عذاب را می‌بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی‌گشتم و از نیکوکاران بودم!» (58)

آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی! (59)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که صورتهایشان سیاه است; آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟! (60)

و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می‌بخشد; هیچ بدی به آنان نمی‌رسد و هرگز غمگین نخواهند شد. (61)

خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. (62)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست; و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند زیانکارانند. (63)

بگو: «آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را بپرستم ای جاهلان؟!» (64)

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرك شوی، تمام اعمالت تباه می‌شود و از زیانکاران خواهی بود! (65)

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش! (66)

آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او; خداوند منزه و بلندمقام است از شریکیهایی که برای او می‌پندارند (67)

و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد; سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. (68)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند، و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد! (69)

و به هر کس آنچه انجام داده است بی‌کم و کاست داده می‌شود; و او نسبت به آنچه انجام می‌دادند از همه آگاهتر است. (70)

و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند; وقتی به دوزخ می‌رسند، درهای آن گشوده می‌شود و نگهبانان دوزخ به آنها می‌گویند: «آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟!» می‌گویند: «آری، (پیامبران آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، و ما مخالفت کردیم!) ولی فرمان عذاب الهی بر کافران مسلم شده است. (71)

به آنان گفته می‌شود: «از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید; چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران!» (72)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند; هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند:«سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!» (73)

آنها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم; چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» (74)

(در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند; و در میان بندگان بحق داوری می‌شود; و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!» (75)

سوره غافر

به نام خداوند بخشنده و بخشایشگر

حم. (1)

این کتابی است که از سوی خداوند قادر و دانا نازل شده است. (2)

خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است; هیچ معبودی جز او نیست; و بازگشت (همه شما) تنها بسوی اوست. (3)

تنها کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند که (از روی عناد) کافر شده‌اند; پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها (و قدرت‌نمایی آنان) تو را بفریبد! (4)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند; و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند; اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم); ببین که مجازات من چگونه بود! (5)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند! (6)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند (و می گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است; پس کسانی راکه توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! (7)

پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده‌ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی! (8)

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمتت ساخته‌ای; و این است همان رستگاری عظیم! (9)

کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می‌زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که بسوی ایمان دعوت می‌شدید، ولی انکار می‌کردید! (10)

آنها می‌گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی; اکنون به گناهان خود معترفیم; آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟» (11)

این بخاطر آن است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می‌شد انکار می‌کردید، و اگر برای او همتایی می‌پنداشتند ایمان می‌آوردید; اکنون داوری مخصوص خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می‌دهد). (12)

او کسی است که آیات خود را به شما نشان می‌دهد و از آسمان برای شما روزی (با ارزشی) می‌فرستد; تنها کسانی متذکر این حقایق می‌شوند که بسوی خدا باز می‌گردند. (13)

(تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند! (14)

او درجات (بندگان صالح) را بالا می‌برد، او صاحب عرش است، روح (مقدس) را به فرمانش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القاء می‌کند تا (مردم را) از روز ملاقات (روز رستاخیز) بیم دهد! (15)

روزی که همه آنان آشکار می‌شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند; (و گفته می‌شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است! (16)

امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده است پاداش داده می‌شود; امروز هیچ ظلمی نیست; خداوند سریع الحساب است! (17)

و آنها را از روز نزدیك بترسان، هنگامی که از شدت وحشت دلها به گلوگاه می‌رسد و تمامی وجود آنها مملو از اندوه می‌گردد; برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود. (18)

او چشمهایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. (19)

خداوند بحق داوری می‌کند، و معبودهایی را که غیر از او می‌خوانند هیچ گونه داوری ندارند; خداوند شنوا و بیناست! (20)

آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند; ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند! (21)

این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می‌آمدند، ولی آنها انکار می‌کردند; خداوند هم آنان را گرفت (و کیفر داد) که او قوی و مجازاتش شدید است! (22)

ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم... (23)

بسوی فرعون و هامان و قارون; ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!» (24)

و هنگامی که حق را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید!» اما نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می‌شود). (25)

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!» (26)

موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد!» (27)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: «آیا می‌خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می‌گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت; و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می‌دهد به شما خواهد رسید; خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی‌کند. (28)

ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید; اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟!» فرعون گفت: «من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنم! (دستور، همان قتل موسی است!)» (29)

آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! (30)

و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرك و کفر و طغیان) می‌ترسم; و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی‌خواهد. (31)

ای قوم من! من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می‌زنند (و از هم یاری می‌طلبند و صدایشان به جایی نمی‌رسد) بیمناکم! (32)

همان روزی که روی می‌گردانید و فرار می‌کنید; اما هیچ پناهگاهی در برابر عذاب خداوند برای شما نیست; و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت‌کننده‌ای برای او نیست! (33)

پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما همچنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید; تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد! این گونه خداوند هر اسرافکار تردیدکننده‌ای را گمراه می‌سازد! (34)

همانها که در آیات خدا بی‌آنکه دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند; (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد; این گونه خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می‌نهد!» (35)

فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز، شاید به وسایلی دست یابم، (36)

وسایل (صعود به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم; هر چند گمان می‌کنم او دروغگو باشد!; س‌ذلّه اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد و از راه حق باز داشته شد; و توطئه فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی‌انجامد! (37)

کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم. (38)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است; و آخرت سرای همیشگی است! (39)

هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی‌شود; ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد -خواه مرد یا زن- در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد. (40)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می‌کنم، اما شما مرا بسوی آتش فرا می‌خوانید؟! (41)

مرا دعوت می‌کنید که به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، در حالی که من شما را بسوی خداوند عزیز غفار دعوت می‌کنم! (42)

قطعا آنچه مرا بسوی آن می‌خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت; و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست; و مسرفان اهل آتشند! (43)

و بزودی آنچه را به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست!» (44)

خداوند او را از نقشه‌های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد! (45)

عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند; و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید:) «آل فرعون را در سخت‌ترین عذابها وارد کنید!» (46)

به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجه می‌کنند; ضعیفان به مستکبران می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما پذیرا می‌شوید؟!» (47)

مستکبران می‌گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگانش (بعدالت) حکم کرده است!» (48)

و آنها که در آتشند به ماموران دوزخ می‌گویند: «از پروردگارتان بخواهید یك روز عذاب را از ما بردارد!» (49)

آنها می‌گویند: «آیا پیامبران شما دلایل روشن برایتان نیاوردند؟!» می‌گویند: «آری!» آنها می‌گویند: «پس هر چه می‌خواهید (خدا را) بخوانید; ولی دعای کافران (به جایی نمی‌رسد و) جز در ضلالت نیست!» (50)

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم! (51)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی‌بخشد; و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای‌آنان است. (52)

و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. (53)

کتابی که مایه هدایت و تذکر برای صاحبان عقل بود! (54)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! (55)

کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست! (56)

آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها مهمتر است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (57)

هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند; همچنین کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده‌اند با بدکاران یکسان نخواهند بود; اما کمتر متذکر می‌شوید! (58)

روز قیامت به یقین آمدنی است، و شکی در آن نیست; ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند! (59)

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند!» (60)

خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی‌بخش قرار داد; خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است; ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند! (61)

این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است; هیچ معبودی جز او نیست; با این حال چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟! (62)

اینچنین کسانی که آیات خدا را انکار می‌کردند (از راه راست) منحرف می‌شوند! (63)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان); و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید; و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد; این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است! (64)

زنده (واقعی) اوست; معبودی جز او نیست; پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (65)

بگو: «من نهی شده‌ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است; و مامورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (66)

او کسی است که شما را از خاك آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می‌فرستد، بعد به مرحله کمال قوت خود می‌رسید، و بعد از آن پیر می‌شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می‌رسید; و شاید تعقل کنید! (67)

او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند; و هنگامی که کاری را مقرر کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!» بی‌درنگ موجود می‌شود! (68)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می‌کنند، چگونه از راه حق منحرف می شوند؟! (69)

همان کسانی که کتاب (آسمانی) و آنچه رسولان خود را بدان فرستاده‌ایم تکذیب کردند; اما بزودی (نتیجه کار خود را) می‌دانند! (70)

در آن هنگام که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و آنها را می‌کشند... (71)

و در آب جوشان وارد می‌کنند; سپس در آتش دوزخ افروخته می‌شوند! (72)

سپس به آنها گفته می‌شود: «کجایند آنچه را همتای خدا قرار می‌دادید، (73)

همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می‌کردید؟!» آنها می‌گویند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند; بلکه ما اصلا پیش از این چیزی را پرستش نمی‌کردیم»! این گونه خداوند کافران را گمراه می‌سازد! (74)

این (عذاب) بخاطر آن است که بناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می‌پرداختید! (75)

از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید; و چه بد است جایگاه متکبران! (76)

پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حق است; و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده‌ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهم نیست); چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می‌گردانند! (77)

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم; سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم; و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه‌ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد; و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد! (78)

خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید. (79)

و برای شما در آنها منافع بسیاری (جز اینها) است، تا بوسیله آنها به مقصدی که در دل دارید برسید; و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید. (80)

او آیاتش را همواره به شما نشان می‌دهد; پس کدام یك از آیات او را انکار می‌کنید؟! (81)

آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراتشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فزونتر بود; اما هرگز آنچه را به دست می‌آوردند نتوانست آنها را بی‌نیاز سازد (و عذاب الهی را از آنان دور کند)! (82)

هنگامی که رسولانشان دلایل روشنی برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال بودند (و غیر آن را هیچ می‌شمردند); ولی آنچه را (از عذاب) به تمسخر می‌گرفتند آنان را فراگرفت! (83)

هنگامی که عذاب (شدید) ما را دیدند گفتند: «هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می‌شمردیم کافر شدیم!» (84)

اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت!این سنت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند! (85)

سوره فصلت

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (1)

این کتابی است که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است; (2)

کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند! (3)

قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است; ولی بیشتر آنان روی گردان شدند; از این رو چیزی نمی‌شنوند! (4)

آنها گفتند: «قلبهای ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشهای ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی وجود دارد; پس تو بدنبال عمل خود باش، ما هم برای خود عمل می‌کنیم!» (5)

بگو: من فقط انسانی مثل شما هستم; این حقیقت بر من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است; پس تمام توجه خویش را به او کنید و از وی آمرزش طلبید; وای بر مشرکان! (6)

همانها که زکات را نمی‌پردازند، و آخرت را منکرند! (7)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند! (8)

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرارمی‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است! (9)

او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، ـ ینها همه در چهار روز بود- درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! (10)

سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود; به آن و به زمین دستور داد: س‌خ‌للّهبه وجود آیید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم)!» (11)

در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی (ستارگان) زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا! (12)

اگر آنها روی‌گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم! (13)

در آن هنگام که رسولان از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگانی نازل می‌کرد; از این رو ما به آنچه شما مبعوث به آن هستید کافریم!» (14)

اما قوم عاد بناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!»آیا نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟ و (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند. (15)

سرانجام تندبادی شدید و هول‌انگیز و سرد و سخت در روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم; و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده‌تر است، و (از هیچ طرف) یاری نمی‌شوند! (16)

اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند; به همین جهت صاعقه -آن عذاب خوارکننده- به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آنها را فروگرفت! (17)

و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم! (18)

به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ می‌برند،و صفوف پیشین را نگه می‌دارند (تا صفهای بعد به آنها ملحق شوند!) (19)

وقتی به آن می‌رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند. (20)

آنها به پوستهای تنشان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می‌دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته ; و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست! (21)

شما اگر گناهانتان را مخفی می‌کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می‌دهید نمی‌داند! (22)

آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردید، و سرانجام از زیانکاران شدید! (23)

اگر صبر کنند (یا نکنند، به هر حال) دوزخ جایگاه آنهاست; و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو قرار نمی‌گیرند! (24)

ما برای آنها همنشینانی (زشت‌سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند; و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جن و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند; آنها مسلما زیانکار بودند! (25)

کافران گفتند: «گوش به این قرآن فراندهید; و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!» (26)

به یقین به کافران عذاب شدیدی می‌چشمانیم، و آنها را به بدترین اعمالی که انجام می دادند کیفر می‌دهیم! (27)

این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر اینکه آیات ما را انکار می‌کردند. (28)

کافران گفتند: «پروردگارا! آنهایی که از جن و انس ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان کنیم) تا از پست ترین مردم باشند!» (29)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (30)

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم; و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هر چه طلب کنید به شما داده می‌شود! (31)

اینها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است!» (32)

چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم»؟! (33)

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست; بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! (34)

اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی‌گردند! (35)

و هرگاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست! (36)

و از نشانه‌های او، شب و روز و خورشید و ماه است; برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می‌خواهید او را بپرستید! (37)

و اگر (از عبادت پروردگار) تکبر کنند، کسانی که نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند! (38)

و از آیات او این است که زمین را خشك (و بی‌جان) می‌بینی، اما هنگامی که آب (باران) بر آن می‌فرستیم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند; همان کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می‌کند; او بر هر چیز تواناست! (39)

کسانی که آیات ما را تحریف می‌کنند بر ما پوشیده نخواهند بود! آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می‌آید؟! هر کاری می‌خواهید بکنید، او به آنچه انجام می‌دهید بیناست! (40)

کسانی که به این ذکر (قرآن) هنگامی که به سراغشان آمد کافر شدند (نیز بر ما مخفی نخواهد ماند)! و این کتابی است قطعا شکست ناپذیر... (41)

که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید; چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است! (42)

آنچه به ناروا درباره تو می‌گویند همان است که درباره پیامبران قبل از تو نیز گفته شده; پروردگار تو دارای مغفرت و (هم) دارای مجازات دردناکی است! (43)

هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می‌دادیم حتما می‌گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و درمان است; ولی کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوشهایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی‌بینند; آنها (همچون کسانی هستند که گوئی) از راه دور صدا زده می‌شوند!» (44)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم; سپس در آن اختلاف شد; و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود (که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجت شود)، در میان آنها داوری می‌شد (و به کیفر می‌رسیدند); ولی آنها هنوز درباره آن شکی تهمت‌انگیز دارند! (45)

کسی که عمل صالحی انجام دهد، سودش برای خود اوست; و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است; و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی‌کند! (46)

علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا بازمی‌گردد; هیچ میوه‌ای از غلاف خود خارج نمی‌شود، و هیچ زنی باردار نمی‌گردد و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او; و آن روز که آنها را ندا می‌دهد (و می‌گوید:) کجایند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! می‌گویند: «(پروردگارا!) ما عرضه داشتیم که هیچ گواهی بر گفته خود نداریم!» (47)

و همه معبودانی را که قبلا می‌خواندند محو و گم می‌شوند; و می‌دانند هیچ گریزگاهی ندارند! (48)

انسان هرگز از تقاضای نیکی (و نعمت) خسته نمی‌شود; و هرگاه شر و بدی به او رسد، بسیار مایوس و نومید می‌گردد! (49)

و هرگاه او را رحمتی از سوی خود بعد از ناراحتی که به او رسیده بچشانیم می‌گوید: «این بخاطر شایستگی و استحقاق من بوده، و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود; و (بفرض که قیامتی باشد،) هرگاه بسوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پاداشهای نیك است. ما کافران را از اعمالی که انجام داده‌اند (بزودی) آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می‌چشانیم. (50)

و هرگاه به انسان (غافل و بی‌خبر) نعمت دهیم، روی می‌گرداند و به حال تکبر از حق دور می‌شود; ولی هرگاه مختصر ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمر (برای بر طرف شدن آن) دارد! (51)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراهتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟! (52)

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است; آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟ ! (53)

آگاه باشید که آنها از لقای پروردگارشان در شك و تردیدند; و آگاه باشید که خداوند به همه چیز احاطه دارد! (54)

سوره الشوری

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم. (1)

عسق. (2)

این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند. (3)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست; و او بلندمرتبه و بزرگ است! (4)

نزدیك است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از بالا متلاشی شوند و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند; آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است. (5)

کسانی که غیر خدا را ولی خود انتخاب کردند، خداوند حساب همه اعمال آنها را نگه می‌دارد; و تو مامور نیستی که آنان را مجبور به قبول حق کنی! (6)

و این گونه قرآنی عربی (فصیح و گویا) را بر تو وحی کردیم تا «ام‌القری» (مکه) و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلایق در آن روز جمع می‌شوند و شك و تردید در آن نیست بترسانی; گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان! (7)

و اگر خدا می‌خواست همه آنها را امت واحدی قرار می‌داد (و به زور هدایت می‌کرد، ولی هدایت اجباری سودی ندارد); اما خداوند هر کس را بخواهد در رحمتش وارد می‌کند، و برای ظالمان ولی و یاوری نیست. (8)

آیا آنها غیر از خدا را ولی خود برگزیدند؟! در حالی که «ولی» فقط خداوند است و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست! (9)

در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست; این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم! (10)

او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید; و شما را به این وسیله (بوسیله همسران)زیاد می کند; هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! (11)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست; روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد یا محدود می‌سازد; او به همه چیز داناست. (12)

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود; و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. (13)

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد; و این تفرقه جویی بخاطر انحراف از حق(و عداوت و حسد) بود; و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معینی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می‌شد; و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شك و تردیدند، شکی همراه با بدبینی! (14)

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مامور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مامورم در میان شما عدالت کنم; خداوند پروردگار ما و شماست; نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست; و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می‌کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!» (15)

کسانی که (از روی لجاجت) درباره خدا بعد از پذیرفتن (و ایمان به) او، محاجه می کنند، دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی‌پایه است; و غضب بر آنهاست و عذابی شدید دارند. (16)

خداوند کسی است که کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را نیز; تو چه می‌دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیك باشد! (17)

کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می‌کنند; ولی آنها که ایمان آورده‌اند پیوسته از آن هراسانند، و می‌دانند آن حق است; آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند. (18)

خداوند نسبت به بندگانش لطف (و آگاهی) دارد; هر کس را بخواهد روزی می‌دهد و او قوی و شکست‌ناپذیر است! (19)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم; و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد! (20)

آیا معبودانی دارند که بی‌اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته‌اند؟! اگر مهلت معینی برای آنها نبود، در میانشان داوری می‌شد (و دستور عذاب صادر می‌گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است! (21)

(در آن روز) ستمگران را می‌بینی که از اعمالی که انجام داده‌اند سخت بیمناکند، ولی آنها را فرامی‌گیرد! اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است; این است فضل (و بخشش) بزرگ! (22)

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوستداشتن نزدیکانم (اهل بیتم); و هر کس کار نیکی انجام دهد ، بر نیکی‌اش می‌افزاییم; چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (23)

آیا می‌گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد (و اگر خلاف بگوئی قدرت اظهار این آیات را از تو می‌گیرد) و باطل را محو می‌کند و حق را بفرمانش پابرجا می‌سازد; چرا که او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است. (24)

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و بدیها را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (25)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیك انجام داده‌اند می‌پذیرد و از فضل خود بر آنها می‌افزاید; اما برای کافران عذاب شدیدی است! (26)

هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند; از این‌رو بمقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، که نسبه به بندگانش آگاه و بیناست! (27)

او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مایوس شدند نازل می‌کند و رحمت خویش را می‌گستراند; و او ولی و (سرپرست) و ستوده است! (28)

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده; و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست! (29)

هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند! (30)

و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید; و غیر از خدا هیچ ولی و یاوری برای شما نیست. (31)

از نشانه‌های او کشتیهایی است که در دریا همچون کوه‌ها به نظر می‌رسند! (32)

اگر او اراده کند، باد را ساکن می‌سازد تا آنها بر پشت دریا بی‌حرکت بمانند; در این نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (33)

یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش مرتکب شده‌اند نابود می‌سازد; و در عین حال بسیاری را می‌بخشد. (34)

کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند! (35)

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است. (36)

همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند. (37)

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند، (38)

و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند! (39)

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن; و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست; خداوند ظالمان را دوست ندارد! (40)

و کسی که بعد از مظلوم‌شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست; (41)

ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین بناحق ظلم روا می‌دارند; برای آنان عذاب دردناکی است! (42)

اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است! (43)

کسی را که خدا گمراه کند، ولی و یاوری جز او نخواهد داشت; و ظالمان را (روز قیامت) می‌بینی هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می‌کنند میگویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!» (44)

و آنها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدت مذلت خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می‌کنند; و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «زیانکاران واقعی آنانند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده‌اند; آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دائمند!; س‌ذلّه (45)

آنها جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند; و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست! (46)

اجابت کنید دعوت پروردگار خود را پیش از آنکه روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابر اراده خدا نیست; و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی! (47)

و اگر روی‌گردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مامور اجبارشان) قرار نداده‌ایم; وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است! و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می‌شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنها رسد (به کفران می‌پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران‌کننده است! (48)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست; هر چه را بخواهد می‌آفریند; به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر، (49)

یا (اگر بخواهد) پسر و دختر -هر دو- را برای آنان جمع میکند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد; زیرا که او دانا و قادر است. (50)

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می‌فرستد و بفرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند; چرا که او بلندمقام و حکیم است! (51)

همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم; تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی); ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم; و تو مسلما به سوی راه راست هدایت می‌کنی. (52)

راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست; آگاه باشید که همه کارها تنها بسوی خدا بازمی‌گردد! (53)

سوره الزخرف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم. (1)

سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، (2)

که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درك کنید! (3)

و آن در «ام‌الکتاب» (لوح محفوظ) نزد ما بلندپایه و استوار است! (4)

آیا این ذکر (قرآن) را از شما بازگیریم بخاطر اینکه قومی اسرافکارید؟! (5)

چه بسیار پیامبرانی که (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم; (6)

ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی‌آمد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند. (7)

ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاك کردیم، و داستان پیشینیان گذشت. (8)

هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلما می‌گویند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است»! (9)

همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راه‌هایی آفرید باشد، که هدایت شوید (و به مقصد برسید)! (10)

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معین، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم; همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می‌سازند! (11)

و همان کسی که همه زوجها را آفرید، وبرای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبهایی قرارداد که بر آن سوار می‌شوید، (12)

تا بر پشت آنها بخوبی قرار گیرید; سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت پروردگارتان را متذکر شوید و بگویید: «پاك و منزه است کسی که این را مسخر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم; (13)

و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم!» (14)

آنها برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند); انسان کفران‌کننده آشکاری است! (15)

آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟! (16)

در حالی که هرگاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده (به تولد دختر) بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و خشمگین می‌گردد! (17)

آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (18)

آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنث پنداشتند; آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ ! گواهی آنان نوشته می‌شود و (از آن) بازخواست خواهند شد! (19)

آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم!» ولی به این امر هیچ گونه علم و یقین ندارند و جز دروغ چیزی نمی‌گویند! (20)

یا اینکه ما کتابی پیش از این به آنان داده‌ایم و آنها به آن تمسك می‌جویند؟! (21)

بلکه آنها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.; س‌ذلّه (22)

و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذارکننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» (23)

(پیامبرشان) گفت: «آیا اگر من آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید)؟!» گفتند: «(آری،) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم! س‌ذلّه (24)

به همین جهت از آنها انتقام گرفتیم; بنگر پایان کار تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (25)

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش (عمویش آزر) و قومش گفت: «من از آنچه شما می‌پرستید بیزارم. (26)

مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد!» (27)

او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند! (28)

ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره‌مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد; (29)

هنگامی که حق به سراغشان آمد; گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم»! (30)

و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!» (31)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند); و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است! (32)

اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند، (33)

و برای خانه‌هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند; (34)

و انواع زیورها; ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است! (35)

و هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست! (36)

و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا بازمی‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت‌یافتگان حقیقی آنها هستند! (37)

تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود می‌گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود; چه بد همنشینی بودی! (38)

(ولی به آنها می‌گوییم:) هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید; و همه در عذاب مشترکید! (39)

(ای پیامبر!) آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟! (40)

و هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتما از آنان انتقام خواهیم گرفت; (41)

یا اگر (زنده بمانی و) و آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم، باز ما بر آنها مسلطیم! (42)

آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی. (43)

و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی سؤال خواهید شد. (44)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟! (45)

ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم; (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم» (46)

ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می‌خندیدند! (47)

ما هیچ آیه (و معجزه‌ای) به آنان نشان نمی‌دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود; و آنها را به (انواع) عذاب گرفتار کردیم شاید بازگردند! (48)

(وقتی گرفتار بلا می‌شدند می)گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان (تا ما را از این بلا برهاند) که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می‌آوریم)!» (49)

اما هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می‌ساختیم پیمان خود را می‌شکستند! (50)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟ (51)

مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم؟ (52)

(اگر راست می‌گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند (تا گفتارش را تایید کنند)؟! (53)

(فرعون) قوم خود را سبك شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند; آنان قومی فاسق بودند! (54)

اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم. (55)

و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم. (56)

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند. (57)

و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او (مسیح)؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده)!» ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند; آنان گروهی کینه‌توز و پرخاشگرند! (58)

مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگوئی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. (59)

و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می‌دهیم که جانشین (شما) گردند! (60)

و او (مسیح) سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است); هرگز در آن تردید نکنید; و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است! (61)

و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او دشمن آشکار شماست! (62)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم; پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید! (63)

خداوند پروردگار من و پروردگار شماست; (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است! س‌ذلّه (64)

ولی گروه‌هایی از میان آنها (درباره مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند); وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناك! (65)

آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی‌فهمند؟ (66)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران! (67)

ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید! (68)

همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند. (69)

(به آنها خطاب می‌شود:) شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (70)

(این در حالی است که) ظرفها(ی غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آنها می‌گردانند; و در آن (بهشت) آنچه دلها می‌خواهد و چشمها از آن لذت می‌برد موجود است; و شما همیشه در آن خواهید ماند! (71)

این بهشتی است که شما وارث آن می‌شوید بخاطر اعمالی که انجام می‌دادید! (72)

و در آن برای شما میوه‌های فراوان است که از آن می‌خورید. (73)

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند. (74)

هرگز عذاب آنان تخفیف نمی‌یابد، و در آنجا از همه چیز مایوسند. (75)

ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند! (76)

آنها فریاد می‌کشند: «ای مالك دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)! س‌ذلّه می‌گوید: «شما در این جا ماندنی هستید!» (77)

ما حق را برای شما آوردیم; ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید! (78)

بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند; ما نیز اراده محکمی (درباره آنها) داریم! (79)

آیا آنان می‌پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می‌نویسند! (80)

بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین پرستنده او بودم!» (81)

منزه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند! (82)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه‌ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را ببینند)! (83)

او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود; و او حکیم و علیم است! (84)

پر برکت و پایدار است کسی که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست; و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید! (85)

کسانی را که غیر از او می‌خوانند قادر بر شفاعت نیستند; مگر آنها که شهادت به حق داده‌اند و بخوبی آگاهند! (86)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعا می‌گویند: خدا; پس چگونه از عبادت او منحرف می‌شوند؟! (87)

آنها چگونه از شکایت پیامبر که می‌گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند س‌ذللّه (غافل می‌شوند؟!) (88)

پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما بزودی خواهند دانست! (89)

سوره الدخان

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (1)

سوگند به این کتاب روشنگر، (2)

که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم; ما همواره انذارکننده بوده‌ایم! (3)

در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد. (4)

(آری، نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما; ما (محمد (ص) را) فرستادیم! (5)

اینها همه بخاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، که شنونده و داناست! (6)

(همان) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید! (7)

هیچ معبودی جز او نیست; زنده می‌کند و می‌میراند; او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست! (8)

ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می‌کنند. (9)

پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد... (10)

که همه مردم را فرامی‌گیرد; این عذاب دردناکی است! (11)

(می‌گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می‌آوریم. (12)

چگونه: و از کجا متذکر می‌شوند با اینکه رسول روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (13)

سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته‌ای دیوانه است!» (14)

ما عذاب را کمی برطرف می‌سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی‌گردید! (15)

(ما از آنها انتقام می‌گیریم) در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت; آری ما انتقام گیرنده‌ایم! (16)

ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد، (17)

(و به آنان گفت: امور) بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم! (18)

و در برابر خداوند تکبر نورزید که من برای شما دلیل روشنی آورده‌ام! (19)

و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا متهم کنید! (20)

و اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره‌گیری کنید (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید)! (21)

(آنها هیچ یك از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرمند! (22)

(به او دستور داده شد:) بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می‌شوید! (23)

(هنگامی که از دریا گذشتید) دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) که آنها لشکری غرق‌شده خواهند بود! (24)

(سرانجام همگی نابود شدند و) چه بسیار باغها و چشمه‌ها که از خود به جای گذاشتند، (25)

و زراعتهاو قصرهای زیبا و گرانقیمت، (26)

و نعمتهای فراوان دیگر که در آن (غرق) بودند! (27)

اینچنین بود ماجرای آنان! و ما (اموال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم! (28)

نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد! (29)

ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت‌بار رهایی بخشیدیم; (30)

از فرعون که مردی متکبر و از اسرافکاران بود! (31)

ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم، (32)

و آیاتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود (ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند)! (33)

اینها (مشرکان) می‌گویند: (34)

«مرگ ما جز همان مرگ اول نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (35)

اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!» (36)

آیا آنان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاك کردیم، چرا که مجرم بودند! (37)

ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی‌هدف) نیافریدیم! (38)

ما آن دو را جز بحق نیافریدیم; ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (39)

روز جدایی (حق از باطل) وعده‌گاه همه آنهاست! (40)

روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند، و از هیچ‌سو یاری نمی‌شوند; (41)

مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او عزیز و رحیم است! (42)

مسلما درخت زقوم... (43)

غذای گنهکاران است، (44)

همانند فلز گداخته در شکمها می‌جوشد; (45)

جوششی همچون آب سوزان! (46)

(آنگاه به ماموران دوزخ خطاب می‌شود:) این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید! (47)

سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! (48)

(به او گفته می‌شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! (49)

این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می‌کردید! (50)

(ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، (51)

در میان باغها و چشمه‌ها; (52)

آنها لباسهایی از حریر نازك و ضخیم می‌پوشند و در مقابل یکدیگر می‌نشینند; (53)

اینچنین‌اند بهشتیان; و آنها را با «حور العین» تزویج می‌کنیم! (54)

آنها در آنجا هر نوع میوه‌ای را بخواهند در اختیارشان قرارمی‌گیرد، و در نهایت امنیت به سر می‌برند! (55)

هرگز مرگی جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده‌اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند; (56)

این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است! (57)

ما آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند! (58)

(اما اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)! (59)

سوره الجاثیه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (1)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (2)

بی‌شك در آسمانها و زمین نشانه‌های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد; (3)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند. (4)

و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه‌های روشنی است برای گروهی که اهل تفکرند! (5)

اینها آیات خداوند است که ما آن را بحق بر تو تلاوت می‌کنیم; اگر آنها به این آیات ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش ایمان می‌آورند؟! (6)

وای بر هر دروغگوی گنهکار... (7)

که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او تلاوت می‌شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد; گویی اصلا آن را هیچ نشنیده است; چنین کسی را به عذابی دردناك بشارت ده! (8)

و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود، آن را به باد استهزا می‌گیرد; برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است! (9)

و پشت سرشان دوزخ است; و هرگز آنچه رابه دست آورده‌اند آنها را (از عذاب الهی) رهایی نمی‌بخشد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند (مایه نجاتشان خواهند بود); و عذاب بزرگی برای آنهاست! (10)

این (قرآن) مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت و دردناك دارند! (11)

خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید! (12)

او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته; در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! (13)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله (روز رستاخیز) ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد»! (14)

هر کس کار شایسته‌ای بجا آورد، برای خود بجا آورده است; و کسی که کار بد می‌کند، به زیان خود اوست; سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید! (15)

ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی) و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم; (16)

و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیارشان قرار دادیم; آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی; و این اختلاف بخاطر ستم و برتری‌جویی آنان بود; اما پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند. (17)

سپس تو را بر شریعت و آیین حقی قرار دادیم; از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن! (18)

آنها هرگز نمی‌توانند تو را در برابر خداوند بی‌نیاز کنند (و از عذابش برهانند); و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزگاران است! (19)

این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند! (20)

آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرارمی‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند! (21)

و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود; و به آنها ستمی نخواهد شد! (22)

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (23)

آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست; گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند; و جز طبیعت و روزگار ما را هلاك نمی‌کند!» آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می‌زنند (و گمانی بی‌پایه دارند)! (24)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز اینکه می‌گویند: «اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید) و بیاورید (تا گواهی دهند)!» (25)

بگو: «خداوند شما را زنده می‌کند، سپس می‌میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می‌کند; ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (26)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خداست; و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می‌بینند! (27)

در آن روز هر امتی را می‌بینی (که از شدت ترس و وحشت) بر زانو نشسته; هر امتی بسوی کتابش خوانده می‌شود، و (به آنها می‌گویند:) امروز جزای آنچه را انجام می‌دادید به شما می‌دهند! (28)

این کتاب ما است که بحق با شما سخن می‌گوید (و اعمال شما را بازگو می‌کند); ما آنچه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم! (29)

اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می‌کند; این همان پیروزی بزرگ است! (30)

اما کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می‌شود:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟! (31)

و هنگامی که گفته می‌شد: «وعده خداوند حق است، و در قیامت هیچ شکی نیست» ، شما می‌گفتید: «ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم، و به هیچ‌وجه یقین نداریم!» (32)

و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می‌شود، و سرانجام آنچه را استهزا می‌کردند آنها را فرامی‌گیرد! (33)

و به آنها گفته می‌شود: «امروز شما را فراموش می‌کنیم همان‌گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید; و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاوری ندارید! (34)

این بخاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! س‌خ‌للّهامروز نه آنان را از دوزخ بیرون می‌آورند، و نه هیچ‌گونه عذری از آنها پذیرفته می‌شود! (35)

پس حمد و ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان! (36)

و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و حکیم! (37)

سوره الاحقاف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (1)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (2)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معینی نیافریدیم; اما کافران از آنچه انذار می‌شوند روی گردانند! (3)

به آنان بگو: «این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا شرکتی در آفرینش آسمانها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می‌گویید!» (4)

چه کسی گمراهتر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید و از خواندن آنها (کاملا) بی‌خبر است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی‌شنود!) (5)

و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود; حتی عبادت آنها را انکار می‌کنند! (6)

هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران در برابر حقی که برای آنها آمده می‌گویند: «این سحری آشکار است!» (7)

بلکه می‌گویند: «این آیات را بر خدا افترا بسته است!» بگو: «اگر من آن را بدروغ به خدا نسبت داده باشم (لازم است مرا رسوا کند و) شما نمی‌توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید! او کارهایی را که شما در آن وارد می‌شوید بهتر می‌داند; همین بس که خداوند گواه میان من و شما باشد; و او آمرزنده و مهربان است!» (8)

بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم; و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد; من تنها از آنچه بر من وحی می‌شود پیروی می‌کنم، و جز بیم‌دهنده آشکاری نیستم!» (9)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهدی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود)؟! خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی‌کند!» (10)

کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی‌گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می‌گویند: «این يك دروغ قدیمی است!» (11)

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد! (12)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (13)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند; این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند. (14)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد; و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است; تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان; من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم!» (15)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می‌کنیم و از گناهانشان می‌گذریم و در میان بهشتیان جای دارند; این وعده راستی است که وعده داده می‌شدند. (16)

و کسی که به پدر و مادرش می‌گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می‌دهید که من روز قیامت مبعوث می‌شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو پیوسته فریاد می‌کشند و خدا را به یاری می‌طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است اما او پیوسته می‌گوید:» اینها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست! (17)

آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جن و انس بودند مسلم شده، چرا که همگی زیانکار بودند! (18)

و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا خداوند کارهایشان را بی‌کم و کاست به آنان تحویل دهد; و به آنها هیچ ستمی نخواهد شد! (19)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود:) از طیبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید; اما امروز عذاب ذلت‌بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهانی که انجام می‌دادید; جزای شما خواهد بود! (20)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته‌های دور و نزدیك آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید! (و گفت:) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! (21)

آنها گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را (با دروغهایت) از معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می‌گویی عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور!» (22)

گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می‌داند چه زمانی شما را مجازات کند); من آنچه را به آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می‌بینیم که پیوسته در نادانی هستید!» (23)

هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده‌ای دیدند که بسوی دره‌ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می‌بارد!» (ولی به آنها گفته شد:) این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می‌کردید، تندبادی است (وحشتناك) که عذاب دردناکی در آن است! (24)

همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نابود میکند (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه‌هایشان به چشم نمی‌خورد; ما این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم! (25)

ما به آنها (قوم عاد) قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار دادیم; (اما به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، چرا که آیات خدا را انکار می‌کردند; و سرانجام آنچه را استهزا می‌کردند بر آنها وارد شد! (26)

ما آبادیهایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را بصورتهای گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند! (27)

پس چرا معبودانی را که غیر از خدا برگزیدند -به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد- آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می‌بستند! (28)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند; وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند! (29)

گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه‌های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند. (30)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناك پناه دهد! (31)

و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی‌تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یار و یاوری برای او نیست; چنین کسانی در گمراهی آشکارند!» (32)

آیا آنها نمی‌دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز تواناست! (33)

روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می‌دارند (و به آنها گفته می‌شود:) آیا این حق نیست؟! می‌گویند: «آری، به پروردگارمان سوگند (که حق است)!» (در این هنگام خداوند) می‌گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!» (34)

پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران «اولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده‌هایی را که به آنها داده می‌شود ببینند، احساس می‌کنند که گویی فقط ساعتی از یك روز (در دنیا) توقف داشتند; این ابلاغی است برای همگان; آیا جز قوم فاسق هلاك می‌شوند؟! (35)

سوره محمد

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می‌کند! (1)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده -و همه حق است و از سوی پروردگارشان- نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند! (2)

این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند; اینگونه خداوند برای مردم مثلهای (زندگی) آنان را بیان می‌کند! (3)

و هنگامی که با کافران (جنایت‌پیشه) در میدان جنگ روبه‌رو شدید گردنهایشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید; در این هنگام اسیران را محکم ببندید; سپس یا بر آنان منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیه (غرامت) بگیرید; (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید; و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد! (4)

بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می‌کند; (5)

و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می‌کند. (6)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد. (7)

و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود باد! (8)

این بخاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند; از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد! (9)

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاك کرد; و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود! (10)

این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند; اما کافران مولایی ندارند! (11)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است; در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند و همچون چهارپایان می‌خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست! (12)

« و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند; ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یاوری نداشتند! (13)

آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند؟! (14)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است،

و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه‌ها وجود دارد; و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟! (15)

گروهی از آنان به سخنانت گوش فرامی‌دهند، اما هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می‌گویند: «(این مرد) الان چه گفت؟!» آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند (از این رو چیزی نمی‌فهمند)! (16)

پس آیا جز این انتظاری ندارند که روز رستاخیز ناگهانی بر آنان فرا رسد که نشانه هایش پدید آمده است، که وقتی بر آنان فرا رسد دیگر موعظه به چه کارشان آید؟ (17)

آیا آنها (کافران) جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم‌اکنون نشانه‌های آن آمده است; اما هنگامی که بیاید، تذکر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت! (18)

پس بدان که معبودی جز «الله» نیست; و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن! و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می‌داند! (19)

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟ !» اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیماردل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند; پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است! (20)

(ولی) اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است; و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می‌شود به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا درآیند) برای آنها بهتر می‌باشد! (21)

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! (22)

آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشهایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است! (23)

آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟! (24)

کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است! (25)

این بخاطر آن است که آنان به کسانی که نزول وحی الهی را کراهت داشتند گفتند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می‌کنیم؟» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می‌داند. (26)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند؟! (27)

این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می‌آورد پیروی کردند، و آنچه را موجب خشنودی اوست کراهت داشتند; از این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد! (28)

آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه‌هایشان را آشکار نمی‌کند؟! (29)

و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم تا آنان را با قیافه‌هایشان بشناسی، هر چند می‌توانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی; و خداوند اعمال شمارا می‌داند! (30)

ما همه شما را قطعا می‌آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! (31)

آنان که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن‌شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با رسول (خدا) برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی‌رسانند و (خداوند) بزودی اعمالشان را نابود می‌کند! (32)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید! (33)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید. (34)

پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند! (35)

زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است; و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پاداشهای شما را می‌دهد و اموال شما را نمی‌طلبد، (36)

چرا که هر گاه اموال شما را مطالبه کند و حتی اصرار نماید، بخل می‌ورزید; و کینه و خشم شما را آشکار می‌سازد! (37)

آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند; و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است; و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید; و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند). (38)

سوره الفتح

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!... (1)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد (و حقانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید; (2)

و پیروزی شکست‌ناپذیری نصیب تو کند. (3)

او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند; لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است. (4)

هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می‌مانند، و گناهانشان را می‌بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است! (5)

و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند; (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده; و چه بد سرانجامی است! (6)

لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست; و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است.! (7)

به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم، (8)

تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گویید. (9)

کسانی که با تو بیعت می‌کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست; پس هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است; و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (10)

بزودی متخلفان از اعراب بادیه‌نشین (عذرتراشی کرده) می‌گویند: «(حفظ) اموال و خانواده‌های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن!» آنها به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می‌تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هرگاه زیانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است!» (11)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده‌های خود بازنخواهند گشت; و این (پندار غلط) در دلهای شما زینت یافته بود و گمان بد کردید; و سرانجام (در دام شیطان افتادید و) هلاك شدید! (12)

آن کس که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتش فروزان آماده کرده‌ایم! (13)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست; هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می‌کند; و خداوند آمرزنده و رحیم است. (14)

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلفان (حدیبیه) می‌گویند: س‌خ‌للّهبگذارید ما هم در پی شما بیائیم، آنها می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند; بگو: «هرگز نباید بدنبال ما بیایید; این گونه خداوند از قبل گفته است!»آنها به زودی می‌گویند: «شما نسبت به ما حسد می‌ورزید!» ولی آنها جز اندکی نمی‌فهمند! (15)

به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می‌شود که بسوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند; اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می‌دهد; و اگر سرپیچی نمایید ـ همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید ـ شما را با عذاب دردناکی کیفر می‌دهد!» (16)

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند); و هر کس خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را در باغهای (از بهشت) وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است; و آن کس که سرپیچی کند، او را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازد! (17)

خداوند از مؤمنان ـ هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند ـ راضی و خشنود شد; خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست; از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود; (18)

و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به دست می‌آورید; و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است! (19)

خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می‌آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت; و دست تعدی مردم (دشمنان) را از شما بازداشت تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند! (20)

و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان می‌کند) که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد; و خداوند بر همه چیز تواناست! (21)

و اگر کافران (در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یاوری نمی‌یافتند!(22)

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است; و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت! (23)

او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آنکه شما را بر آنها پیروز ساخت; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست! (24)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به محل قربانگاه بازداشتند; و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی‌رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد)! هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند; و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم! (25)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند; و (در مقابل،) خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند; و خداوند به همه چیز دانا است. (26)

خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت; بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید; ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید (و در این تاخیر حکمتی بود); و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است. (27)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند; و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! (28)

محمد (ص) فرستاده خداست; و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند; پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند; نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است; این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد; این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته‌انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (29)

سوره الحجرات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست! (1)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید! (2)

آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می‌کنند همان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است! (3)

(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند! (4)

اگر آنها صبر می‌کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود; و خداوند آمرزنده و رحیم است! (5)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! (6)

و بدانید رسول خدا در میان شماست; هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد; ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است; کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند! (7)

(و این برای شما بعنوان) فضل و نعمتی از سوی خداست; و خداوند دانا و حکیم است.! (8)

و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید; و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد; و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید; و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد. (9)

مؤمنان برادر یکدیگرند; پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (10)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند; و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند; و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید; و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (11)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است; و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید; و هیچ یك از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید; تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! (12)

ای مردم! ما شما را از یك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید; (اینها ملاك امتیاز نیست،) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست; خداوند دانا و آگاه است! (13)

عربهای بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.» (14)

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شك و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند;آنها راستگویانند. (15)

بگو: «آیا خدا را از ایمان خود با خبر می‌سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند; و خداوند از همه چیز آگاه است!» (16)

آنها بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند; بگو: «اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راستگو هستید! (17)

خداوند غیبت آسمانها و زمین را می‌داند و نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست!» (18)

سوره ق

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حق است)! (1)

آنها تعجب کردند که پیامبری انذارگر از میان خودشان آمده; و کافران گفتند: «این چیز عجیبی است! (2)

آیا هنگامی که مردیم و خاك شدیم (دوباره به زندگی بازمی‌گردیم)؟! این بازگشتی بعید است!; س‌ذلّه (3)

ولی ما می‌دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می‌کاهد; و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است! (4)

آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند; از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند! (5)

آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده‌ایم، و چگونه آن را (بوسیله ستارگان) زینت بخشیده‌ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست؟! (6)

و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌هائی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز در آن رویاندیم، (7)

تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد! (8)

و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه‌هایی را که درو می‌کند رویاندیم، (9)

و نخلهای بلندقامت که میوه‌های متراکم دارند; (10)

همه اینها برای روزی‌بخشیدن به بندگان است و بوسیله باران سرزمین مرده را زنده کردیم; (آری) زنده‌شدن مردگان نیز همین گونه است! (11)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرس» (قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند) و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، (12)

و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، (13)

و «اصحاب الایکه» (قوم شعیب) و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند)، هر یك از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت! (14)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم)؟! ولی آنها (با این همه دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند! (15)

ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! (16)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند; (17)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است! (18)

و سرانجام، سکرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرامی‌رسد (و به انسان گفته می‌شود:) این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی! (19)

و در «صور» دمیده می‌شود; آن روز، روز تحقق وعده وحشتناك است! (20)

هر انسانی وارد محشر می‌گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! (21)

(به او خطاب می‌شود:) تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملا تیزبین است! (22)

فرشته همنشین او می‌گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!» (23)

(خداوند فرمان می‌دهد:) هر کافر متکبر لجوج را در جهنم افکنید! (24)

آن کسی که به شدت مانع خیر و متجاوز و در شك و تردید است (حتی دیگران را به تردید می افکند); (25)

همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید! (26)

و همنشینش (از شیاطین) می‌گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان واداشتم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (27)

(خداوند) می‌گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید; من پیشتر به شما هشدار داده‌ام (و اتمام حجت کرده‌ام)! (28)

سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد!» (29)

(به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می‌گوییم: «آیا پر شده‌ای؟» و او می‌گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!» (30)

(در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیك می‌کنند، و فاصله‌ای از آنان ندارد! (31)

این چیزی است که به شما وعده داده می‌شود، و برای کسانی است که بسوی خدا بازمی‌گردند و پیمانها و احکام او را حفظ می‌کنند، (32)

آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود! (33)

(به آنان گفته می‌شود:) بسلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است! (34)

هر چه بخواهند در آنجا برای آنها هست، و نزد ما نعمتهای بیشتری است (که به فکر هیچ کس نمی‌رسد)! (35)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاك کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند; آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد! (36)

در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد! (37)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده‌کردن مردگان برای ما مشکل است؟!) (38)

در برابر آنچه آنها می‌گویند شکیبا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور، (39)

و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده‌ها! (40)

و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیك ندا می‌دهد، (41)

روزی که همگان صیحه رستاخیز را بحق می‌شنوند; آن روز، روز خروج (از قبرها) است! (42)

ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و بازگشت تنها بسوی ماست! (43)

روزی که زمین به سرعت از روی آنها شکافته می‌شود و (از قبرها) خارج می‌گردند; و این جمع کردن برای ما آسان است! (44)

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاهتریم، و تو مامور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی; پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می‌ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است)! (45)

سوره الذاریات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت درمی‌آورند، (1)

سوگند به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می‌کنند، (2)

و سوگند به کشتیهایی که به آسانی به حرکت درمی‌آیند، (3)

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند، (4)

(آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعا راست است; (5)

و بی‌شك (رستاخیز) و جزای اعمال واقع‌شدنی است! (6)

قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (7)

که شما (درباره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید! (8)

(تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می‌شود که از قبول حق سرباز می‌زند! (9)

کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! (10)

همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند، (11)

و پیوسته سؤال می‌کنند: «روز جزا چه موقع است؟!» (12)

(آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می‌سوزانند! (13)

(و گفته می‌شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (14)

به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند، (15)

و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند! (16)

آنها کمی از شب را می‌خوابیدند، (17)

و در سحرگاهان استغفار می‌کردند، (18)

و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود! (19)

و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، (20)

و در وجود خود شما (نیز آیاتی است); آیا نمی‌بینید؟! (21)

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می‌شود! (22)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است همان گونه که شما سخن می‌گویید! (23)

آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (24)

در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته‌اید!» (25)

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده‌ای را برای آنها) آورد، (26)

و نزدیك آنها گذارد، (ولی با تعجب دید دست بسوی غذا نمی‌برند) گفت: «آیا شما غذا نمی‌خورید؟!» (27)

و از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم)!» و او را بشارت به تولد پسری دانا دادند. (28)

در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجب) فریاد می‌کشید به صورت خود زد و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد در حالی که) پیرزنی نازا هستم؟!» (29)

گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم و داناست!» (30)

(ابراهیم) گفت: «ماموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟» (31)

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده‌ایم... (32)

تا بارانی از «سنگ ـ گل» بر آنها بفرستیم; (33)

سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است!» (34)

ما مؤمنانی را که در آن شهرها(ی قوم لوط) زندگی می‌کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، (35)

ولی جز یك خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم! (36)

و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه‌ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناك می‌ترسند به جای گذاردیم. (37)

و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم; (38)

اما او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه!» (39)

از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش‌بود! (40)

و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی‌باران بر آنها فرستادیم، (41)

که بر هیچ چیز نمی‌گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می‌ساخت. (42)

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدتی کوتاه بهره‌مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!» (43)

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می‌کردند (بی‌آنکه قدرت دفاع داشته باشند)! (44)

چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند! (45)

همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاك کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند! (46)

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می‌بخشیم! (47)

و زمین را گستردیم، و چه خوب گستراننده‌ای هستیم! (48)

و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید! (49)

پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم! (50)

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم‌دهنده‌ای آشکارم! (51)

این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: س‌خ‌لّ‌هاو ساحر است یا دیوانه!» (52)

آیا یکدیگر را به آن سفارش می‌کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (53)

حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود; (54)

و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد. (55)

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیك شوند)! (56)

هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند! (57)

خداوند روزی‌دهنده و صاحب قوت و قدرت است! (58)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین); بنابر این عجله نکنند! (59)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می‌شود! (60)

سوره الطور

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به کوه طور، (1)

و کتابی که نوشته شده، (2)

در صفحه‌ای گسترده، (3)

و سوگند به «بیت المعمور»، (4)

و سقف برافراشته، (5)

و دریای مملو و برافروخته، (6)

که عذاب پروردگارت واقع می‌شود، (7)

و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (8)

(این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی‌آید، (9)

و کوه‌ها از جا کنده و متحرك می‌شوند! (10)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان، (11)

همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند! (12)

در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می‌رانند! (13)

(به آنها می‌گویند:) این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید. (14)

آیا این سحر است یا شما نمی‌بینید؟! (15)

در آن وارد شوید و بسوزید; می‌خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است; چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید! (16)

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند، (17)

و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند! (18)

(به آنها گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا; اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید! (19)

این در حالی که بر تختهای صف‌کشیده در کنار هم تکیه می‌زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی‌آوریم! (20)

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم; و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم; و هر کس در گرو اعمال خویش است! (21)

و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها -از هر نوع که بخواهند- در اختیارشان می‌گذاریم! (22)

آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می‌گیرند! (23)

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می‌کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند! (24)

در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می‌نمایند; (25)

می‌گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)! (26)

اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب‌کشنده ما را حفظ کرد! (27)

ما از پیش او را می‌خواندیم (و می‌پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان!» (28)

پس تذکر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی! (29)

بلکه آنها می‌گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می‌کشیم!» (30)

بگو: «انتظار بکشید که من هم با (شما انتظار می‌کشم شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!» (31)

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می‌دهد، یا قومی طغیانگرند؟ (32)

یا می‌گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. (33)

اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند! (34)

یا آنها بی هیچ آفریده شده‌اند، یا خود خالق خویشند؟! (35)

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند! (36)

آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟! (37)

آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می‌روند) و بوسیله آن اسرار وحی را می‌شنوند؟! کسی که از آنها این ادعا را دارد دلیل روشنی بیاورد! (38)

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می‌نامید)؟! (39)

آیا تو از آنها پاداشی می‌طلبی که در زیر بار گران آن قرار دارند؟! (40)

آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می‌نویسند؟! (41)

آیا می‌خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه‌ها گرفتار می‌شوند! (42)

یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزه است خدا از آنچه همتای او قرارمی‌دهند! (43)

آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می‌کند می‌گویند: «این ابر متراکمی است!» (44)

حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند; (45)

روزی که نقشه‌های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند! (46)

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان); ولی بیشترشان نمی‌دانند! (47)

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که برمی‌خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی! (48)

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)! (49)

سوره النجم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند، (1)

که هرگز دوست شما (محمد «ص») منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، (2)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! (3)

آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! (4)

آن کس که قدرت عظیمی دارد (جبرئیل امین) او را تعلیم داده است; (5)

همان کس که توانایی فوق العاده دارد; او سلطه یافت... (6)

در حالی که در افق اعلی قرار داشت! (7)

سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد... (8)

تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود; (9)

در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی نمود. (10)

قلب (پاك او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. (11)

آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده مجادله می‌کنید؟! (12)

و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، (13)

نزد «سدرة المنتهی»، (14)

که «جنت الماوی» در آنجاست! (15)

در آن هنگام که چیزی (نور خیره‌کننده‌ای) سدرة المنتهی را پوشانده بود، (16)

دیده اش به جایی دیگر میل نکرد و از حد تجاوز نکرد (17)

او پاره‌ای از آیات و نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید! (18)

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزی»... (19)

و «منات» که سومین آنهاست (دختران خدا هستند)؟! (20)

آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که بزعم شما دختران کم ارزش‌ترند!) (21)

در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است! (22)

اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اید (نامهایی بی‌محتوا و اسمهایی بی مسما)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده; آنان فقط از گمانهای بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است! (23)

یا آنچه انسان تمنا دارد به آن می‌رسد؟! (24)

در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست! (25)

و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد! (26)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختر (خدا) نامگذاری می‌کنند! (27)

آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی‌پایه پیروی می‌کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند!(28)

حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن! (29)

این آخرین حد آگاهی آنهاست; پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند بهتر می‌شناسد، و (همچنین) هدایت‌یافتگان را از همه بهتر می‌شناسد! (30)

و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (31)

همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می‌کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می‌شوند); آمرزش پروردگار تو گسترده است; او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید; پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد! (32)

آیا دیدی آن کس را که (از اسلام -یا انفاق-) روی گردان شد؟! (33)

و کمی عطا کرد، و از بیشتر امساك نمود! (34)

آیا نزد او علم غیب است و می‌بیند (که دیگران می‌توانند گناهان او را بر دوش گیرند)؟! (35)

یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! (36)

و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، (37)

که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد، (38)

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، (39)

و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود، (40)

سپس به او جزای کافی داده خواهد شد! (41)

(و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می‌گردد؟! (42)

و اینکه اوست که خنداند و گریاند، (43)

و اوست که میراند و زنده کرد، (44)

و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید... (45)

از نطفه‌ای هنگامی که خارج می‌شود (و در رحم می‌ریزد)، (46)

و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)، (47)

و اینکه اوست که بی‌نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید، (48)

و اینکه اوست پروردگار ستاره «شعرا»! (49)

(و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین س‌ذلّه را هلاك كرد؟! (50)

و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد! (51)

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند! (52)

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید، (53)

سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید! (54)

(بگو:) در کدام یك از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟! (55)

این (پیامبر) بیم‌دهنده‌ای از بیم‌دهندگان پیشین است! (56)

آنچه باید نزدیك شود، نزدیك شده است (و قیامت فرامی‌رسد)، (57)

و هیچ کس جز خدا نمی‌تواند سختیهای آن را برطرف سازد! (58)

آیا از این سخن تعجب می‌کنید، (59)

و می‌خندید و نمی‌گریید، (60)

و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید؟! (61)

حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و او را بپرستید! (62)

سوره القمر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قیامت نزدیك شد و ماه از هم شکافت! (1)

و هرگاه نشانه و معجزه‌ای را ببینند روی گردانده، می‌گویند: «این سحری مستمر است»! (2)

آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند; و هر امری قرارگاهی دارد! (3)

به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (انبیا و امتهای پیشین) به آنان رسیده است! (4)

این آیات، حکمت بالغه الهی است; اما انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی‌دهد! (5)

بنابر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می‌کند (دعوت به حساب اعمال)! (6)

آنان در حالی که چشمهایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهای پراکنده از قبرها خارج می‌شوند، (7)

در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت کننده گردن می‌کشند; کافران می‌گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!» (8)

پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد. (9)

او به درگاه پروردگار عرضه داشت:«من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده‌ام، انتقام مرا از آنها بگیر!» (10)

در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی‌درپی گشودیم; (11)

و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم; و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)! (12)

و او را بر مرکبی از الواح و میخهایی ساخته شده سوار کردیم; (13)

مرکبی که زیر نظر ما حرکت می‌کرد! این کیفری بود برای کسانی که (به او) کافر شده بودند! (14)

ما این ماجرا را بعنوان نشانه‌ای در میان امتها باقی گذاردیم; آیا کسی هست که پند گیرد؟! (15)

(اکنون بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (16)

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم; آیا کسی هست که متذکر شود؟! (17)

قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند; پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (18)

ما تندباد وحشتناك و سردی را در یك روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم... (19)

که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه‌کن شده از جا برمی‌کند! (20)

پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (21)

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم; آیا کسی هست که متذکر شود! (22)

طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند، (23)

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! (24)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! (25)

ولی فردا می‌فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است! (26)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم; در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن! (27)

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یك روز سهم ناقه، و یك روز برای آنها) و هر یك در نوبت خود باید حاضر شوند! (28)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را)پی کرد! (29)

پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (30)

ما فقط یك صیحه (صاعقه عظیم) بر آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع‌آوری می‌کند! (31)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم; آیا کسی هست که متذکر شود؟! (32)

قوم لوط انذارها(ی پی‌درپی پیامبرشان) را تکذیب کردند; (33)

ما بر آنها تندبادی که ریگها را به حرکت درمی‌آورد فرستادیم (و همه را هلاك کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم! (34)

این نعمتی بود از ناحیه ما; این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می‌دهیم! (35)

او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی بر آنها اصرار بر مجادله و القای شك داشتند! (36)

آنها از لوط خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد; ولی ما چشمانشان را نابینا و محو کردیم (و گفتیم:) بچشید عذاب و انذارهای مرا! (37)

سرانجام صبحگاهان و در اول روز عذابی پایدار و ثابت به سراغشان آمد! (38)

(و گفتیم:) پس بچشید عذاب و انذارهای مرا! (39)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم; آیا کسی هست که متذکر شود؟! (40)

و (همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ آل فرعون آمد، (41)

اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن شخصی قدرتمند و توانا! (42)

آیا کفار شما بهتر از آنانند یا برای شما امان‌نامه‌ای در کتب آسمانی نازل شده است؟! (43)

یا می‌گویند: «ما جماعتی متحد و نیرومند و پیروزیم»؟! (44)

(ولی بدانند) که بزودی جمعشان شکست می‌خورد و پا به فرارمی‌گذارند! (45)

(علاوه بر این) رستاخیز موعد آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلختر است! (46)

مجرمان در گمراهی و شعله‌های آتشند، (47)

در آن روز که در آتش دوزخ به صورتشان کشیده می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود:) بچشید آتش دوزخ را! (48)

البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم! (49)

و فرمان ما یك امر بیش نیست، همچون یك چشم بر هم زدن! (50)

ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاك کردیم; آیا کسی هست که پند گیرد؟! (51)

و هر کاری را انجام دادند در نامه‌های اعمالشان ثبت است، (52)

و هر کار کوچك و بزرگی نوشته شده است. (53)

یقینا پرهیزگاران در باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، (54)

در جایگاه صدق نزد خداوند مالك مقتدر! (55)

سوره الرحمن

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

خداوند رحمان، (1)

قرآن را تعلیم فرمود، (2)

انسان را آفرید، (3)

و به او «بیان» را آموخت. (4)

خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند، (5)

و گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند! (6)

و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (7)

تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (8)

و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (9)

زمین را برای خلایق آفرید، (10)

که در آن میوه‌ها و نخلهای پرشکوفه است، (11)

و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگی است که بصورت کاه درمی‌آید، و گیاهان خوشبو! (12)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید (شما ای گروه جن و انس)؟! (13)

انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید، (14)

و جن را از شعله‌های مختلط و متحرك آتش خلق کرد! (15)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (16)

او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! (17)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (18)

دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند; (19)

در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند (و به هم نمی‌آمیزند)! (20)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (21)

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود. (22)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (23)

و برای اوست کشتیهای ساخته شده که در دریا به حرکت درمی‌آیند و همچون کوهی هستند! (24)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (25)

همه کسانی که روی آن (زمین) هستند فانی می‌شوند، (26)

و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند! (27)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (28)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند، و او هر روز در شان و کاری است! (29)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (30)

بزودی به حساب شما می‌پردازیم ای دو گروه انس و جن! (31)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (32)

ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)! (33)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (34)

شعله‌هایی از آتش بی‌دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود; و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید! (35)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (36)

در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می‌دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت)! (37)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (38)

در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش سؤال نمی‌شود (و همه چیز روشن است)! (39)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (40)

مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند; و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می‌گیرند (و به دوزخ می‌افکنند)! (41)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (42)

این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند! (43)

امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (44)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (45)

و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! (46)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (47)

(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها و درختان پرطراوت است! (48)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (49)

در آنها دو چشمه همیشه جاری است! (50)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (51)

در آن دو، از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد (هر یك از دیگری بهتر)! (52)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (53)

این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده‌اند با آسترهائی از دیبا و ابریشم، و میوه‌های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است! (54)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (55)

در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند; و هیچ انس و جن پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است. (56)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (57)

آنها همچون یاقوت و مرجانند! (58)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (59)

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (60)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (61)

و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی دیگر است. (62)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (63)

هر دو خرم و سرسبزند! (64)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (65)

در آنها دو چشمه جوشنده است! (66)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (67)

در آنها میوه‌های فراوان و درخت خرما و انار است! (68)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (69)

و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکو خلق و زیبایند! (70)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (71)

حوریانی که در خیمه‌های بهشتی مستورند! (72)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (73)

هیچ انس و جن پیش از ایشان با آنها تماس نگرفته (و دوشیزه‌اند)! (74)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (75)

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبزرنگ پوشانده شده است. (76)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (77)

پربرکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگوار تو! (78)

سوره الواقعه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (1)

هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند! (2)

(این واقعه) گروهی را پایین می‌آورد و گروهی را بالا می‌برد! (3)

در آن هنگام که زمین بشدت به لرزه درمی‌آید، (4)

و کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود، (5)

و بصورت غبار پراکنده درمی‌آید، (6)

و شما سه گروه خواهید بود! (7)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی! (8)

گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (9)

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (10)

آنها مقربانند! (11)

در باغهای پرنعمت بهشت (جای دارند)! (12)

گروه زیادی (از آنها) از امتهای نخستینند، (13)

و اندکی از امت آخرین! (14)

آنها (مقربان) بر تختهایی که صف‌کشیده و به هم پیوسته است قراردارند، (15)

در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند! (16)

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آنان می‌گردند، (17)

با قدحها و کوزه‌ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی (و شراب طهور)! (18)

اما شرابی که از آن درد سر نمی‌گیرند و نه مست می‌شوند! (19)

و میوه‌هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (20)

و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند! (21)

و همسرانی از حور العین دارند، (22)

همچون مروارید در صدف پنهان! (23)

اینها پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می‌دادند! (24)

در آن (باغهای بهشتی) نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند نه سخنان گناه آلود; (25)

تنها چیزی که می‌شنوند «سلام» است «سلام»! (26)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی! (27)

آنها در سایه درختان «سدر» بی‌خار قرار دارند، (28)

و در سایه درخت «طلح» پربرگ (درختی خوشرنگ و خوشبو)، (29)

و سایه کشیده و گسترده، (30)

و در کنار آبشارها، (31)

و میوه‌های فراوان، (32)

که هرگز قطع و ممنوع نمی‌شود، (33)

و همسرانی بلندمرتبه! (34)

ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (35)

و همه را دوشیزه قرار دادیم، (36)

زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند! (37)

اینها همه برای اصحاب یمین است، (38)

که گروهی از امتهای نخستینند،(39)

و گروهی از امتهای آخرین! (40)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می‌شود)! (41)

آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند، (42)

و در سایه دودهای متراکم و آتشزا! (43)

سایه‌ای که نه خنك است و نه آرامبخش! (44)

آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (45)

و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند، (46)

و می‌گفتند: «هنگامی که ما مردیم و خاك و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (47)

یا نیاکان نخستین ما (برانگیخته می‌شوند)؟!» (48)

بگو: «اولین و آخرین، (49)

همگی در موعد روز معینی گردآوری می‌شوند، (50)

سپس شما ای گمراهان تکذیب‌کننده! (51)

قطعا از درخت زقوم می‌خورید، (52)

و شکمها را از آن پر می‌کنید، (53)

و روی آن از آب سوزان می‌نوشید، (54)

و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش، از آن می‌آشامید! (55)

این است وسیله پذیرایی از آنها در قیامت! (56)

»ما شما را آفریدیم; پس چرا (آفرینش مجدد را) تصدیق نمی‌کنید؟! (57)

آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید آگاهید؟! (58)

آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می‌دهید یا ما آفریدگاریم؟! (59)

ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم; و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد! (60)

تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی‌دانید آفرینش تازه‌ای بخشیم! (61)

شما عالم نخستین را دانستید; چگونه متذکر نمی‌شوید (که جهانی بعد از آن است)؟! (62)

آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟! (63)

آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟! (64)

هرگاه بخواهیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید! (65)

(بگونه‌ای که بگویید:) براستی ما زیان کرده‌ایم، (66)

بلکه ما بکلی محرومیم! (67)

آیا به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟! (68)

آیا شما آن را از ابر نازل کرده‌اید یا ما نازل می‌کنیم؟! (69)

هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم; پس چرا شکر نمی‌کنید؟! (70)

آیا درباره آتشی که می‌افروزید فکر کرده‌اید؟! (71)

آیا شما درخت آن را آفریده‌اید یا ما آفریده‌ایم؟! (72)

ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان)و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده‌ایم! (73)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را پاك و منزه بشمار)! (74)

سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (75)

و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! (76)

که آن، قرآن کریمی است، (77)

که در کتاب محفوظی جای دارد، (78)

و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند (دست یابند). (79)

آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده; (80)

آیا این سخن را (این قرآن را با اوصافی که گفته شد) سست و کوچك می‌شمرید، (81)

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده آن را تکذیب می‌کنید؟! (82)

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (83)

و شما در این حال نظاره می‌کنید (و کاری از دستتان ساخته نیست); (84)

و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی‌بینید! (85)

اگر هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی‌شوید، (86)

پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می‌گویید! (87)

پس اگر او از مقربان باشد، (88)

در روح و ریحان و بهشت پرنعمت است! (89)

اما اگر از اصحاب یمین باشد، (90)

(به او گفته می‌شود:) سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند! (91)

اما اگر او از تکذیب‌کنندگان گمراه باشد، (92)

با آب جوشان دوزخ از او پذیرایی می‌شوید! (93)

و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است، (94)

این مطلب حق و یقین است! (95)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزه بشمار)! (96)

سوره الحدید

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند; و او عزیز و حکیم است. (1)

مالکیت (و حاکمیت) آسمانها و زمین از آن اوست; زنده می‌کند و می‌میراند; و او بر هر چیز توانا است! (2)

اول و آخر و پیدا و پنهان اوست; و او به هر چیز داناست. (3)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید; سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت); آنچه را در زمین فرو می‌رود می‌داند، و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان نازل می‌گردد و آنچه به آسمان بالا می‌رود; و هر جا باشید او با شما است، و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست! (4)

مالکیت آسمانها و زمین از آن اوست; و همه کارها به سوی او بازمی‌گردد. (5)

شب را در روز می‌کند و روز را در شب; و او به آنچه در دل سینه‌ها وجود دارد داناست. (6)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید; (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند! (7)

چرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر آماده ایمان‌آوردنید. (8)

او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش (محمد) نازل می‌کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور برد; و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است. (9)

چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی‌برد)! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند; آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند; و خداوند به هر دو وعده نیك داده; و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (10)

کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است! (11)

(این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان باایمان را می‌نگری که نورشان پیش‌رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می‌کند (و به آنها می‌گویند:) بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است; جاودانه درآن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است! (12)

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم!» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! (13)

آنها را صدا می‌زنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» می‌گویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شك و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد! (14)

پس امروز نه از شما فدیه‌ای پذیرفته می‌شود، و نه از کافران; و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستتان می‌باشد; و چه بد جایگاهی است! (15)

آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد; و بسیاری از آنها گنهکارند! (16)

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! (17)

مردان و زنان انفاق‌کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (این قرض الحسنه) برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش پرارزشی دارند! (18)

کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشانند; برای آنان است پاداش (اعمال)شان و نور (ایمان)شان; و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند. (19)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشك می‌شود بگونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی; سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی; و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست! (20)

به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده‌اند; آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می‌دهد; و خداوند صاحب فضل‌عظیم است! (21)

هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است; و این امر برای خدا آسان است! (22)

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید; و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد! (23)

همانها که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند; و هر کس (از این فرمان) روی‌گردان شود، (به خود زیان می‌رساند نه به خدا)، چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است! (24)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند; و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند; خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (25)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم; بعضی از آنها هدایت یافته‌اند و بسیاری از آنها گنهکارند. (26)

سپس در پی آنان‌رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رافت و رحمت قرار دادیم; و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم; گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند; از این‌رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم; و بسیاری از آنها فاسقند! (27)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد; و خداوند غفور و رحیم است. (28)

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می‌بخشد; و خداوند دارای فضل عظیم است! (29)

سوره المجادله

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می‌کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد); خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می‌شنید; و خداوند شنوا و بیناست. (1)

کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» می‌کنند (و می‌گویند: «انت علی کظهر امی تو نسبت به من بمنزله مادرم هستی»)، آنان هرگز مادرانشان نیستند; مادرانشان تنها کسانی‌اند که آنها را به دنیا آورده‌اند! آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند; و خداوند بخشنده و آمرزنده است! (2)

کسانی که همسران خود را «ظهار» می‌کنند، سپس از گفته خود بازمی‌گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده‌ای را آزاد کنند; این دستوری است که به آن اندرز داده می‌شوید; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (3)

و کسی که توانایی (آزاد کردن برده‌ای) نداشته باشد، دو ماه پیاپی قبل از آمیزش روزه بگیرد; و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند; این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید; اینها مرزهای الهی است; و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند! (4)

« کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند خوار و ذلیل شدند آن‌گونه که پیشینیان خوار و ذلیل شدند; ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکننده‌ای است... (5)

در آن روز که خداوند همه آنها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می‌سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند; و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است! (6)

آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند; هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند ششمین آنهاست، و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنهاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان آگاه می‌سازد، چرا که خداوند به هر چیزی داناست! (7)

آیا ندیدی کسانی را که از نجوا (سخنان درگوشی) نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند و برای انجام گناه و تعدی و نافرمانی رسول خدا به نجوا می‌پردازند و هنگامی که نزد تو می‌آیند تو را تحیتی (و خوشامدی) می‌گویند که خدا به تو نگفته است، و در دل می‌گویند: «چرا خ است، وارد آن می‌شوند، و چه بد فرجامی است! (8)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیك و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید بپرهیزید! (9)

نجوا تنها از سوی شیطان است; می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند; ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا; پس مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند! (10)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (و به تازه‌واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می‌بخشد; و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»،

برخیزید; اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (11)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه‌ای (در راه خدا) بدهید; این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است! (12)

آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می‌دهید با خبر است! (13)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می‌کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می‌دانند (دروغ نمی‌گویند)! (14)

خداوند عذاب شدیدی برای آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می‌دادند! (15)

آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و مردم را از راه خدا بازداشتند; از این‌رو برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است! (16)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی‌کند; آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند! (17)

(به خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همه آنها را برمی‌انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می‌کنند همان‌گونه که (امروز) برای شما یاد می‌کنند; و گمان می‌کنند کاری می‌توانند انجام دهند; بدانید آنها دروغگویانند! (18)

شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده; آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (19)

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند، آنها در زمره ذلیل‌ترین افرادند.! (20)

خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم; چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (21)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند; آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند; خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند; آنها «حزب الله س‌ذللّهاند; بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند. (22)

سوره الحشر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر!

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می‌گوید; و او عزیز و حکیم است! (1)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود; اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند; پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (2)

و اگر نه این بود که خداوند ترك وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد; و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است! (3)

این به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند; و هر کس با خدا دشمنی کند (باید بداند) که خدا مجازات شدیدی دارد! (4)

هر درخت باارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود; و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند! (5)

و آنچه را خدا از آنان (یهود) به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید،) نه اسبی تاختید و نه شتری; ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد; و خدا بر هر چیز توانا است! (6)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید; و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (7)

این اموال برای فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند; و آنها راستگویانند! (8)

و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند; کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند! (9)

(همچنین) کسانی که بعد از آنها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند و می‌گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» (10)

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می‌گفتند: «هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد; و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغگویانند! (11)

اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می‌کنند; سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند! (12)

وحشت از شما در دلهای آنها بیش از ترس از خداست; این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند! (13)

آنها هرگز با شما بصورت گروهی نمی‌جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! پیکارشان در میان خودشان شدید است، (اما در برابر شما ضعیف!) آنها را متحد می‌پنداری، در حالی که دلهایشان پراکنده است; این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند! (14)

کار این گروه از یهود همانند کسانی است که کمی قبل از آنان بودند، طعم تلخ کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی دردناك است! (15)

کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» اما هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (16)

سرانجام کارشان این شد که هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می‌مانند; و این است کیفر ستمکاران! (17)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید; و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده; و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (18)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند. (19)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند; اصحاب بهشت رستگار و پیروزند! (20)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدی که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید! (21)

او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است! (22)

و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالك اصلی اوست، از هر عیب منزه است، به کسی یتم نمی‌کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایسته عظمت است; خداوند منزه است از آنچه شریك برای او قرارمی‌دهند! (23)

او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورتگری (بی‌نظیر); برای او نامهای نیك است; آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند; و او عزیز و حکیم است! (24)

سوره الممتحنه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند; اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید; (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه داناترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (1)

اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (2)

هرگز بستگان و فرزندانتان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت; میان شما جدایی می‌افکند; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (3)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم; ما نسبت به شما کافریم; و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است; تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش آزر) گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالك چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)!- پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (4)

پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو عزیز و حکیمی!» (5)

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند; و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است! (6)

امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند; خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. (7)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند; چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. (8)

تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمك کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است! (9)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید -خداوند به ایمانشان آگاهتر است- هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفار بازنگردانید; نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برای آنها حلال; و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند به آنان بپردازید; و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد،) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید مطالبه کنید همان‌گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند) از شما مطالبه کنند; این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است! (10)

و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته‌اند، همانند مهری را که پرداخته‌اند بدهید; و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید! (11)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریك خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! (12)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید; آنان از آخرت مایوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مایوس می‌باشند! (13)

سوره الصف

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می‌گویند; و او شکست ناپذیر و حکیم است! (1)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! (2)

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! (3)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گوئی بنایی آهنین‌اند! (4)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت; و خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند! (5)

و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق‌کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده (تورات) می‌باشم، و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از

من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او (احمد) با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار»! (6)

چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می‌شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند! (7)

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند; ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! (8)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (9)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمائی کنم که شما را از عذاب دردناك رهایی می‌بخشد؟! (10)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید; این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید! (11)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می‌دهد; و این پیروزی عظیم است! (12)

و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیك است; و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)! (13)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خدائیم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند; ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تایید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند! (14)

سوره الجمعه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می‌گویند، خداوندی که مالك و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و عزیز و حکیم است! (1)

و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (2)

و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند; و او عزیز و حکیم است! (3)

این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد; و خداوند صاحب فضل عظیم است! (4)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می‌کند، (آن را بر دوش می‌کشد اما چیزی از آن نمی‌فهمد)! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند! (5)

بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!» (6)

ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند بخاطراعمالی که از پیش فرستاده‌اند; و خداوند ظالمان را بخوبی می‌شناسد! (7)

بگو: «این مرگی که از آن فرار می‌کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد; سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می‌شوید; آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد!» (8)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید! (9)

و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید! (10)

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند; بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است. (11)

سوره المنافقون

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: «ما شهادت می‌دهیم که یقینا تو رسول خدایی! س‌ذللّه خداوند می‌داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند). (1)

آنها سوگندهایشان را سپر ساخته‌اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می‌دهند! (2)

این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند; از این رو بر دلهای آنان مهر نهاده شده، و حقیقت را درك نمی‌کنند! (3)

هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد; و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی; اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می‌پندارند; آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟! (4)

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می‌دهند; و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند! (5)

برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد; زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند! (6)

آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند!» (غافل از اینکه) خزاین آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی‌فهمند! (7)

آنها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است; ولی منافقان نمی‌دانند! (8)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! (9)

از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: س‌خ‌للّهپروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (10)

خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجلش فرا رسد به تاخیر نمی‌اندازد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (11)

سوره التغابن

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند; مالکیت و حکومت از آن اوست و ستایش از آن او; و او بر همه چیز تواناست! (1)

او کسی است که شما را آفرید (و به شما آزادی و اختیار داد); گروهی از شما کافرید و گروهی مؤمن; و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست! (2)

آسمانها و زمین را بحق آفرید; و شما را (در عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر; و سرانجام (همه) بسوی اوست. (3)

آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند، و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید با خبر است; و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست آگاه است. (4)

آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند به شما نرسیده است؟! (آری) آنها طعم کیفر گناهان بزرگ خود را چشیدند; و عذاب دردناك برای آنهاست! (5)

این بخاطر آن است که رسولان آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می‌آمدند، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: «آیا بشرهایی (مثل ما) می‌خواهند ما را هدایت کنند؟!» از این رو کافر شدند و روی برگرداندند; و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود، و خدا غنی و شایسته ستایش است! (6)

کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: «آری به پروردگارم سوگند که همه شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، سپس آنچه را عمل می‌کردید به شما خبر داده می‌شود، و این برای خداوند آسان است!» (7)

حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید; و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (8)

این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع (روز رستاخیز) گردآوری می‌کند; آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)! و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد و او را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می‌کند، جاودانه در آن می مانند; و این پیروزی بزرگ است! (9)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است! (10)

هیچ مصیبتی رخ نمی‌دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند; و خدا به هر چیز داناست! (11)

اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را; و اگر روی‌گردان شوید، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه‌ای ندارد! (12)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند! (13)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید; و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد); چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! (14)

اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش شما هستند; و خداست که پاداش عظیم نزد اوست! (15)

پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است; و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند! (16)

اگر به خدا قرض‌الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد; و خداوند شکرکننده و بردبار است! (17)

او دانای پنهان و آشکار است; و او عزیز و حکیم است! (18)

سوره الطلاق

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، آنها را طلاق گویید (زمانی که از عادت ماهانه پاك شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند)، و حساب عده را نگه دارید; و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید; نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند; این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده; تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! (1)

و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید; و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید; و شهادت را برای خدا برپا دارید; این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، (2)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد; و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند; خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند; و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است! (3)

و از زنانتان، آنان که از عادت ماهانه مایوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شك کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده‌اند; و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند; و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد! (4)

این فرمان خداست که بر شما نازل کرده; و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد! (5)

آنها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید; و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترك منزل شوند); و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند; و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید; و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید; و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد. (6)

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند; خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند; خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می‌دهد! (7)

چه بسیار شهرها و آبادیها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم! (8)

آنها آثار سوء کار خود را چشیدند; و عاقبت کارشان خسران بود! (9)

خداوند عذاب سختی برای آنها فراهم ساخته; پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکر است بر شما نازل کرده; (10)

رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است! (11)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را; فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد! (12)

سوره التحریم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده بخاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است. (1)

خداوند راه گشودن سوگندهایتان را (در این گونه موارد) روشن ساخته; و خداوند مولای شماست و او دانا و حکیم است. (2)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود; هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: ; س‌خ‌للّهچه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت! س‌ذللّه (3)

اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته; و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (4)

امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت‌کننده ، زنانی غیرباکره و باکره! (5)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید; آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند! (6)

ای کسانی که کافر شده‌اید امروز عذرخواهی نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید! (7)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص; امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند; این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می‌گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی!» (8)

ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است! (9)

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!» (10)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» (11)

و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاك نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم; او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! (12)

سوره الملک

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

پربرکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (1)

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یك از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است. (2)

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید; در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟! (3)

بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (4)

ما آسمان پایین (نزدیك) را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها (شهابها) را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم! (5)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است، و بد فرجامی است! (6)

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می‌شنوند، و این در حالی است که پیوسته می‌جوشد! (7)

نزدیك است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود; هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می‌پرسند: «مگر بیم‌دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!» (8)

می‌گویند: «آری، بیم‌دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!» (9)

و می‌گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (10)

اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند; دور باشند دوزخیان از رحمت خدا! (11)

(اما) کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، مسلما آمرزش و پاداش بزرگی دارند! (12)

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی‌کند)، او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است! (13)

آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است! (14)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید; و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست! (15)

آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می‌دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟! (16)

یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می‌دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است! (17)

کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، اما (ببین) مجازات من چگونه بود! (18)

آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می‌کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی‌دارد، چرا که او به هر چیز بیناست! (19)

آیا این کسی که لشکر شماست می‌تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟ ولی کافران تنها گرفتار فریبند! (20)

یا آن کسی که شما را روزی می‌دهد، اگر روزیش را بازدارد (چه کسی می‌تواند نیاز شما را تامین کند)؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می‌ورزند! (21)

آیا کسی که به رو افتاده حرکت می‌کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست‌قامت در صراط مستقیم گام برمی‌دارد؟! (22)

بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد; اما کمتر سپاسگزاری می‌کنید!» (23)

بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید!» (24)

آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟!» (25)

بگو: «علم آن تنها نزد خداست; و من فقط بیم‌دهنده آشکاری هستم!» (26)

هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیك می‌بینند، صورت کافران زشت و سیاه می‌گردد، و به آنها گفته می‌شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید»! (27)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند هلاك کند، یا مورد ترحم قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناك پناه می‌دهد؟!» (28)

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم; و بزودی می‌دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!» (29)

بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!» (30)

سوره القلم

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ن، سوگند به قلم و آنچه مینویسند، (1)

که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، (2)

و برای تو پاداشی عظیم و همیشگی است! (3)

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری! (4)

و بزودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند، (5)

که کدام یك از شما مجنونند! (6)

پروردگارت بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت‌یافتگان را نیز بهتر می‌شناسد! (7)

حال که چنین است از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن! (8)

آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توام با انحراف از مسیر حق)! (9)

و از کسی که بسیار سوگند یاد می‌کند و پست است اطاعت مکن، (10)

کسی که بسیار عیبجوست و به سخن چینی آمد و شد می‌کند، (11)

و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است; (12)

علاوه بر اینها کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است! (13)

مبادا بخاطر اینکه صاحب مال و فرزندان فراوان است (از او پیروی کنی)! (14)

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: «اینها افسانه‌های خرافی پیشینیان است! س‌ذلّله (15)

(ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهیم! (16)

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند. (17)

و هیچ از آن استثنا نکنند; (18)

اما عذابی فراگیر (شب هنگام) بر (تمام) باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند، (19)

و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد! (20)

صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند، (21)

که بسوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه‌ها را دارید! (22)

آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می‌گفتند:» (23)

«مواظب باشید امروز حتی یك فقیر وارد بر شما نشود!» (24)

(آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند. (25)

هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقا» ما گمراهیم! (26)

(آری، همه چیز از دست ما رفته) بلکه ما محرومیم!» (27)

یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی‌گویید؟! (28)

گفتند: «منزه است پروردگار ما، مسلما ما ظالم بودیم!» (29)

سپس روبه یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (30)

(و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغیانگر بودیم! (31)

امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه‌مندیم!» (32)

این گونه است عذاب (خداوند در دنیا)، و عذاب آخرت از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند! (33)

مسلما برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشت است! (34)

آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟! (35)

شما را چه می‌شود؟! چگونه داوری می‌کنید؟! (36)

آیا کتابی دارید که از آن درس می‌خوانید... (37)

که آنچه را شما انتخاب می‌کنید از آن شماست؟! (38)

یا اینکه عهد و پیمان مؤکد و مستمری تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟! (39)

از آنها بپرس کدام یك از آنان چنین چیزی را تضمین می‌کند؟! (40)

یا اینکه معبودانی دارند که آنها را شریك خدا قرار داده‌اند (و برای آنان شفاعت می‌کنند)؟! اگر راست می‌گویند معبودان خود را بیاورند! (41)

(به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند، اما نمی‌توانند (سجود کنند). (42)

این در حالی است که چشمهایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلت و خواری وجودشان را فراگرفته; آنها پیش از این دعوت به سجود می‌شدند در حالی که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)! (43)

اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می‌کنند واگذار! ما آنان را از آنجا که نمی‌دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می‌بریم. (44)

و به آنها مهلت (بازگشت) می‌دهم; چرا که نقشه‌های من محکم و دقیق است! (45)

یا اینکه تو از آنها مزدی می‌طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است؟! (46)

یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می‌نویسند (و به یکدیگر می‌دهند)؟! (47)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترك اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (48)

و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می‌شد در حالی که نکوهیده بود! (49)

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد! (50)

نزدیك است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند با چشم‌زخم خود تو را از بین ببرند، و می‌گویند: «او دیوانه است!» (51)

در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست! (52)

سوره الحاقه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(روز رستاخیز) روزی است که مسلما واقع می‌شود! (1)

چه روز واقع شدنی! (2)

و تو چه می‌دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (3)

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (4)

اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاك شدند! (5)

و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند، (6)

(خداوند) این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدی که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاك شده‌اند! (7)

آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟! (8)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ شدند، (9)

و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند; و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (10)

و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (11)

تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشهای شنوا آن را دریابد و بفهمد. (12)

به محض اینکه یك بار در «صور» دمیده شود، (13)

و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند، (14)

در آن روز «واقعه عظیم» روی می‌دهد، (15)

و آسمان از هم می‌شکافد و سست می‌گردد و فرومی‌ریزد! (16)

فرشتگان در اطراف آسمان قرارمی‌گیرند (و برای انجام ماموریتها آماده می‌شوند); و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می‌کنند! (17)

در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می‌شوید و چیزی از کارهای شما پنهان نمی‌ماند! (18)

پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی و مباهات) فریاد می‌زند که: «(ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید! (19)

من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می‌رسم!» (20)

او در یك زندگی (کاملا) رضایتبخش قرار خواهد داشت، (21)

در بهشتی عالی، (22)

که میوه هایش در دسترس است! (23)

(و به آنان گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید! (24)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند. (25)

و نمی‌دانستم حساب من چیست! (26)

ای کاش مرگم فرا می‌رسید! (27)

مال و ثروتم هرگز مرا بی‌نیاز نکرد، (28)

قدرت من نیز از دست رفت!» (29)

او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید! (30)

سپس او را در دوزخ بیفکنید! (31)

بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید; (32)

چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد، (33)

و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌نمود; (34)

از این رو امروز هم در اینجا یار مهربانی ندارد، (35)

و نه طعامی، جز از چرك و خون! (36)

غذایی که جز خطاکاران آن را نمی‌خورند! (37)

سوگند به آنچه می‌بینید، (38)

و آنچه نمی‌بینید، (39)

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است، (40)

و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید! (41)

و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکر می‌شوید! (42)

کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است! (43)

اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، (44)

ما او را با قدرت می‌گرفتیم، (45)

سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم، (46)

و هیچ کس از شما نمی‌توانست از (مجازات) او مانع شود! (47)

و آن مسلما تذکری برای پرهیزگاران است! (48)

و ما می‌دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می‌کنید! (49)

و آن مایه حسرت کافران است! (50)

و آن یقین خالص است! (51)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! (52)

سوره المعارج

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! (1)

این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند، (2)

از سوی خداوند ذی المعارج (خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می‌کنند)! (3)

فرشتگان و روح (فرشته مقرب خداوند) بسوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (4)

پس صبر جمیل پیشه کن، (5)

زیرا آنها آن روز را دور می‌بینند، (6)

و ما آن را نزدیك می‌بینیم! (7)

همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می‌شود، (8)

و کوه‌ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود، (9)

و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی‌گیرد! (10)

آنها را نشانشان می‌دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشتن است)، چنان است که گنهکار دوست می‌دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند، (11)

و همسر و برادرش را، (12)

و قبیله‌اش را که همیشه از او حمایت می‌کرد، (13)

و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند; (14)

اما هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله‌های سوزان آتش است، (15)

دست و پاو پوست سر را می‌کند و می‌برد! (16)

و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می‌زند، (17)

و (همچنین آنها که) اموال را جمع و ذخیره کردند! (18)

به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، (19)

هنگامی که بدی به او رسد بیتابی می‌کند، (20)

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد)، (21)

مگر نمازگزاران، (22)

آنها که نمازها را پیوسته بجا می‌آورند، (23)

و آنها که در اموالشان حق معلومی است... (24)

برای تقاضاکننده و محروم، (25)

و آنها که به روز جزا ایمان دارند، (26)

و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (27)

چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست، (28)

و آنها که دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ می‌کنند، (29)

جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، چرا که در بهره‌گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود! (30)

و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است! (31)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند، (32)

و آنها که با ادای شهادتشان قیام می‌نمایند، (33)

و آنها که بر نماز مواظبت دارند، (34)

آنان در باغهای بهشتی (پذیرایی و) گرامی داشته می‌شوند. (35)

این کافران را چه می‌شود که با سرعت نزد تو می‌آیند... (36)

از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)! (37)

آیا هر یك از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت الهی وارد کنند؟! (38)

هرگز چنین نیست; ما آنها را از آنچه خودشان می‌دانند آفریده‌ایم! (39)

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم... (40)

که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند; و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد! (41)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فروروند و بازی کنند تا زمانی که روز موعود خود را ملاقات نمایند! (42)

همان روز که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند، گویی به سوی بتها می‌دوند... (43)

در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده‌ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می‌شد! (44)

سوره نوح

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناك به سراغشان آید!» (1)

گفت: «ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم، (2)

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید! (3)

اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می‌دهد; زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تاخیری نخواهد داشت اگر می‌دانستید!» (4)

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (بسوی تو) دعوت کردم، (5)

اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنان نیفزود! (6)

و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند! (7)

سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (8)

سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم! (9)

به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است... (10)

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، (11)

و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمك کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد! (12)

چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (13)

در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! (14)

آیا نمی‌دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است، (15)

و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟! (16)

و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، (17)

سپس شما را به همان زمین بازمی‌گرداند، و بار دیگر شما را خارج می‌سازد! (18)

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد... (19)

تا از راههای وسیع و دره‌های آن بگذرید (و به هر جا می‌خواهید بروید)!» (20)

نوح (بعد از نومیدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است! (21)

و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند... (22)

و گفتند: دست از خدایان و بتهای خود برندارید (به خصوص) بتهای «ود»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید! (23)

و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند! خداوندا، ظالمان را جز ضلالت میفزا!» (24)

(آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند! (25)

نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یك از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! (26)

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند! (27)

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان باایمان را بیامرز; و ظالمان را جز هلاکت میفزا!» (28)

سوره الجن

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فراداده‌اند، سپس گفته‌اند: «ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم... (1)

که به راه راست هدایت می‌کند، پس ما به آن ایمان آورده‌ایم و هرگز کسی را شریك پروردگارمان قرارنمی‌دهیم! (2)

و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است! (3)

و اینکه سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می‌گفت! (4)

و اینکه ما گمان می‌کردیم که انس و جن هرگز بر خدا دروغ نمی‌بندند! (5)

و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند! (6)

و اینکه آنها گمان کردند ـهمان‌گونه که شما گمان می‌کردیدـ که خداوند هرگز کسی را (به نبوت)مبعوث نمی‌کند! (7)

و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم! (8)

و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می‌نشستیم; اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد! (9)

و اینکه (با این اوضاع) ما نمی‌دانیم آیا اراده شری درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟! (10)

و اینکه در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند; و ما گروه‌های متفاوتی هستیم! (11)

و اینکه ما یقین داریم هرگز نمی‌توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی‌توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم! (12)

و اینکه ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم; و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می‌ترسد و نه از ظلم! (13)

و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند; هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است، (14)

و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند! (15)

و اینکه اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم! (16)

هدف این است که ما آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم; و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد! (17)

و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید! (18)

و اینکه هنگامی که بنده خدا (محمد (ص)) به عبادت برمی‌خاست و او را می‌خواند، گروهی پیرامون او بشدت ازدحام می‌کردند!» (19)

بگو: «من تنها پروردگارم را می‌خوانم و هیچ کس را شریك او قرار نمی‌دهم!» (20)

بگو: «من مالك زیان و هدایتی برای شما نیستم!» (21)

بگو: «(اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند و پناهگاهی جز او نمی‌یابم; (22)

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست; و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌مانند! (23)

(این کار شکنی کفار همچنان ادامه می‌یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند; آنگاه می‌دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است! (24)

بگو: «من نمی‌دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیك است یا پروردگارم زمانی برای آن قرارمی‌دهد؟! (25)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، (26)

مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد... (27)

تا بداند پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند; و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصار کرده است!» (28)

سوره المزمل

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای جامه به خود پیچیده! (1)

شب را، جز کمی، بپاخیز! (2)

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، (3)

یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقت و تامل بخوان; (4)

چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد! (5)

مسلما نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت‌تر است! (6)

و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت! (7)

و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند! (8)

همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن، (9)

و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین! (10)

و مرا با تکذیب‌کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (11)

که نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (12)

و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناك، (13)

در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درمی‌آید، و کوه‌ها (چنان درهم کوبیده می‌شود که) به شکل توده‌هایی از شن نرم درمی‌آید! (14)

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم! (15)

(ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم! (16)

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می‌دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می‌کند، (17)

و آسمان از هم شکافته می‌شود، و وعده او شدنی و حتمی است. (18)

این هشدار و تذکری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (19)

پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیك دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزند; خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند; او می‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را (به دقت) اندازه‌گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید; اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید او می‌داند بزودی گروهی از شما بیمار می‌شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می‌روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند (و از تلاوت قرآن بازمی‌مانند)، پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید (در راه او انفاق نمایید) و (بدانید) آنچه را از کارهای نیك برای خود از پیش می‌فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت; و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است! (20)

سوره المدثر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)! (1)

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده)، (2)

و پروردگارت را بزرگ بشمار، (3)

و لباست را پاك کن، (4)

و از پلیدی دوری کن، (5)

و منت مگذار و فزونی مطلب، (6)

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن! (7)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، (8)

آن روز، روز سختی است، (9)

و برای کافران آسان نیست! (10)

مرا با کسی که او را خود به تنهایی آفریده‌ام واگذار! (11)

همان کسی که برای او مال گسترده‌ای قرار دادم، (12)

و فرزندانی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند، (13)

و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم! (14)

باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم! (15)

هرگز چنین نخواهد شد; چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد! (16)

و بزودی او را مجبور می‌کنم که از قله زندگی بالا رود (سپس او را به زیر می‌افکنم)! (17)

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! (18)

مرگ بر او باد! چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد! (19)

باز هم مرگ بر او، چگونه مطلب (و نقشه شیطانی خود را) آماده نمود! (20)

سپس نگاهی افکند، (21)

بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد; (22)

سپس پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید، (23)

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (24)

این فقط سخن انسان است (نه گفتار خدا)!» (25)

(اما) بزودی او را وارد سقر (دوزخ) می‌کنم! (26)

و تو نمی‌دانی «سقر» چیست! (27)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌سازد! (28)

پوست تن را بکلی دگرگون می‌کند! (29)

نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند! (30)

ماموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب (یهود و نصاری) یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست! (31)

اینچنین نیست که آنها تصور می‌کنند سوگند به ماه، (32)

و به شب، هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند، (33)

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید، (34)

که آن (حوادث هولناك قیامت) از مسائل مهم است! (35)

هشدار و انذاری است برای همه انسانها، (36)

برای کسانی از شما که می‌خواهند پیش افتند یا عقب بمانند (بسوی هدایت و نیکی پیش روند یا نروند)! (37)

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، (38)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می‌دهند)! (39)

آنها در باغهای بهشتند، و سؤال می‌کنند... (40)

از مجرمان: (41)

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!» (42)

می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، (43)

و اطعام مستمند نمی‌کردیم، (44)

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، (45)

و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم، (46)

تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!» (47)

از این رو شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد. (48)

چرا آنها از تذکر روی گردانند؟! (49)

گویی گورخرانی رمیده‌اند، (50)

که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند! (51)

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه‌ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! (52)

چنین نیست که آنان می‌گویند، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند! (53)

چنین نیست که آنها می‌گویند، آن (قرآن) یك تذکر و یادآوری است! (54)

هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد; (55)

و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد; او اهل تقوا و اهل آمرزش است! (56)

سوره القیامه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به روز قیامت، (1)

و سوگند به (نفس لوامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است)! (2)

آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! (3)

آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم! (4)

(انسان شك در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (5)

(از این رو) می‌پرسد: «قیامت کی خواهد بود»! (6)

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش درآید، (7)

و ماه بی‌نور گردد، (8)

و خورشید و ماه یك جا جمع شوند، (9)

آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟!» (10)

هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (11)

آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است; (12)

و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می‌کنند! (13)

بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است، (14)

هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد! (15)

زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن (قرآن) حرکت مده، (16)

چرا که جمع‌کردن و خواندن آن بر عهده ماست! (17)

پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! (18)

سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! (19)

چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید); بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)! (20)

و آخرت را رها می‌کنید! (21)

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، (22)

و به پروردگارش می‌نگرد! (23)

و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است، (24)

زیرا می‌داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می‌شکند! (25)

چنین نیست (که انسان می‌پندارد! او ایمان نمی‌آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (26)

و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!» (27)

و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند، (28)

و ساق پاها (از سختی جان‌دادن) به هم بپیچد! (29)

(آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود! (30)

(در آن روز گفته می‌شود:) او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، (31)

بلکه تکذیب کرد و روی‌گردان شد، (32)

سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی‌داشت! (33)

(با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (34)

سپس عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (35)

آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟! (36)

آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! (37)

سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (38)

و از او دو زوج مرد و زن آفرید! (39)

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟! (40)

سوره الانسان

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! (1)

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم; (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! (2)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (3)

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم! (4)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (5)

از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند! (6)

آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند، (7)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (8)

(و می‌گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم! (9)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (10)

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شر آن روز نگه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند! (11)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد! (12)

این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا می‌بینند و نه سرما را! (13)

و در حالی است که سایه‌های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه‌هایش بسیار آسان است! (14)

و در گرداگرد آنها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می‌گردانند (پر از بهترین غذاها و نوشیدنی‌ها)، (15)

ظرفهای بلورینی از نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند! (16)

و در آنجا از جامهایی سیراب می‌شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است، (17)

از چشمه‌ای در بهشت که نامش سلسبیل است! (18)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند! (19)

و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و ملك عظیمی را می‌بینی! (20)

بر اندام آنها (بهشتیان) لباسهایی است از حریر نازك سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند! (21)

این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (22)

مسلما ما قرآن را بر تو نازل کردیم! (23)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا (و با استقامت) باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! (24)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور! (25)

و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! (26)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می‌کنند! (27)

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروه دیگری می‌دهیم! (28)

این یك تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (29)

و شما هیچ چیز را نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست! (30)

و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت (وسیع) خود وارد می‌کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است! (31)

سوره المرسلات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می‌شوند، (1)

و آنها که همچون تند باد حرکت می‌کنند، (2)

و سوگند به آنها که (ابرها را) می‌گسترانند، (3)

و آنها که جدا می‌کنند، (4)

و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می‌نمایند، (5)

برای اتمام حجت یا برای انذار، (6)

که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می‌شود، یقینا واقع‌شدنی است! (7)

در آن هنگام که ستارگان محو و تاریك شوند، (8)

و (کرات) آسمان از هم بشکافند، (9)

و در آن زمان که کوه‌ها از جا کنده شوند، (10)

و در آن هنگام که برای پیامبران (بمنظور ادای شهادت) تعیین وقت شود! (11)

(این امر) برای چه روزی به تاخیر افتاده؟ (12)

برای روز جدایی (حق از باطل)! (13)

تو چه می‌دانی روز جدایی چیست! (14)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (15)

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاك نکردیم؟! (16)

سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می‌فرستیم! (17)

(آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم! (18)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (19)

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم، (20)

سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم، (21)

تا مدتی معین؟! (22)

ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است)! (23)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (24)

آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم، (25)

هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟! (26)

و در آن کوه‌های استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم! (27)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (28)

(در آن روز به آنها گفته می‌شود:) بی‌درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می‌کردید بروید! (29)

بروید به سوی سایه سه شاخه (دودهای خفقان‌بار و آتش‌زا)! (30)

سایه‌ای که نه آرامبخش است و نه از شعله‌های آتش جلوگیری می‌کند! (31)

شراره‌هایی از خود پرتاب می‌کند مانند یك کاخ! (32)

گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زردرنگی هستند (که به هر سو پراکنده می‌شوند)! (33)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (34)

امروز روزی است که سخن نمی‌گویند (و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند)، (35)

و به آنها اجازه داده نمی‌شود که عذرخواهی کنند! (36)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (37)

(و به آنها گفته می‌شود:) امروز همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده‌ایم! (38)

اگر چاره‌ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید! (39)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (40)

(در آن روز) پرهیزگاران در سایه‌های (درختان بهشتی) و در میان چشمه‌ها قرار دارند، (41)

و میوه‌هایی از آنچه مایل باشند! (42)

بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید! (43)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (44)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (45)

(و به مجرمان بگو:) بخورید و بهره گیرید در این مدت کم (از زندگی دنیا، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید! (46)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (47)

و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی‌کنند! (48)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (49)

(و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی‌آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می‌آورند؟! (50)

سوره النباء

به نام خداوند بخشنده مهربان

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟! (1)

از خبر بزرگ و پراهمیت (رستاخیز)! (2)

همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند! (3)

چنین نیست که آنها فکر می‌کنند، و بزودی می‌فهمند! (4)

باز هم چنین نیست که آنها می‌پندارند، و بزودی می‌فهمند (که قیامت حق است)! (5)

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (6)

و کوه‌ها را میخهای زمین؟! (7)

و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (8)

و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم، (9)

و شب را پوششی (برای شما)، (10)

و روز را وسیله‌ای برای زندگی و معاش! (11)

و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم! (12)

و چراغی روشن و حرارت‌بخش آفریدیم! (13)

و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم، (14)

تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (15)

و باغهایی پردرخت! (16)

(آری) روز جدایی، میعاد همگان است! (17)

روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آیید! (18)

و آسمان گشوده می‌شود و بصورت درهای متعددی درمی‌آید! (19)

و کوه‌ها به حرکت درمی‌آید و بصورت سرابی می‌شود! (20)

مسلما (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ، (21)

و محل بازگشتی برای طغیانگران! (22)

مدتهای طولانی در آن می‌مانند! (23)

در آنجا نه چیز خنکی می‌چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (24)

جز آبی سوزان و مایعی از چرك و خون! (25)

این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)! (26)

چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (27)

و آیات ما را بکلی تکذیب کردند! (28)

و ما همه چیز را شمارش و ثبت کرده‌ایم! (29)

پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! (30)

مسلما برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است: (31)

باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، (32)

و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال، (33)

و جامهایی لبریز و پیاپی (از شراب طهور)! (34)

در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی! (35)

این کیفری است از سوی پروردگارت و عطیه‌ای است کافی! (36)

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پروردگار رحمان! و (در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند)! (37)

« روزی که «روح» و «ملائکه» در یك صف می‌ایستند و هیچ یك، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی‌گویند، و (آنگاه که می‌گویند) درست می‌گویند! (38)

آن روز حق است; هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (39)

و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم! این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده می‌بیند، و کافر می‌گوید: «ای کاش خاك بودم (و گرفتار عذاب نمی‌شدم)!» (40)

سوره النازعات

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به فرشتگانی که (جان مجرمان را بشدت از بدنهایشان) برمی‌کشند، (1)

و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند، (2)

و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می‌کنند، (3)

و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند، (4)

و آنها که امور را تدبیر می‌کنند! (5)

آن روز که زلزله‌های وحشتناك همه چیز را به لرزه درمی‌آورد، (6)

و بدنبال آن، حادثه دومین (صیحه عظیم محشر) رخ می‌دهد، (7)

دلهایی در آن روز سخت مضطرب است، (8)

و چشمهای آنان از شدت ترس فروافتاده است! (9)

(ولی امروز) می‌گویند: «آیا ما به زندگی مجدد بازمی‌گردیم؟! (10)

آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده‌ای شدیم (ممکن است زنده شویم)؟!» (11)

می‌گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!» (12)

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یك صیحه عظیم است! (13)

ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می‌گردند! (14)

آیا داستان موسی به تو رسیده است؟! (15)

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی» ندا داد (و گفت): (16)

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است! (17)

و به او بگو: «آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (18)

و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟!» (19)

سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد! (20)

اما او تکذیب و عصیان کرد! (21)

سپس پشت کرد و پیوسته (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (22)

و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود، (23)

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم!» (24)

از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت! (25)

در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد! (26)

آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل‌تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟! (27)

سقف آن را برافراشت و آن را منظم ساخت، (28)

و شبش را تاریك و روزش را آشکار نمود! (29)

و زمین را بعد از آن گسترش داد، (30)

و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، (31)

و کوه‌ها را ثابت و محکم نمود! (32)

همه اینها برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است! (33)

هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد، (34)

در آن روز انسان به یاد کوششهایش می‌افتد، (35)

و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد، (36)

اما آن کسی که طغیان کرده، (37)

و زندگی دنیا را مقدم داشته، (38)

مسلما دوزخ جایگاه اوست! (39)

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، (40)

قطعا بهشت جایگاه اوست! (41)

و از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟! (42)

تو را با یادآوری این سخن چه کار؟! (43)

نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! (44)

کار تو فقط بیم‌دادن کسانی است که از آن می‌ترسند! (45)

آنها در آن روز که قیام قیامت را می‌بینند چنین احساس می‌کنند که گویی توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است! (46)

سوره عبس

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

چهره در هم کشید و روی برتافت... (1)

از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود! (2)

تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند، (3)

یا متذکر گردد و این تذکر به حال او مفید باشد! (4)

اما آن کس که توانگر است، (5)

تو به او روی می‌آوری، (6)

در حالی که اگر او خود را پاك نسازد، چیزی بر تو نیست! (7)

اما کسی که به سراغ تو می‌آید و کوشش می‌کند، (8)

و از خدا ترسان است، (9)

تو از او غافل می‌شوی! (10)

هرگز چنین نیست که آنها می‌پندارند; این (قرآن) تذکر و یادآوری است، (11)

و هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد! (12)

در الواح پرارزشی ثبت است، (13)

الواحی والاقدر و پاکیزه، (14)

به دست سفیرانی است (15)

والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار! (16)

مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است! (17)

(خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟! (18)

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه‌گیری کرد و موزون ساخت، (19)

سپس راه را برای او آسان کرد، (20)

بعد او را میراند و در قبر پنهان نمود،(21)

سپس هرگاه بخواهد او را زنده می‌کند! (22)

چنین نیست که او می‌پندارد; او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است! (23)

انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! (24)

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، (25)

سپس زمین را از هم شکافتیم، (26)

و در آن دانه‌های فراوانی رویاندیم، (27)

و انگور و سبزی بسیار، (28)

و زیتون و نخل فراوان، (29)

و باغهای پردرخت، (30)

و میوه و چراگاه، (31)

تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان باشد! (32)

هنگامی که آن صدای مهیب (صیحه رستاخیز) بیاید، (کافران در اندوه عمیقی فرومی‌روند)! (33)

در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد، (34)

و از مادر و پدرش، (35)

و زن و فرزندانش; (36)

در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملا به خود مشغول می‌سازد! (37)

چهره‌هائی در آن روز گشاده و نورانی است، (38)

خندان و مسرور است; (39)

و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، (40)

و دود تاریکی آنها را پوشانده است، (41)

آنان همان کافران فاجرند! (42)

سوره التکویر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، (1)

و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند، (2)

و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت درآیند، (3)

و در آن هنگام که باارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، (4)

و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، (5)

و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند، (6)

و در آن هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد، (7)

و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: (8)

به کدامین گناه کشته شدند؟! (9)

و در آن هنگام که نامه‌های اعمال گشوده شود، (10)

و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود، (11)

و در آن هنگام که دوزخ شعله‌ور گردد، (12)

و در آن هنگام که بهشت نزدیك شود، (13)

(آری در آن هنگام) هر کس می‌داند چه چیزی را آماده کرده است! (14)

سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند، (15)

حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند، (16)

و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد، (17)

و به صبح، هنگامی که تنفس کند، (18)

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است (جبرئیل امین) (19)

که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد! (20)

در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است! (21)

و مصاحب شما (پیامبر) دیوانه نیست! (22)

او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است! (23)

و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد! (24)

این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست! (25)

پس به کجا می‌روید؟! (26)

این قرآن چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست، (27)

برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! (28)

و شما اراده نمی‌کنید مگر اینکه خداوند -پروردگار جهانیان- اراده کند و بخواهد! (29)

سوره الانفطار

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آن زمان که آسمان (کرات آسمانی) از هم شکافته شود، (1)

و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند، (2)

و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود، (3)

و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)، (4)

(در آن زمان) هر کس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است. (5)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! (6)

همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت، (7)

و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. (8)

(آری) آن گونه که شما می‌پندارید نیست; بلکه شما روز جزا را منکرید! (9)

و بی‌شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده... (10)

والا مقام و نویسنده (اعمال نیك و بد شما)، (11)

که می‌دانند شما چه می‌کنید! (12)

به یقین نیکان در نعمتی فراوانند. (13)

و بدکاران در دوزخند، (14)

روز جزا وارد آن می‌شوند و می‌سوزند، (15)

و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند! (16)

تو چه می‌دانی روز جزا چیست؟! (17)

باز چه می‌دانی روز جزا چیست؟! (18)

روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست! (19)

سوره المطففین

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

وای بر کم‌فروشان! (1)

آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را بطور کامل می‌گیرند; (2)

اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند! (3)

آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، (4)

در روزی بزرگ; (5)

روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. (6)

چنین نیست که آنها (درباره قیامت) می‌پندارند، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجین» است! (7)

تو چه می‌دانی «سجین» چیست؟ (8)

نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی! (9)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! (10)

همانها که روز جزا را انکار می‌کنند. (11)

تنها کسی آن را انکار می‌کند که متجاوز و گنهکار است! (12)

(همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: «این افسانه‌های پیشینیان است!; س‌ذللّه (13)

چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است! (14)

چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند! (15)

سپس آنها به یقین وارد دوزخ می‌شوند! (16)

بعد به آنها گفته می‌شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می‌کردید!» (17)

چنان نیست که آنها (درباره معاد) می‌پندارند، بلکه نامه اعمال نیکان در «علیین» است! (18)

و تو چه می‌دانی «علیین» چیست! (19)

نامه‌ای است رقم‌خورده و سرنوشتی است قطعی، (20)

که مقربان شاهد آنند! (21)

مسلما نیکان در انواع نعمت‌اند: (22)

بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می‌نگرند! (23)

در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی و می‌شناسی! (24)

آنها از شراب (طهور) زلال دست‌نخورده و سربسته‌ای سیراب می‌شوند! (25)

مهری که بر آن نهاده شده از مشك است; و در این نعمتهای بهشتی راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند! (26)

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، (27)

همان چشمه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند. (28)

بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند، (29)

و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند، (30)

و چون به سوی خانواده خود بازمی‌گشتند مسرور و خندان بودند، (31)

و هنگامی که آنها را می‌دیدند می‌گفتند: «اینها گمراهانند!» (32)

در حالی که هرگز مامور مراقبت و متکفل آنان (مؤمنان) نبودند! (33)

ولی امروز مؤمنان به کفار می‌خندند، (34)

در حالی که بر تختهای آراسته بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می‌نگرند! (35)

آیا (با این حال) کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟! (36)

سوره الانشقاق

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

در آن هنگام که آسمان (کرات آسمانی) شکافته شود، (1)

و تسلیم فرمان پروردگارش شود -و سزاوار است چنین باشد- (2)

و در آن هنگام که زمین گسترده شود، (3)

و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود، (4)

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد -و شایسته است که چنین باشد- (5)

ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد! (6)

پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، (7)

بزودی حساب آسانی برای او می‌شود، (8)

و خوشحال به اهل و خانواده‌اش بازمی‌گردد. (9)

و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، (10)

بزودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاك شدم! (11)

و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد. (12)

چرا که او در میان خانواده‌اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود! (13)

او گمان می‌کرد هرگز بازگشت نمی‌کند! (14)

آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)! (15)

سوگند به شفق، (16)

و سوگند به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند، (17)

و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می‌شود، (18)

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید (تا به کمال برسید). (19)

پس چرا آنان ایمان نمی‌آورند؟! (20)

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟! (21)

بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می‌کنند! (22)

و خداوند آنچه را در دل پنهان می‌دارند بخوبی می‌داند! (23)

پس آنها را به عذابی دردناك بشارت ده! (24)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، که برای آنان پاداشی است قطع‌نشدنی! (25)

سوره البروج

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است، (1)

و سوگند به آن روز موعود، (2)

و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! («شاهد»: پیامبر و گواهان اعمال، و «مشهود» : اعمال امت است) (3)

مرگ بر شکنجه‌گران صاحب گودال (آتش)، (4)

آتشی عظیم و شعله‌ور! (5)

هنگامی که در کنار آن نشسته بودند، (6)

و آنچه را با مؤمنان انجام می‌دادند (با خونسردی و قساوت) تماشا می‌کردند! (7)

آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند; (8)

همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است! (9)

کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است! (10)

و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است; و این نجات و پیروزی بزرگ است! (11)

گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت به یقین بسیار شدید است! (12)

اوست که آفرینش را آغاز می‌کند و بازمی‌گرداند، (13)

و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است، (14)

صاحب عرش و دارای مجد و عظمت است، (15)

و آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد! (16)

آیا داستان لشکرها به تو رسیده است، (17)

لشکریان فرعون و ثمود؟! (18)

ولی کافران پیوسته در تکذیب حقند، (19)

و خداوند به همه آنها احاطه دارد! (20)

(این آیات، سحر و دروغ نیست،) بلکه قرآن باعظمت است... (21)

که در لوح محفوظ جای دارد! (22)

سوره الطارق

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به آسمان و کوبنده شب! (1)

و تو نمی‌دانی کوبنده شب چیست! (2)

همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکیهاست! (3)

(به این آیت بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد! (4)

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! (5)

از یك آب جهنده آفریده شده است، (6)

آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود! (7)

مسلما او (خدائی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید) می‌تواند او را بازگرداند! (8)

در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار میشود، (9)

و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست! (10)

سوگند به آسمان پرباران، (11)

و سوگند به زمین پرشکاف (که گیاهان از آن سر برمی‌آورند)، (12)

که این (قرآن) سخنی است که حق را از باطل جدا می‌کند، (13)

و هرگز شوخی نیست! (14)

آنها پیوسته حیله می‌کنند، (15)

و من هم در برابر آنها چاره می‌کنم! (16)

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)! (17)

سوره الاعلی

به نام خداوند بخشنده مهربان

منزه شمار نام پروردگار بلندمرتبه‌ات را! (1)

همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، (2)

و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود، (3)

و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد، (4)

سپس آن را خشك و تیره قرار داد! (5)

ما بزودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (6)

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می‌داند! (7)

و ما تو را برای انجام هر کار خیر آماده می‌کنیم! (8)

پس تذکر ده اگر تذکر مفید باشد! (9)

و بزودی کسی که از خدا می‌ترسد متذکر می‌شود. (10)

اما بدبخت‌ترین افراد از آن دوری می‌گزیند، (11)

همان کسی که در آتش بزرگ وارد می‌شود، (12)

سپس در آن آتش نه می‌میرد و نه زنده می‌شود! (13)

به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. (14)

و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند! (15)

ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، (16)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! (17)

این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (18)

در کتب ابراهیم و موسی. (19)

سوره الغاشیه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا داستان غاشیه (روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می‌پوشاند) به تو رسیده است؟! (1)

چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت‌بارند، (2)

آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند (و نتیجه‌ای عایدشان نشده است)، (3)

و در آتش سوزان وارد می‌گردند; (4)

از چشمه‌ای بسیار داغ به آنان می‌نوشانند; (5)

غذائی جز از ضریع (خار خشك تلخ و بدبو) ندارند; (6)

غذایی که نه آنها را فربه می‌کند و نه از گرسنگی می‌رهاند! (7)

چهره‌هایی در آن روز شاداب و باطراوتند، (8)

و از سعی و تلاش خود خشنودند، (9)

در بهشتی عالی جای دارند، (10)

که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند! (11)

در آن چشمه‌ای جاری است، (12)

در آن تختهای زیبای بلندی است، (13)

و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (14)

و بالشها و پشتیهای صف‌داده شده، (15)

و فرشهای فاخر گسترده! (16)

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (17)

و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟! (18)

و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! (19)

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (20)

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای! (21)

تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (22)

مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (23)

که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می‌کند! (24)

به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (25)

و مسلما حسابشان (نیز) با ماست! (26)

سوره الفجر

به نام خداوند بخشنده مهربان

به سپیده دم سوگند، (1)

و به شبهای دهگانه، (2)

و به زوج و فرد، (3)

و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می‌کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است)! (4)

آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمی برای صاحبان خرد نیست؟! (5)

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (6)

و با آن شهر «ارم» باعظمت، (7)

همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (8)

و قوم «ثمود» که صخره‌های عظیم را از (کنار) دره می‌بریدند (و از آن خانه و کاخ می‌ساختند)! (9)

و فرعونی که قدرتمند و شکنجه‌گر بود، (10)

همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، (11)

و فساد فراوان در آنها به بار آوردند; (12)

به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت! (13)

به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! (14)

اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد (مغرور می‌شود و) می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!» (15)

و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مایوس می‌شود و) می‌گوید: سخللّهپروردگارم مرا خوار کرده است!» (16)

چنان نیست که شما می‌پندارید; شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید، (17)

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید، (18)

و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می‌خورید، (19)

و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می‌شوید)! (20)

چنان نیست که آنها می‌پندارند! در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود، (21)

و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند، (22)

و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند; (آری) در آن روز انسان متذکر می‌شود; اما این تذکر چه سودی برای او دارد؟! (23)

می‌گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!» (24)

در آن روز هیچ کس همانند او (خدا) عذاب نمی‌کند، (25)

و هیچ کس همچون او کسی را به بند نمی‌کشد! (26)

تو ای روح آرام‌یافته! (27)

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، (28)

پس در سلك بندگانم درآی، (29)

و در بهشتم وارد شو! (30)

سوره البلد

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قسم به این شهر مقدس (مکه)، (1)

شهری که تو در آن ساکنی، (2)

و قسم به پدر و فرزندش (ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح)، (3)

که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست)! (4)

آیا او گمان می‌کند که هیچ کس نمی‌تواند بر او دست یابد؟! (5)

می‌گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده‌ام!» (6)

آیا (انسان) گمان می‌کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟! (7)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم، (8)

و یك زبان و دو لب؟! (9)

و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم! (10)

ولی او از آن گردنه مهم نگذشت! (11)

و تو نمی‌دانی آن گردنه چیست! (12)

آزادکردن برده‌ای، (13)

یا غذا دادن در روز گرسنگی... (14)

یتیمی از خویشاوندان، (15)

یا مستمندی خاک‌نشین را، (16)

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند! (17)

آنها «اصحاب الیمین»اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند)! (18)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود). (19)

بر آنها آتشی است فروبسته (که راه فراری از آن نیست)! (20)

سوره الشمس

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

به خورشید و گسترش نور آن سوگند، (1)

و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، (2)

و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، (3)

و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، (4)

و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، (5)

و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (6)

و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، (7)

سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، (8)

که هر کس نفس خود را پاك و تزکیه کرده، رستگار شده; (9)

و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (10)

قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (11)

آنگاه که شقی‌ترین آنها بپاخاست، (12)

و فرستاده الهی (صالح) به آنان گفت: «ناقه خدا (همان شتری که معجزه الهی بود) را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!» (13)

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند); از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاك یکسان و صاف کرد! (14)

و او هرگز از فرجام این کار (مجازات ستمگران) بیم ندارد! (15)

سوره الیل

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به شب در آن هنگام که (جهان را) بپوشاند، (1)

و قسم به روز هنگامی که تجلی کند، (2)

و قسم به آن کس که جنس مذکر و مؤنث را آفرید، (3)

که سعی و تلاش شما مختلف است: (4)

اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، (5)

و جزای نیك (الهی) را تصدیق کند، (6)

ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم! (7)

اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی‌نیازی طلبد، (8)

و پاداش نیك (الهی) را انکار کند، (9)

بزودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم; (10)

و در آن هنگام که (در جهنم) سقوط می‌کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت! (11)

به یقین هدایت کردن بر ماست، (12)

و آخرت و دنیا از آن ماست، (13)

و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم، (14)

کسی جز بدبخت‌ترین مردم وارد آن نمی‌شود; (15)

همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! (16)

و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود، (17)

همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاك شود. (18)

و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، (19)

بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست; (20)

و بزودی راضی و خشنود می‌شود! (21)

سوره الضحی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، (1)

و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، (2)

که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است! (3)

و مسلما آخرت برای تو از دنیا بهتر است! (4)

و بزودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی! (5)

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (6)

و تو را گمشده یافت و هدایت کرد، (7)

و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود، (8)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (9)

و سؤال‌کننده را از خود مران، (10)

و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن! (11)

سوره الشرح

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (1)

و بار سنگین تو را از تو برنداشتیم؟! (2)

همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد! (3)

و آوازه تو را بلند ساختیم! (4)

به یقین با (هر) سختی آسانی است! (5)

(آری) مسلما با (هر) سختی آسانی است، (6)

پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز، (7)

و به سوی پروردگارت توجه کن! (8)

سوره التین

به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به انجیر و زیتون (یا: قسم به سرزمین شام و بیت المقدس)، (1)

و سوگند به «طور سینین»، (2)

و قسم به این شهر امن (مکه)، (3)

که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم، (4)

سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم، (5)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که برای آنها پاداشی تمام‌نشدنی است! (6)

پس چه چیز سبب می‌شود که بعد از این همه (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟! (7)

آیا خداوند بهترین حکم‌کنندگان نیست؟! (8)

سوره العلق

به نام خداوند بخشنده مهربان

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (1)

همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد! (2)

بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، (3)

همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (4)

و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد! (5)

چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند، (6)

از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند! (7)

و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است! (8)

به من خبر ده آیا کسی که نهی می‌کند، (9)

بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌خواند (آیا مستحق عذاب الهی نیست)؟! (10)

به من خبر ده اگر این بنده به راه هدایت باشد، (11)

یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟! (12)

به من خبر ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و به آن پشت نماید (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟! (13)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟! (14)

چنان نیست که او خیال می‌کند، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه‌اش (موی پیش سرش) را گرفته (و به سوی عذاب می‌کشانیم)، (15)

همان ناصیه دروغگوی خطاکار را! (16)

سپس هر که را می‌خواهد صدا بزند (تا یاریش کند)! (17)

ما هم بزودی ماموران دوزخ را صدا می‌زنیم (تا او را به دوزخ افکنند)! (18)

چنان نیست (که آن طغیانگر می‌پندارد); هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) تقرب جوی! (19)

سوره القدر

به نام خداوند بخشنده مهربان

ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم! (1)

و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! (2)

شب قدر بهتر از هزار ماه است! (3)

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند. (4)

شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده! (5)

سوره البینه

به نام خداوند بخشنده مهربان

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می‌گفتند:) دست از آیین خود برنمی‌دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید، (1)

پیامبری از سوی خدا (بیاید) که صحیفه‌های پاکی را (بر آنها) بخواند، (2)

و در آن نوشته‌های صحیح و پرارزشی باشد! (ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند، مانند اهل کتاب). (3)

اهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد! (4)

و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرك به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند; و این است آیین مستقیم و پایدار! (5)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند; آنها بدترین مخلوقاتند! (6)

(اما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا)ینند! (7)

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است; همیشه در آن می‌مانند! (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند; و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد! (8)

سوره الزلزله

به نام خداوند بخشنده مهربان

هنگامی که زمین شدیدا به لرزه درآید، (1)

و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! (2)

و انسان می‌گوید: «زمین را چه می‌شود (که این گونه می‌لرزد)؟!» (3)

در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند; (4)

چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! (5)

در آن روز مردم بصورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (6)

پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! (7)

و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند! (8)

سوره العادیات

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس‌زنان به پیش می‌رفتند، (1)

و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سمهایشان با سنگهای بیابان)، (2)

و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (3)

که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (4)

و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (5)

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است; (6)

و او خود (نیز) بر این معنی گواه است! (7)

و او علاقه شدید به مال دارد! (8)

آیا نمی‌داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می‌شوند، (9)

و آنچه در درون سینه‌هاست آشکار می‌گردد، (10)

در آن روز پروردگارشان از آنها کاملا باخبر است! (11)

سوره القارعه

به نام خداوند بخشنده مهربان

آن حادثه کوبنده، (1)

و چه حادثه کوبنده‌ای! (2)

و تو چه می‌دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!) (3)

روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده خواهند بود، (4)

و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی‌شده می‌گردد! (5)

اما کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، (6)

در یك زندگی خشنودکننده خواهد بود! (7)

و اما کسی که ترازوهایش سبك است، (8)

پناهگاهش «هاویه» (دوزخ) است! (9)

و تو چه می‌دانی «هاویه» چیست؟! (10)

آتشی است سوزان! (11)

سوره التکاثر

به نام خداوند بخشنده مهربان

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (1)

تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید)! (2)

چنین نیست که می‌پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست! (3)

باز چنان نیست که شما می‌پندارید; بزودی خواهید دانست! (4)

چنان نیست که شما خیال می‌کنید; اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی‌کرد)! (5)

قطعا شما جهنم را خواهید دید! (6)

سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین خواهید دید. (7)

سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد! (8)

سوره العصر

به نام خداوند بخشنده مهربان

به عصر سوگند، (1)

که انسانها همه در زیانند; (2)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند! (3)

سوره الهمزه

به نام خداوند بخشنده مهربان

وای بر هر عیبجوی مسخره‌کننده‌ای! (1)

همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و شماره کرده (بی‌آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)! (2)

او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد! (3)

چنین نیست که می‌پندارد; بزودی در «حطمه» (آتشی خردکننده) پرتاب می‌شود! (4)

و تو چه می‌دانی «حطمه» چیست؟! (5)

آتش برافروخته الهی است، (6)

آتشی که از دلها سرمی‌زند! (7)

این آتش بر آنها فروبسته شده، (8)

در ستونهای کشیده و طولانی! (9)

سوره الفیل

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران (لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند) چه کرد؟! (1)

آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! (2)

و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، (3)

که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرارمی‌دادند; (4)

سرانجام آنها را همچون کاه خورده‌شده (و متلاشی) قرار داد! (5)

سوره قریش

به نام خداوند بخشنده مهربان

(کیفر لشکر فیل‌سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)! (1)

الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)! (2)

پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، (3)

همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (4)

سوره الماعون

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند دیدی؟ (1)

او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند، (2)

و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند! (3)

پس وای بر نمازگزارانی که... (4)

در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند، (5)

همان کسانی که ریا می‌کنند، (6)

و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند! (7)

سوره الکوثر

به نام خداوند بخشنده مهربان

ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم! (1)

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (2)

(و بدان) دشمن تو قطعا بریده‌نسل و بی‌عقب است! (3)

سوره الکافرون

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: ای کافران! (1)

آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم! (2)

و نه شما آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید، (3)

و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده‌اید می‌پرستم، (4)

و نه شما آنچه را که من می‌پرستم پرستش می‌کنید; (5)

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (6)

سوره النصر

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد، (1)

و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند، (2)

پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است! (3)

سوره المسد

به نام خداوند بخشنده مهربان

بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)! (1)

هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید! (2)

و بزودی وارد آتشی شعله‌ور و پرلهیب می‌شود; (3)

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است، (4)

و در گردنش طنابی است از لیف خرما! (5)

سوره الاخلاص

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: خداوند، یکتا و یگانه است; (1)

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند; (2)

(هرگز) نزاد، و زاده نشد، (3)

و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است! (4)

سوره الفلق

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، (1)

از شر تمام آنچه آفریده است; (2)

و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود; (3)

و از شر آنها که با افسون در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند); (4)

و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد! (5)

سوره الناس

به نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم، (1)

به مالك و حاکم مردم، (2)

به (خدا و) معبود مردم، (3)

از شر وسوسه‌گر پنهانکار، (4)

که در درون سینه انسانها وسوسه می‌کند، (5)

خواه از جن باشد یا از انسان! (6)